

سوزِ دل

(دل سؤزلری)

گزیده اشعار، مقالات، سخنرانیها
و مصاحبه های دری و اوزبیکی

داکتر فیض الله ایماق

هرایش نی باشله گین الله نامیدن
تيله گینگ بؤلسه گر، الله دن تيله
بالاخص هر عمل سؤنگیدیر، فهمیم

مشخصات کتاب

نام کتاب: «سوز دل» (دل سؤز لری)

گزیده اشعار، مقالات، سخنرانیها و مصاحبه های دری و اوزبیکی

تألیف: داکتر فیض الله ایماق

ناشر و حامی: بنیاد غضنفر

سال چاپ: ۱۳۹۳ خورشیدی

محل چاپ: کابل - افغانستان

طراحی پشتی کتاب: داکتر اسد الله شعور

طراحی پشتی کتاب: داکتر اسد الله شعور

تیراژ: ۵۰۰ جلد

حق طبع و تکثیر محفوظ است



عایله - اعضالریمیز رؤلۍ، مدنیتیمیز رواجی یؤلیده عایله - اعضالریمیز، حیات بؤلله ب تُرک اؤزبیک مدنیتی رواجی یؤلیده، اؤز حصه لرینی قۇشیب کیلگن دیسک، مبالغه بؤلله یدی.

اولرنینگ اؤتمیشده گی وظیفه لری:

۱- افغانستان رادیوسی محلی پروگراملر چوکاتیده گی اؤزبیک دستوری، همده تاشکند رادیوسی افغانستان اوچون دری، وطنداش و آزادلیک رادیو لری نینگ سابق نطاقی- بی بی حاجی انابت جان ایماق.

۲- تاشکند رادیوسی افغانستان اوچون دری تیلیلده گی دستوری سابق نطاقی- یلدا جان ایماق.

۳- «دردانه لر» ویب سایتی رادیو سی نینگ اؤزبیک تیلیلده گی ایشیتتیریشلر دیکلمه توری بی بی حاجی ثریا جان ایماق.

۴- تورنتو شهریده باسیلیب چیقن «افغانستان اؤزبیکلری خلق قۇشیقلىرى» کتابی نینگ مادی تاماندن قۇلله ب - قوتله گن حامی سی حاجی محمد بابر جان ایماق.

۵ - «دُر دانه لر» ویب سایتی و سوزوان سی دی سی توزه تووچی سی و تورنتو ده چاپ بؤلگن «افغانستان اؤزبیکلری خلق قۇشیقلىرى» و «دل سؤزلری» کتابلری نینگ مهتمیمی و صحیفه لاووچیسى علیشیر جان ایماق.



داکتر ایماق در جوانی

فهرست مندرجات

صفحه

عنوان

تقریظ دانشمندان در باره این کتاب :

- ۱- داکتر روان فرهادی.....یک
- ۲- داکتر عنایت الله شهبانی.....هفت
- ۳- داکتر اسد الله شعور.....شانزده
- ۴- همایون باختربانی.....بیست و دو
- ۵- کریش سؤزی (مقدمه) ۱

بخش اشعار دری (دريچه شعرلر)

- ۶- نفع مردم.....
- ۷- آواز اندخوی.....
- ۸- رسم خوبان.....
- ۹- رشک خورشید
- ۱۰- یاد وصال
- ۱۱- پاس آشنایی
- ۱۲- آمد و رفت
- ۱۳- خنگه یی
- ۱۴- کشتی عشق

اهدأ کتاب:

(تاریق ایتیلدی)

مین «سوز دل» (دل سؤزلری) کتابینی، تورمیش اورتاغیم بی بی حاجی انابت جان ایماققه تاریق و هدیه ایتنه من.

انابت جان - نه فقط مینینگ سرداشیم، باله لریمیزگه جانکویر و مهربان آنه، بلکی او، بیلر بؤیله ب افغانستان، اؤزیبیکستان و آزادلیک رادیو لریده، همده کانادا ده، مدنی - کلتوری و ژورنالیستیک ساحه لرده، فعالیت آلیب باره یاتگن پیتلریده هم، باله تربیه سیگه، او ی - روزغارگه، چیندلدن قیزیقیب کیلگن انساندیر.

- ۳۲- نوروز بیره می مناسبتی بیلن گوالف شهزیده اوقیلگن بیانات.
 ۳۳- آنه گونی مناسبتی بیلن انابت ایماق نینگ تبریک سؤزی.
 ۳۴- خط اورخون و آثار مکتوبه دیگر در زبان ترکی.
 ۳۵- حاضرگی ترک اوزبیک تیلیگه اساس بولگن کتبی و یازمه اثرلر.
 ۳۶- مولانا جلال الدین محمد بلخی نینگ صورتی و سیرتی.
 ۳۷- بابا رحیم مشرب..
 ۳۸- امیر تیمور صاحبقران.
 ۳۹- «افغانستان اوزبیکلری خلق قوشیقلمی» کتابیگه مقدمه.
 ۴۰- (داکتر ایماق نینگ «خلق دردانه لری» ناملی کتابینی اوقیب)

خالداری ولقان نینگ یازگن تقریظی.

- ۴۱- ترکتبار افغان باشنده تورنتوی کانادا، برنده مدال طلا و الماس
 ۴۲- افغانستان اوزبیکلری لیریک قوشیقلمی.
 ۴۳- مادر.
 ۴۴- بی بی مفتوحه ایماق نینگ حیاتی و ایجادی.
 ۴۵- تخت بیلن، بخت «ایرتک» .
 ۴۶- گور اوغلی.
 ۴۷- یازی و زیبا محبتی حقیده حکایه.

بخش مصاحبه ها (مصاحبه لر)

- ۴۸- استاد قربت.

- ۱۵- پریشان کرده ای
 ۱۶- گلستان محبت
 ۱۷- ما و مکتب
 ۱۸- غنچه گل
 ۱۹- بیدار می بود، بد نبود
 ۲۰- آفت جان

بخش اشعار اوزبیک (اوزبیکچه شعرلر)

- ۲۱- هجران
 ۲۲- حیات خاطره لری
 ۲۳- بهار نینگ وقتی کیلدی
 ۲۴- کیلین سلام
 ۲۵- سینما
 ۲۶- جان ایله نه ی جان
 ۲۷- ماتم نامه

بخش مقالات و سخنرانیها (مقاله لر و بیانات)

- ۲۸- تقریظ داکتر روان فرهادی به کتاب «دردانه های خلق»
 ۲۹- ادب شفاهی زبانهای ترکی و کارکرد های داکتر شعور درزمینه
 ۳۰- خطابه در سمپوزیم ۵۵۰ مین سالگرد تولد نوایی در کابل.
 ۳۱- کانادا «فتا» سی آچیلیشی مناسبتی بیلن اوقیلگن بیانات.

تقریظ دانشمندان

در باره این کتاب

(اوشبو کتاب باره سیده دانشمندلر نظریه لری)

۴۹- حاجی ایرگش اوچقون .

۵۰ - یونس سرخابی .

۵۱ - عبد الله کارگر .

۵۲ - حافظ اکه .

۵۳ - ضیاً خواجه منصورى .

۵۴ - استاد نیرو مند .

۵۵ - غفار کمال .

۵۶ - مریضیکه قدرت راه رفتن نداشته ...

۵۷ - ایل فرزندی (مصاحبه ی ایماق با خیر نگار اوزبیکستان)

۵۸ - شناسایی با یک شخصیت مطبوعاتی وطن

۵۹ - داکتر ایماق نینگ بیوگرافی سی

با استفاده از این احوال، اینک مطلب خود را در باره زبان اوزبیک و ضرورت های فرهنگی مربوط آن می نویسم.

آنچه می‌خواهم بنویسم اولویت زیاد دارد و آن ضرورت تألیف یک کتاب کوچک دو زبانه در دو بخش می باشد، یعنی «فرهنگ اوزبیک - فارسی / دری» در یک جلد، با بخش فارسی / دری - اوزبیک. در بیخ آنکه چنین فرهنگ هنوز هم تألیف نشده است و باید از سالها باینسو تألیف میشد.

یک فرهنگ اوزبیک به اوزبیک اثر جناب نورالله آلتای اگرچه فارسی ندارد برای تألیف چنین فرهنگ بحیث منبع بدرد می خورد. باید یاد آور شد که حلیم یارقین و دکتور شفیه یارقین در این اواخر فرهنگ اوزبیک به دری را بچاپ رسانیدند که قابل قدر می باشد. در یک کشور هر قدر تعداد فرهنگها زیاد باشد، خوب است .

قرار اظهارات داکتر ایماق، وی چهل سال قبل از امروز، زمانیکه در پروگرامهای محلی رادیو افغانستان ایفای وظیفه میکرد، فرهنگ اصطلاحات اوزبیک را با ترجمه دری و پشتو آماده چاپ نموده، جهت نوشتن تقریظ به دکتور عارف عثمان اوف سپرده بود. این لغتنامه حاوی ۵۰۰۰ لغات و اصطلاحات اوزبیک بود. وقتی که ایماق لغتنامه را از او خواست، او بجوابش گفت که فرهنگ را برای نظر خواهی به آقای عبدالحکیم شرعی جوزجانی وزیر عدلیه و لوی حارنوالی وقت سپرده است. در آن وقت آقای شرعی در بازداشت به سر میبرد. بهر حال فرهنگ ایماق دوباره بدستش نیامد. جای افسوس اینکه ایماق نقل فرهنگ را نیز با خود نداشته است.

دکتور فیض الله ایماق، طی سالیان مدید، به زبان اوزبیک در رادیوهای افغانستان سخن گفته است و مقاله نوشته و همسر مهربان او انابت جان با او همراهی کرده است. بعداً در طول سالها در شهر تاشکند این کار را کرده است.

وی بخوبی میداند که موجودیت چنین فرهنگ یکی از ضرورتهای عمده فرهنگی و اجتماعی ملت افغانستان می باشد.

فوراً باید بگویم که هدف آن نیست فرهنگ دو زبانه چند جلدی در هزاران صفحه درین



تقریظ

سخنی چند در آغاز...

از

محترم دکتور عبدالغفور روان فرهادی

خدای مهربان را سپاسگزارم که به من زندگی نصیب فرمود تا درین سن ۸۲ سالگی به مناسبت تألیف و نشر «دل سوزلری» (سوز دل) بقلم دوست دیرینه ام دکتور فیض الله ایماق سخنی چند بنگارم.

پیش از همه سخنان، باید بگویم دوست دیرینه دیگرم دکتور عنایت الله شهرانی تقریظ و مقدمه ای شامل بسی نکات نگاشته است. همچنان نویسنده ارجمند داکتر اسد الله شعور و محترم همایون باختریانی نیز مطالب عمده را، بهمین سلسله نوشته اند.

این بنده خدا، در مقدمه ای برای «دردانه های خلق» در سال ۱۳۵۹ خورشیدی مطابق ۱۹۸۰ م، کوششهای دوست گرامی فیض الله ایماق را در نگارش این دردانه ها تقدیر کرده ام. آرزو مندم خوانندگان بآن مراجعه فرمایند. لازم نیست درینجا مقاله خود را تکرار کنم.

زمینه اکنون چاپ شود. تألیف آن کار یک کمیته علمی می باشد و چندین سال را در بر می گیرد. این کار باید فردا، بلکه پس فردا اجرا شود {در حال حاضر تألیف یک فرهنگ، در یک جلد با دو بخش، یکی اوزبیکی - فارسی/ دری و دیگر بخش فارسی/ دری - اوزبیکی، حتمی و لازم می باشد و اولیت مطلق دارد.} لیاقت این کار را دکتور فیض الله ایماق دارد. مسوولیت فرهنگی او نتیجه همین لیاقت اوست.

در حدود ده سال قبل دوست عزیزم محمد ایوب عرفانی، زمانیکه در نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد (نیویارک) با من همکاری بود، در اثر خواهش من این کار را آغاز کرد و تاحدی پیش برد. در آن زمان تعداد مامورین نماینده گی اندک و امکانات مالی بسیار ضیق بود، و آن عزیز گرامی وقت آنرا نیافت که کار را پیش ببرد (تاچه رسد که آنرا به انجام رساند).

در حال حاضر، آن اوراق که دوست گرامی من ایوب عرفانی نگاشته و جمع کرده است و نیز کتب منابع او، باید مورد استفاده دکتور فیض الله ایماق باشد.

مطلب من این نیست دکتور فیض الله ایماق کار فرهنگ دو زبانه را تا حاصل کردن اوراق کار دوست گرامی من ایوب عرفانی معطل کند و به تأخیر بیندازد. کار فرهنگ دو زبانه باید بدون معطلی آغاز شود.

سپس دکتور فیض الله ایماق با جناب ایوب عرفانی که غرق کار رسمی در وزارت خارجه در کابل است (و این حالت شاید سالها دوام کند) با تلیفون و مکاتبه داخل تماس شود و نقل اوراق را او کار کرده است، کتاب های منابع آنرا، بدست بیاورد و هرچه را لازم دانست از آن داخل فرهنگ کند و در مقدمه فرهنگ خدمت ارزنده او را تقدیر نماید.

محتویات فرهنگ باید شامل واژه هایی که در زندگی هر روز بکار می رود و نیز همه کلماتی که برای رساله ها (مطبوعات، رادیو، تیلویزیون) سودمند است، و در موارد لازم بعد از واژه و معنی آن جملات و ترکیبات مفید که در آن واژه استعمال شده باشد، اضافه شود.

در آغاز این فرهنگ باید یک مجمل دستور زبان (در حدود بیست صفحه) که شامل رهنمایی اشکال و حالات اسم، تعریف فعل و دیگر مواد لازم دستوری باشد، اضافه شود.

با نشر این فرهنگ مردم افغانستان که اوزبیکی را نمی دانند و یا اندک می دانند در می یابند که اوزبیکی زبان دشوار نیست و میتوان به آسانی به آن پی برد و به تکلم آن پرداخت.

هزاران پسر و دختر که در کابل و دیگر شهرها زندگی می کنند و پدر و مادر شان اوزبیکی زبان است، در اثر تأثیر محیط، در پی تحصیل زبان اوزبیکی نیستند. موجودیت چنین فرهنگ دو زبانه، ایشان را در این راه رهنمایی و تشویق میکند و شاید فردا بزبان اوزبیکی بخوانند و بنویسند و حتی تألیف و ترجمه کنند.

در باره فرهنگ مصرع شاعر را می آورم:

«چرخ فلک درنگ ندارد، شتاب کن!»

مراحل نخستین و مابعد چنین است:

۱- نخست: تألیف این فرهنگ دو زبانه در دو بخش، شاید چند صد صفحه.

۲- مرحله دوم: باید یک خود آموز شامل محاورات روزمره، بصورت دو زبانه.

(اوزبیکی - فارسی / دری) تألیف و چاپ شود. آن جملات محاوره که در چنین خود آموز درج می شود، باید به عبارتی باشد که در هر درس بصورت تدریجی و موازی دستور زبان اوزبیکی را نیز به شاگرد تلقین کند.

۳- مرحله سوم: تقدیم اشعار عامیانه اوزبیکی و نیز افسانه ها و داستانهها (بشمول گور اوغلی) و ضرب المثل ها و چیستان ها همه (و بعضی ازین مواد در «دردانه های خلق» آمده است. بصورت مجموعه یا رساله های دو زبانه.)



تقریظ

محترم داکتر عنایت الله شہرانی

یار آشنا از اقلیم اندخوی

داکتر فیض الله ایماق

بیش از پنجاه سال است که دانشمند گرامی و دوست نہایت عزیز و مہربان داکتر فیض الله ایماق را از نزدیک می شناسم.

ایماق کہ زادگاہش شہر اندخوی یا جاییکہ حضرت بابا ولی مرشد اعلی صاحبقرانی در آنجا خفتہ است می باشد. اندخوی از جملہ مناطق پُربار و برکت تورکستان زمین است .

ایماق گرامی را طوریکہ می شناسم از آوان خورد سالی و نوجوانی تا ایندم نامش ورد زبانہا، زیب و نقش دبستانہا، رنگ بخشندہ اخبارہا، مجلات، کتب و نشرات رادیو تلویزیون بودہ و بسان درخت با ثمر در ہر مرحلہ ای از حیاتش جلوہ های خوبی کردہ است. و چون کلمہ «ثمر» داخل این مقالہ شد با اتفاق نیک کہ ایماق عزیز مدتہا با تخلص «نہال» مقالات و مضامین خود را بنشر میرسانید.

۴ - مرحلہ چہارم : شعر کلاسیک است بشمول گزیدہ اشعار بزرگوار امیر علیشیر نوایی با متن اصلی کہ بہ ترکی شرقی است با ترجمہ فارسی بہ خوانندہ گان تقدیم شود .

یک موضوع دیگر، چاپ کردن مجدد ترجمہ ترکی شرقی قرآن کریم (البتہ یکجا با متن اصلی عربی) است کہ بیش از نیم قرن پیش یکی از علمای دین انجام دادہ است و بہ چاپ رسیدہ است . من این ترجمہ را ملاحظہ کردہ ام جناب محمد اکبر اندخویی، کہ در نیویارک تشریف دارد، از موضوع اطلاع دارد. این ترجمہ باید از طرف یک دو عالم دینی کہ بہ معنی کلام الله مجید بہ نیکویی پی می برند، (زبان مادری شان اوزبیکی یا ترکمنی باشد) بدقت ملاحظہ شود و با تعدیلات و ایزادات لازم، بہ ہمت مومنان ما، درافغانستان بچاپ برسد.

از خدای پاک برای داکتر فیض الله ایماق توفیق مزید و طول حیات می خواہم تا در خدمت وطن عزیز در زمینہ فرهنگ باشد .

داکتر روان فرہادی / شمال کلیفورنیا. فیبروری ۲۰۱۲

فیض الله جان در آوان صغارت، پدر محبوب خود را که در تربیه آینده او باید نقشهای اساسی را بازی میکرد از دست داد و تربیه او بدوش مادر داغدیده و قهرمان می افتد. مادریکه در طول حیات خود داغ بر بالای داغ زیسته، آن زن از آوان خورد سالی از دست ظلم ها و استعمار روس های اشغالگر از پدر و مادر جدا گردیده و در افغانستان هجرت نموده، مهاجر شدن خودش داغ دل و غم و اندوه است شوهر جوانمگش چهار پسر باوی به دنیا آورد، که دو طفل کوچکش بمرض مهلك چيچک جان باختند، هنوز داغهای ازدست دادن آنها از دلش نرفته بود که فرزند دیگری در کابل توسط سموم زغال جان باخت، و تنها او ماند و ایماق، آن زن آنقدر محروم از نعمات خداوندی گردید که اگر او را کسی میدید و صحبت میکرد ازوجناتش غم می بارید.

آن مادر تاتار زاده اصیل که طبیعت بوی طبع شعری داده و با لهجه تاتاری ابیات زیبا می سرود ایماق یا فرزند گرامی اش را به حدی در فراگیری علم و ادب تقویه و تحریر نمود که اینک آن طفل یتیم شده و کوچک به نام نویسنده شهیر، ژورنالیست نامدار، شاعر خوش قریحه، فولکلور نویس و عامیانه شناس با شهادت نامه دوکتورا در منطقه و اقصای دور شناخته شد.

در طبیعت هر انسان به صورت اختلافات فردی از نظر روانشناسی خصوصیات خود را دارد و صفات بعضی اشخاص به مانند ایماق زیاد است.

یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت

در بند آن مباحث که مضمون نمانده است

«صایب تبریزی»

اندخوی و نواحی اطراف آن چونکه از اقلیم بلخ نامی می باشند شخصیت های نامی دیگر را باخود داشته که از ذکر نام صد های آن میگذریم و معدودی را با احترام خاص نام می بریم:

استاد عبدالکریم بهمن، عزیز الله جان آرال، نورالله جان آلتای، مجید توران، محمد عالم لیب، محمد امین متین اندخویی، صالح محمد راسخ، محمد اشرف عظیمی، عبدالقیوم رحمانی، محمد اکبر اندخویی، داکتر امان جان عصمتی و روزهایی را بیاد دارم که در کنفرانس های ادبی و علمی دارالمعلمین کابل، فیض الله نهال ایماق و عبدالقیوم رحمانی در ردیف اول گوینده گان قرار

داشتند. طوریکه گفته آمد شخصیت ارجمند و عالی داکتر فیض الله ایماق را به درجه قدرت بشری خویش می شناسم و رشته تخصصی ام روانشناسی است، ایماق با وفا و مهربان به دوستان خود محبت زیاد داشته و با آنها صادق می باشد. در علم و ادب، نویسنده گی و کتاب خوانی، در میان دوستان شهرت داشت. وی از شیوه حیاتی بزرگان علم و ادب پیروی میکرد.

ما بسی اوقات با قاسم جان شعله، عمر جان حیدری، عبدالصیر بلوچ، خضرقل نصیحی و دوستان دیگر دید وادید ها داشتیم که ایماق این مجالس دور جوانی را تعقیب میکرد. سخن از عشق ها بحد افراط به میان می آمد، و آنقدر عشق های مجازی غلبه داشت که همه در آن حلقه قید و بندی داشتیم.

ایماق گرامی از خورد سالی قریحه عالی شعر سرایی داشت. دل پر عاطفه او در فن شعر، وی را در آغاز نو جوانی وادار به سرودن اشعار سلیس و زیبا میساخت اگر چه ایماق تورکی الاصل و به زبانهای (لهجات) مختلفه تورکی میداند و میگوید و مینویسد. مگر اکثر آثار و تالیفاتش به شمول اشعار محدود او به فارسی دری به مشاهده میرسد و طبعاً به زبان تورکی اوزبیک یادگار های زرین دارد و او شاعر و نویسنده ذواللسانین است.

ایماق با شمولیت در فاکولته ادبیات دانشگاه کابل از طریق مطبوعاتیان کابل جذب گردید. ایماق هم درس میخواند و هم در عالم مطبوعات جلوه گری میکرد، مقالات و مضامین می نوشت و آنها را در نشرات به زیور طبع آراسته میکرد، شعر های زیبا می سرود و مصاحبات انجام میداد که با این جلایش و درخشش در مطبوعات بیکباره اقبال شهرت مشروع در پی اش آمد و دولت نامه نگاری به دستش رسید.

چه ایامی پر سعادت بود که نصیب ایماق و من نگارنده شده بود، من کتاب و مقالات فولکلوری می نوشتیم و منجیت یک نقاش با استعداد در مطبوعات نام میکشیدم و ایماق نامه نگاری و فولکلور نویسی میکرد:

ما و مجنون هم سبق بودیم در دیوان عشق

او بصورت محو گشت و من به معنی سوختم

در آن آوان آنقدر صورتگری را در کنار تحصیلات و روانشناسی و تعلیم و تربیه به پیش بردم که شبها و روزها نقش های رنگ - رنگ خلق میکردم و هر پارچه تابلو هایم به قیمت های گزاف خریداری شده و به خارج برده می شدند. در آن ایام جوانی که از استعداد خدا داد در نقاشی و صورتگری بهره داشتم دوستان مشوق مرا به ارژنگ مانوی و جان بخشیدن بهزاد به صورت جمادی تشبیه میکردند.

ایماق و من نگارنده این سطور، در ایام جوانی اگر چه دور از زادگاهایمان حیات بسر می بردیم، ولی از نشاط و فرحت و غرور ایام شباب برخوردار بودیم. گاهی از زمانه کج روش، گاهی از زخم جگر و خون دل، گاهی از ناسازگاریهای مردم با مقامات حکومتی، از نواقص دوران و عقب مانده گی ها سخن میگفتیم. تبصره های ما بی غرضانه همه با صدق و صفا صورت می یافت که با قلوب بی آرایش فیصله ها میکردیم که فارغ از دغدغه ها و دغا بازی و عصبانیت هابه پایان میرسید.

آن هنگام اوقات تولدات احزاب راستی و چپی بود که شاهد همه آنها بودیم و تا این دم از آن حرکات در آغاز زیبا و در فرجام به شکل مرض جانکاه سرطان خلاصی نداریم .

از جانب دیگر از علم و عرفان، از تصوف، از شعر، تاریخ و لغت و ادب بحث ها انجام میدادیم که در آن ایام خون گرمی، تا نیمه های شب گفته هایمان دوام میکرد، نامه های بزرگان دانش، چون قاری عبدالله، استاد بیتاب، استاد حبیبی، سلجوقی، خلیلی و شعرای معاصر دیگر و از بزرگان گذشته ها نظامی گنجوی، خاقانی، حافظ، سعدی، مولانا، ناصر خسرو، امیر خسرو، جامی، رودکی، فردوسی، فرخی، عنصری، بیدل و غالب و اقبال و واقف و ده های دیگر یاد میکردیم و از الطاف الهی صدها بیت از سروده های آنها را در حافظه داشتیم.

یک تعداد مجالس ما در سراپچه مرحوم عبدالقدیر پور غنی صایب شناس بزرگ که من آنجا بسر می بردم با بزرگان چون محمد اعظم حفی، محمد عارف عارف، غلام محی الدین شبنم غزنوی، حضرت الدین طالب، عبدالحبیب حامی، محمد کریم مجاهد و دیگران صورت میگرفت ولی بابزرگان مطبوعات، چون جمشید شعله، مولوی خسته، عبدالاحد جاوید، مولوی قریت، عبدالرووف فکری سلجوقی، و ده ها عالم و دانشمند دیگر ارتباط های داشتیم. و داکتر ایماق با ابوالخیر خیری، نظر محمد نوا، داکتر روان فرهادی، کریم نزیهی، میرزا محمد یوسف اندخویی، غبار، مولانا قریت،

صدیق فرهنگ، قیام الدین راعی «برلاس» و یونس سرخابی نیز ارتباطات علمی داشت.

چون بحث ها و نظریات من در باره حیات و زندگینامه پر بار ایماق دوست مهربان و عزیز ماست لذا لازم بیاد آوری میدانم که بوقت سیمینار انکشاف زبان و ادبیات تورکی در شهر مزار شریف طی یک مسافرت و سفر های دیگر در سر زمین مرد خیز مزار شریف و نواحی آن با دو شخصیت فرشته صفات و وارسته ملاقات ها و صحبت ها انجام دادم، که در باره آنها به نام های فیاض مهر آیین و صالح محمد خلیق بارها در نشرات برون مرزی قبلاً آشنا شده بودم، این هر دو جدیداً دوره های نو جوانی را پشت سر گذاشته ، پای به میدان جوانی نهاده بودند، در قسمت وارستگی این دو شخصیت ممتاز افسوس کردم که ای کاش حضرت افصح المتکلمین سعدی هم عصر ما میبود که به جای زحمات زیاد و ابتکارات در نوشتن سلوک عالی و سمبول خیالی انسانی در کتاب «گلستان» اطوار و کردار انسانی این دو موجود بی آرایش و پاک طینت را به نام «گلستان ادب» مینوشت. تا مردم از روش انسانی و تفکرات و دانش و سلوک علمی و هنری هر دو واقف میشدند.

این دو جوان دانشمند مهر آیین و خلیق که سخت در پرده حیا قرار دارند دارای مغز های متفکر و مبتکری می باشند که در میدان های بزرگ ادبی حماسه آفرینی دارند ولی در مجالس خصوصی معصومیت و محجوبیت خاص شان از نگاه روانی هویدا میگردد.

مهر آیین و خلیق در ادبیات و سیاست روز آشنا و هر کدام در ادبیات زیبای فارسی دری آیتی بودند که مثال نداشتند. یکی از آن گوهران نایاب از تاجیک تباران تاجدار، دو دیگرش از شاهرخیان نامدار تاجیک شده که به فارسی تاجیکی سخن میگفتند و به معنی گفتار تورکی اوزبیکی پی می بردند.

این دو عزیز و ارجمند که دانشوران بلند پایه بودند، سمبول های اعلی بی تعصبی و دارای وسعت نظر به شمار می آمدند که بی گمان تاریخ وطن مان را با مناطق آسیای مرکزی که هزاران سال باینطرف دو قوم تورک و تاجیک ویا (تن و جان) که حیات مشترک داشتند، به خو بی میدانستند. از اختلافات حاضر و تعفن و گنده گی های آن نفرت داشتند و به رابطه تورک و تاجیک یا جسم و جان به مصداق بیت امیر خسرو بلخی دهلوی هم نظر بودند که میگوید:

باید گفت داکتر ایماق اولین کسی بود که از رسالهٔ دوکتورای خود در ادب شفاهی اوزبیکان افغانستان دفاع نمود.

داکتر ایماق نیز نخستین کسیست که به معرفی فولکلور اوزبیکان افغانستان همت گماشته و در این عرصه، تحصیلات اکادمیک دارد.

واقعاً داکتر ایماق بود که برای بار اول با چاپ مجموعهٔ ادب شفاهی اوزبیکان افغانستان تحت عنوان «خلق در دانه لری» با ترجمه دری آن در افغانستان و تحت همین نام بخط سرلیک در جمهوری اوزبیکستان مصدر خدمات شایسته و بایسته گردیده است.

جناب ایماق در کانادا نیز آرام نه نشسته، در سال ۲۰۱۰ کتاب علمی و تحقیقی پر ارزشی را تحت عنوان (افغانستان اوزبیکلری خلق قوشیقلمری) (سرود های شفاهی اوزبیکان افغانستان) در تورنتوی این کشور به چاپ رسانید.

نوشتهٔ بالا بدون تردید از روی احساسات دوستانه و برادرانه تحریر یافته، ولی از آنجاییکه باید در هر حالت حق گفته شود، سعی گردیده است آنچه را که در طول پنجاه و اند سال دیده ام بنویسم.

در آرزوی سعادت صحت و سلامتی دوست و برادر گرامی داکتر ایماق

داکتر عنایت الله شهرانی

من تو شدم تو من شدی، من تن شدم تو جان شدیتا کس نگوید بعد از این من دیگرم تو دیگری حقیقتاً وقتیکه انسان مقام اصلی بشریت را به دست میآورد و به مقام واقعی انسانی پا میگذارد و چون صاحب کمال میگردد احتیاجی به انجام کارهای نا بخردانه ندارد و تعصب داران به خاطر فقدان مقام انسانی شان به کارهای ناروای تعصب دست میزنند.

اکنون گرامیان استاد خلیق و استاد مهر آیین هر دو چون ستاره های پر فروغ در آسمان وطن مان میدرخشند و باعث افتخار من و مردم مان می باشند.

بر میگردیم در بارهٔ معلومات حیاتی داکتر گرامی فیض الله ایماق. ایماق کتابهای زیادی تالیف و گرد آوری نموده است که بعضی از آن کتب حتا چهار مرتبه به طبع رسیده اند.

در میان تالیفات آقای داکتر ایماق جای مجموعهٔ شعر دوران متعلمی اش خالی بود و اینک وی به خواهش دوستان و همدلانش یک تعداد اشعارش را که به دسترس آمده، جمع آوری نموده و به زیور طبع می آراید. همچنان گزیدهٔ از سخنرانی ها، مصاحبه ها و مقالات تحقیقی اش را که زیاد تر در بارهٔ ادب شفاهی مردم تورک اوزبیک می باشد تحت عنوان «دل سوزلمری» (سوز دل) به چاپ میرساند.

به قرار فرمودهٔ ایماق به دوران تحصیل دوره های مکتب ابتدایی، متوسطه و لیسه اشعار زیادی سروده بود و استعداد زیادی در شعر سرایی داشته و به مصداق قول شاعر که میفرماید:

چو استعداد نبود کار از اعجاز نکشاید

مسیحا کی تواند ساخت بینا چشم سوزن را

واقعاً با آنهمه صغر سن اشعار با آب و تاب سروده است که خود از دوام ندادن بعد از فراغت از دورهٔ لیسه رنج میبرد. زیرا او می توانست یک شاعر توانا و ورزیده در وطن قد علم کند، اما مصروفیت های جمع آوری ابیات و دوبیتی های عامیانه، سروده های عوام و دیگر جهات فولکلوری وی را اجازهٔ شعر سرایی نداد، که البته کار های جمع آوری ادبیات عامیانه که داریم من آنرا دُرَدانه های عوام میگوییم، ارزش والا دارد.

یکی از ارزنده ترین کارهای داکتر ایماق که اکنون فراموش خود شان نیز شده است، اثر ارزشمندی در باره ی زبان، ادب و فرهنگ اوزبیکان افغانستان بود که به عنوان پایاننامه ی تحصیلی دوره لیسانس شان پذیرفته شد. استاد ایماق در گردآوری مواد این رساله ی علمی زحمات زیادی را متقبل شده بودند؛ زیرا از نوشتن زنده گینامه ی سخنوران و هنرمندان اوزبیک در مرکز و ولایات گرفته تا سرود ها و ترانه های شفاهی مردم شمال افغانستان را در بر می گرفت. موادی که در آن رساله گرد آورده شده بود، در هیچ منبع دیگر شاید وجود نداشته باشد؛ به گونه ی مثال معلوماتی که درین رساله از هنرمندان بزرگی چون سعدالله آغای قندزی، ضیا خواجه منصوری، استاد غفار کمال و دیگران و معلومات آنها در باره ی موسیقی مقامی حوزه های هنری اندخوی و قندز نوشته شده بود، ارزشی منحصر به فرد داشتند و مانند اینها ده ها گونه مطالبی که نگارنده طی چهل سال گذشته در هیچ منبع دیگر ندیده است. ایکاش استاد این کتاب شان را که شاید نسخه ی تاییبی آن در بخش افغانستانشناسی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه کابل موجود خواهد بود، به چاپ برسانند تا نسل امروز که به اثر بدبختی های چهل ساله ی اخیر از گذشته های پرافتخار خویش بریده شده اند، به میراث های گرانبهای فرهنگی حوزه ی اندخوی آشنایی بیشتر حاصل کنند.

جناب داکتر ایماق پس از فراغت از تحصیل به کار در رادیو افغانستان وقت پرداخته، برنامه های متعدد رادیویی را تهیه می کردند. خوب به یاد دارم که در سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ شاگردان مکاتب که نگارنده خود نیز یکی از آنها بود؛ منتظر شام های سه شنبه می بودند که برنامه ی «ما و کشور ما» از رادیو پخش می شد. این برنامه را جناب استاد ایماق به چنان دقت همه جانبه گی می نوشتند که کمتر سخنی در مورد قرا و قصبات کشور ناگفته می ماند و شیوه ارائه برنامه نیز چنان متنوع بود که شنونده را فرصت نمی داد تا سلسله ی افکارش از محور مطالب برنامه به دور برود. استاد جغرافیای ما جناب عبدالرزاق خان معروف به بابو رزاق می فرمودند که اگر شاگردان به این برنامه به دقت گوش فرا دهند، ضرورتی به تکرار درس های ایشان باقی نخواهد ماند، و چنین نیز بود؛ زیرا مطالب برنامه ی ما و کشور ما جزئیات مناطق کشور را بیشتر از درس مکتب را القاء می نمود. مصاحبه با دانشمندان در مورد وجه تسمیه ی مناطق؛ معلومات منابع وزارت های زراعت، داخله، احصائیه ی مرکزی و مانند اینها در مورد وضعیت اقتصادی، زراعت و مالدار، پیداوار، نفوس، زبانها، مربوطات و امثال اینها تازه ترین مطالبی را ارائه می کرد که در کتب درسی اثری از آنها دیده نمی شد. آرزومندم که جناب استاد این برنامه ها را که در آرشیف برنامه های



تقریظ

محترم داکتر اسدالله شعور

جناب داکتر فیض الله ایماق از ژورنالیستان پرکار و پژوهشگران فعال عرصه های مختلف فرهنگ کشور عزیز ما هستند که در تداوم نیم قرن اخیر در هیچگونه شرایطی دست از کار نکشیده و دل از قلم و نوشتن نبریده اند.

در سال ۱۳۴۳ خورشیدی که نگارنده تازه پا به لیسه ی نو تشکیل نادره گذاشت؛ استاد مضمون دری وی جوانی بود که تازه از دارالمعلمین کابل فراغت یافته، روز های نخست تجربه ی معلمی خود را موفقانه می گذراند. این جوان خوش سیما و خوش پوش که اشعار کتاب درسی را به صورت دیکلمه تدریس می کرد و شعر لاله ی آزاد استاد محمد ابراهیم صفا را به صورت تمثیلی می خواند تا مضمون عالی و پر از مفاهیم استعاری آن را به شاگردانش حالی سازد؛ کسی به جز از داکتر فیض الله ایماق نه بود.

استاد از همان آوان با مطبوعات نیز همکاری نزدیک داشت. یکی دو سال پس که جناب ایشان به دیپارتمنت ژورنالیزم فاکولته ی ادبیات و علوم بشری دانشگاه کابل برای آموزش دوره ی تحصیلات عالی پذیرفته شدند؛ همزمان به حیث مهمتم ماهنامه ی اخبار عرفانی که ارگان خبری وزارت معارف کشور بود، به عنوان کارمند قراردادی استخدام گردیدند. طی چهار، پنج سالی که استاد در پهلوی تحصیلات دوره ی لیسانس عهده دار این وظیفه بودند، ده ها نوشته شان درین ماهنامه و سایر نشرات مرکز و ولایات کشور به نشر رسید که از مصاحبه و گزارش و خبر و مضامین فرهنگی گرفته تا شعر و زنده گینامه نگاری را در بر میگرفت.

رادیو به خط زیبای خود شان موجودست گردآورده، زمینه چاپ آن را فراهم سازند که نسل نو را سخت بدان نیازست. این برنامه هنوز در اوج موفقیت بود که در سال ۱۳۵۰ زنده یاد محمد ابراهیم عباسی وزیر اطلاعات و فرهنگ کشور در حکومت نور احمد اعتمادی به سعی این وزیر دانشمند اداره ی برنامه های رادیویی به زبان های محلی را اساس گذاشت و استاد ایماق که در زمینه ی کار فرهنگی به زبان مادری خود یعنی اوزبیکي تجربه یی اندوخته بود، مدیریت این اداره را به عهده گرفت و این رویداد بود که داکتر فیض الله ایماق را ساخت یعنی او را به سوی کار های اکادمیک در عرصه ی زبان و ادبیات اوزبیکي سوق داد. ثمره ی کارهای علمی این برهه ی زمانی استاد کتاب دردانه های خلق (خلق دُرَدانه لری) بود که در سال ۱۳۵۹ با ترجمه ی دری آن اقبال چاپ یافت و پژوهشی اکادمیک در محتوای این کتاب که رساله ی علمی دوره ی کارشناسی ارشد (دوکتورا) ی ایشان در اکادمی علوم جمهوری اوزبیکستان شوروی وقت بود؛ و پسانها نمونه های آثار مردمی این کتاب با تجدید نظربه خط کریلی یا سریلیک در تاشکند به نشر رسید و در سالهای اخیر به رسم الخط معمول کشور خودمان دو بار در شهر مزارشریف ولایت بلخ.

استاد افزون برین، مجموعه ی سوزوان های داستان یازی و زیبا را نیز به شیوه اکادمیک فراهم آورده در اوزبیکستان به چاپ رسانده، دیکلمه این دوبیتی های زنانه را در شکل سی دی نیز انتشار دادند.

جناب داکتر ایماق که بیشتر از یک دهه مدیریت برنامه های زبانهای محلی رادیو افغانستان را به عهده داشتند در ایام مهاجرت و تحصیل در تاشکند بیش از دو دهه مدیریت برنامه های دری رادیو بین المللی تاشکند؛ و مدت مدیدی وظیفه ی کاردار فرهنگی سفارت افغانستان در آن شهر نیز بر عهده ی با کفایت شان بود؛ و در پهلوی آن صدها مقاله در مورد افغانستان و زبان و ادبیات اوزبیکان آن به ویژه در ساحه ادبیات شفاهی نوشته اند که در نشریات اوزبیکستان و رادیوی بین المللی تاشکند به زبانهای دری و اوزبیکي به نشر رسیده است.

باید گفت استاد ایماق، در دوران اسپیرانتوری خود در دانشگاه اولوغبیک تاشکند، به حیث استاد زبان دری فاکولته ی شرق شناسی شهر تاشکند ایفای وظیفه نموده، همچنان بحیث محرر ماهنامه ی «آیدین» و ترجمان موسسه ی نشراتی «رادوگا» کار کرده، دو کتاب بزرگ داستان ماکسیم گورکی و واسیلی شکایف به نامهای «پادو» و «شربت توس» را از زبان اوزبیکي به دری

ترجمه کرده است.

کتاب حاضر که از یادداشت قابل دسترس استاد تهیه شده است؛ اثر تحقیقی و اکادمیک نیست؛ بلکه بیشتر تجارب اولیه ی ادبی ایشان در آن بازتاب یافته و برخی از نوشته ها و یادداشت های ژورنالیستیک و بیانیه های کوتاه شان در مجالس و محافل فرهنگی افغانها در غربتست. چون این نوشته ها در اغلب موارد حاوی مطالب معلوماتی می باشد، خواندن آنها برای عزیزانی که درین محیط زنده گانی ماشینی مجال مطالعه ی آثار مفصل را ندارند؛ خالی از مفاد و دلچسپی نخواهد بود. به ویژه نسل جوان که سر و کار بیشتری با زبان و ادبیات جوامع میزبان دارند؛ متون پژوهشی مفصل برای شان زیاد قابل فهم نیست ازینرو چنین ا شماره های مختصر به فرهنگ و تاریخ و ریشه های شان، دلچسپی آنان را بر می انگیزد تا چشم عنایتی به زبان ها و فرهنگ خویش نیز داشته باشند.

عمر استاد دراز و فراورده های قلمی و فکری شان افزونتر باد که بیشترین قسمت آن را صرف کار های فرهنگی کرده اند.

داکتر اسدالله شعور

تورنتو، ۲۱ دلو ۱۳۹۰ ش/۱۰ فیبروری ۱۰۱۲ م

گونه تعصبات دنیوی و برتری طلبی حیوانی مبرا اند و بنی آدم را به قول سعدی اعضای یکدیگر میپندارند. به محل مربوط نیستند و به قول مولانا نیمی ز ترکستان اند و نیمی هم از فرغانه؛ اما یک سینه سخن دارند.

داکتر فیض الله ایماق فرهنگی و هنر مند نیست دو زبانه؛ گراف نه گفته ایم اگر بگوییم که همین هنرمندان دوزبانه هستند که آسمان فرهنگ کشور ما را ستاره باران کرده اند و ما را افتخارات بزرگی آفریده اند در عالم به کارنامه های اوشان با سر بلند افتخار میکنیم البته نام هر کدام شان به خط زرین بر افق آل گونه ی و تاریخ و فرهنگ ما منقور است. نمیدانم از کدام زود تر نام ببرم از رابعة بلخی (ذین العرب) که فارس عرصه ادب

دری و تازی بود یا بو علی سینای بلخی و فارابی و مولوی از ملکه گوهر شاد که سبک نقاشی معروف خود را بمیان کشید و فرزندان هنرور به وطن تربیه کرد یا از علیشیرنویای شاعر دو زبانه که هنرمند چون بهزاد نقاش را تربیه کرد و صد ها هنر جو را به بالاکشید از بابر شاهنشاه سخنور که کابل را دیار فرشته گان نامید و مردم کابل را پدرگونه نوازش کرد یا از ابوالمعانی بیدل، از احمد شاه کبیر نام ببرم و یا از غلام محمد خان مصور و ... که همه هنرمندان دو زبانه بودند.

استاد فیض الله ایماق نیز از همین قوم و پیرو همین طایفه است که زمانی در لیسه نادریه به دانشجویان فارسی تدریس میکرد و زمانی هم در فاکولته شرق شناسی دولتی تاشکند اوزبیکستان سمت استادی زبان فارسی دری را داشت، مقالات زیادی به زبانهای فارسی و ترکی اوزبیکی نوشته اند و حتی بعضی از مقالات این شخصیت گرانمایه در دائرة المعارف آریانا نیز به چاپ رسیده است. بنده تنها نوشته های فارسی شانرا خوانده ام ایکاش لغتنامه که اوشان در زبان اوزبیکی- فارسی، پشتو نوشته بودند مفقود نمیشد، تا از نوشته های اوزبیکی شان نیز فیض میبردم. خداوند به استاد توفیق مزید عنایت نماید تا این راه بی پایان را برود.

دلا عشق راهیست دور و دراز دران بار غم سالکان رابدوش

اگر عاشقی دل به محنت بنه و گر نه درین دیگ خود را مجوش

همایون «باختریانی»



تقریظ

محترم همایون باختریانی

بزرگان و دانشمندان چون داکتر روان فرهادی، داکتر عنایت الله شهرانی و داکتر اسدالله شعور در شرح احوال و آثار داکتر فیض الله ایماق دُر های سفتند و سخنهای گفته اند نمیخواهم آنهمه را تکرار کنم و دامن سخن را دراز آهنگ سازم؛ ازمدخل دیگری سخن خواهم گفت.

داکتر فیض الله ایماق که زمانی هم نهال تخلص میکردند در باغ بی برگی زاده شد و در بوستان بی ریایی نمو کرد. شرنگ تلخ جدایی را یکی پی دیگری مزید، پدر مهربان و برادرانش ویرا درین کوره راه هستی تنها گذاشتند و خود عازم محیط دیگری شدند یعنی به دیار ابدیت شتافتند؛ هرکدام سوزی بر سوزی دیگر در دل داغیده ی او افزودند. همین سوز های دل، او را در عالم فقر غنی ساخت و از چشمه سار ایمان سیرابش کردند. او از فرهنگ غذا خورد و از شعر باده نوشید. بلی، او از زمان صباوت غوطه ور دریای تخیل شده و زمانیکه متعلم صنف چهارم مکتب ابتدائیه ای قورغان اندخوی ولایت فاریاب بود شعرگفت و خوب هم گفت؛ همچنان عشق کنجکاوی و تحقیق فولکلور که در نهاد وی سرشته شده بود، این عطش به ادراک حقایق اختیاری نبود بلکه فطری و جیلی بود. کتاب «سوز دل» بازتابگر همان سوز های است که دردل او ماوا گزیده اند.

از آنجاییکه شعر ریشه در معنویت دارد، هیچ بعد مادی را نمیشناسد هنریست کامل. شعرای واقعی از آرایش مادی جهانی بر کنار و به عالم بالا و معراج اندیشه ها می اندیشند از هر

مېنينگ بونده ی جزمینى، مهربان استاذیم داکتر روان فرهادی جنابلى، ایلیک ییل لیک صمیمی دوستیم، قدردان برادریم پروفیسر داکتر عنایت الله شهرانى و اوزبیکستانلیک قدردان استاذیم پروفیسر رحمن خواجه انعام خواجه یف، دانشمند شاگردیم داکتر اسد الله شعور و مهربان دوستیم همایون باختریانیلر ایجابی بهاله ب، شعرى تۆپلم ییلن بیرگه لیکده، اگر اعلان قیلینگن بعضی بیر تدقیقی مقاله لریم، خطابه لریم، مصاحبه لریم نی قوشیمچه قیلیب نشر ایتتیرسم، مقصدگه موافق بولور ایدی،- دیب تاکیدله دیلر.

مین بو دانشمند لر نینگ عالیجناب فکر- ملاحظه لرینی انابتگه آلیب، شعرى نمونه لریم ییلن بیرقارده، افغانستان اوزبیکلری خلق آغزه کی ایجادی باره سیده یازگن تدقیقی مقاله لریم همده بعضی بیر خطابه لر و مصاحبه لریمنی هم قۇلینگیزده گی تۆپلمگه کیریتدیم .

شونینگ دیک، بو مجموعه گه ۱۳۵۹- نچی ییلی « خلق دردانه لری » مجموعه سیگه یازگن داکتر روان فرهادی جنابلى نینگ تقریظی نی، همده انه زاریم مفتوحه ایماق نینگ ترجمه حالی و فولکلور اسلوبیده ایجاد ایتگن بیتیکلری نی، اوزبیکستانلیک تنیقلى ژورنالیست و شاعر خالدار ولقان جنابلى قلمیگه منسوب تاشکینت ده کریل خطیده چاپ بولگن مجموعه گه یازگن تقریظینی هم کیریتدیم .

مصاحبه لرگه کیله دیگن بولسک، بو تۆپلمگه، نیچه ییل لر آلدین بو جهاننی ترک ایتگن شاعر لر، یازوچیلر و خلق خواننده لری ییلن قیلگن مصاحبه لریم هم جایلشتیریلگن.

مین اؤیله یمنکی بو تۆپلم، نیچه ییل برون عالمدن کۆز یومگن خواننده لریمیز، شاعر و یازوچیلریمیز، استادلریمیز نینگ یقین قرینداش- اوزیغلى، هنردوست و صنعت سیور انسانلر قۇلیگه ییتیب بارگه نیده اولرنی ینه بیر بار ایسلب خورسند بۆله دیلر دیب، امید قیله من .

بو تۆپلمدن جای آلگن مېنینگ کمترین منظومه لریم، مقاله لریم، خطابه لر و مصاحبه لریم بعضی بیر خطا و کمچیلیکلردن خالی بولمسلیگی ممکن، چونکی «ایش بار جایده خطا بار»، دیگن دانا خلقیمیز. خطالریم اوچون محترم کتابخوانلردن کیچیریم سؤره ب، بو کتابنی اغماض کۆزی ییلن کۆریش لرینی التماس قیلر ایدیم.

گریش سۆزی

(مقدمه)

عزیز و حرمتلی کتاب خوانلر!

مین یاشلیگیمدناق، شعر نی جان و دلیم ییلن سیور ایدیم. بعضاً اؤتمیشده گی اولوغ شاعرلریمیز شعرلرینی اؤقیگه نیمده «مین هم شونده ی عالیجناب شعر ایجاد ایترمیکین من»- دیب آرزو- هوس قیلر ایدیم. خلقیمیزده «آرزوگه عیب یوق» دیگن گپ بار. مینی هم یاشلیگیمدن منه شو آرزو- هوس، شعریت بوستانیکه ییتکله گن ایدی شعر نی، چؤغ آتسگه اؤخشه تیشه دی. مین به جان و دل بو اوگیتنی قۇلله ب- قۇتله یمن . کمینه تور تینچی صنف دن شعر ایتیشگه باشله گن من. اؤرته مکتب و لیسسه ده اؤقیب یورگن ییتلریمده ایجاد ایتگن شعرلریم سانى انچه گه ییتیب قالدی.

بو دورلرده یازگن شعرلریمنی مرحوم استاد قریت، استاد متین اندخویی، مولانا استاد محمد اسحاق «انور»، عبدالقیوم رحمانی، حاجی اشرف عظیمی جنابلى توغریله ب بیرر ایدیلر. کیزی کیلگنده، استادلر نینگ بیغرضانه رهنمالیکلریدن اؤز منتدار چیلیگیمنی اظهار ایتنه من.

شونی قید ایتیب اؤتیشیم کیره کی، مېنینگ شعرلریم بیرین- کیتین ولایتلر جریده لریده باسیلیب چیقعه باشله دی. لیکن افسوس که فاکولته دوریده شعر یازیش ذوقیم اؤز گریب، آهسته - سیکین شعر یازیشدن اؤزاقله شیب کیتدیم. فاکولته میز ژورنالیزم بؤلگه نی باعث، بو دورده شعر یازیش اؤرنیکه مقاله یازیش، تدقیقی ایشلر ییلن شغله نیب قالدیم. کؤپراق مینی فولکلور و آغزه کی ادبیات اؤزیگه جلب ایتدی.

کینگی وقتلرده بعضی بیر دؤستلریم یانیمده گی موجود شعرلریم یوقالیب کیتمسلیگی اوچون اولرنی بیر شعرى تۆپلم صفتیده چاپ ایتتیریشیمنی مصلحت بیردیلر. شو باعث، گرچه کؤپگینه شعرلریم مهاجرت لر سببلی یوقالیب کیتگن بولسه ده، قۇلیمده بار شعرلریمنی چاپ ایتتیریشگه جزم قیلدیم .

آخردە، اۇز قىمتلى وقتلىرىنى ايه مسدن «دل سۇز لرى» دىب اتلگن بو كتابگە تقريظ يازگن لرى اوچون داکتر روان فرهادى، داکتر عنايت الله شېھرانى، داکتر اسد الله شعور و همایون باختريانى جنابلريگە اۇز منتدار چيلیگىمنى اظهار ايتيشگە رخصت سۇره يمن .

اعتبارينگيز اوچون كۇبدن - كۇپ تشكر.

فيض الله ايماق

اشعار درى
(دریچه شعر لری)

آواز اندخوی

توانی گر کشیدن ناز اندخوی	بیا بشنو زمن آواز اندخوی
چو دشت لیلی و آباز اندخوی	به وادیهای هموارش گذر کن
زنان و دختر طناز اندخوی	به کلک پر هنر قالین بسازند
بمهمان است پای انداز اندخوی	اگر بررسی ز انواع قره قل
بُود وافر به «قیش و یاز» اندخوی	همی خربوزه و انگور و انجیر
همان بابای صاحب راز اندخوی	بنازم مرقد بابا ولی را
نهیب اسپ چاپاند از اندخوی	میان بزکشان بس شهره منداست
متینش جلوه کرد از ساز اندخوی	چو قربت اوستاد شعر دارد
بین بر شهر شاعر ساز اندخوی	بسان عالیه پرورده شاعر
ز امواج هوا، اعجاز اندخوی	«نهال» آرزوی ما رساند

۱- به زبان اوزبیکي زمستان و تابستان معنی میدهد.

این شعر در سال ۱۳۵۰ ضمن معرفی شهر اندخوی در پروگرام «ماوکشورما» از رادیو افغانستان به صدای ایماق دکلمه گردید.

نفع مردم

از شر و افسون جهل و تنبلی بیزار باش	بیش از این غفلت مکن در کار باما یارباش
یکقدم بیرون مکن پارا و چون پرکار باش	از پی تحصیل دانش پافشاری کن و لیک
نی پی چشمان شهلا، نی پی رخسار باش	در طریق جستجو دانش بجوی و آگهی
بهر نفع کشور خود، روز و شب پرکار باش	در طریق زنده گانی شیوه مردان گزین
ای چراغ علم برکف واقف اسرار باش	چند باشد زنده گی در ورطه لهو و لعب
از پی تعمیر این ویرانه، خود معمار باش	بربنای دانش و فن، روز و شب خستی بنه
دشنه تیز دو دم، اندر دل اغیار باش	از ره عرفان بدفع دشمنان آماده شو
همچو مه بر سیر منزل، روز و شب بیدار باش	پرده غفلت زپیش چشم بردار ای «نهال»

«منتشره ستوری میمنه ۱۳۴۰»

رَشک خورشید

زند صد طعنه بر خورشید تابان ماه سیمای
خجل میگردد هر سر و چمن از نخل بالایش
حجاب از چهره بردارد گر آن لیلی وش شیرین
شود فرهاد و مجنون همچو من مفتون شیدایش
شراب ارغوانی را مده ساقی به بزم امشب
که غرق روزگارم از غم هجران و سودایش
به گلگشت چمن با ناز بنموده قدم رنجه
جبین پر عرق دارد گلاب از رنگ لبهایش
گر آن کان حیا آید ز بهر پرسش عالم
سر خود را نهد "ایماق" ما زیر قدمهایش

رسم خوبان

در سیاهی دیده ات چشمم غزالان بوده است
منفعل از روی تو خورشید تابان بوده است
از فراق روی تو جانا بسان کاکلت
روزگاری شد که حال من پریشان بوده است
ای پری خود می‌گشی و خنده ات بخشد روان
بهر درد عاشقان بوس تو درمان بوده است
ای عزیزان امتحان کردم بسی در عمر خود
بی وفایی از ازل مرسوم خوبان بوده است
کُشته عشق توتنهانیست "ایماق" حزین
بلکه عشاق تو در هر جا فراوان بوده است

منتشره شماره (۲۶۲) سرطان سال ۱۳۳۷ در روز نامه پروان

پاس آشنایی

بمن تاکی روا داری، گلم درد جدایی را
شعار خود نگردانم عزیزم بیوفایی را
بیا ای دلبر شیرین و حالم را تماشا کن
ز هجرانت کشم هر دم فغان بینوایی را
بیا جانا شبی از بهر پرسان دل زارم
مبر از خاطرت ایشوخ، پاس آشنایی را
گدای آستان تو شدم تا از سر لطفی
نوازی با دو سه بوست غرق بینایی را
اگر ایماق میخواهد ز ایزد وصل عشق تو
نوازی مرغ آمین هم کند این همنوایی را

منتشره شماره (۱۶۹) ۲۹ میزان سال ۱۳۳۸ جریده بیدار مزار شریف

یاد وصال

نالم ز غم فرقت ای یار کجاستی
از لطف بیا سویم، دلدار کجاستی
باری بگذر سویم، از بهر خدا ایگل
ماندم ز فراق تو، در نار کجاستی
عمریست به افغانم، بریاد وصال تو
پژمرده شده جانم، غمخوار کجاستی
از بهر علاج من، یک شب تو بیا سویم
هستم ز غم رویت، بیمار کجاستی
از هجر گل رویت، مانند هزار امروز
«ایماق» چقدر نالد، ای یار کجاستی

این شعر زمانیکه شاگرد صنف ۸ مکتب متوسطه ابن سینای کابل بودم، سروده شده ، و به تاریخ ۱۴ جوزای سال ۱۳۳۷ در جریده ستوری میمنه به چاپ رسیده است .

خنک‌ه‌یی (شعر ملمع)

ای دل‌ربا و دل‌بر و دل‌دار خنک‌ه‌یی
ای آشنا و محرم اسرار خنک‌ه‌یی
عمریست از فراق تو ای معدن جفا
خون می‌چکم ز دیده‌ خونبار خنک‌ه‌یی
مشق جفا بمن کنی پیوسته؛ ای دریغ
لطفی به دشمنان و به اغیار خنک‌ه‌یی
آرام نیست در دل سیماب و ارمن
تاکی به عاشق این همه آزار خنک‌ه‌یی
مردم در آرزو که برانی تو بر زبان
دل‌داده و مسافرو بی یار خنک‌ه‌یی

دارالمعلمین کابل

سال ۱۳۴۰

آمد و رفت

دوش آنشوخ نگار آمد و رفت
پی نبردم، به چکار آمد و رفت
مرغ دل صید نگاهش گردید
بگمانم به شکار آمد و رفت
آن شه حسن که با فوج مزه
بهر فتح دل زار آمده و رفت
دیدن عارض گلگون نگار
شانس برمن، زقمار آمد و رفت
چون بدیدم رخ زیبای ورا
بر دلم موج شرار آمد و رفت
قد سروش همگی رشک چمن
باخم زلف، چو مار آمد و رفت
کرده مدهوش چو «ایماق» مرا
تا که با چشم خمار آمد و رفت

حالم پریشان کرده ای

ای ستمگر از غمت، حالم پریشان کرده ای
 خانه صبر و قرارم، سخت ویران کرده ای
 شب به بالینم بیا، پرسیان حال من بکن
 چون زعشق خویش مارا زار و حیران کرده ای
 آن گل پر رنگ و عطری در بهار دل که باز
 عندلیب آسا مرا، از عشق نالان کرده ای
 داد از دست جدایی، میکشم آه هر نفس
 کز غمت ما را قرین، آه و افغان کرده ای
 از فراق روی تو، دیربست ای لیلی من
 کوی «ایماق» حزین را، در بیابان کرده ای

منتشره روز نامه فاریاب میمنه سال ۱۳۳۶ خورشیدی این شعر را در صنف ۸ مکتب متوسط
 ابن سینای کابل سرودم.

کشتی عشق

بخت و طالع مگرم، بر سر کار آمده است
 بهر پرسش زره لطف، نگار آمده است
 کار ما بود چو بسمل، به تپش اما یار
 به تماشای من خسته زار آمده است
 غوطه در بحر فراقش زدم و غرق شدم
 کشتی عشق که دیده، بکنار آمده است
 از خزان زردی گل هست ز فیض قدمش
 بر سر مرقد من، فصل بهار آمده است
 نقد جان تحفه بپایش نکنم آه چکنم
 کان جفاجو، بدیار من زار آمده است
 دل من بند بزلفش مگر از بی خبری
 بت صید افکن من، بهر شکار آمده است
 شام گه رفت زپیشم، بت خورشید جبین
 تا سحر ناله من، از دل زار آمده است
 باچنین چشم چو آهو، حذر از صید رقیب
 بی خبر برطرفم، رو به فرار آمده است
 بسکه محوم من «ایماق» بمهر رخ او
 کی توانم که بینم بچکار آمده است

ما و مکتب

مکتب ما بهتر است، از جان ما
هم به دنیا، هم به عقبی، شان ما
هست مکتب، آبروی دنیوی
پس بکن، قانون او را پیروی
کار مشکل، سهل گردد از کتاب
روی خود را، از کتاب هرگز متاب
گر تو خواهی، کوریت یابد نجات
کسب کن علم و عمل یابی نجات
موضع علم و درایت، مکتب است
مرکز فضل نجابت، مکتب است
هست مکتب جای تحصیل و کمال
شیخ و شاب از وی شود فرخنده فال
شان آدم دانش و علم هست و بس
علم می جو تا بتن داری نفس
گر تو می خواهی شوی اهل سخن
رو به مکتب، هست کان علم و فن

گلستان محبت

جانا ز غمت واله و حیران شده ام من
همچو سر زلف تو پریشان شده ام من
لطفی بنما و نگهی سوی من انداز
کز هجر رخت، بی سر و سامان شده ام من
دیرست چو بلبل به گلستان محبت
بریاد گل روت، غزلخوان شده ام من
پرهیز، ز عاشق نبود شرط مروت
سر گشته چو مجنون، به بیابان شده ام من
بر من نظری کن ز سر لطف چو «ایماق»
دلداده ات ای خسرو خوبان شده ام من

منتشره روز نامه بیدار مزار شریف

سال ۱۳۳۹

غنچه گل

چقدر زار و غمین، از غم جانان گشتم
لاله سان داغ به دل، از غم هجران گشتم
تا که بشگفت لبش غنچه صفت حین سخن
من چو بلبل زغمش، واله و حیران گشتم
پس از آن، سوی بیابان پر از خار جفا
سر زده قیس صفت، بی سر و سامان گشتم
یارب این حور بهشتت نه از نسل بشر
کز گل عارض او خویش گلستان گشتم
دامنش کی نهم از دست زکویش نروم
در غم عشق اگر بخت پریشان گشتم
نالۀ خوشترم از عشق از آن میخیزد
که چو نی قاق چو ایماق بدینسان گشتم

تا که گردی، با وقار و معتبر
دست بزن، بر دامن علم و هنر
باش دایم، در پی علم و کمال
تا شود آینده ات با حسن حال
آدمی را علم باشد، راهبر
می شود از راز گیتی با خبر
تا که باشی محترم نزد عموم
عمر خود کن، صرف در راه علوم
منتشره روز نامه پروان
سال ۱۳۳۹

آفت جان

رخت را، ماه تابان می نویسم	قدت را آفت جان می نویسم
لبت را لعل خندان می نویسم	به لبخندی بهار نو میاری
لب لعلت بدخشان مینویسم	صدف دندان، تنت مرمر، رخت گل
که من آنرا خرامان می نویسم	برفتارت بسی حیرانم ایدوست
بسان چشم ترکان می نویسم	نگاهت را که سرتای نازست
هزاران در هزاران می نویسم	صفانت را اگر گیرم سیاهه
که آنرا دم ماران می نویسم	شدم حیران ابروی سیاهت
قدت را آفت جان می نویسم	چو شمشادست و سرو اندر بلند
ترا از کوی خوبان می نویسم	به این ناز و ادا و دلبری هات
به وصف شاه خوبان می نویسم	«نهال» از ژرفه دل این غزل را

بیدار می بود، بد نبود

حاکم شهر، اندکی بیدار می بود، بد نبود
 زیر دستش مامورین، هوشیار می بود بد نبود
 ناله بیمار از هر گوشه ملکست بلند
 داکتر ما گر کمی، غمخوار می بود، بد نبود
 از صدای ناله بیمار می گریم بسی
 نرس ما گر اندکی، جرار می بود، بد نبود
 اغنیا باکی ندارند از ستم بر بینوا
 حاکمان از رشوه خوار، بیزار می بود، بد نبود
 هر کسی مصروف پر باز است یاکه سه بجل
 گر به دست هر یکی، اخبار می بود بد نبود
 دزد و رهن از قباحت هایشانند در گزاف
 این گروه بد اگر بردار می بود، بد نبود
 جامه ماهست لیلامی، غذا از ملک غیر
 مردم ما را میسر، کار می بود، بد نبود
 نی کسی پرسد ز اعمال کسی از خوب و بد
 گفتن پاسخ اگر دشوار میبود، بد نبود

این شعر انتقادی را در صنف هفتم این سینا سرودم.

ھجران

جان و دلنى عاقبت، يۇلېنگدە قربان ايله ديم

كۆز ياشيمنى سر به سر، بغيريم كى قان ايله ديم

نالە زاريم مينينگ بارور فلک لر قاشيگه

ليک ايشيتمه يسن جفاجو، شونچه افغان ايله ديم

استخوانيمدين قلم ايله ب، يوره ک قانى بيلن

عرض حاليمنى يازيب، تقديم سلطان ايله ديم

اي كۆزيم نينگ روشنى، جانلر فدا بولسين سنگه

عمر لر مجنون كى، اؤزيمنى سرسان ايله ديم

عمرى اؤتدى انتظاره، باقمه دينگ «ايماق» سارى

بىر كيلر سن ديب يۇلېنگدە، قنچه ارمان ايله ديم

اشعار اوزبيكى

(اؤزبيكچه شعرلر)

اینک این گزارش منظوم به توجه شما تقدیم میگردد :

مین ایلابین داستانیمنی ایندی فاش

قولاق سالینگ کتته - کیچیک قریندانش

آتیمنی دیدیلر، «فیض الله» مینی

معناسی دیر، اولوغ آتیم نینگ مینی

«فیض» نینگ معناسی دیر برکت

برکت دیر، برکت دیر، برکت

که بیز، تینگری نی دیر میز «الله»

قولاق سالینگ که خدا گه دیر میز، الله

که ایمدی سوره سنگ، آتیم معناسین سن

که «الله نینگ برکتی» تورور من

یتتی یاشده، کریشدیم من علمگه

«اوج ایککی» ۱ بیل ده ایریشدیم بیلمگه

حیاتیم اوزگه ریب کیتدی، شو نی بیل

که باردیم ایککی - اوج کونده، به کابل

که قیلدیم آلتی ۲ بیل نی شانگه گردان

اون ایککی صنف دن چیقیدیم، عزیزان

بیر - ایککی بیل ایدیم کابلده معلم

که دؤستلر ایترا ایدیلر «معلم»

حیات خاطره لری

(خاطرات زنده گی)

خواننده گان ارجمند!

بنابر علاقه مفروطیکه از خورد سالی به ادبیات به خصوص ادب عامیانه و فولکلور داشتیم، تصمیم گرفتیم به جمع آوری و ثبت ادبیات شفاهی مردم خود پردازم. مردم اندخوی، بالاخص اهل باغبوستان مربوط شهر قورغان اندخوی ولایت فاریاب، در جمع آوری و ثبت ادب عامیانه، بامن از هیچ گونه همکاری و همیاری مضایقه نموده اند.

عده یی از باشنده گان باغبوستان شب های دراز زمستان در مهمانخانه های کاکایم عبدالعزیز بای و عاشور بای گردهم جمع شده، باعلاقه و صمیمیت زاید الوصفی نمونه های از ادب شفاهی مردم اوزبیک را بازگو میکردند. من بدون خستگی آنها را درج کتابچه می نمودم.

اینجانب جریان نشست را یادداشت کرده، بالاخر، به رشته نظم کشیدم. آنانیکه اسمای شان قید نظم گردیده، اشخاصی بودند که با بیان نمونه های از ادب مردم با من همکاری بی شایبه نموده اند.

نمونه هایی ادب مردم را که از زبان مردم جمع آوری و ثبت کرده بودم، در سال ۱۳۵۹ خورشیدی به شکل کتاب با ترجمه دری آن تحت عنوان (دردانه های خلق) در مطبعه دولتی کابل از طرف وزارت اطلاعات و کلتور وقت به زیورطبع آراسته گردید. این اثر در سال های بعد، با تجدید نظر، دو بار در شهر مزار شریف و یکمرا تبه در شهر تاشکند پایتخت جمهوری اوزبیکستان با خط کیریل - سریلیک به نشر رسید.

سوز دل

ينە پالوان «عاشور» ۸ ايتدى بيتىب قۇي
كە توشدى يادىمە ايندى، بيتىب قۇي:
«بى وفا دوران ايكن اۆلمە ي توريب ايرىلگە نى
گل مىدى اچىلگە نى خىمچە مىدى قىرىلگە نى»
«محمد نياز» ۹ دىر لىر، ياش يىگىت
كە ايماقلىرى ارا دور لىر باش يىگىت
بو مرد دىر هم، خرابات، هم مناجات
كە ياشلىرى بىرلە ياشدىر، هم خرابات
نيمە دىسم قرە ب، مېن بو جوانگە
قولاق سالر، قۇشيق ايتىر، بو مېنگە
بو بىلمس كىتتە لىك هم، غر و فېش نى
اوزاتىر، گىلە مېگە، كاوشىنى
بالە لىر گە دىبان: «ايتىنگ غزلىر
نقللىر هم، متللىر هم، غزلىر»
شونىنگ دىك ياش اولوغ بۇلسە، بو يورتدە
كلان كارلىر، قاچىر لىر «جىرتە - جىرتە»
او، مقتىر كورە ش و اوغلاغ، قباغنى
«تَقَلَّتَم تام، تَقَلَّتَم تام» بولر نى
او، ايتىر: «ذكر صوفى نى خَرَه پَلَه ب
كە كىلسە صاحب گندم تره پَلَه ب»

سوز دل

كۇپ ايردى تورت يريم مېنگدن معاشىم
«بالە باقىب، يامان اغيردى باشىم! ۳»
ينە فاكولتە گە كېردىم، مېن اۆزىم
حقيقت دىر، مېنىنگ بو بر چە سۆزىم
يارانلىرى ايندى تىنگلىگ باشقە سۆز لىر
كە تىنگلىگ باشقە سۆز لىر، يىنگى سۆز لىر
«عاشور باي» ۴ نىنگ اويىدە، بىز نىتر مېز؟
بو يىنگلىغ شعر و صحبتلىر بىتر مېز
«رجب بلى» ۵ اورر نعرە ياتوبان ۶
او ايتىر: بيت! غزلىمنى ايا جان:
رسول قل «پىشقه» دە بار ايدى بىر نىر
كە اونگە مقرر ايردى بىر نىچە لىر
ينە «بلى» كوكېر دە ب، ايتدى سىن بيت!
كە بىتمە سنگ، چىقىر يادىمدنم بيت:
«قىز گىنە قىزىل قىادن، باشلە مە
بىر يىگت نى مالى كۇپ دىب، خوشلە»
بو «كروان باشى» ۷ تاغە مېز
بىتىنگ قنى، يازىنگ قنى، دىدىلر:
شغال دىگن اۆزى، پىادە كاپر (كافر)
نماز شامدن بويان، همراھىن تاپر

«جمعه خان» ۱۸ ھم بېرر، مقتب «دە لېنى» ۱۹

دە لى دىگن، دە لى دىگن، دە لى نى

«كىشى بىلمس، بو دە لە لى نىنگ ايشى نى

تانيمة ىدى قوم و قريندائىشېنى

بارىب ايتىنگ بو دە لە لى نى اۆلدىرسىن

تېشلر ىنى امبور بىلن سوغىر سىن»

«ملە باي» ۲۰ ھم، مقتبە ماققە اوستە كار

متلر گە، نقلر گە، قۇلى بار:

مقتب بېرر «اھمبا يالە - يالە»

ايتىب بېرر: «آچىلدى گل لالە»

«فىض محمد خان» ۲۱ اۆز لرى دىر، اۆلنگىچى

ناي - ناي دىبان، يار - يار دىبان، ايتوچى

ياغمىر ياغر شتىر - شتىر، سۇرە نكلر

كىسە سىدە مشك عطر سۇرە نكلر

اىماقلر دە «سىللى قوتىر» ۲۲ نى سۇرە نكلر

بارسنگ شول اۇغلاننى سۇرە نك، سۇرە نكلر

«نبى صوفى» ۲۳ چر باغىگە سوو آچىر

متل بىلمە لى، غزل بىلمە لى، او قاچر

«صادق كۇر» ۲۴ ھم بىلر - بىلمس گېرر

تۇرت نان بىلن خمدە لى چاينى صاف اورر

«ظاهر مېرى» ۱۰ قۇشېق نى دىدى ايتە لى

كە او نى ايتىب ايردىلر، نىمە ايتە لى؟

گور بىللە ب كىلدىلر، اكە لى «مىرآب» ۱۱

بچە لر قالدیلر گېدن، چو كورآب

اگر سۇرسە «مىرآب» اۆز سۇزىنى

ھمە اونگە تىكر، ايككى كۇزىنى ۱۲

مىرآب باشى گېگە دىر، كۇپ عاشق

چنان عاشق كە معشوقلر گە عاشق

«گداي» سۇزىگە برچە قولاق توتر

بىران كىم باشقە سۇزلە سە، او «ياتر» ۱۳

ايا جانلر بو گېلر كۇپ ساووقدىر

گېرسە بار، ايشىتماققە او، يۇقدىر

گداي ايتر: «بو ايشدن بۇلمس ايشلر»

اگر بىلسنگ، بو ايشلر، يخشى ايشلر

قچان ايتدىك: «يامان» دىب بىز سۇزىنگىز

نىگە دىر سىز، يامان، بىزىنگ سۇزىمىز

بىزىنگ «ايرگش» ۱۴ حقيقتاً جواندىر

كە «كل جبار» ۱۵ نى قۇشماققە ياماندىر ۱۶

كە بول ايتر: «كل جبارنى ساسىب

كە ياتىدىر «نصير كور» ۱۷ كۇزىنى قىسىب

۱۳- او، بېراو گېپىرگندە ياتر ايدى.

۱۴- محلە مېز بالە لرىدن بېرى.

۱۵- محلە مېز دە گى كل بچە.

۱۶- جودە مېھارتلى دىگن معنا دە.

۱۷- محلە مېز دە گى بېر كۆزى عاجز شىخى.

۱۸- جمعه صوفى نېي نىنگ بۇيى اۋسمە گن برادرى. ۱۹- قۇشېق نامى .

۲۰- عاشورباي نىنگ اوکە سى. اونى ملە سىرىغ ھم دېردىلر.

۲۱- رجب باي نىنگ اوغلى. ۲۲- رجب باي نىنگ قوتىر اوغلى .

۲۳- غلام سىخى ارباب نىنگ آتە سى.

۲۴- محلە مېزدە گى بېر كۆزى عاجز شىخى.

۲۵- خدایقل باغبوستان قشلاغیدە یشە ب، ۱۳۵۵ - نچى يىل، حمل آيىدە دنيان كۆز يومدى .

مېرگن اۇقى تىگمىس كوھى كفتىر گە

خدایقل ۲۵ نىنگ گېي سىغمىس دفتىرگە

فیض الله ایماق

باغبوستان قیشلاغى - قورغان شېھر.

دلو آيى، ۱۳۴۶ - نچى يىل

ایضاحلر:

۱- آلتىنچى صنف نى توگتدیم

۲- اۇرتە مکتب و لیسە نى تامملە دیم.

۳- طنز آمیز و هزیل- مطایبه شکلده ایتیلگن. والده م بو بیتنى ایشیتنگنده، کولیب: «سین بچه باقدینگ» دیب، کولیب گېپرردى.

۴- قیش کیچه لرى باغبوستان خلقى عاشور باي و عبدالعزیز باي نىنگ منزلیده بیغیلیب، صحبتلشر و کتاب اوقیشنى ایشیتیر ایدیلر.

۵- فیض محمد و سیللى قوتر نىنگ آتە سى.

۶- رجب بلى، هر دايم ياباشله ب ياتر ايدى، چونكى اونىنگ ياشى كتته ايدى.

۷- گداي نىنگ ايکكى لقبى بار ايدى: بېرى کروانباشى وینه بېرى مېرآب دیر.

۸- مله باي نىنگ اکه سى.

۹- بو کیشى ایماقخانە دە «ارباب» وظیفه سینی اۇتە گن.

۱۰- ھم قیشلاقلریمیزدن بېرى. بعضاً اونى ظاھر مری ھم دیب چه قېیرايدیلر.

۱۱- میراب نىنگ اصلی آتى گداي باي بۇلگن.

۱۲- گداي باي فقط اۆزى گېپررايدى، باشقه لرنى سۇ زلشگه رخصت بېرمسدى.

كيلين سلام

قیزه لاغیم «ثریا جان ایماق» - ۱۳۸۳- انچی هجری شمسی ییلی ، تاشکند نینگ «ماشینه سازلیک و کسب - هنر کالجی» ده طلبه ایدی. شو ییل نوروز بیره می، مذکور کالج اوقوچیلری تامانیدن مناسب کوتیب آلیندی.

مکتب اوقوتوچیلری هر بیر اوقوچی نی مذکور طنطنه گه حصه قوئیش لرینی سؤزر ایکن، ثریاگه «کلین سلام» مراسمی نی بجریش وظیفه سینی تابشیردیله. شونده کمینه «ایماق» قوییده گی «کیلین سلام» سرودینی یازیب بیردیم. ثریا ایسه مذکور شعرنی نوروز مراسمیده قرأت ایتیب، کیلین سلام بورچینی باشقه طلبه لر اشتراکیده، عملگه آشیردی. سرود قوییده گیچه:

بیزنی یوقدن بار ایتگن، بیر و کوکنی تره تگن

الله تعالی گه بیر سلام

قیامت نینگ شافع سی، گناهکارلر واسع سی

بیغمبریمیز «ص» گه بیر سلام

محمد «ص» نینگ یاوری اسلام دینی باوری

چاربار لرگه بیر سلام

افغانستان پادشاه سی، اسلام اکه ۱ آشناسی

حامد کرزی گه بیر سلام

اؤزبیکستان پادشاه سی، حامد کرزی ۲ آشناسی

اسلام اکه ۳ گه بیر سلام

صاحبقران - نوایی، ملک غزلی نینگ بائی

نوایی - تیمور گه بیر سلام

بهار نینگ وقتی کیلدی

بهار کیلدی سیویندی قولاجین یازیب کیلدی

قولاج یازگن وقتیده یوره گیم، قانگه تۆلدی

تۆپ - تۆپ نینگ وقتی کیلدی

چیللیک نینگ وقتی کیلدی

چمن ایچره اچیلدی گل ریحان ساچیلدی

تۆپ نی الگن وقتیده یار نینگ باشی اچیلدی

أول یار نینگ وقتی کیلدی

گلبار نینگ وقتی کیلدی

تۆلدی یوره گیم قانگه سالملر دیدی مینگه

سلام علیک دیگنده مدار قالمه دی جانده

بهار نینگ وقتی کیلدی

گلر نینگ وقتی کیلدی

«ایماق» بهار فصلیده گل نو روز اچیلر

گللرنی تیره - تیره درد دلیم ساچیلر

بهار نینگ وقتی کیلدی

نور روز نینگ وقتی کیلدی

این شعر اولین شعر منست. آنرا در صنف چهارم مکتب ابتدایی سرودم .

ایضا حلقه:

- ۱- اسلام کریم اوف اوزبیکستان جمهور ریسی
- ۲- افغانستان جمهور ریسی
- ۳- مکتب مدیری
- ۴ مکتب معلمی
- ۵- مدیر اورین باسری
- ۶- معرفت و قدرت اوقوتوچیسی
- ۷- رقیب گروپ
- ۸- مکتب سالونیده بیگیلگن مهمانلر

- منجم لر سرداری جهان نینگ ایلک سرداری
اولوغ بیگکه بیر سلام
مشرب - بابر نینگ نامی مشهور دیر الخوارزمی
شاعر لریمیز گه بیر سلام
مدیریمیز بر کمال اونینگ عقلی مالا مال
روشن ۳ اکه گه بیر سلام
روس تیلی نینگ معلمی دانگ تره تگن بیلمی
دلارام آپه ۴ گه بیر سلام
مکتبیمیز ده معاون سوز لری مثل قاوون
مُشریم ۵ اکه گه بیر سلام
مدنیت صاحبی معرفت نینگ نابیی
مطلوبه ۶ آپه گه بیر سلام
جهانده مشهور دیر اول، رستم و دستاندیر بول
رقیب کمانده ۷ گه بیر سلام
سلام بیره یلیک سیزگه، زال ۸ ده گی بر چنگیزگه
ثریا دن بیر سلام
کلین سلام، سلام، سلام

سوز دل

بیریمیز وظیفه سی خرادلیک

ینه باشقه میز ایتر، بنجاره لیک

فرقه میز بار، اول اؤزی زرگر تورور

طایفه لر کۆپ، اول اؤزی مسگر تورور

کاتبین و مامورین و معلمین

خسته دیرلر، ایش بیلن، شول مسلمین

هیچ کیم یوق، دنیا ایچره، بی حزین

بی حزین و بی حزین و بی حزین

کاش بۆلسه، دافع شول درد و غم

سینما دور، سینما دور، بیل بلم

ایله گیل «ایماق» دعای بیشمار

سینما بۆلسین همیشه، برقرار

ایسله تو:

ایلك بار اندخوی نینگ قورغان تومه نی ده سینما نمایش ایتیلگنده ، اوشبو شعرنی سینما میکروفونی آرقه لی تماشابینلرگه تقدیم قیلدیم .

فیض الله ایماق - ۶-انچی صنف اوقوچی سی، ۱۳۳۸-انچی ییل .

سوز دل

سینما

گر بۆلاسه، سینما توصیفی بیل

قیسی بیر وصفین ایتر بیچاره تیل

سینما دیر، رهنما و راهبر

سینما دیر، کۆرکه زیر، یول بشر

سینما کۆپ نرسه لر، ایلر بیان

سینما، پۆشیده لر ایلر عیان

سینما دیر جای تفریح و طرب

نی کی، جای جاهلان و بی ادب

ساده لوح بیلمس فلملر، قدرینی

اهمیت بیرمس کی اندین حرفی نی

مردم جاهل نه بیلسین، قدر علم

راه گم دیر، راه گمدیر، راه گم

آدیمیلر، ایش قۇلبدن خسته دیر

خسته لیغی، اؤز ایشیگه بسته دیر

روز و شب بیکار تورمس هیچ کیشی

کار دماغی و جسمی ایتیمیشی

بیرته میز، خیاط ایرور کالا تیکر

دؤستیمیز کۆپ، اول تورر کالا بیچر

ماتمنامه

ماتم نامە، اندخوی اھالی سی نینگ مراسم قۇشبیقلری سیرە سینگ کیرە دی. اگرده، بو دیارده بیران کیشی، اینیقسە یاشلر بی وقت عالم دن کۆز یومگن تقدیرده عیاللر تامانیدن ماتم نامە سرودی ایتیلە دی.

بو ماتم نامە، بیر یاشی اولوغ عیال تامانیدن بلند آوازده، اجرا ایتیلیب، اۆلیم مراسمیگە قتنشگن عیاللر ایسە، «ای شاه حسن، ای شاه حسین» نقاتر نی بیر آوازده تیلگە آلیب اونگە جور بۆلە دیلر.

ماتمنامه ده، جوانمرگ بۆلگن شخصنی حیات دوریده عمل گە آشیرگن یخشی فعل – اطواری، هه لیگی یاشی کتته و گوینده عیال تامانیدن تیلگە آلینب، داد و اوایلا دییشە دی. شونی ایسلە ب اۇتیش جایزکی، اندخوی نینگ قورغان تومە نی، باغبوستان قیشلاغیده گی، اۆلیم مراسمی نی آلیب باروچی عیال، «معراج ینگە» دیگن عیال بۇلر ایدی. مین او تامانیدن اۆلیم مراسمیده ایتیلە دیگن، حزن انگیز ماتمنامه لرنی اۆز قولاییم بیلن کۆپ مراتبه ایشیتگن من. معراج کمپیر مینینگ پدر بزرگوارم و اوکم اوسته محمد الله جان نینگ بی وقت عالمدن اۇتگن کونی هم، عزا توتیب، ماتمنامه سرودی نی بیان ایتگن ایدی. معراج ینگە میز یاتگن جای نی فردوس برین بۆلیشی نی، یرە تگندن سۇره ب قاله میز.

محترم کتابخوانلر!

بوندن آلتیش ییل مقدم، همراه دهمرده ناملی بیر شخص، اند خوی نینگ قورغان تومنی، لافی – باغبوستان قیشلاغیده استقامت قیلر ایدی. قیش موسمی ده اونینگ سیگری «کوتە رنگ بۆلیب» یاتیب قاله دی. همراه اونی جایدن کۆتە ره مندیگنده، بیل آغریق بۆلیب یاتیب قاله دی. همراه اکە نینگ بیل آغریق خسته لیگی شفا تاپمه ی، بو دنیانی ترک ایتە دی.

همراه وفات ایتگن کونی، اونینگ یقین قریندائش - اوریغلی، سحر چاغی کاغذ پول نی، تنگە پولگە المشتیریش نیتیده بیزنیکیگە کیلیشه دی.

جان ایله نه ی جان

کیچه سینینگ خیالینگده، حیران بۆلور من

آرزونگده، اۇیقو کۆرمه ی، سرسان، اۆلورمن

یاریم سیننی، جانیم سیننی، کۆرسیم سیننی جان

جان ایله نی، جان ایله نی، جان ایله نی جان

بۆلیب سی نینگ غمینگدن، زار و پریشان

یاریم گل کبی سۆلدیم، کۆزلریم نالان

جانیم سیننی، یاریم سیننی، سیوسم سیننی جان

جان ایله نی، جان ایله نی، جان ایله نی جان

وصالیندین اوزاق توشدیم، کۆریب بیلمس من

الم بیلن غمینگدین، یوریب بیلمس من

کۆرسیم سیننی، توتسم سیننی، اۆپسم سیننی جان

جان ایله نی، جان ایله نی، جان ایله نی جان

«ایماق» بو گون، یار هجریده مجنون بۆلیبدیر

چۆللر کیزیب لیلی سینگە مفتون بۆلیبدیر

یاریم سیننی، جانیم سیننی، کۆرسیم سیننی جان

جان ایله نی، جان ایله نی، جان ایله نی جان

اوشبو تصنیفی خان چهارباغلیک خواننده مجید خان ۱۳۳۸ ییلی، اجرا ایتگن.

ای شاه حسن، ای شاه حسین

قنى همراه ديگن آتلىق؟ قنى يۇقىدىر، همراه آتلىق؟
 اوليب كيتدى بو نو جوان اي شاه حسن، اي شاه حسين
 قنى بۇلسە، اۇغىل قىزى ايسلە ب يورسە، آتە ايزى
 ايشيتىنگلر غريب حالين اي شاه حسن، اي شاه حسين
 آتە سى يۇق نيتە ي شونده برادر يۇق بىلىنگ بونده
 چاپىب يورسە، شونداق كونده اي شاه حسن، اي شاه حسين
 قولاق سالىنگ ايا دۇستلر رحىم ايلنگلر ايا دۇستلر
 بو محشردير، بىلىنگ سىزلر اي شاه حسن، اي شاه حسين
 همراه اۇزى بير مرد ايدى مردلر ايچرە، بير درد ايدى
 اويىب ياتر، خاك لحد اي شاه حسن، اي شاه حسين
 اوليم قورسین، نيتە يلىك بيز قايىب قىرگە كپتە يلىك بيز
 اجل بين قاش و قباغ اي شاه حسن، اي شاه حسين
 قالىب اونده، عاجز آنه عاجز آنه
 يوريب بيلمس، كۇريب بيلمس اي شاه حسن، اي شاه حسين
 همراه اۇزى بير ديو ايدى قۇلىده بيش سبر بيل ايدى
 اوليم يانیده، فيل مثل مور اي شاه حسن، اي شاه حسين
 كويىب - بيشيب، آنه يانر اوکه سى بيش بدتر يانر

ديمك قبله گاهيم كاغذ پولنى تنگه گه المشتيريب بيره دى.

اوشه زمانلرى وفات ايتگن آدم نينگ جنازه سبيگه قتنشگنلرگه، تنگه پولى نذر ايتيلرايدى.
 بو پول اسقاط «دوره» پولى ديب اته لر ايدى.

دوره پولنى المشتيريب، اتم بيلن مين، ايچكرى حويليميزگه قه يتيب كىلدىك. اتم همراه
 نينگ ياش عالمدين اوتگه نى، كاغذ پولنى تنگه پولگه المشتيريب بيرگه نينى اتمگه حكايه ايتيب
 بىردى. شو پينده مين همراه گه رحميم كىلىب اتمگه قره ب، دىديم:

«آنه جان! مين همراه نينگ اولگه نينى ايشيتيب اونگه هوسيم كىلدى؟»

شو آنده اتم نينگ جهلى چيقىب ميني بير شپات اوردى. اتم اتمگه قره ب دىدى: آتە سى
 نيمه قيله يىسىز، نيگه ياش باله نى اوردىنگىز، فيض الله ياش باله. او، بيلمسدىن، «رحميم» كيله دى
 اۇرنىگه، «هوسيم كيله دى» دىدى. اونى كىچىرىنگ. باشقه او، بو سۇزنى ايشلتمە يدى، هيچ قچان؟

شو واقعه يوز بيرگنده، مين تورت - بيش ياشيمده بۇلگن من . ليكن شپات مسأله سى،
 هنوزگچه يادىمدن چيقمه يدى.

اتم جنابلرى همراه وفاتى دن بير - ايكي يىل اوتر - اؤتمس، ۴۷ ياشده بو جهاننى ترك
 ايتدى.

وا عجا! بيش ياشيمده اتم نينگ بى وقت وفات ايتيشىنى سبىزگن ايكن من... يوز افسوسلر
 بۇلسينكى، زودلىكده «هوسيم كىلدى» سۇزى، اوز افاده سىنى تاپدى. اتم رحمتلى ايكي ياش
 فرزندى و والده منى تشله ب، اۇزى دارالبقا گه سفربر قىلدى. يره تگندن اتم نينگ روحينى شاد و
 ياتگن جايىنى ايسه، جنت مكان بۇلشيشىنى سۇره ب قاله من.

مين، قويدده گى اولينامه نى، همراه دهمرده گه اته ب، قورغان باشلنغىج مکتبى نينگ
 بيشينچى صنف اوچوچى سى بۇلگن پيتمده بيتگن ايدىم:

مقالات و خطابه ها
(مقاله لر و بیانات)

قَللیغی دیر یامان حالدده
همراه اؤزی، اؤلیب کیتدی
عزیز دؤستلر کولمنگ زنهار
«ایماق» ایتر دعا اونگه
ای شاه حسن، ای شاه حسین
دشمنلری کولیب کیتدی
ای شاه حسن، ای شاه حسین
درود ایتر، کیچه - کونده
ای شاه حسن، ای شاه حسین
یاتگن جای جنت بؤلسین

۲- کتاب معاون تدریس برای کودکان اوزبیک زبان .

۳- مرجع مطالعات جامعه شناسی، بشر شناسی و فلکلور .

۴- رساله معاون تحصیل زبان اوزبیک برای اشخاص غیر اوزبیک زبان که مبادی اوزبیک را آموخته اند .

۵- نمونه برای تهیه رساله های مشابه فولکلور ترکمنی، قرغیزی، قزاقی و ترکی افشاری افغانستان.

۶- مرجع مقایسه و مقابله فولکلور اوزبیک به فولکلور دیگر مردمان افغانستان عزیز و دیگر مردمان این نقطه آسیا .

۷- مطالعه زبان شناسی مشخصات صوت شناسی، مور فولوژی و نحو کلمات و اوزان اشعار عامیانه زبان گفتاری اوزبیک افغانستان .

۸- نمونه برای پیشبرد مطالعه فولکلور و گرد آوری متن های فولکلوریک اوزبیک تا سر جمع آن شکل یک مجموعه وسیع را بگیرد .

۹- نمونه برای مطالعات مشابه در فولکلور دیگر زبانها و مردمان افغانستان مانند بلوچی، اورمری، پراچی، پشه یی، پنج زبان نورستان و چهار زبان پامیر افغانستان و عربی گفتاری بلخ و برهوايي هلمند، نیمروز و غیره.

۱۰- نمونه برای مطالعات مشابه در فولکلور محلی پشتو و دری پکتیا،

کنر، هزاره جات، غور و بادغیس و دیگر محلاتیکه مشخصات قابل توجه دارد .

ارزش عمده چنین مجموعه ها این است که دولت مستعجل را شامل گنجینه ملی می کند .

فرهنگ شفاهی، گذرا، متغیر و در معرض فناست و اگر آنرا جمع نکنیم، ثروت ملی خود را از دست داده ایم و چون جز غنای فرهنگ همه بشریت است نزد همه بشریت مسوول خواهیم بود.

درین مجموعه (و مجموعه هاییکه مانند آن تالیف شود) روح آدمی یعنی روح کودک، جوان و پیر و روح پدر و مادر (و بطور خاص مادر که نگهبان فرهنگ گفتاری همه زبان های جهان است متجلی) میشود و بوسیله آن مردمان افغانستان یکی دیگر را می شناسند، یکی دیگر را دوست میدارند و وحدت ملی استوار می شود و اگر وحدت ملی نماند و استوار نشود، از ما چه خواهد ماند.

تقریظ

از داکتر روان فرهادی

به کتاب «در دانه های خلق»

چاپ سال ۱۳۵۹- کابل

به نام خداوند بخشاینده و مهربان

در طی چند سال اخیر شاهد کوششهای دوست گرامی فیض الله ایماق در گرد آوری و نگارش این مجموعه نفیس بودم . در روزهای حبس در زندان پلچرخ ، گاهی در اندیشه عاقبت سر نوشت این کتاب بودم و هیچ وسیله اتصال با بیرون زندان فاشیستان نداشتم تا از جریان آگاه شوم . چون ازبند زندان بیرون شدم ، در یافتیم که فاشیست های امینی بی کلتور و دشمن کلتور باین جهات عمده فرهنگ مردم اوزبیک علاقه نداشته ، بلکه رساله های قطور بزبان اوزبیک و دیگر زبانهای این وطن در تبلیغ قبایح خویش با تحمیل مصارف کلان بر خزینه این کشور فقیر ، چاپ کرده اند و بس .

این مجموعه گرچه کوتاه است ، اما نمونه است و آغاز کار سودمند بلکه لازم و آینه زندگی اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و معنوی مردم نیکودل ، پاک فطرت و سرشار محبت و شفقت است که صفات برازنده شان جز ارزشمندی از گنجینه بی نظیر سجایای ملت افغانستان میباشد .

اهداف این کتاب متعدد است ، از آنجمله :

۱ - کتاب مطالعه برای اوزبیک زبانان بزرگسال و عادت گرفتن ایشان به مطالعه .

نمیدانم این حرف پر از حکمت که از چندین دهه پیش در حافظه ام نقش بسته است گفته کدام دانشمند است که می گوید: ملت های زنده از زندگان خود قدردانی میکنند. و این حرف کاملاً بجاست. طی سه دهه اخیر که در های همه جهان به روی ملت ما باز شده و امروز در هیچ یکی از قاره های پنجگانه جهان نیست که عده یی از مردم ما زیست نداشته باشند، و این امر در پهلوی عناصر منفی چیز های مثبتی نیز داشته است و در پرتو همین عناصر مثبت است که با فرهنگ دیگران نیز آشنایی حاصل کرده و می بینیم که به درستی ملت های زنده از زندگان خود قدر می کنند تا بین آنانی که جز خورد و خواب هدفی دیگر ندارند و آنانی با تلاش پیگیر در صدد بالا بردن آگاهی جامعه خویش در ساحات گوناگون زندگی اند، فرقی نهاده باشند. پس عزیزی را که با تدویر محفل امروز در پی تعمیم دادن این اصل نیکو در جامعه ما برآمده اند، سپاس باید گذاشت و تهنیت باید گفت.

صاحب جشن امشب را از سال ۱۳۴۳ بدینسو می شناسم، در آن هنگام که نگارنده ، تازه تعلیمات خویش را در دارالمعلمین کابل به پایان رسانده و برای نخستین بار در لیسه جدیدالتشکیل نادریه به حیث استاد زبان و ادبیات دری مقرر گردیده بود، نگرانی یکی از صنوف هفتم را نیز به عهده داشت که شاگردان لایق و بیداری در آن گرد آورده شده بودند که در سالهای بعدی شخصیت های ناموری از میان شان تبارز کرد. یکی از شاگردانی که بیشتر از دیگران فعال بود و مسؤولیت جریده دیواری صنفش را نیز به عهده داشت و در پهلوی آن به صورت پیگیر با صفحات اطفال روزنامه انیس که تحت نظر مرحوم غلام عمر شاکر هر جمعه زیر عنوان د ورو انیس به نشر می رسید و همچنان با مجله د کوچنیانو ژغ یعنی آواز اطفال همکاری قلمی داشت اسدالله نام داشت که ابتدا شهیر تخلص می کرد و بعد آنرا شعور ساخت. این جوان سه چهار سال بعد با جراید ملی همکار شد و پس از ورود به فاکولته ادبیات و علوم بشری هر چند مانند این قلم رشته ژورنالیزم را بر گزید ولی به مجلات علمی و اکادمیک کشور راه باز کرده به نشر نوشته های پژوهشی در زمینه فرهنگ مردم پرداخت که تا آن زمان برای بسیاری از روشنفکران ما ناشناخته بود.

در سال ۱۳۵۵ نگارنده این سطور مدیریت برنامه های محلی رادیو را به عهده داشت و داکتر شعور نیز بعد از اخذ لیسانس در رشته ژورنالیزم تازه به عنوان ادیتر اخبار رادیو مقرر شده بود که روزی دانشمند بزرگ کشور جناب داکتر روان فرهادی که هفته یکی دوبار به رادیو می آمد و برخی از برنامه های رادیو را می نوشت ضمن صحبت در مورد کتاب دردانه های خلق که زیر کار داشتیم گفتند که یکی از جوانان شعبه اخبار رادیو مواد زیادی از ادب شفاهی زبان اوزبیکی را گرد آورده است و در تدوین آنها به همکاری ضرورت دارد؛ زیرا به صورت کامل با زبان اوزبیکی آشنا نیست؛ چون شنیدند که او شاگرد من بوده، گفتند پس در ترجمه این مواد او را کمک کنم که با وجود نا آشنایی با زبان اوزبیکی آثار زیادی ثبت و گردآوری کرده است. و از آن روز به بعد، روزهای جمعه که هم محیط رادیو خلوت تر از روزهای دیگر بود و هم فشار کار زیاد نبود، از ساعت نه صبح تا یک بعد از ظهر می نشستیم و مواد گردآورده او را می خوانیدم و من ترجمه دری آنها را برایش می گفتم و او نیز برای سرعت در کار گفته های مرا روی نوار تیپ شعبه ی اخبار ثبت می کرد و بعد هرگاه فرصت می یافت آنها را به روی کاغذ انتقال می داد و با جمع و جور کردن جملات شان اوراق تایپ شده را از نظر من می گذراند تا در پس و پیش ساختن جملات در معنای آنها تغییری نیامده باشد. چندین ماه گذشت و بالاخره کتاب ترانه هایی از کرانه های آمو شکل گرفت که با تشبث شعور و همکاری حبیب الله رفیع و داکتر عنایت الله محرابی به پشتو و انگلیسی نیز ترجمه شد و کتاب کاملی به دست آمد و دریغا که تا کنون نیز چاپ نشده باقی مانده که این امر نیز قصهء درازی دارد.

آثار داکتر شعور در مورد زبانهای محلی کشور و منطقه ما در سه مورد خلاصه می شود:
آثارش در مورد زبان اوزبیکی، زبانهای کم نفوس افغانستان و زبان ترکی آذری.

آثار او در مورد ادب شفاهی اوزبیکان افغانستان سه کتاب اند: ترانه هایی از کرانه های آمو، نمونه های ادب شفاهی اوزبیکان افغانستان و تابتی متل لر یا چیستان ها.

کتاب آمو بویی قوشیق لری یا ترانه هایی از کرانه آمو که مجموعه دو نوع شعر شفاهی اوزبیکان کشور است صرف سوزوان ها یا دوبیتی های زنانه و قوشیق یا توره را در بر می گیرد که عمدتاً نظم مردان است. مواد این کتاب در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ توسط داکتر شعور از شمال کشور ثبت و گردآورده شده و در یک کتابی تدوین یافته است. برای فایده هر چی بیشتر این

مجموعه مواد و مطالب کتاب توسط اینجانب به زبان دری، توسط حبیب الله رفیع به زبان پشتو و به وسیلهٔ دکتر عنایت الله محرابی و انجینر محسن عابدی به زبان انگلیسی نیز ترجمه گردیده است. بخش نخست این کتاب حاوی ۲۳۳ قطعه سوزوان است که با مقایسه و مقابله در ۱۰۶ نمود یا تیپ خلاصه ساخته شده اند و در بخش دوم ۲۲۳ قوشیق مردانه در ۱۰۶ نمود مقابله گردیده اند.

این قطعات که عمدتاً از چهار منطقهٔ شبرغان، اندخوی، جمعه بازار شیرین تگاب ولایات جوزجان و فاریاب گرد آورده شده هر یک مرکب از یک تا شش نسخه بوده؛ تفاوت نسخه های آنها در پاورقی هر صفحه نشان داده شده اند.

کتاب مقدمهٔ تحقیقی مفصلی دارد از قلم داکتر شعور که در آن ها بعد از معرفی این دو نوع ادب شفاهی مردم اوزبیک کند و کاوی در بارهٔ سابقهٔ تاریخی آنها صورت گرفته بعد وجه تسمیه، شیوهٔ کاربرد، ساحة اشاعه و ساختار این دو ژنر مورد بازشناسی قرار گرفته اند. توفیق داکتر شعور در تألیف و تدوین مجموعه های آثار شفاهی زبان های مختلف کشور در آن است که او نه تنها با اساسات فولکلورشناسی به عنوان تحصیل یافتهٔ این رشته دقیقاً آشنایی دارد، بلکه با موازین ادبیاتشناسی، نسخه شناسی و پژوهش در ادب نوشتاری نیز در حد تخصص آشنایی دارد و این امر زمینهٔ آنرا برایش فراهم می آورد تا به اتکال بر نسخ خطی و آثار چاپی تاریخی و فرهنگی ریشه های بسیار از نمودها ادب شفاهی را در گذشته ها نیز پیگیری کند.

در مقدمهٔ کتاب مورد بحث او ریشه قوشیق های اوزبیک را تا نهصد سال پیش نیز پی گیری کرده نمونه های آن را از دیوان لغات الترک محمود کاشغری به دست می دهد و در مورد سوزوان نیز فرضیه ای پیش می کشد که آن را با دلایل و اسناد به کرسی می نشاند. او بدین باور است که سوزوان همان نوع ادبی تویوغ و یا تویوق است که امیر علیشیر نوایی در محاکمه اللغتین و ظهیر الدین محمد بابر در عروض رساله سی از آن یاد کرده و آن را خاصهٔ شعرای ترکی زبان خوانده اند. داکتر شعور با بررسی و مقایسهٔ ساختار وزنی تویوق و سوزوان اینها با هم مطابق یافته، یگانه تفاوت آنها در تلازم صنعت تجنیس در تویوق ها می داند و می نویسد که در رسالهٔ عروض بابر با آنکه بر تکیهٔ تویوق سراها را بر استفاده از انواع جناس درین نوع شعر تاکید صورت گرفته و این هنر شاخصهٔ اصلی تویوق شناخته شده است؛ ولی در نمونه ها قطعاتی آورده شده است که سوزوان اند و در آنها جناسی وجود ندارد و از طرف دیگر او می نویسد که خوانش تویوق ها با

موسیقی با استناد مقاصد الالحان عبدالقادر گوینده معروف به ابن غیبی موسیقیدان دربار شاهرخ در هرات، در قرن نهم هجری در کشور ما معتدلیات نامیده می شد، به قول ابن غیبی طبع اتراک را به این نوع موسیقی میل تمام بوده است. این نوع شعر که در بحر رمل محذوف سروده می شود نمونه یی از آن از قرن نهم چنین است:

سورمه مندن کیم نو بولمش یانه دور

کاتش عشقینگ جانم یانه دور

باردی دل بلمان که خانسی یانه دور

عمر کجدی ینه خاجن یانه دور

داکتر شعور نتیجه می گیرد که نوع شعری تویوق اوزبیک که پنجمصد سال پیش با این همه وسعت در ادب و موسیقی ترکان وجود داشته طبیعی است که باید ریشه در فرهنگ مردم و ادب شفاهی داشته باشد که بعد ها شاعران با التزام تجنیس آن را نوعی از ادب نوشتاری نیز ساخته اند. و از طرف دیگر او با بررسی وجه تسمیهٔ «سوزوان» عقیده دارد که این واژه در اصل سوزوه بان یا سبزه بان بوده است، زیرا زنان در شب های نگهداری مزارع خربوزه بیشتر این نوع شعر را برای سرگرمی دور از خانه میخوانده اند که از یک طرف آن را صیغهٔ زنانه داده و از سوی نامی مرادف فعالیت های زنان در فصل حاصل برداری از مزارع خربوزهٔ شمال کشور گرفته است. چنین خلاصه ها و نتیجه گیری ها که برای نخستین بار توسط داکتر شعور پیش کشیده شده است در پژوهش های ادب شفاهی اوزبیک نه تنها که در افغانستان بلکه در اوزبیکستان نیز بی سابقه است.

ترتیب فهرست های رهنمای محلات، سال ها و منابع ثبت مواد کتاب و فرهنگ لغات اوزبیک که در اشعار متن کتاب آمده اند از خصوصیات منحصر به فرد این کتاب غنیمت است و جای بسا خوشی است که امشب انجمن فرهنگی اوزبیکان افغانستان چاپ این اثر ارزشمند را که از سال ۱۳۵۶ تا کنون منتظر طبع مانده است، بعهدہ گرفتند. امید است که این کتاب هرچی زود تر به دسترس علاقه مندان قرار گیرد.

دو کتاب دیگر شعور یکی نمونه های ادب شفاهی اوزبیکان افغانستان که شامل بیشتر از

نوت:

این بیانیه، در همایش نقد و بررسی کارکرد های داکتر اسد الله شعور که به مناسبت ۵۵ مین سالروز تولد وی، به تاریخ ۱۷ دسامبر سال ۲۰۰۵ در دانشگاه تورنتو برگزار گردیده بود، ایراد شد.

«ایماق»

یک هزار سوزوان و قوشق، چهار صد تابتی متل یا چیستان و بیش از پنجاه سرود کار و محنت، پارچه های تمثیل زنان و دختران اوزبیک، اشعار در قالب های دیگر و پارچه های اله یا لوست

و دیگری مجموعه چیستان های اوزبیک هر دو خصوصیت ها کتاب بالا را دارند. مواد این دو کتاب توسط داکتر اسدالله شعور و استاد رحیم ابراهیم پروفیسر دانشگاه بلخ به صورت مشترک گردآورده شده است.

در زمینه زبانهای دیگر کشور کتاب «نمونه های ادب شفاهی زبان های کم نفوس افغانستان» نیز کار ارزشمندی از جناب داکتر شعورست که شاید دوستان دیگر در مورد آن صحبت کنند و من صرف این نکته را در مورد مواد این اثر وی یادآوری می نمایم که مؤلف درین کتاب برای نخستین بار نمونه های از سروده های زبان های شغنی، بلوچی، پشه یی، کاتی نورستانی، ترکمنی، پراچی و مانند اینها را گردآورده با ترجمه تحلیل و تفسیر آنها پرداخته است که فصل ترانه های شغنی آن یک بار در مجله صریر چاپ هالند و بار دیگر با اضافات در شماره سوم مجله مردمنامه باختر چاپ تورنتو به نشر رسیده و فصل بلوچی آن نیز به صورت فشرده در مجله آشیان و سپس هفته نامه شهروند چاپ شهر تورنتو منتشر گردیده است. امید داریم چاپ مستقل این اثر را که برای نخستین بار نمونه های وافر آفریده های شفاهی ملیت های با هم برادر افغانستان را ارائه می دهد شاهد باشیم.

کتاب «ترانه های از کرانه های خزر» یا «خزر قیراگی نین بایاتی لاری» که مجموعه در حدود ۳۵۰ بایاتی زبان آذری است که به شیوه معیاری و سیستماتیک تألیف یافته و گنجینه ی دیگری از فرهنگ و هنر مردمان ترک تبار را جلو روی خواننده قرار می دهد. چون دانشمند ایرانی استاد پناهی سمنانی در مورد این کتاب تقریظ مفصلی نوشته اند نظریات خود را پیرامون این کتاب داکتر شعور فعلا ازین مقاله حذف می کنم تا برای مجلس تجلیل از شصتمین زادروزش تکراری نباشد.

برای این شاگرد و همکار و همسرته عزیز خود عمر طولانی و پربارتری آرزو می کنم و از خداوند برایش توانایی های زیاد تر استدعا دارم تا در روشن ساختن هرچه بیشتر زوایای فرهنگ و ادب توده های زحمتکش و همیشه تحت ستم کشور عزیز ما افغانستان مشر کار های بیشتر و نکوتری گردند.

نیکو داشته است.

دوره تیموریان هرات بانام امیر علیشیر نوایی رابطه ناگسستی دارد. اساسگزار مکتب میناتوری هرات استاد کمال الدین بهزاد در این دور، شهره آفاق گشت. مدارس، مساجد، شفاخانه ها، پلها و سایر ابنیه، در زمان حضرت نوایی قد برافراشته بود. او، شاعران، نویسندگان و دانشمندان را دور خود جمع کرد و به تشویق و ترغیب آنان همت گماشت.

مردم افغانستان، به شخصیت عالی و انساندوستی نوایی ارج میگذارند. نام و آثار نوایی در ادبیات شفاهی مردم ما به خوبی انعکاس یافته است.

دولت جمهوری افغانستان به پاس خدمات ادبی و فرهنگی این بزرگمرد تاریخ کشور، آثار گرانبهای او را به زیور طبع آراست و محافل ادبی را به راه انداخت. از جمله میتوان سمپوزیم شاندار امروزه را یادآور شد.

حضار گرامی!

مقاله من درباره آنچه که در بالا تذکار یافت به زبان تورکی اوزبیکي نبشته شده است. حال به اجازه شما به خوانش آن میپردازم:

امیر علیشیرنوایی اولوغلر عایله سیدن بؤلسه ده، محنتکشلر، ایل - اولوسدن اوزاقلشمه گن. قیشلاق و اوول ده یشیدینگن لر، کسبه کارلر، شهرلیکلر و برچه محنتکش اولوس بیلن نه فقط علاقه ده بؤلگن بلکی، اولرگه، جودده هم رابطه سی یخشی بؤلگن لیگی، تورکی تیل و دری تیلده گی ایجادیات و اثر لریدن یققال نمایان بؤلیب توربیدی.

اونینگ آتاریده، بو مطلب نینگ گواهیگی نیچه شکلده کؤزگه تشله نه دی. ییری بوکی خمسه مثنوی سی نینگ شرح و بیان و مضمونی نی مخصوص صورتده، مطالعه ایتیش و ۶۰۶- انچی هجری ییلده امیر علی شیر نوایی حیاتی نینگ سؤنگی وقتلریده کسبه کارلر و استادلر و تورلی - تومن مسلکلر ایگه لری شانینگه تألیف قیلگن «محبوب القلوب» اثریگه دقت ایتیش بیلن یوقاریده گی فکریمیزی اثبات ایتنه آله میز.



امیر علیشیر نوایی

خطابه

به مناسبت ۵۵۰ - مین سالگرد تولد امیر علیشیر نوایی

آدمی ایرسنگ دیما گیل آدمی آنی کیم یوق خلق غمیدین غمی

«نوایی»

دانشمندان محترم، مهمانان عزیز و حضار گرامی السلام علیکم و رحمت الله و بركاته!

میخواهم، مقاله خود را که درباره (حیات و آثار) امیر علیشیر نوایی شاعر شهیر، متفکر بزرگ و شخصیت ادبی افغانستان به زبان مادری نوایی بزرگمرد تاریخ نوشته ام بخوانش بگیرم.

اجمالی از آنچه که برشته، تحریر در آمده است:

باید گفت امیر علیشیر نوایی اگر چه از فامیل بزرگان به شمار میرفت ولی هیچگاه از مردم عادی دوری نگزیده است. او با ده نشینان، کسبه کاران و قاطبه مردم علاقه و رابطه حسنه و

علیشیرنوایی یاشلیگیده آسایشته، کونگلده گیدیک، علم آلامه ی مشققت چیکدی. هراتده یشش خوفلی بؤلگه نی باعث، سمرقندگه جؤنه ب کیتدی. لیکن کینچه لیک، دولت ایشلری گه اره لشدی، سیاسی و اجتماعی حیاتگه اؤز تاثیرینی اؤتکزدی .

او، بیرنچه مراتبه اؤز التماسیگه بناؤ وزیرلیک لوازمیدن چیکلندی، سیاستدن قؤل تارتدی و خلققه یقین بؤلشگه اوریندی. سیاسی دایره دن چیکله نیب، خلق بغریگه اینتیلدی. نوایی اؤز قصیده لری نینگ بیرقسمیده شاهلیکنی قاره له یدی. شاهلیک نینگ آرتیقچه مصرفی و خره جه تینی تنقید آستیگه آله دی و بولرنی مملکت سقوطی (مملکت تۇنتریلیشی - توبن لیککه یوز توتیشی) دیب بیله دی. اینیقسه اونینگ «فانی» تخلصی بیلن دری تیلیده یازگن و عبدالرحمن جامیگه بغیشله گن «تفکر تحفه سی» ناملی قصیده سیده، شاهلردن فقط ویرانه گرچیلیک کیلیشی نی بدیعی یوکسک بیتلر آرقه لی افاده لب بیره دی:

آتشین لعلی که تاج خسروان را زیور است
 اخگری بهر خیال خام پختن در سر است
 شه که، یادی مرگ نارد زوست و ایرانی ملک
 خسرو بی عاقبت خسر بلاد و کشور است
 قید زینت مسقط فر و شکوه خسرو یست
 شیر زنجیری ز شیر بیشه، کم صولتر است
 لازم شاهی نباشد خالی از درد سری
 کوس شاه خالی و بانگی غلغش درد سر است

مضمونی:

یالقین لنگن لعل، شاهلر تاجیگه بیزه ک بؤلسه، باشده گی خام - خیالدر عمانیگه داش بیروچی چوغ هم دیر. خسرو - پادشاه سؤزی عاقبت سیز بؤلسه، یعنی اونینگ آخرگی حرفی (بو

بیرده معما صنعتیگه عمل قیلینگن) توشیب قالسه، خسرو - ویرانلیک بؤلگه نیدیک، «خسرو بی عاقبت»، عاقبتی نی اوپله مه ی دیگن پادشاه هم مملکت گه ویرانه گر چیلیک کیلتیره دی. زینت گه بیریلگن شاهلر نینگ قصری، تیزده ویرانه لیککه یوز توته دی. نیگه کی، زنجیربند شیردن کوره، چؤل - بیابانده یورگن شیرنینگ هیبتی و صولتی زور و کوچلیراقدیر.

پادشاهلیک، باش آغرلیک دن اؤزگه، نرسه ایمس. آخر ایچی بوم - بؤش ناغاره نینگ شو قینی باش آغریته دی، خلاص.

امیر علی شیر نوایی وزیرلیگی دوریده، هراتده و قوشنی شهرلرده هنر، همده مدنیت مجموعه سی، آنچه گینه شهکار لر وجودگه کیلدی. چنانچه هرات، اؤشه وقتده خطاطلیک صنعتی بویچه اینگ یوقاری درجه گه کؤته ریلدی. صنعت شناس عالم و دانشمند لرنینگ گواھلیک بیریشلریچه بؤنده ی چیرایی کتابلر دنیا نینگ هیچ بیر پوچماغیده یره تیلمه گن، فقط تیموریلر دوریده گینه منه شونده ی نقاشلیک صنعتی، اینگ یوقاری پاغانه گه ییتگن.

هرات میناتور لیک مکتبی نینگ اساسچی سی، بوتون جهان میناتورلیگی صنعتی نینگ آته سی استاد کمال الدین بهزاد هم خوددی شو دورده علیشیر نوایی قؤل آستیده تریبه تاپیلگنلیگی، بونینگ یارقین دلیدیر.

اولوغ متفکر علی شیر نوایی زمانیده معمارچیلیک، شهر سازلیک صنعتی کؤپ ترقی ایتدی. بو ساحه ده هم کؤپ گینه استعداد لی معمارلر، نقاشلر، درادگارلر تریبه له نیب ییتیشتیریلدی. دانشمند شاعر، ذکا سیاستچی، تدبیرکار وزیرنینگ بیواسطه ترغیباتی و تشبثی بیلن مهابتلی مدرسه لر، شفاخانه لر، کروانسرایلر، کوپروکلر، حماملر و باشقه کؤپ گینه عاموی بناء لر قوریلدی، تورلی کتابلر، علمی و هنری اثرلر کؤپه یتیریلدی. نوایی اؤز اطرافیکه مشهور یازوچیلرنی، شاعرلرنی، دانشمند عالم لرنی تۆپله دی. موسیقی نی کوچه یتیریشیگه علیحده اعتبار بیردی. اونینگ اؤزی هم موسیقی نی یخشی بیلر ایدی. عموماً آگنده، اولوس و خلق منفعتی نی کؤزله ب فقط گینه خراسانده ۳۷۰ بناء قوردیرگن. امیر علی شیر نوایی، تورکی خلقلرنینگ گینه ایمس، جمعیکی افغانستان و ایران منطقه لریده گی برچه خلقلر مدنی ترقیاتیکه هم اولکن حصه قؤشدی. شو باعث، بو اولوغ متفکر افغانستان و اؤزبیکستان خلقلری اوچون مشترک بیر شخص حسابله نه دی.

سوز دل

خمسه لری یانیده

انگشوانه قۇلیده

تورت اوغیل نینگ آنه سی

کتنه باغ نینگ ایگه سی

آق کشمش نینگ نینگ غوره سی

ملا بچه ایگه سی

اۇغیشاه ملاگه بیر سلام

خلق – شو طریقە سادده صمیمی نشانگه اوروچی سۇزلر یارد میده، معنا برکمال، نورانی آنه تصویرى نى ماهرانه چيزدى. علیشیر نوایی اثر لری خلق کتابلری بۇلیب قالگن لیگی نى جانلی تصویر ایته دى .

بیز نینگ اینگ سیوملی قۇشیقچیمیز عزیز الله میمنه گی ریپورتوریده گی اندخوی نینگ قالین لری قۇشیقیده ایسه:

قۇلیده نوایی، بیدل،

میده - میده اۇقیدی

اندخوی جان نینگ قیز لری،

عجب قالین تۇقیدی

دیپ کۇیله نه دى. زیرا نوایی خوانلیک افغانستان اۇزیبک لری اره سیده هم عصرلر دوامیده عنعنه گه ایلنگن عادت، مدنی میزان حسابله نه دى!

سوز دل

اینیقه بیز افغانستانده یشه یدیگن اۇزیبکلر و باشقه تورکی خلقلر، نوایی نى بغایت حرمت قیله میز- اعزازله یمیز، اونینگ اثری نى سیویب اۇقیمیز.

محترم دانشمندر!

سیز لرگه معلومکی، افغانستان تورکلری مملکتیمیز نینگ شمالی منطقه سیده یشه یدیلر. بولر نینگ سانى انیق ایمس.

افغانستان نینگ مشهور یازوچیسى و تاریخچی عالمی پروفیسر داکتر عنایت الله شهرانی، اۇزی نینگ «تاریخچه نژاد ها و اقوام در افغانستان» اثریده شونده ی یازه دى: «بوگونگی کونده جهانده اوچ یوز ایلیک میلیوندن آرتیق خلق، تورکی تیلیده سۇزلشه دى.» اونگه کوره، افغانستانده گی تورکی خلقلر سانى، «بیز اکثریت میز» ادعاسی بیلن، امتیاز خواهلاوچی خلقلر سانیدن انچه کۇپدیر.»

مینگ افسوسلر بۇلسینکی، کیچمیشده، افغانستانده استقامت قیله یاتگن تورکی خلقلر تیلی رواجی یۇلیده تورلی دولتلر تامانیدن تۇسقینجیلیک و قره مه قرشیلیک قیلینگن، شو باعث خلقیمیز سواد سیز بۇلیب قالیشگه مجبور ایتیلگن.

شونگه قره می، تورکی خلقلر اینیقه اۇزیبکلر اۇز قصبه لریده اوزین قیش کیچه لری نوایی خوانلیک مجلس لرینى اویوستتیریب، تانگ آتگونچه اونینگ شعرلرینی اۇقیشدن، تینگلشدن چرچه مس ایدیلر، اصلا. اۇزیبک یاشلری سواد چیقه ریش نیئیده، محله مدرسه لریده نوایی شعریتی اۇقیشر دى .

بوتون افغانستان خلقی جمله دن افغانستانده یشیدینگن اۇزیبک ملتی اولوغ شاعر و متفکر علی شیرنوایی نى صدق دلدن سیویشلری نى حیات کتابی دیب بیلیش لری نى کۇرسه توچی مثاللر کۇپله ب اوچره یدی. چنانچه مراسم فولکلوریگه منسوب کیلن سلامیده قوییده گی مصراعلرنی اوچره ته میز:

ملیتلر ایشی عمومی ریاستی، کابلده شورالر اتفاقی مدنیت اوبیده، کابل دارالفنونیده علمی بیغیلشیر بؤلیم اؤتدی. شونینگ دیک اطلاعات و کلتور وزارتی قاشیده گی رادیو تلویزیونی آرقه لی خاص پروگراملر عملگه آشدی. شوکی مطبوعات واسطه لری روزنامه - مجله لرده کینگ ترغیبات ایشلری آلیب باریلدی.

بوگون ایسه، اولوغ شاعر میر علیشیر نوایی تولدی ۵۵+ ییللیگی مناسبتی بیلن اویوشتیریلگن شکوهلی سمپوزیم شاهدی بؤلیمک. بو سمپوزیم توزیلیشیده نوای اخلاصمند لری نینگ ماددی و معنوی حصه لری اولکن .

عزیزلر!

صحبتیم نی یکونلر ایکن من، نوایی نینگ بیر ارادتمندی و صافدل اولادی صفتیده، افغانستان جمهوریتی فنلر اکادمی سی، باشقه دولت موسسه لری و نوایی اخلاصمندلری نینگ بو اولوغ توی - طنطنه سیگه کورستگن ماددی - معنوی یاردملریدن صمیمی منتدار چیلیگیمنی اظهار ایتیشگه رخصت بیرگه یسیز .

اعتبارلرینگیز اوچون تشکر

این خطابه در سمپوزیم ۵۵+ - مین

سالگرد تولد امیر علیشیر نوایی

در سال ۱۳۹۱- در کابل ایراد شد

محترم دؤستلر!

افغانستان جمهوریتی باش قانونی نینگ ایککینچی بابی، ۱۴-انچی ماده سیده قید ایتیلگه نیدیک: «دولت خلق مدنیتی، تیل و ادبیاتی نی رواجلتیریش مقصدیده کیره کلی تدبیر - چاره لر کوریب، برچه ملت، اوریخ - ایماق، قبیله لر مدنیتی، عرف - عادتلی، تیل، ادبیاتی، فولکلور و شایسته میراث لرینی سقله ب، انکشاف بیره دی.»

جمهوری دولتمیز، افغانستان کلتوری جمله دن افغانستان خلقی نینگ افتخاری گه قازانگن اولوغ شاعر، متفکر، سؤز ملکی نینگ سلطانی، بویوک سیاستمدار امیر علیشیر نوایی اولمس سیماسینی ارداقلش و ۵۵+ - ییللیگی تولدی مناسبتی بیلن دیبرلی کوزگه کورینه دیگن، آلقیشگه سزوار ایشلرنی عملگه آشیریب کیلدی. جمله دن مینینگ بیلشیمجه، قندوز ولایتیده گی اوزبیک لر یشیدگن محله کؤچه سی نیچه ییل آلدین نوایی نامی بیلن اتلدی. علیشیر نوایی ترغیباتی ایشلریگه یخشی یول اچیلدی.

۱۳۶۰ - انچی ییلده بؤلیم اؤتگن «علیشیرنوایی واوونینگ زمانه سی» موضوعیده گی علمی مجلس زمینی بویوک شاعر ایجادینی اؤرگه نیشی نینگ اؤن ییلگه مولجلنگن تدقیقات باشلنگن ایدی. مجلس گه اوزبیکستانلیک نوایی شناس عالم محترم عزیز قیوم اوف جنابلری قتنشگن ایدیلر. بو مجلس مناسبتی بیلن علی شیر نوایی نینگ «فانی» تخلصی بیلن یازیلگن دیوانی «مکارم الا خلاق» اثری، بارتولد نینگ «میرعلی شیر نوایی و سیاسی حیات» کتابی دری تیلیگه ترجمه قیلینب، چاپ ایتیلدی.

شو نینگ دیک دری، پشتو و اوزبیک تیللریده اولوغ شاعر نینگ ایجادیگه عاید کؤیگینه مقاله لر اعلان قیلیندی.

منه بو گون اولوغ بابا میز حضرت امیر علیشیر نوایی تولدی ۵۵+ ییللیگی مناسبتی بیلن افغانستانده کتته تیارگریک کوریلدی. نوایی نینگ محاکمه اللغتین، مجالس النفایس و خمسه کتابلری دولت تامانیدن باسیلیب چیقدی. شو نینگ دیک، بلخ ولایتیده، وزیرلر شوراسی برادر

السلام عليكم عزيز وطنداشلىر و تيلداشلىر!

اولاً بار سيزلرنى نوروز عالم افروز بيلن صميمى مباركباد ايتيب، بو اولوغ ايامده سيزلرگه يره تگدن، تن سلامتلىك، بخت - سعادت تيله ب، جانه جان انه وطنمىز افغانستانگه ايسه، آسايشته ليك و فراوانلىك تيله يمن.

بوگون كانادا مملكتى، گووالف شهريده سيز قانداش برادرلريمىز اشتراكيده ففتا نينگ بيرينچى ييغىلىشى بۇليب اۇتماقده .

بو ييغىلىشگه ايكي بويوك شخصيتلر يمز امريكا قۇشمه ايالتلىرى انديانا ايالتى، همده كانادا مملكتى كلگرى شهريدن تشرىف بويورگنلر. بو جنابلر محترم پروفيسر داکتر عنایت الله شهراىنى و استاد محمد ايوب ساعى بۇله ديلر. اينگ اولو بو جناب لرنينگ اوزاق منزللرنى باسيب كيلگنلىرى اوچون تشكرلر اظهار ايتيب، قديملىگه حسنات ديمن .

محترم دوستلر، عزيز اينى - آغه لر!

بو ييغىلىشده سيز تماندن مذکور فدراسيون نينگ كانادا بۇيله ب وكيلى نماينده سى سه يلندى. سيز، بو، سه يلاوو ده بير اوزده كمينه «ايماق» نى كانادا بۇيله ب (افغانستان توركلرى مدنى فدراسيونى) عمومى رييسى ايتيب سه يله دينگيز. ديمبىك مينينگ ذممگه ينه ده يوكسك، مسووليتلى مدنى وظيفه لر يوكلندى. مين بو آغير و مسووليتلى بورچ نى به جان و دل قبول قيله من، البته .

مىنى وكيلىنگيز ايتيب، سه يله گه نينگيز مناسبتى بيلن چيندلن تشكر بيلديره من. سيز نينگ مينگه نسبتاً بيلديرگن ايشانچينگيزنى آقله يمن، خدا خواهله سه. مين سيز نينگ خدمتگارينگيز من. «من چاكر شما هستم برادران گرامى!»

اجازه تينگيز بيلن تورك اۇزبيك خلقى مدنيتى نى رواجلنتيريش بۇليده گى عملگه آشيرگن كمترين خدمتلىمنى قيسقه چه، ايسله تيب اۇتماقچيمن.

كانادا مملكتيده، «فتا» تشكىلاتى اچىلىشى

مناسبتى بيلن داکتر ايماق نينگ بياناتى



داکتر ايماق - صحبت چاغیده

ایلیک مراتبه، تورک اؤزبیک، تورک تورکمن آغزه کی ادبیاتی نمونه لری، مینینگ یاردمیم بیلن، کانادا مملکتی، تورنتو شهریده باسیلیب چیقہ دیگن اندیشه نو آینامه سیده باسیلیب چیقماقده. ۲۰۰۶- نچی بیل دن باشله ب حاضرگه قدر ایلیک مراتبه افغانستان تورک اؤزبیک خلقی آغزه کی ایجادینی ترغیبات قیلش مقصدیده، ویب سایت آچیشگه موفق بؤلدیک. بو سایت ده افغانستان تورک اؤزبیک شاعر لری حیاتی و ایجادینی تیشیتیریش نییتی ده «ادب گلشنی» نامی آستیده رادیو میز هم بار.

ویب سایت آدرسی قویده گیچه: www.dordanalar.info

ایلیک مراتبه، افغانستان تورک اؤزبیک شاعرلری حیاتی و ایجادیکه عاید مقاله لریم اؤزبیک و دری تیللریده، تورنتو شهریده باسیلیب چیقہ دیگن آشیان، اندیشه نو و نایاب مجله لری، همدہ استانبول ده هر ییلی بیر مراتبه چاپ بؤله دیگن (بیدلستان و گلدسته ایکی کتاب بیر جلد ده) مجموعه سیده، اوزیل - کیسیل چاپ بؤلماقده.

ایلیک مراتبه ۲۰۰۶- ییلدن باشله ب (نوید) دستوری، (آریانا افغانستان) خلق ارا تلویزیونی آرقه لی اؤزبیک تیلی ده کؤرسه تو لرنی یؤلگه قؤیدیم.

ایلیک مراتبه، (افغانستان ملی تلویزیونی) اؤزبیک پروگرامی آرقه لی سه شنبه گونلری تورنتو وقتی بیلن ظهر ساعت ۳:۲۰ ده ترقه له دیگن (فولکلور- خلق قلبیده گی دینگیزدیر) دستوری نی آچیشگه موفق بولدیم. ۲۰۰۹ - ییل ۲۴- مارچ کونی ۱۲- نچی پروگرامنی تیارله ب جونتگن برنامہ م مذکور تلویزیوندن نشر بؤلدی.

ایلیک بار، تورنتو شهریدن ترقه له دیگن (سیمای شرق) دستوری، (پیام افغان) چینلی آرقه لی چهارشنبه کونلری تورنتو وقتی بیلن کیچ ساعت ۷-۹ ده نشر بؤله دیگن «آیدین» ناملی کؤرسه توولرینی آچیشگه موفق بؤلدییم.

کمینه - اندخوی نینگ قورغان تومه نی، باغبوستان قیشلاغیده بیر کمبغل دهقان اما، مدنیت سیور عایله سی ده تولد تاپدیم . تورک اؤزبیک فرزندى من.

ایلیک مراتبه، هجرى ۱۳۵۰- نچی ییلی، افغانستان رادیوسی قاشبیده محلی راد یو دستورلر، جمله دن تورک اؤزبیک-تورک تورکمن، بلوچی، نورستانی و پشه یی تیللریده گی برنامہ لرگه اساس سالدیم و باشقه دؤستلریلن بیرگه لیکده، اؤزبیک پروگرامی نینگ نطاقی صفتیده خدمت قیلدیم. شونی ایتیب اؤتیش جایزکی، رادیو ایشیتتیریشلرده عمر یولداشیم بی بی حاجی انابت ایماق مینگه یانمه - یان یاردم بیریب کیلگن.

ایلیک مراتبه «خلق در دانه لری» ناملی مجموعه م، اوزبیک - دری تیللریده ۱۳۵۹- ییلی کابلده باسیلیب چیقدی.

ایلیک مراتبه، اؤنله ب اؤزبیک و تورکمن خواننده لری نینگ قؤشیقلىرى، اینیقسه، فولکلور ژانریده گی قؤشیقلىرىنی، رادیو افغانستان سندیولریده ثبت. ایتیردیم ایلیک مراتبه، مین، عمر یولداشیم و قیزیم بیلن بیرگه لیکده ، تاشکند رادیو سی ده اؤزبیک، دری و پشتو تیللریده نطاقلیک قیلیب، افغانستان خلقی، اینیقسه، تورکی خلقلر مدنیتی نی جهانگه تیشیتیریشگه حرکت قیلدیک.

ایلیک مراتبه، «خلق دردانه لری» مجموعه سی، تاشکندده کریل سرلیک خطی ده باسیلیب چیققن دن سؤنگ، مرکزی آسیا خلقلری، افغانستان اؤزبیکلری آغزه کی ادبیاتی در دانه لریدن خبردار بؤلدیلم.

ایلیک مراتبه، تاشکندده (افغانستان اؤزبیکلری آغزه کی ایجادلری) عنوانی آستیده تدقیقات آلیب باریب، دوکتورلیک علمی درجه سینی آلیشگه موفق بؤلدییم.

ایلیک مراتبه، تاشکند ده «سوزوان» ناملی مجموعه سینی چاپ ایتتیردیم.

ایلیک مراتبه سوزوان قؤشیقلىرى یازیلگن سی دی نی تاشکند رادیو سی سندیولریده تیار له دیم.

عزیز وطنداشملر و قدردان مهمانلر!

دانا خلقيميز ده «خلق يخشيليك نى اونيتمس» ديگن مقالى - ضرب المثللى بار. بو گون مين شو ضرب المثل نينگ حياتده تطبيق بوليشى، اوز عكسبىنى تاپيشبىنى شاهدى بولديم، ديسم مبالغه بولمه يدى.

بوگون سبز وطنداشملر، مينينگ يوقاريدده گى كمتري مدنى ايشلريمنى انابت گه آليب، «فتتا» نينگ كانادا بويله ب وكيلى ايتيب، سبله گه نينگيز- بير نيچه عصر آلدين، آته - بابالرينگيز تمانيدن ايتيلگن مقاله رعايه ايتگه نينگيزدن يارقين دلبدير.

هه، خلق - يخشيليكنى اونيتمس ايكن، هيچ قچان!

محترم ايلداشملر!

ينه بير كرره، سيزدن اوز منتدار چيلگيمنى، اظهار ايتيشگه رخصت بيريشينگيزنى سوره يمن.

حاضر ايسه، اجازه تارينگيز بيلن، تورك تىلى تاريخى و اونينگ منزلتى حقيده قيسقه چه، سيزلرگه معلومات بيرماقچى من.

تورك تىلى تاريخى و اونينگ منزلتى:

تورك تىلى، جهان تيللرى مابىنى ده، اينگ قديمى و قاعده لى تيللر سيره سيگه كيره دى.

ايلكباز انسانلر بو تيلده سوزلشگن و جهان تيللرى نينگ اكثرىتى، توركى تىلى ايلديزيگه مالكدير.

بو تيل ييگيرمه مينگ يليلك تاريخگه ايگه بوليب، قديمى فيزىل تيريليكلر قريپ ييگيرمه مينگ ييل مقدم، مركزى آسيا (شرقى مغلستان) منطقه لريدن، شرق تمانگه يول آلگن لريده (برينگ) آره ليغى آرقه لى امريكا الاسكاسيگه ييتيب بارگنلرى ده، توركى تيلده سوزله شر ايديلر.

افغانستان نينگ اتاقللى يازوچيسى، تاريخچى دانشمندی پروفيسر داکتر عنایت الله شهراى، اوزى نينگ (تاريخچه نژادها و اقوام در افغانستان) اثریده شونده ی یازده دی:

بو گونگى كونده جهانده (اوج يوز و ايلليك ميليون) دن آرتيق خلق، توركى تيلده سوزله شه دى. شونينگ ديك، افغانستانده استقامت قيله ياتگن توركى خلقلر سانى، باشقه قوم و ايلتلردن كم ايمس،- ديسك مبالغه بولمه يدى شونى ايسله تيب اوتيش كيره ككى، توركى تىلى نى توزيشده، اينگ مشكل فورموللردن فايده له نيلگن.

نيكتا هايدين خانم، يورتوم ناملى اروپاليك موسسه سى نينگ تيلشناسى گپى گه قره گنده، انسان، بو تيلنى ايشله ب چيقاريش كوچيگه قادر بولمه گن پيتده، كوكده گى موجودات، بو تيلنى يره تيشگه اورينگنلر.

شو بيرده توركى تىلى بولنمه لرى حقيده توخته لىب اوتماقچى من. بو تيل قويدده گى آلتى گروه گه بولينه دى:

اوغوز توركى سى ۲- قبقاق توركى سى ۳- سايبريا توركى سى ۴- قارلوق توركى سى ۵- ساحاد يا ياقوت توركى سى ۶- چاووش توركى سى.

افغانستان نينگ بويوك يازوچيسى و تدقيقاتچيسى برهان الدين نامقغه كوره، توركى تىلى قويدده گى ۱۶ شيوه - لهجه يا كه تيل گروهيگه بولينه دى:

ياقوتلر، چاووشلر، قيرغيز، قزاق، شرقى توركستان توركلرى ياكى اويغورلر، اوزبيكلر، توركمنلر، قازان توركلرى، باشقرد، غرب توركلرى، توركيه توركلرى، آذربايجان، عراق و سوريه توركلرى، قفقاز شماليده گى توركلر (قوموق- نوقاي)، كريميه توركلرى، بالقان، توركلرى، قاقاوزلر يا گوك اوغوزلر (رومانيه ده گى مسيحي توركلر) آلتاي توركلرى، خاكاس توركلرى، آبا قان، تووا يا سوبون توركلرى. بو توركى تيللرى و شيوه لرى آره سيده فقط ياقوت و چوواش تىلى باشقه تيللردن فرق قيله دى. توركلر نينگ تورلى قوم لرى جهان نينگ (۸) ينگى مستقللكه ايريشگن جمهوريتلر و (۲۰) دن آرتيق مستقل جمهورى و خود مختار مملكتلرده استقامت قيليده دى.

آغاز: آغیز (دهان، مطلع، ابتدای هر چیز).

شونینگ دیک، اتاق، اوجاق، اخته، آذوقه، اوردک، اردو، آرزو، استاد، آستر، آستین، آسمان و یوزله ب تورکی لغتله فارس تیلی ده ایشله تیلله دی.

پروفیسر داکتر قیام الدین راعی برلاس گه کوره، بعضی بیر مغل و تورکی سؤزلیکلری پشتو تیللیده فایده له نیب کیلماقده. مثال صورتده:

خان: بو سؤز مغل لر نینگ لقبی صفتیده فایده له نیب، مملکت نینگ بیرینچی شخصی گه ایتیلله دی. بو سؤز نینگ معادلی- شاه دیر. خان نینگ زوجه سی - عیالی خانم بوله دی. یعنی ملکه.

شونینگ دیک، بیک، تورک قبیلله لر نینگ ریسی لقبی دیر. ریسی نینگ عیالی بیگم. بو لقب، هند و پاکستان مسلمانلری اؤرتله سیده کینگ طرزده فایده له نه دی.

اولوس: مغول تیللیده (ملت) معنا بیرله دی. پشتو تیللیده هم شو معنا ده ایشله تیلله دی. اولوسی جرگه. ملی مجلسگه ایتیلله دی.

لوی: مغول تیللیده تمساخته معنا بیرله دی. مجازی معناده (بزرگ) دیر.

آنا- آنه: تورک تیللیده (مادر) معنی بیرله دی. بو سؤز پشتو تیللیده هم ایشله تیلله دی. نازو آنا. احمد شاه درانی نینگ آنه سی.

اتن: آتماق دن آلینگن. تورکی تیللیده (انداختن، دست و پا انداختن) معنی بیرله دی. بو گونگی اتن ملی، تورکیه نینگ شمالی منطقه لریده ملی رقص صفتیده تانیلگن.

خیل: (عشیره- طایفه) معنی بیرله دی. طوطا خیل، ابراهیم خیل. بو کلمه ایل شکلیده ایران مغوللری اؤرتله سیده فایده له نیلگن.

کوچ: کوچی (چادر نشین) کؤچماق سؤزیدن آلینگن.

آذربایجانلیک عالم محمد صادق نایبی اؤزی نینگ (یک هزار واژه اصیل تورکی در فارسی) کتابیده شونده ی یازه دی:

انگلیس تیلی تکنالوزی تیلی بولیشیگه کوره، کؤپ تیللر نینگ علم - فن سؤزلیکلرینی افاده لاووجی تیل حسابله نه دی. تورکی تیلی سؤزلاووجی لری ایسه، مینگ ییللر دوامیده شرق عالمیده حکومت قیلگنلری، انگلیس، اسپانیا، ختای، روس، آلمان و باشقه خلقلر نی اؤز بیراگی آستیده سقله گه نی باعث، تورکی تیللر اؤرنی یققال نمایان بولیب توریبدی، البته.

اساساً تورکی تیلی نینگ ایزی سیزیلمه یدیگن تیل، بیر کرره سیده یوق دیسک مبالغه بولمه یدی. بو باره ده چقور و هر تمانله مه تدقیقات آلیب بارگن علملیک و بیلملیک اروپالیکلر شونده ی خلاصه چقورگن:

ایتالیا تیلی نینگ ۴۰٪، انگلیس تیلی نینگ ۲۰٪، آلمان تیلی نینگ ۱۷٪، و باشقه تیللر هم تورکی سؤزلیکلر و لغتلردن تشکیل تاپگن. اگر تورکی تیلی بولمه گنده، مذکور تیللر نینگ بیر قسمی آلیب تشله نر ایدی.

آذربایجانلیک عالم محمد صادق نایبی نینگ (یک هزار واژه اصیل تورکی در فارسی) کتابیدن فارسی تیللیده ایشله تیلله دیگن تورکی لغتلردن مثال کیلتیرماقچی میز:

آیین: اویون = جشن معنا سیده. ختای تورک لری نینگ اینگ قدیمی جشنی بولمیش بیر م لریدن حسابله نه دی.

آتش: آت (آتماق- انداختن) + یش = پرتاب دو طرفه، جرغه.

اوتو: اوت (اوتمک = پاک کردن، زدودن ناپاکی، به آتش گرفتن پشم). وسیله صاف کردن چین و چروک).

آشامیدن: (وام گرفته شده از مصدر تورکی) آشاماق (خوردن) معادل فارسی آن نوشیدن.

دوستلر! مین گووالف شهريني، افغانستان نينگ توركي زبان خلقلري استقامت قيله ياتگن اندخوي يا كه، ميمنه يا كه، شبرغان شهريگه تقفاسله يمن. بو شهرده افغانستان نينگ توركي زبان خلقلري تۇپلنگن. بو خلق، يعنى سبزلر، اۇز انه تيللرينگيز بۇلميش توركي اۇزبيكي، توركي توركمنى تيللرده گپله شه سبز. شو نينگ ديك، گووالف خلقي نينگ برچه عنعنه لري، رسم - رسوملري، توي حشملمري و مرکه لري توركانه اۇزبيكانه، توركانه توركمنا، اۇتكه زيله دي.

خواهي نخواهي ملي عنعنه لر، رسم - رسوملريميز زمان اوتيشي بيلن اۇزگه ريب باره دي. اينيقسه غرب نينگ ناجايز عادتلري، ياشلريميزگه سلبى تاثير كورسه تيشي ممكن.

انه شونده ي ناروا عادتلر نينگ االديني آليش، اته - بابالريميزدن بيزگه ميراث بۇليب قالگن عنعنه لرنى سقله ب قاليش، و باي مدنيتيمز نى ياشلريميزگه اۇرگه تيش، انه تيليميز و ادبياتيميز نى رواجلتيريش مقصديده، (افغانستان توركلري مدنى فدراسيونى) تشكيل تاپگن ديسك، مبالغه بۇلمه يدى. پس شونده ي ايكن، بو فدراسيونى جان و دلدن قولله ب - قوتله شيميز دركار، حمايه قىليشيميز لازم.

محترم قرينداشر! مدنى فدراسيونيميز نى حمايه قىليش اوچون اينگ اولان نيمه قىليشيميز كيره ك بۇله دي؟

اته - بابالريميزدن بيزگه ميراث بۇليب قالگن پند و نصيحتلرگه قولاق توتيشيميز، طلب قىلينه دي.

اته لر سوزى عقل نينگ كوزى مقالگه رعايه قىليشيميز لازم بۇله دي. اته - بابا لريميز نينگ «اتفاق بيتر، نا اتفاق ايتر» - ديگن بي بها، دردانه سۇزى بار. فدراسيونيميزنى امان سقله ش او چون، هر بيريميز دلبيزده محبت، صميميت، برادرليك، اتفاق ايزگوليك توپغولرني پرورش قىليشيمز كيره ك بۇله دي.

يرغل: مغل تيلیده (حمله - تجاوز) معنی بیره دی. اؤنله ب، بونده ی مثاللرنی کیلتیریش ممکن.

قدردان وطنداشر و تیلداشر!

جان استوارت شونده ی یازه دی:

اگر استعمار بیر ملتنی اؤزینگه قره م قیله دیگن بۇلسه، بیرینچیدن او ملت نینگ اؤزلیگی (هویت) و تیلی نینگ رواجله نیشیگه تۇسقینلیک قیله دی. چونکه اقتصادی و اجتماعی استعمار، مدنی و فرهنگی استعمار دن باشله نه دی.

مینگ افسوسلر بۇلسین که، جهان بۇیله ب تورکی خلقلر مدنیتی و تیلی نینگ گلله ب یشنه شیگه اؤتگن دورلرده و بو گونگی کونده هم بعضی بیر استعمار چی دولتله ضدیت کورسه تیب کیلگن و کیلماقده. الله گه مینگ قتله شکرانه لر بۇلسین که، انه تیلیمیز بۇلمیش تورکی اؤزبیکى و تورکی تورکمنى تیللری افغانستان باش قانونی نینگ تصویب قیلیش و کوچگه کیریش قوریلتایی (لویه جرگه) سیده، تورکی خلقلر استقامت قیله یاتگن منطقه لریده، اوچینچی رسمی تیل صفتیده رسماً تن آلیندی.

محترم دوستلر!

فدراسیون باره سیده گپیره دیگن بولسک، بیر ییل مقدم هالند اولکه سیده افغانستان تورکلری مدنی فدراسیونى تشكيل تاپگن ایدی. بو فدراسیونگه افغانستان نینگ ییتوک یازوچی سی، دانشمندی، دیپلوماسیه ساحه سیده دوکتورلیک علمی مقام نی ایگلله گن داکتر همت فاریابی جنابعالی لری سیلنگن ایدی. میدیا ده چیققن خبرلرگه کوره، مذکور فدراسیون نینگ کفالتخانه لری حاضرگه قدر، تورلی غرب مملکتلریده اچیلدی. بو گون ایسه، ییز - سیز بیرگه لیکده مذکور فدراسیون نینگ وکالتخانه سینی کانادا مملکتی، آنتاریو ایالتی نینگ گووالف شهريده اچیش نیتیده ییگیلگن میز.

نو روز بیره می مناسبتی بیلن گووالم

شهریده اوقیلگن بیانات

(باغ وطن)

وطنداش باغینگه بیر نهال قده

بو نهال نامی نی یخشی لیک اته

نهال نینگ یانگه بیر گل ایکیب قوی

بو گل نینگ نامینی گوزه لیک دیب قوی

گل و نهالینگه بخش ایتیب حیات

سوو بیر و بو سوو گه مهردیب قوی ات

سیندن فرزندینگه باغ قالسین ایدوست

باغینگ وطن دینگ نام السین ایدوست

« ابرکین واحدوف »

السلام علیکم عزیز و محترم وطنداشلریم!

اولاً بار نوروز عالم افروز بیلن سیز قدردان آیه - سینگلریم، اینی - آغه لریمنی چین دلدن مبارکباد ایتیب، بو اولوغ ایامده، سیزلرگه تن سلامتیک، بخت - سعادت، جان اولکه میز افغانستانگه ایسه، تینچلیک - تاتولیک و آسایشته لیک تپله یمن.

حرمتلی برادرلر!

مینینگ بیر فرهنگی شخص صفتیده، قالد ویرسه، کانادا بویه ب سیزینگ وکیلینگیز - خدمتکارینگیز صفتیده سیزلرگه و چیت ایلده گی فدراسیون محترم اعضالریگه ایتنه دینگ سوزیم شوکه، هر بیریمیز اهیل بویه یسه یلیک. باغلیمیزگه صمیمیت، دوستلیک و برادرلیک چیچکلرینی قده ب، اونی مهر، محبت، ایزگولیک سووی - آب حیاتی بیلن سوغاریب، پرورش قیلیب، بیر - بیراو لریمیزگه ساوغه - تارتیق قیله یلیک. شونینگ دیک، فدراسیون باقی لیگی و رواجی اوچون هیچ قچان مذکور فدراسیون یول - یوروغلیدن باش تارتمه یلیک. انه شونده گینه، فدراسیونیمیز رواجله نه دی، اعتبار قازانه دی.

اعتبارینگیز اوچون کتته کان رحمت.

کانادا مملکتی آنتاریو ایالتی، گوالم شهر، ۲۰۰۹ - انچی ییل، حمل آیی

وقتندن فايده له نيب، سبزلرگه نوروز بيړه مى حقيده معلومات بيريښنى خواهلر ايديم.

نوروز بيړه ميني نشانله ش باره سيده قيسقه معلومات:

معلوماتكه، نوروز بيړه ميني نشانله ش، بوتون شرق خلقلريگه عنعنه بوليب قالگن. جمله دن افغانستان خلقى هم بو اولوغ ايامنى مناسب كوتيب آليشه دى.

خلقيميز آره سيده، نوروز پيدا بوليشى حقيده تورلى فكر - ملاحظه لر موجود. بعضى روايتگه بنا آريايى ليكلرنينگ بيريښچى حاكمى كيومرث، نوروزنى بيړه م صفتيده ايلك بار نشانله گن ديشه دى. نوروز بعضاً هم جمشيد تمانيدن ايلكبار نشانلنگن ديگن گپ بار. روايتلرگه قره گنده، نوروز قوياشى، اوز نورى نى جمشيد تاجى «جم» كه ساچه دى. بو ياغدونى تاجده كوزه تيب تورگن اهالى، ياغدونى «شيد»، «جم» نى ايسه، جمشيد نامى بيلن اته ى باشله يديلر.

جمشيد دن سونگ، بو بيړه منى، فريدون و گشتاسپ دوام ايتتيره باشله يدى. شونينگ ديك، اولوغ «گروش» ديگن شاه، نوروزنى اولوغله ب، اوني، جوده مناسب نشانله گن.

ساسانيلر دوريده هم بو بيړه م، بيړه مانه طرزده نشانلنگن. شاه، اق قيرغى نى هوا كه اوچيريب، مجرم لرنينگ گناهينى عفو و قماقده گيلرنى آزاد ايتيشگن. نوروز بيړه مى سلكيز گون، بعضاً آلتى گون، و نهايت اون اوچ گون نشانلنگن. اسلام دوريده، سلطان جلال الدين ملكشاه سلجوقى، بيريښچى بوليب نوروزنى مناسب كوتيب آلگن.

ينه باشقه بير معلوماتگه كوره، توركلر، هونلر امپراتورليگى تشكيل تاپمسدن آلدين، ختايلىكلر شكنجه سى طفيلى، تاغلرگه پناه كيلتيريب، بير نيچه سلاله لرى، ايكي تاغ آره ليغیده قرار تاپگن (ايركنگ) منطقه سيگه باريب، جايله شه دى. همده او بيرده تيميرنى كشف ايتيشگه ايريشه دى. شونينگ ديك، جنگ ميدانیده فايده له نيش مقصديده، اوزلريگه قورال - يراغ ييشگه موفق بوليشه دى. نهايت، توركلر (گوگ بورى) ياردمیده تاغدن چقيب، توران اولكه سى تمان يول آله ديلر و اته - بابالريدن ميراث قالگن بيرنى ختايلىكلر شريدن قوتقه زيب، حاضرگى مغلستان ده

گى (اتوكن) منطقه سيده، هونلر امپراتورليگى نى تشكيل بيړه ديلر. (ايركنگ) تاغيدن چيقن گون، (ينگى ييل) باشله نيشى ديب، حسابله نه دى.

كوشانيلر دوريهگه كيله ديگن بولسك، بو دورده، عظمتلى توركلر سلاسى، ميلاد دن اول، همده ميلاد دن سونگى ييللر مابينى ده، حاضرگى افغانستانده دولت حاكميتى نى ايگلله يديلر. اولر نينگ يازگى پايتختى كاپيسا و قيشگى پايتختى ايسه، حاضرگى پاكستان نينگ تكسيلا شهري بو له دى. بغلان ولايتیده گى (سرخ کوتل) و او زمانده گى باشقه كتبه لر، ينگى ييل و نوروز بارليگيدن دلالت بيړه دى. شونى تاكيدله ب اوتيش كيره ككه، او پيتمه گى مذهبي رسم - رسوملر افغانستان نينگ بودا و زر دشت عبادتگاه لريده نشانله نر ايدي. مثال صورتمده (نوبهار بلخ) نى تيلگه آليش ممكن.

استاد دقيقى زردشت نينگ كيليب چيقيشينى (نوبهار بلخ) ديب بيله دى:

به بلخ گزين شد بدان نوبهار
که يزدان پرستان آنروز گار
مر آن خانه را داشتندی چنان
که مر مکه را اين زمان، تازيان

غزنويلر دوريده هم نوروز و ينگى ييل، مناسب كوتيب آلينگن. بو عظمتلى و مدنيتلى توركلر حاكميتى پيتمه، منطقه ده اسلام دينى رواجله نيب، فارس تيلي، اينيقسه فارس شعريتى گلله ب يشنه يدى. شونى ايتيش ممكن كه، شو دورده، نوروز، ينگى ييل، مذهبي و ملي حيينلر شاعرلر شعريتمه بيتلرلى درجه ده اوز عكسينى تاپه دى. نوروز عنعنه لرى كه كيله ديگن بولسك، افغانستان خلقى، باشقه خلقلر سينگرى، نوروز عرفه سيده همه جايلرده تازه ليك اورنه تيشگه حركت قيليته دى. خاتين - قيزلر كر يوويشه دى، اوى قاقيشه دى، مس ايديشلرنى قازان - توواقلرنى آق تيريشه دى.

خلقيميز كيچميشده نوروزده گلخن ياقيب، اوت اوستيدن سكره شيب بونده ى ديشر دى:

زعفران رنگيم سينيكي

قيزيل رنگينگ مينيكي

بهار است و زخُرمی جهان میخندد
هر قطره به بحر بیکران می خندد
بو، درگل و، نشه درمی و، می در ساغر
از شوق، زمین و آسمان می خندد

مضمونی:

بهار کیلدی خُرملیکن ، جهان کوله دی
هر بیر قطره کینگ دینگیزده کوله دی
گلده هیبدو ، می ده نشه ، ساغرده می
ذوق و شوقدن ، بیر و آسمان کوله دی

خلقیمیزنینگ نوروز ده گی اینگ اساسی مراسملریدن بیرى

«جنده» کۆته ریش مراسمیدیر. بو مراسمده مزارشريف شهريده حضرت علی کرم الله وجهه نینگ مبارک علملری کۆته ريله دی. مذکور مراسمگه افغانستان نینگ تورلی ولایتلریدن حتا چیت ایلیک مهمانلر و زیارتچیلر قتنه شه دی. شونینگ دیک مهمانلر (میله گل سرخ) یعنی لاله سیلی بیره میگه اشتراک ایتیشه دی. بو بیره م ۴۰ گون دوام ایته دی.

شونی ایسله تیب اؤتیش جایزکه، اولوغ پیغمبریمیز محمد مصطفی

«ص» حضرتلری نینگ تورتینچی یار- یاوری بؤلیمیش حضرت علی

«رض» نینگ مبارک روضه لری - تیموریلر دوری نینگ بویوک سلطانی، سلطان حسین میرزا بايقرا و اونینگ دانشمند وزیرى امير الکلام مير علی شیر نوایی حضرتلری تشبث بیلن بنا ایتیلگن.

شونده ی قیلیب، ایسکی بیل نینگ غم - المیرینی، اؤتگه - آلاوگه تابشیریب، اونینگ قیزیل بوزلیگی نی بخت - سعادت رمزی صفتیده اؤزلریگه آلیشنی امید قیلر ایدیلر.

شونینگ دیک نوروز ده، عایله -اعضالر، ایسکی کۆزه چه ایچیگه قاره تنگه - چقه سالیب، کۆزه چه نی باشلریدن اوچ کرره ایلنتیریب، بیرگه اوریب، سیندیریب تشلرایدیلر، شونده ی قیلیب، اؤزلرینی غم - الم و کسللیکدن آزاد قیلر ایدیلر.

افغانستان تورکی خلقی نینگ نوروز مراسملریدن بیرى بیتى خیل میوه تیارله شدیر. خلقیمیز بیتى خیل قوریق میوه نی یخشبله ب یوویب، کیچ قرون قینه تیلگن سووگه سالیب قویه دیلر. نوروزده، بو بیتى خیل میوه نی هم اؤزلری تناول قیلیب، همده قونی - قوشنیلریگه ترقه ته دیلر. بو بیتى خیل میوه بولردن عبارت:

ینغاق، جیده، بادام مغزی، قوریتیلگن اؤریک یا زردالو، قیزیل مگیز یا مییز، پسته و زردالو نینگ دانگی یا دانه سی.

سومه لک، کۆک سامسه پیشیریش خلقیمیزگه عادت بؤلیب قالگن نوروز ایامیده. (بیتى سین) دستور خوانی، نو روز مراسمیدن بیریدیر. بیتى سین دېگنده، سین حرفی بیلن باشله نه دیگن بیتى خیل قوریق میوه، نظرده توتيله دی:

سبزی یا ایسمه لاق، سیر یا که سریمساق، سیرکه، سمارق یا که قۇزی قرین، سمنک، سبب یا که آلمه، سنجد یا که جیده دستورخوانگه قویيله دی. شونینگ دیک، دستورخوانگه قرآن شریف، تورلی شرینلیکلر، تنگه -چقه، سیر پیاز، تخم - یومورته، آیینه یا کۆز گو هم قویيله دی.

قرانکریم نی اعتقاد، ایمان / شیرینلیکنی خوش بختلیک و شرینلیک / تخم - بیل اؤنوملیگی، مول - کۆللیگی / آیینه ایسه، صمیمیت، پاکلیک، حالالیک رمزی صفتیده قؤلله نیله دی.

نوروز موسمیده، بابا نوروز، نوروز ایشیگینی قاقیب کیله دی و بوتون جهاننی خرملیکدن گلله تیب یشنه ته دی. شاعر، بو حقه شونده ی دیگن:

عزیز وطنداشلر!

یوقاریده ذکر ایتیلگه نید یک، افغانستان نینگ تورکی خلقلری استقامت قیله یاتگن منطقه لریده، نوروز بیره میده، تویه اوریش مسابقه سی عملگه آنگن. بوندن تخمین بیر عصر آلدین، اندخوی شهردیه بولیب اوتگن تویه اوریش مسابقه سی حقیده خلق شاعرلری شعرلر توقیگن. بو شعرلردن بیرینی اعتبارلرینگیزگه حواله قیلماچی من.

بو شعرنی تقدیم قیلمسدن آلدین، ینه بیر مراتبه سیز عزیزلرنی نوروز ایامی بیلن چین بوره کدن قوتله ب - تبریکله ب، بونده ی فیضلی موسمده برچنگیزگه تینگری تعالی درگاهیدن تن ساغلیک، سلامتلیک، بهاری کیفیت و جانانه جان اولکه میز افغانستان گه ایسه، امانلیک، آسایشته لیک تیله ب قاله من.

حاضر اندخویده بولیب اوتگن تویه اوریش حقیده گی خلق شاعرلری تمانیدن ایتیلگن قوشیقکه توجه لرینگیزنی جلب ایته میز:

تیوه (تویه) اوریش مسابقه سی
رسول قل یشقه ده، بار ایردی بیر نر
اونگه مقرر ایدی، بیر نیچه لر
تربیت ایله دی شام و سحر لر
کیلتیردیله، بالاحصار اوستیگه
حاکم نی کونگلیگه کیلدی بیر خواهش
خلاقه، بیر تماشا نمایش
تویه اوریش بولسه، بولر یخشی ایش
عوض بای نینگ نری بیلن قوشدیله
ایککی نر میدانده کوب سوریشدیله

عزیز لر!

مین اندخویلیک بولگه نیم اوچون یاشلیگیمنی ایسله ب، اندخوی خلقی نوروزنی قه ی طرزده نشانله ش لری حقیده تۆخته لیب اوتماقچیمن.

اندخویلیکلر باشقه شهرلر خلقلری کبی نوروزنی مناسب کوتیب آیشه دی.

اندخویلیکلر نوروز بیره میده شاهیمردان دشتیگه چقیب، او بیرده میله و خورسند چیلیک قیله دیله. شاهیمردان یا که تواچی دشتلریده نوروز گونلری اولاق یا اوغلاق مسابقه سی بولیب اوته دی. یاش قیزه چاغلریمیز نوروزده گل لاله تیریپ تیرگن گللرینی ساچاغلریگه تقیب، بیر-بیرلری بیلن اوین-کولگی قیلیشه دی.

شونینگ دیک، نوروزده اندخوی شهردیه چرخ فلک اوینلری یاش باله لر و قیزلرنی اوزیگه جلب ایته دی. قدیم زمانلرده، نوروز ده اندخوی شهردیه تویه اوریش، خوراز اوریش و قوجقار اوریش لری بولیب اوتگن.

محترم دؤستلر!

یاش باله لریمیز نوروز ده، عموماً بهار موسمیده اوز تینگداشلری بیلن اوین - کولگی قیلیب، قوشیقلر ایتیشه دی. مین شونده ی قوشیقلردن ات توتیب اوتماقچیمن

آفتاب چیقدی عالمگه، یوگریب باردیم خالمگه / چقمه - چقیداغ، اییک سر انداز / قلدیر غاچ قناتینگ ییتی قولاج / قوشیم باشی مونچه گینه، باری یاغی شونچه گینه / باغان-باغان، جانیم باغان / تیر-تیر قره قوش، باریب دیوالگه یاپیش / یامغیر گدایی کیلدی، عصاسینی چه لیب کیلدی / سیل کیلدی، سیلان کیلدی، مه یسه نی باسیب کیلدی / آق تیره ک - کۆک تیره ک، سیزدن بیزگه، کیم کیره ک و هکذا لر. بو قوشیقلرینینگ تولیق متنی «خلق دردانه لری» کتابیده موجود.

ونینگ دیک خلقیمیزینینگ یوزله ب خلق قوشیقلری و اوینلری بار. بولرنی بیلگن باله، حقیقی تورک اوزبیک فرزند ی بولیب ییتیشه دی، کمال تاپه دی.

آنه كوني مناسبتى بيلن

بى بى حاجى انابت ايماق نينگ تبريك سۆزى

كانادا «فتا» سى (بيگملر) تشكىلاتى نينگ مسؤولى بى بى حاجى انابت ايماق نينگ خلق ارا «آنه» كوني مناسبتى بيلن فتا تامانيدن گوالف شهريده، تشكىل ايتيلگن ييغىلىشده گى بيان ايتگن، قيسقچه تبريك سۆزى:

عزيز آنه جانلر، محترم آپه - سينگلر، حرمتلى برادرلر، السلام عليكم!

اينگ اول، سيز آنه جانلرنى، قاله ويرسه، افغانستان نينگ آغير شرايطيده كون كچيره ياتگن، همده جنگلر طفيلى باله سى، آنه سى، تورموش اورتاغى نى يۇقتگن بيوه زار لرنى، آنه كوني بيره مى بيلن چيندلدل مباركباد ايتيب، برچه آنه جانلريميز گه ايسه، اولوغ تينگرى تعالى در گاهيدن، تن سلامتلىك، بخت-سعادت تيله يمن.

دانا خلقيميز نينگ آنه لر حقيده عجايب حكمتلى سۆزلرى بار. شونده ى دردانه سۆزلردن نمونه لر كېلتيرماقچىمىن:

آنه سيز نينگ عمرى، خوار

آنه راضى خدا راضى

آنه مهري - دريا

آنه سى بۆلمه گن بير كون ييغلر، آنه سى بۆلمه گن هر كون

آنه سى نى كۆريب قيزىنى آل، ملكى نى كۆريب بۆزىنى آل

آنه تيليم-جان و دلیم

يخشى خاتين اوى نينگ گلى

قاچگه نى جاي تاپمى هر يانگه قره ب

اريلله ب بير صدا كيلدى، يارانلر

كم غيرتلر اويان - بويانگه قاچيب

پشقه نينگ نريگه پيچاقلر سوقيب

آله قرغه لر ديك هر جايدن چاچيب

كونگليگه كيلگه نين قيلدى يارانلر

عرب خانه، بالا خانه بير طرف

اورردى بير-بيرين شريپه - شرپ

گدامدار نينگ انبارى نينگ تگيده

غمغومه لر بۇليب قالدى يارانلر*

عزيز وطنداشلر!

بيز اوتگن غمغومه لرنى-كدورتلرنى بوتونله ى اونيته يليك. هر بيريميز باغلريميز گه صميميت، دۇستلىك و برادرلىك چيچكلرينى قه دب، اولرنى مهر-محبت، ايز گوليك سووى بيلن سوغاريب، پرورش قىليب، بير-بير اولريميز گه ساوغه قيله يليك.

هر تونينگيز قدر اولوبان

هر گونينگيز بۇلسين نو روز.

*مىن بو داستان قوشىغى نى ۱۳۴۶-نجى يىل اندخوى نينگ قورغان تومه نى، باغبۇستان قيشلاغیده استقامت قيله ياتگن «رجب بلى» ديگن شخصدن يازيب، (خلق دردانه لرى) مجموعه سېگه كريتگن ايديم.

يره تگندن رجب باى نينگ ياتگن جايىنى، جنت مكان بۇلىشى نى تيله ب قاله من.

«ايماق»

صحبت تيلفونى (طنز آميز) يك مادر با پسرش در امريكا:

خليل از امريكا دالر روان كو
 براى خويش و قوم يكسر روان كو
 اكه قدوس نشسته دست راستم
 سلام گفته كه يك موتر روان كو
 براى پاسپورت شير محمد خان
 پول ويژه و راجستر روان كو
 ملنگ، بدماشى دارد بين خانه
 ز آرنولد يك دو سه پوستر روان كو
 شفيعه ميزند ديگ را به كاسه
 دو صد دالر به اين لچر روان كو
 به امريكا ميايم يك دو سال باد
 دولك دالر، به قاچاقبر روان كو
 جميله مدهورى را ديده در فلم
 همان شكل، دامن و جمپر روان كو
 عزيز قواره دارد مثل رامبو
 ز رامبو كست بهتر روان كو
 براى مادرت جاكوت و دامن
 به وقت ميله و چكر روان كو

بخشى خاتين عمر با لى، يمان خاتين- جان زوالى

بخشى خاتين خزينه

بخشى خاتين هميشه بهار

بخشى خاتين، يريم رزق

بخشى خاتين اوى زينتى، يمان خاتين توى زينتى

بخشى خاتين اوى بوستانى، يمان خاتين اوى زمستانى

بخشى روزگار جنت، يمان روزگار دوزخ

بخشى خاتين بيگيت نامين كوته رر، يمان خاتين نامينى يوقاقر

بخشى خاتين ايرنى اير قيلر، يامان خاتين ايرنى بير قيلر

بخشى خاتين بوق نرسه نى بار ايتر، يمان خاتين كينگ اوى نى تار ايتر

بخشى خاتين ايشليك بولور، يمان خاتين تيشليك بولور

بخشى خاتين ايرنى ايلگه باش قيلر، يمان خاتين ايرنى گدا قيلر

بخشى خاتين ايرنى ياشر تيره ر، يمان خاتين ايرنى تيز قريتر

بخشى خاتين بوزيده آى كورينر، يمان خاتين قواغيدن قار ياغيلر

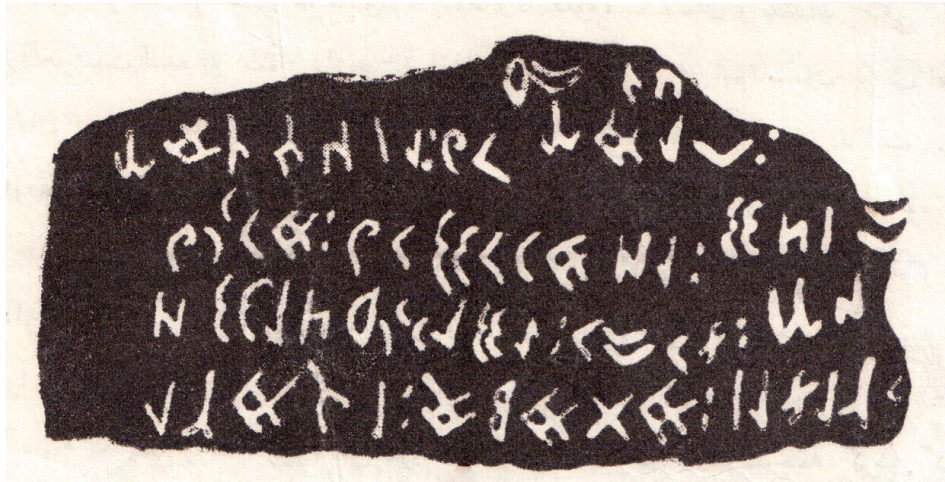
عزيز انه جانلر ، محترم اينى- آغه لر!

حاضر سبزلرگه كابل شهريده استقامت قيله ياتگن بير انه زار نينگ، امريكا قوشمه ايتلريده يشه يديگن خليل ناملى باله سى بيلن تيلفون آرقه لى او تكزگن يوميرىستىك - طنز آميز صحبتى نى او قيب ايشيتتير ماقچيمن. صحبت جريانى ، استاد صباح نينگ هزل- مطايبه دن توليق شعرى بيلن افاده لنگن. صحبت درى تيلبيده بوليب او تگن. لطفاً توجه قىلينگلر:

خط اورخون و آثار مکتوبه

دیگر در زبان ترکی

با پخش و انتشار السنه ترکی قدیم در قرنهای (۵-۶) میلادی، زبانهای اوزبیکی و ترکمنی که به دسته زبانهای ترکی شرقی ارتباط داشت نیز بوجود آمد. آثار مربوط باین دوره که حثیت ادبیات شفاهی یا روایی دارد در بعضی از منابع چون سنگ نوشته ها، کتب و آثار علمی تاکنون محفوظ مانده و بما رسیده است. یکی از اینگونه منابع آبدیه های (اورخون) میباشد. ریشه دو زبان را میتوان در آبدیه های «ینی سی اورخون» مشاهده کرد که در سال (۷۳۲) برسم الخط خاص اورخونی نوشته شده است.



خط اورخون

اساساً خط اورخون بین قرنهای (۵-۸) بعد از میلاد بوجود آمده است. از وجود یادگاری های که با این خط نوشته شده (آبدیه های اورخون) در اوایل قرن ۱۸ میلادی یکعده دانشمندان در آثار و تالیفات خود معلومات داده بودند مگر در طول مدت خیلی زیاد دانشمندان نتوانسته بودند به خواندن این کتیبه ها موفق گردند. در ربع اول قرن (۱۹) مقاله گریگوری سپسکی درباره آبدیه های اورخون - ینی سی در مجله «سیبرسکی و یستنیک» (خبرهای سیبری) به نشر رسید. این مقاله

خدا داد، تمرین آب بازی دارد
برایش عینک و نیکر روان کو
اسامه را بگو در قصر سفید
به کابل عسکر بیشتر روان کو
ز لندن و ز امریکا به میهن
به اشغال وطن عسکر روان کو
بگیر الماس کوه نور ما را
بدست مارگرت تاچر روان کو
امین در بام خانه پوسته دارد
برایش راکت سکر روان کو
ز ایران و ز پاکستان و عرب
برای وطنت رهبر روان کو
کلینتن را اگر دیدی به حمام
بگو طیاره بر حیدر روان کو
به جورج بوش هم رسانی این پیام
کروز را برسید اصغر روان کو
تمام لیست ما را جان مادر
برایم هر چه عاجلتر روان کو
همین شعر (صبح) را خوب نوشته
حکاکای کرده در مرمر روان کو

به زبان لاتین ترجمه شد. معلوماتیکه در پیرامون این آبدۀ ها به دست آمده بود بدین وسیله به اختیار دانشمندان بسیاری از کشور های جهان قرار گرفت. مگر هنوز فعالیتهایکه در زمینه آموختن و تحقیقات در اطراف این نوشته ها به عمل می آمد، به نتیجه نرسیده بود؛ زیرا هنوز کلید «راز» نوشته ها به دست نیامده بود.

به سال (۱۸۸۹) دانشمندان فنلند اطلس آبدۀ های اورخون - ینی سی را نشر و طور تخمینی ادعا نمودند که این آبدۀ ها بمدنیت فنلند متعلق است. مگر این تخمین دانشمندان فنلند دیری نپایید، زیرا در همان سال (۱۸۸۹) نویسنده و جهانگرد روسی ن. م. یدرنتسیف موفق شد از کنار دریای اورخون که در وادی کاشا سیدم مربوط مغولستان واقعیست آبدۀ های زیادی به دست آورد، که با آبدۀ های «ینی سی» شباهت داشت، یکجا با «نوشته های نامعلوم» یک سلسله متن های جداگانه نیز به زبان و علایم چینی نوشته شده بود، به دست آمد. این تصادف برای کشور «راز» این آبدۀ ها کمک بزرگی انجام داد.

به سال (۱۸۹۰) انجمن علمی فنلند، در سواحل دریای اورخون یک هیأت علمی باستان شناسی را فرستاد. به سال (۱۸۹۱) اکادمی علوم روسیه هیأت علمی بزرگی تحت رهبری اکادیمسین و. و. ردلوف به اورخون اعزام داشت. نتیجه کاوشها و تحقیقات این دو هیأت به سال (۱۸۹۲) به شکل اطلسی نشر شد.

در اطلس ها تصویر آبدۀ های نامعلوم، ساختمان و نقشه مواضعی که این آبدۀ ها از آنجا بدست آمده بود نشان داده میشد. از دانشمندان دنمارکی ویلیم تامسون برای نخستین بار به خواندن این آبدۀ ها موفق شد. او برای خواندن آنها به انواع الفبا ها اتکا نداشت. برعکس نخست از همه، خواست شباهت و مناسبات باهمی این حروف نامعلوم را برای خود معلوم نماید.

او، پس از یک سلسله تحقیقات موشگافانه توانست در (۲۵ نوامبر ۱۸۹۳) پرده از اسرار مکتوم آنها بردارد. تا این زمان اکادیمسین ردلوف نیز توانسته بود (۱۵) حرف کتیبۀ های مذکور را بخواند.

و. و. ردلوف با اتکا به کشفیات خود و کشفیات و. تامسون برای نخستین بار متن کتیبۀ ها یی را که از سواحل دریای اورخون به دست آمده بود ترجمه کرد. کتیبۀ ایکه توسط ن. م. یدرنتسیف

به دست آمده بود عبارت بوده است از لوحه سنگ آرامگاه خاقان ترک بیلکه قآن- ماغلیان (متوفی در سال ۷۳۴ ع) و برادر کوچک او کول - تکین (متوفی در سال ۷۳۲ ع) بعد از آن تاریخ آثاریکه از کناره های دریای اورخون - ینی سی بدست آمده بود به نام «آبدۀ های ینی سی - اورخون» شهرت یافت.

ترجمۀ سطری چند از این نوشته ها که به نام «سرود قبرستان» یاد میشود:

«من مردمان بی نوایی را که از پا درآمده بودند به پا ایستاد کردم (گرد آوردم) آنها را توانگر ساختم. قومی را که عده ی شان محدود بود به جمعیت بزرگی مبدل ساختم. در سخنان من تی یک دروغ هم نمیتوان یافت.» «اگر کول - تکین وجود نمیداشت همه شما نابود شده بودید. برادر من کول - تکین در گذشت. از این جهت من سخت اندوهگین شدم، چشمانم بینایی خود را از دست داد، تیزی فکر و خرد از کفم رفت. غرق اندوه گردیدم، سرنوشت هر کس از طرف آسمان کیود (خدا) تعیین میشود. فرزند انسان برای مردن زاده شده است.» (رجوع شود به «اوزبیک ادبیاتی تاریخی» به زبان اوزبیک. تألیف ن. م. مله یف، جلد اول، چاپ تاشکند سال ۱۹۶۵. از ص ۷۸-۸۱) طبق آخرین کشفیات و تحقیقات باستان شناسی که در قصبۀ «ایسیق» در نزدیکی الما آتا پایتخت قزاقستان شوروی صورت گرفته پیالۀ نقره یی گرانبها یی به دست آمده که در ته آن (۲۶) حرف شبیه خط قدیم ترکی در قرن (۵-۸) قبل از میلاد حک شده است. طوریکه دانشمند معروف اولژاس سلیمان اوف در شماره ۵ سال ۱۳۴۹ نشریه اداره مطبوعات سفارت اتحاد شوروی در تهران می نویسد:

الفبای ایسیق شباهت زیادی به الفبای خطی اورخون- ینی سی دارد ... با استفاده به خط ایسیق میتوان گفت، ترکهای قدیم در نیمه هزار قبل از میلاد خط خود را از آرمیان اقتباس کرده اند.

همچنان غنای لغوی و اشکال گرامری آبدۀ اورخون تاکنون هم در زبان ترکی موجود است. (۱)

منبع مهم دیگر (دیوان لغات الترتک) اثر دانشمند بزرگ زبان شناس محمود کاشغری (۲) است که در سال (۴۶۹ هجری) به زبان عربی نوشته شده است. از آثار مهم دیگر کلاسیک

میتوان نام داستان منظوم «قوتادغو بیلک» (دانش رسیدن به سعادت) تألیف یوسف خاص حاجب (۳) (۴۶۲ هجری) کتاب «هبة الحقایق»، تألیف احمد یوگنکی (اواخر قرن ۱۲) یا اوایل قرن (۱۳ میلادی) «قصه ربغوزی» تألیف ناصرالدین بن برهان الدین ربغوزی (قرن ۱۲ و ۱۳ م) را در اینجا قید کرد.

زبان اوزبیک که از گروپ زبانهای «چگل» منشعب گردیده بود روزگاری به نام «زبان ترکی» یاد می گردید. اما بعد از قرن پانزدهم

میلادی اصطلاح «زبان چغتایی» که همان (زبان اوزبیک قدیم) میباشد بر آن اطلاق گردید و اصطلاح زبان اوزبیک بعد از قرن (۱۷) در پهلوی این نام به کار برده شد و به مرور زمان بیشتر متداول گردید. از آثار و شعرای مهم کلاسیک زبان اوزبیک قدیم و زبان ترکمنی میتوان از «محبت نامه»، «لطافت نامه»، «دربیک» و «یوسف و زلیخای» او، سکاکی و «دیوان» او، ابوالکلام لطفی هروی و «دیوان و داستان گل و نوروز» او، امیر علی شیرنوی و آثار جاویدان و فنا ناپذیر او، سلطان حسین میرزا بایقرا و «دیوان» ظهیر الدین محمد بابر و «بابرنامه» و سایر آثار گرانقدر او، مخدوم قلی و «دیوان اشعار» او، نام برد.

فاصله بین قرن (۱۴-۱۷) دوره ایست که طی آن فرهنگ و از جمله زبان و ادبیات اوزبیک شاهد پیشرفت و ترقیات شگوفانی میگردد. ادبیات بدیعی در تکامل زبان اوزبیک نقش عمده را بازی میکند و آنرا به زبان زنده ادبی و علمی مبدل میسازد. شاعر و متفکر بزرگ اوزبیک علیشیرنوی

(۱۴۴۱-۱۵۰۱) که یکی از شخصیت های بزرگ ادبی افغانستان و جهان محسوب میشود و نام و آثار وی در پهلوی نام و آثار شاعران و نویسندگان بزرگ چون هومر، دانته، شکسپیر، فردوسی، سعدی، بالزاک، پوشکین، ابن سینا، و دیگر سخن سرایان بزرگ جاویدان خواهد بود، به حیث دانشمند کبیر، سیاستمدار ورزیده و هنرمندی چیره دست رهبری نهضت علمی و ادبی و هنری قرن (۱۵) افغانستان را در هرات به دوش میگیرد و ادبیات کلاسیک اوزبیک را نیز به صورت اساسی پایه گذاری میکند و چون استادی توانا و دانشمندی ذوفنون این زبان را به عالی ترین مراحل تکامل می رساند. و با (۳۴) اثر علمی، ادبی و تاریخی خویش چنانچه میگوید:

حصار شکست ناپذیری برای این زبان بنا می نهد که برای همیشه از دستبرد زمان و حوادث روزگار در امان خواهد بود.^(۴)

در ترکیه تحقیقات دانشمندان بزرگ پروفیسر زکی ولیدی طوغان «دایرة المعارف اسلامی» و پروفیسر محمد فواد کوپرولو، ضمن مقالاتیکه در باب زبان و ادبیات ترکی نوشته اند و همچنان پروفیسر احمد جعفر اوغلو (تورک اماچی)، آقای بسیم اتالای (بولتن زبان ترکی) دارای اهمیت زیادی میباشد.

پروفیسر داکتر بکر چوپانزاده (۵) در سلسله مقالاتش که در سال (۱۹۲۶ م) در باکو انتشار یافته می نویسد:

زبان ترکی در دوره اسلامی چهار مدافع بزرگ داشته است. محمود کاشغری مؤلف «دیوان لغات التورک» و شیخ عاشق پاشا، صاحب «غریب نامه» و نوایی و قدری صاحب «مسیرة العلوم»، چهار دوره تاریخی که این چهار تن نماینده گان ادوار تاریخی آسیای وسطی و آسیای صغیر میباشدند.^(۶)

پروفیسر چوپانزاده پس از تلخیص و تجزیه و تحلیل محاکمة الغتین، همچنان اضافه میکند. لیون کاهون میگفت: «در هیچ قاموس و فرهنگی نمیتوان لغتی در مقابل همه لغات مربوط به شکل اراضی و نباتات و حیوانات و غیره که در زبان ترکی موجود است، یافت.»^(۷)

ادبیات عامیانه اوزبیک:

ادبیات روایی یا شفاهی یک بخش مهم تاریخ ادبیات زبان ترکی و از جمله زبان اوزبیک (۸) و ترکمن را تشکیل میدهد. این بخش ادبیات مشتمل بر ترانه ها، سرود ها، داستانها ی منظوم، ضرب المثل ها و افسانه ها، اشعار غنایی، پارچه های مؤثر و زیبا و امثال آن میباشد که یک قسمت آن پیش از ادبیات کتبی به وجود آمده از دهانی به دهانی، از نسلی به نسلی از دو ره یی به دوره یی انتقال نموده است. باید گفت ادبیات عامیانه به شکل سابق خود باقی نمی ماند بلکه به مرور زمان و ایجابات محیط تغییر شکل مینماید.

از آسیای وسطی آثار و منابع فولکلوریک زمان قدیم به دست ما رسیده است. این منابع عبارت اند از کتب تاریخ، آثار علمی و یادگار های نوشته شده و امثال آن میباشد. در کتب مورخین مشهور (هرودوت)، (کتزی)، (پولین)، (هاریسیم ایتلن ایسکی) و غیره از مضامین و آثار فولکلوریک تذکار رفته است. مورخین چون لاردن، حمزه اصفهانی، طبری، مسعودی، بیرونی، ثعالی، بلعمی و غیره آثار شان از ادبیات روایی یاد آوردند.

در کتاب «اوستا»، «بیهستون»، «بوند اخیشن» و «دینکرد» و امثال آن یادگار و نمونه های ادبیات عامیانه به نظر میرسد. یکی از منابع مهم و سرشار کهن ادبیات روایی ترکی و منجمله اوزبیکی اثر جاویدان محمود الکاشغری «دیوان لغات التترک» است که حاوی نمونه های گوناگون و مهم سرودها- اشعار حماسی و ضرب المثلها مربوط به زمانهای خیلی قدیم میباشد. ابتدایی ترین سرودها را که در ابتدایی ترین جوامع به صورت دوبیتی ها سروده شده، این اثر به ما انتقال داده است که ما ذیلاً آنرا با ترجمه دری آن قید میکنیم

چغیر بیریب قوشله تو تایغان ایزیت تیله تو
تیلکی تونغیز تاشله تو اردم بیله اوکله لیم

ترجمه: مرغهارا به دست جوانان دهیم و هزم شکار کنیم.

سگهای شکاری را از پی مرغان شکاری برای آوردن صید رها سازیم.

به سوی روباه و خوکها سنگ اندازی کنیم.

وانگاه آورد های خود را بستاییم و برآن مباحات کنیم.

آلپ اره ن نی اوزور دیم بوی نین ایننگ قیزیردیم

لتون کوموش یوزور دیم سوسی قلین کیم توتر

ترجمه: عساکر دلیر دشمن را پراکنده ساختم و آنان را به اطاعت وا داشتم طلا و نقره (غنیمت) به دست آمده را با خود آوردم گذشتن از صفوف عساکر آنها خیلی دشوار بوده است.

بیگیگ لریک ایشله تو بیغیج بیمیش ایرغتو

قولن، کییک اوله تو بزررم قیلیب، اولینم

ترجمه: جوانان را به کار اندازیم توسط آنان میوه های درختان را بتکانیم. به صید خرگوش و آهو بپردازیم و آنگاه جشن شادمانی بپا داریم. این سرود ها آنقدر قدامت دارد که حتی هنوز شکار حیوانات توسط سنگ و چوب (ابتدایی ترین شکل آن) معمول بوده است. اکثر کلماتیکه در این سرود ها به نظر میرسد تاکنون به عین شکل و یا با تغییرات جزئی در زبانهای ترکی منجمله اوزبیکی وجود دارد.

این اثر و بعضی آثار دیگر که قدیمترین آثار گرانمایه به شمار میرود به دست ما رسیده است. همچنین از کار های ارزنده علمی دانشمندان معروف اوزبیکستان (ن. م. مله یف) م. عبدالله یف، غ. ک. کریموف که با کار پیگیر و خستگی ناپذیر خویش در پرتو آخرین دست آورد های دانش و فن تاریخ ادبیات زبان اوزبیک را در سه جلد تألیف کرده اند و در سالیان (۶۴،۶۵،۶۶) در تاشکند به طبع رسیده و همچنان از تألیفات متعدد سایر دانشمندان اوزبیک میتوان یادآوری کرد.

به خواننده گان مجله وزین ادب بهتر معلوم است که در قسمت شمال مملکت عزیز ما افغانستان مردم ترکی زبان که به لهجه اوزبیک، ترکمنی، قزاقی، قیرغزی و امثال آن تکلم میکنند به سر میبرند و هر کدام از این اقوام از خود ادبیات عامیانه به خصوص و به لهجه خود شان دارند.

مجله ادب:

نشریه دوماهه، فاکولته ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل

شماره (۵ و ۶) سال ۱۳۵۲

(۴) - از مآخذ و مقالات محترم شرعی جوزجانی استفاده گردید.

(۵) - چوپانزاده، از دانشمندان آذربایجان شوروی و استادپوهنتون باکو بوده است و دارای تألیفات متعدد در اصول تدریس و دیالکتو لوژی زبان ترکی میباشند که از آن جمله می توان کتاب (ترک - تاتار لسا نیاتینه مدخل) طبع باکو، سال ۱۹۲۴ را یاد آوری کرد .

(۶) - متن فارسی محاکمة اللغتين نوایی، ترجمه تورخان گنجه ای ، صفحه ۶ ، چاپ تهران سال ۱۳۲۷.

(۷) - رجوع شود به محاکمة اللغتين نوایی صفحه ۴.

(۸) - اوزبیک - قوم معروف ترک است که در آسیای وسطی سکونت دارند و این نام از شش صد سال به اینطرف بر اوشان اطلاق گردیده است. اصلاً اوزبیک خان پادشاه معروف قپچاق که بین نهر (اورال وجو) زیست می نمودند از طرف شیبانی، نواسه چنگیز خان در اینجا ساکن ساخته شد (۱۳۱۲-۱۳۴۱ م) رقبه قلمرو اوزبیک خان از (یابیق) تا دانیوب و از بحر اسود و بحر خزر تا دامنه های قطب شمالی امتداد داشت. در سال (۱۳۱۲ م) جلوس و در (۱۳۴۱) وفات کرد. این شخص علم دوست بود و علما را احترام می نمود. قوانین و نظامهای عادلانه طرح کرد و بر تطبیق آن موفق شد. مرکز او شهر (شرای) گفته شده، این شهر و یکعه شهرهای بزرگ دیگر در قلمرو قپچاق از حیث تجارت خیلی ترقی داشت . اوزبیک خان در سیاست خارجی خود با خانواده های سلاطین مصر و امپراتوری بیزنتین وصلت کرد و باین طریق روابط خارجی خود را بسط و توسعه داد و شورشهایی را که در مقابل حکومت وی برخاست، فرو نشاند. در قرن (۱۶) که برای تسلط ممالک موروثه امیر تیمور بین اولاد او کشمکش و هرج و مرج برپا بود شخصی موسوم به محمد شیبانی ظهور کرده از موقع استفاده نمود و در صدد تشکیل دولت اوزبیک برآمد و بالاخره دولت اوزبیک را به وجود آورد. (۱۵۰۰ م). محمد شیبانی بعد از اینکه نفوذ و اقتدار حاصل کرد به فکر توسعه قلمرو خویش افتاد، اراضی متصرفه تیموریان هرات را در ماورای جیحون به تصرف خود در آورد.

پی نوشت ها:

.....

(۱) زبان ترکی به طور عموم از نگاه لهجه به سه دسته منقسم میگردد:

ترکی عثمانی، ترکی آذری، ترکی چغتایی یا اوزبیکی قدیم.

(۲) محمود بن حسین بن محمد الکاغری در اوایل قرن (یازدهم میلادی در بلاساغون) در نزدیکی شهر قماق مربوط قیرغیزستان زاده شد. وی از خردی به تحصیل دانش پرداخت و مخصوصاً به علوم ادبی عربی احاطه وسیع پیدا کرد. او از آغاز به فراگرفتن همه جانبه زبان های اقوام مختلف ترک علاقمند شد. برای این منظور در سراسر مناطق ترک نشین به سیاحت پرداخت و برای تدوین اصول گراماتیک، عرف و عادات و ادبیات عامیانه ای که در زبان آنان معمول بود، همت گماشت و با اکثر طوایف و قبایل ترکی زبان در تماس شد و بعد از آنکه در بغداد اقامت گزید با استفاده از مجموعه اندوخته های خود، کتابی بزرگ دیوان (لغات التترک) را به زبان عربی تألیف کرد.

برای معلومات بیشتر مراجعه شود به (اوزبیک ادبیاتی تاریخی) تألیف ن. م. مله یف، جلد اول، ص (۱۳۵)، چاپ تاشکند، سال ۱۹۶۵ م.

(۳) یوسف خاص حاجب ، شاعر نامدار، دانشمند بزرگ و سیاستمدار ورزیده قرن « م » است. یگانه اثری که از وی به جا مانده داستان منظوم «قوتاد غو بیلیک» است. این اثر طوریکه از خود آن مستفاد می شود در بین سالهای (۱۰۶۹-۱۰۷۰) به رشته تحریر کشیده شده است. با بررسی محتوی این اثر، می توان تخمین کرد که یوسف خاص حاجب در سال بیستم قرن (۱۱) م. متولد شده، یکی از دانشمندان پیش آهنگ زمان خود بود و به زبانهای ترکی، دری و عربی تسلط کامل داشت و همچنان به علوم تاریخ ، نجوم، هندسه، الجبر، طبیعیات، جغرافیا و دیگر رشته های علوم وقت، وارد بود.

صفحه ۱۴۳ (تاریخ و ادبیات اوزبیک) .

حاضرگی ترک اؤزبیک تیلیگه اساس

بؤلگن کتبی و یازمه اثرلر

۵-۶ میلادی عصرلرده، قدیمی تورکی تیلی نینگ نشری و رواجله نیشی بیلن بیرگه، شرقی تیللر نینگ گروهیگه کیره دیگن اؤزبیک و تورکمن تیللری اؤرته گه کیلدی. بو دورلرده گی اثرلر، آغزه کی و یازیلمه گن ادبیات دیب، اته له دی. بونده ی اثرلر بوگونگی کونده، بعضی بیر تاش یازمه منبعلر، کتابلر و علمی اثرلرده سقله نیب، بیزنینگ دورگه چه بیتیب کیلگن. بو منبع لردن بیر ی (اورخون) آبده سیدن عبارت. بو تیللر نینگ اساس وایلدیزی

”ینی سی اورخون” آبده لریده کؤریش ممکن. چنانچه بو تیللر نینگ ایلدیزی (۷۳۲) م. ییلده اورخون خطیده یازیلگن ”ینی سی” آبده لریده سقلنماقده. اساسا ”اورخون خطی (۵-۸) م. ییللر مابینیده اؤرته گه کیلگن.

بعضی بیر دانشمندلر، ۱۸ میلادی ییل نینگ باشله نیشیده ، اؤز اثر و تالیفلریده، ”اورخون آبده لری” یادگار لیکلری بارلیگی باره سیده معلومات بیرگن ایدیلر. مگر کؤپ وقتگجه دانشمندلر، بو کتیبه نی اؤقیشگه موفق بؤلمه گنلر. ۱۹- نچی عصر چاره گیده گریگوری سپسکی مقاله سی، ”اورخون ینی سی” آبده لری حقیقه سیبریسیکی ویستتیک (سایبریا خبرلری) ناملی مجله ده چاپ بؤلدی. بو مقاله لاتین تیلیگه هم ترجمه قیلینگن. بو آبده لر باره سیده گی ینگ لیکلر شو طریق بیلن جهان دانشمندلری نینگ اختیارگه قوییلدی.

براق بو یازو لرنی اؤرگه نیش و تدقیق ایتیش فعالیتی، بیر نتیجه گه ایریشمه دی، چونکه، یازولر نینگ کلیدی (راز) قؤلگه کیلمه گن ایدی.

۱۸۸۹- نچی ییلده، فنلند دانشمندلری، اورخون - ینی سی آبده لری نینگ اطلسی نی نشر ایتیب، تخمینی صورتده ادعا قیلگن ایدیلر که، بو آبده لر فنلند مدنیتی گه تعلقیلیدیر. براق فنلند لیک دانشمندلر نینگ تخمینی ، اونچه دوام ایتمه دی. نیگه که، اوشه ییلده (۱۸۸۹)، روس یازوچیسی وچهانگردی ن. م. یدرنیتسف اورخون دریاسی نینگ یانباشیده گی مغلستان نینگ کاشا- سیدم

لیکن در راه پیشرفت او ، شاه اسماعیل صفوی مانع گردید. چنانچه وی در سال (۱۵۱۰) علیه محمد شیبانی اعلان جنگ داد و بالاخره در این جنگ ، او به قتل رسانید. سلاله شیبانی که از طرف آنها دولت بزرگ قپچاق و اوزبیک تأسیس گردید گرچه در اثر انقضای ایندو دولت از بین رفت ولی توانست بعد ازین بمدد قوم اوزبیک در بخارا و خیوه، حکومتی را تشکیل دهد.

(دایرة المعارف آریانا) ، جلد سوم، ص ۹۸۵

وادىسىدىن كۆپ گىنە، ئابدە لرنى تاپىشىگە موفىق بۇلدى. بو ئابدە لر “ىنى سى” ئابدە لرىگە اوخشاش ايدى. يدرنىتسلف شو يىردە بىر سلسلە بىلنمە گن ختاي – چىنى تىل و يازولرىدە يازىلگن متلرنى تاپدى. بو تصادف بو ئابدە لر “رازى”نى توشىنب آلىشىگە كتتە ياردم بىردى.

۱۸۹۰ - نچى يىلدە فنلند نىنگ علمى انجمنى بىر علمى باستان شناس لىك هيات نى اورخون درياسى نىنگ ساحلى گە يوباردى. ۱۸۹۱ - نچى يىلدە روسىيە فنلر اكادىمىيە سى، بىر كتتە علمى هياتنى اكادىمىسىن و.و. رادلف رهبرلىگىدە اورخون گە جوتىدى. بو ايكي هيات نىنگ تحقيقات ايشلرى نتيجه سى بىر اطلس شكلىدە ۱۸۹۲ -نچى يىلدە نشر بۇلدى. بو اطلسدە نامعلوم ئابدە لر صورتى ، بو ئابدە لرنىنگ تاپىلگن يىرى، نقشە و توزىلىشى كۆرسە تىلگن. بو كتيبه لرنى اۇقىشىگە بىرىنچى قتلە دنمارك لىك عالم وىلېم تامسن موفىق بۇلدى. تامسن بو كتيبه لرنىنگ اۇقىشىگە تورلى الفبالردن فايده لنىمە ي، بو نامعلوم حرف لرنىنگ بىر- بىرىگە شباھت و مناسبتى اساسىدە بو لرنى اۇقىب آلدى. تامسن بىر سلسلە تحقيقاتلردن كىين ۱۸۹۳ - نچى يىل نىنگ ۲۵ نوامبرىدە، ياشىرىن رازلر يوزىدن پرده كۆتردى. عين شو وقتدە، اكادىمىسىن رادلف هم مذكور كتيبه لرنىنگ حرفىنى اۇقىشىگە موفىق بۇلدى. و.و. رادلف اوز كشفياتى و تامسن كشفياتى يوزە سىدن بىرىنچى مرتبه اورخون درياسى نىنگ ساحلى دن تاپىلگن كتيبه لرنى ترجمە قىلدى.

ن.م. يدرنىتسلف وسىلە سى بىلن قۇلگە كىلگن كتيبه لر، بىلكە قان – ماغلبان تورك خاقانى (وفاتى ۷۳۴م.) و او، كول - تگىن نىنگ كىچىك اوكة سى (وفاتى ۷۳۲م.) نىنگ آرامگاھى تاش لوحە سىدن عبارت ايدى.

اوندن كىين او اثرلر اورخون ينى سى درياسى نىنگ ياندىن تاپىلگە نى اوچون اورخون ينى سى نامىگە شىهرت تاپدى. قبرستان نامىدە گى سرود لرنىنگ نىچە سطر مضمونى:

“مىن هلاك بۇلگن قشاق خلقنى بوتونلى(اياققە) توغىزدىم (اويغتىدىم)، قشاق خلق نى باى قىلدىم، از سانلى خلق نى كۆپ سانلى خلققە ايلتتىردىم . مىنىنگ سۆزلرىم نىنگ بىرار يالغانى بۇلمس!...”

“اگر كول- تگىن بۇلمە سە ايدى همه نكيز هلاك بۇلرايدىنگلر. مىنىنگ اينىم كول- تگىن

اۇلدى، مىن قشاق قىغوردىم، كۆزلرىم عاجز بۇلدى. عقل فهمىم اۇتمس بۇلىب قالدى، اۇزىم قىغور دىم. قسمت(وقتى) نى كوك سما (خدا) تعين قىلە دى، آدم بالە سى اۇلىش اوچون توغىلگن... (۱)

اىنگ آخرگى كشفيات و تحقيقاتگە كۆرە، قزاقستان مركزى الماتا نىنگ «اىسقىق» قىشلاقىدە صورت تاپگن قىمت بها كومىشدىن يىلگن پىالە تاپىلگن كە، اونىنگ اىچىدە (۲۶) حرف (۵-۸) م. عصرده گى قدىمگى توركى خطىگە اوخشاش خط يازىلگن. ۱۳۴۹ - نچى هجرى شمسى يىلدە تهراندە گى سابق شوروى سفارتى تمانىدن چاپ ايتىلگن مجله سى نىنگ بىشىنچى سانىدە، شاعر اولزاس سلیمانف يازە دى:

” اىسقىق الفباسى اورخون ينى سى الفباسىگە كۆپ شباھتى بار... ”

اىسقىق خطى يوزىدن معلوم بۇلە دىكە، قدىمگى توركلر اۇز خطلرىنى مىلاد دن ۵۰۰ يىل آلدىن آرامىلردن اقتباس قىلگنلر. شو كىبى اورخون ئابدە سى نىنگ گرامرى شكلى ولغوى غناسى حاضرگچە هم توركى تىلدە موجود دىر.

باشقە مەھم منبع، مشهور تىل شناس عالم محمود كاشغرى(۲) نىنگ اثرى (لغات الترك) ديوانىدىر كە، بو ديوان ۳۶۹ - نچى هجرى يىلى، عرب تىلىدە يازىلگن.

باشقە مەھم كلاسىك اثرلر:

“قوتاد غو بىلىك” (سعادتگە آلىب بارە دىگن بىلىم) منظوم داستانى، يوسف خاص حاجب(۳) تالىفى ۳۶۲ -نچى هجرى يىلى، “هبتە الحقايق” كتابى احمد يوگنكى تالىفى (۱۲) عصر نىنگ آخرلرى يا ۱۳م عصر باشىدە .)

“ربغوزى” قصە سى، ناصرالدين بن برهان الدين ربغوزى تالىفى (۱۲ و ۱۳م. عصر).

قدىمى اۇزبىك و توركم تىللىرى نىنگ مەھم كلاسىك اثر و شاعرلرى بولردن عبارت:

تورک تیلیده اسلام دوریده، تورک بویوک مدافع سی بولگن. محمود کاشغری "لغات التورک دیوانی نینگ مؤلفی" شیخ عاشق پاشا «غریب نامه» مؤلفی، و نوایی و قدری "مسیرة العلوم" مؤلفی، تورک تاریخی دورده تورک کیشی نماینده صفتیده اؤرته آسیا و آسیای صغیر نینگ پارلاق دوره لریده بویوک مدافع حساب له نه دی (۵)

ترک اؤزبیک آغزه کی ادبیاتی:

آغزه ی ادبیات ترک اؤزبیک ادبیاتی تاریخی نینگ بیر مهم و اجره لمس قسمینی تشکیل ایتته دی. آغزه کی ادبیات اؤزی نینگ آلدینگی شکلده قالمسندن، زمانه نینگ اوتیشی بیلن و ایجاباتیگه کؤره، اؤزگه ریب باره دی. آسیادن، قدیم زمان نینگ فولکلوریک اثر و منبع لری قؤلیمیزگه بیتیشگن بو منبعلر، گؤراؤغلی، طاهر و زهره، عاشق غریب و شاه صنم، گل و صنوبر، سلبی صیاد، یوسف بیگ احمد بیگ، یوسف زلیخا داستانلریدن عبارتدیر. بولر نینگ اؤرته گه کیلیشی تاریخی، اینگ قدیم زمانلرگه بیتیب باره دی. تورکی جمله دن اؤزبیک خلقی نینگ آغزه کی ادبیاتی نینگ ایسکی، سرشار و مهم منبعلردن بیرى محمود الكاشغری نینگ جاودان اثری "لغات التورک" دیواندیر. اوندی اینگ قدیم زمانگی رنگ به رنگ و مهم سرودلر، حماسی شعرلر، ضرب المثللر شاملدیر. بو مهم اثرده قدیمی تورک لغاتی محفوظ سقلنگن.

بو اثر اینگ باشلنغیچ جامعہ لر نینگ سرود و قوشیقلرینی اؤزیده سقله گن. بیز بو بیرده اولردن بیر نیچه نمونه لرنی مثال صفتیده کیلتیره میز:

چغری بیریب قوشله تو تایغان ایزیب تیشله تو
تیلکی تونغیز تاشله تو اردم بیله اوکله لیم

مضمونی: (ییکیتلرگه) چغری (أوقوشی) بیریب قوش اولیلیک. آو ایتی نی (قوشلر نینگ) ایزیدن سالیب تیشله تیلیک. تولکی، تونغیز(لر) نی تاش بیلن اوریلیک، یوتوق لریمیز بیلن مخته نیلیک.

"محبت نامه" و "لطافت نامه" در بیک نینگ "یوسف و زلیخاسی"، "سکاکى" و اونینگ دیوانی، "ابوالکلام لطفی هروی" و اونینگ "دیوانی و گل و نو روز داستانی"، "امیر علی شیر نوایی" و اونینگ ابدی اثرلری، سلطان حسین میرزا باقرآء، و ظهیرالدین محمد بابر نینگ دیوانی و "بابرنامه سی" و باشقه ارزشلی اثرلری، مخدوم قلی و اونینگ «شعرلر دیوانی».

(۱۴-۱۷) عصرلر مایینیده، فرهنگ و تورک اؤزبیک تیلی و ادبیاتی بدیعی ادبیات اؤزبیک تیل نینگ تکاملی گه مهم رول اوینه گن و اونى ادبی و علمی تیلگه اؤزگرب یشنه ته دی. تورک اؤزبیک شاعری و اولوغ متفکری حضرت میر علیشیر نوایی (۱۴۴۱-۱۵۰۱) جهان بویوک ادبی شخصیتلریدن بیرى حساب له نه دی. اونینگ نامی و اثرلری اولوغ شاعرلر و یازوچیلر هومر، دانته، شکسپیر، فردوسی، سعدی، بالزاک، پوشکین، ابن سینا و باشقه بویوک سیمالر ینگلیغ ابدی یشه یدی. بویوک دانشمند، مشهور سیاستمدار، اتاقلی هنرمند صفتیده افغانستان نینگ علمی و ادبی رهبرلیگی نی هراتده اؤز ذمه سیگه آله دی و تورک اؤزبیک کلاسیک ادبیاتی نی اساس قویه دی. توانا استاد، ذوفنون دانشمند کبی بو تیل نی اینگ عالی تکامل باسقیچگه کؤته ره دی. اؤزی نینگ سؤزیگه کؤره، (۳) علمی، ادبی و تاریخی اثری بیلن زمانه و روزگار حادثه لریدن امانده قالیش مقصدیده، بو تیلگه یوقالمه یدیگن مستحکم قورغان و حصار بناسینی قوردی.

چنانچه نوایی حضرتلری لسان الطیر اثریده شونده ی دیدی:

تورک نظمیده چو تارتیب مین علم

ایلادیم اول مملکت نی یک قلم

بیریک شرق شناس عالم پروفیسر زکی ولیدی طوغان "دایرة المعارف اسلامی" اثری، پروفیسر محمد فواد کوپرلو تورک ادبیاتی و تیلی بابیده یازگن تحقیقات و مقاله لری، شو کبی پروفیسر احمد جعفر اوغلو (تورک) بسیم اتالای (تورک تیلی بولتنی) کؤپ اهمیتگه ایگه دیر.

پروفیسر دکتور بکر چوپانزاده (۴) اؤزی نینگ ۱۹۲۶ م. ییلی باکو ده نشر بولگن مقالی سیده بونده ی یازه دی:

آلپ اره ن نی اوزوردیم، بوی نین انینگ قزیردیم.

آلتین کوموش یوزوردیم، سوسی قلین کییم توتر.

مضمونی: (دشمن نینگ) باتور عسکرلرینی توزیتیب یوباردیم، بویونلرینی ایگدیردیم، (اولجه) آلتین- کومیش نی ارقه له تیب (کیلتیردیم)، آدم اوتالمس درجه ده عسکری قلین ایدی.

یگیگ لریک ایشله تو، ییغیچ ییمیش ایرغتو،

قولن، کییک اوله تو، بزرم قیلیب اونه لیم.

مضمونی: ییگیگ لرنی ایشله تیلیک، درخت (لر) دن میوه (لر) نی قاقتیریلیک، قولن کییک اوله تیلیک، (سۆنگ) بیره م قیلیب أونیلیک.

بو سرودلر انچه قدیم دور، حتی هنوز گچه حیوانلرنی اوله ش، (چوب و تاش اینگ ابتدایی شکل) بیلن معمول ایکن. بو سرودلرنینگ کۆپ سۆزلری حاضر گچه عین شکله و آز گینه اۆز گریلیش بیلن تورکی تیللرده موجود دیر.

بو اثر و مونگه اوخشش باشقه کتته اهمیتگه ایگه بۆلگن اثرلر بوگون هم بیزنی خشنود قیله دی. شو کی اۆزبیکستان جمهوریتی دانشمندلری (واحد زاهدوف، ن.م. مله یف، و.م. عبدالله یف، و.غ.ک. کریم اوف) نینگ علمی و قیمتلی ایشلری (اۆزبیک ادبیاتی تاریخی) نی اوچ جلد ده تالیف قیلگنلر و ۶۴، ۶۵، ۶۶ ییللرده تاشکندده چاپ بۆلگن و شوکی اۆزبیک دانشمندلرنینگ کۆپ تالیفاتلریدن یادله ش ممکن.

عزیز اوقوچیلرگه معلوم که، گوزه ل اولکه میز افغانستان نینگ شمالی قسمتلریده تورکی (۶) یعنی (اوزبیک، ترکمن، قزاق، قرغیز، ایماق، بیات، تاتار، قره قلیاق...) و باشقه تیللرده سۆزله یدینگن قوملر ییشیدیلر. بو لرنینگ هر بیر اوز لهجه لریگه خاص آغزه کی ادبیاتلری بار.

پاورقیلر:

(۱)- اوزبیک ادبیاتی تاریخی ”ن.م. مله یف تالیفی. بیرینچی جلد تاشکند چاپی، ۱۹۶۵ ییل، ۷۸- ۸۱ ص.

(۲) محمود بن حسین بن محمد الکاشغری ۱۱نچی م. عصر باشله نیشده قرغیزستان قماق شهری نینگ بلاساغون قیشلاقیده توغیلگن. او، یاشلیگیدناق، علم اۆرگه نیشگه کریشدی، مخصوص صورتده عرب اجتماعی علملرینی یخشی اۆرگندی. او، اولدن تورک نینگ تورلی اویماقلری نینگ تیلی نی اۆرگه نیشگه علاقه کۆرستدی. شو منظورده تورکلر ییشیدینگن منطقه لرگه سیاحت ایتدی. گرامری اصولنی تدوین ایتیش اوچون اولرنی رسم و رواج و آغزه کی ادبیاتلرینی اۆرگندی. تورکی تیلده گی اویماق و قبیله لرنی یقیندن کۆردی. اوندن سۆنگ، بغدادگه باردی. اۆرگنگن نرسه لریدن فایده له نیب، عرب تیلده (لغات التورک دیوانی) نی یازدی. (اۆزبیک ادبیاتی تاریخی) ن.م. مله یف تالیفی، بیرینچی جلد، ۱۳۵ ص. تاشکند چاپی، ۱۹۶۵نچی ییل.

(۳) یوسف خاص حاجب (۱۱م.) عصر نینگ اتاقلی شاعری، دانشمندی و سیاستمداریدیر. اوندن بیزگه قدر، ”ییتیب کیلکن یگانه ادبی میراث (قوتادغوبیلیک) داستان ۱۱م. عصر ادبیاتی و ادبی تیل نینگ نادر یادگارلیگی بۆلیب، زمانه سی نینگ ترقی پرور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی تعلیمی قره شلرینی بدیعی مجسم ایتدی. تاریخ، نجوم، هندسه، الجبر، طبیعات، جغرافیا و باشقه ساحه لرگه دایر قیمتلی معلوماتلر بیره دی. اۆزبیک ادبیاتی تاریخی ۱۴۳ بیت.

(۴) چوپانزاده آذربایجان دانشمندلریدن بیر بۆلیب، باکو دارالفنونی نینگ استادی بۆلگن. تورکی تیلی نینگ تدریس و دیالکتولوژی اصولیده کۆپ تالیفاتلری بار. جمله دن (تورک تاتار لسانیاتینه مدخل)، باکو چاپی، ۱۹۲۴- ییل.

(۵) محاکمة اللغتين نوایی نینگ دری متنی، تورخان گنجه یی ترجمه سی ۶ بیت، تهران چاپی، ۱۳۲۳نچی ییل.

(۶) ازبیک، اۆزبیک، اؤغوزبیک، اؤغوزبیک اوغوز قومی نینگ خانی حساب له نیب، بی باک، صاف، پاک و صادق معنی بیره دی. کیلیب چیقیشی تورکی قوملرگه باریب، تقه له دی.



مولانا جلال الدین محمد بلخی نینگ صورتی و سیرتی و اونینگ بویوک ترکی دیوانی حقیده قیسقه نظر

مولانا جلال الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن حسین الخطیبی، مولوی رومی لقبی بیلن شهرت قازانیب، بلخ نینگ خوارزمشاهی تورکلریدن حسابله نه دی.

مولانا ۶۰۴ هجری قمری ییلی بلخ شهریده دنیا گه کیلدی. او باله لیگیده -ناق، آته سی بیلن کیچیک آسیاگه سفر قیلیب، قونیه شهریده استقامت قیله دی. ۶۷۲ هجری قمری ییلده ایسه، مذکور شهرده جهانندن کۆز بومه دی.

مولانا- ترکیه گه بارگه نیده ترکیه خلقیگه خطاباً شونده ی دیگن ایدی

بیگانه مگوید را ز این گویم

در شهر شما خانه خود میجویم

دشمن نیم هر چند که دشمن رویم

اصلم ترک است اگر چه هندی گویم

مضمونی: بیگانه دیمنگ، مین بو دیاردن بؤله من. سیزنینگ شهرینگیزده، اؤز اوییمنی ایزله یمن. باشقه اولکه اهلی بؤلیشیم و هند تیلیده سؤزله شیمدن قطع نظر، مینینگ کیلیب چیقیشیم تُرکد یر.

اؤزبیکلر و باشقه تورکی زبان خلقلر یشیدینگن شمالی افغانستان نینگ عمومی بیر میدانی ۷۵ مینگ مربع کیلومترگه برابر. مذکور میدان نینگ ۸۰٪ تاغلیک منطقه لری بؤلیب، فقط ۲۰٪ گینه ایکین ایکیشگه یراقلی حسابله نه دی (*).

تورکی خلقلری اساساً "بلخ، قندز، جوزجان، سربل، بدخشان، بغلان، تخار، سمنگان، فاریاب و باشقه ولایتلریده ه یشه دیدلر. اولر افغانستان ده گی تورلی تیللر و لهجه لرده گپله شه دیدلر.

افغانستان اؤزبیکلری ایسه نیمن، قطن، قوشچی، قوره مه، منیگ، سری، برلاس، قولاق، قونغیرات، منغیت، قولترات، تومه، اوتارنگ، فنگلی اچه می لی، قیات، تیمور، بیرکه، توبایی، قیپچاق ارغین، قوتر، توگل، یوز، جلابر، و اوترچی کبی قیبله لرگه بؤلینه دی.

افغانستان نینگ اؤزیده (۱۹۶۰) ییلده باسیلیب چیققن بیر معلوماتگه گه کوره، افغانستانده استقامت قیله یاتگن تورکی خلقلر نینگ سانی تورت یریم ملیون دیب کؤرسه تیگن. (**). براق مشهور یازوچی و تاریخچی عالم پروفیسر داکتر عنایت الله شهرانی اؤزی نینگ (تاریخچه ی نژادها و اقوام در افغانستان) اثریده شونده ی یازده دی: «بو گونگی کونده جهانده قریب اوج یوز ایللیک ملیون خلق تورکی تیلیده سؤزله شه دی. افغانستانده گی تورکی خلقلر سانی، بیز اکثریت میز ادعاسی بیلن تورگن و امتیاز خواهلاوچی خلقلردن انچه کویدیر.»

(*) - پ الکسینوف. افغان ترکستانیده زراعت مساله لری.

(**) - داکتر عارف عثمان. افغانستان اؤزبیکلری حقیده بعضی بیر معلومات. "عرفان" مجله سی. سنبله، میزان آیی ۱۳۵۷نچی ییل.

ياولر نينگ: «مولانا نينگ مريدلرينى عجايب انسانلر تشكىل بيره دى.

هر جايدە تىكوجى، گزله مه ساتوجى و بقاللر اونينگ بيلن علاقه ده بۇلىب، علمالر و دانا شخصلر اصلا اونينگ يانينگه كيلمه يدى»، - دىگن تهمتلىرىگه نسبتاً، قويدده گيچه جواب قه يتە رر ايدى:

«اگر مينينگ مريدلريم يخشى آدملر بۇلگه نيدە، مين اولرگه مريد بۇلرايديم، اما، يامان آدملر بۇلگه نى طفيلى، مين اولرنى اۇزيمگه مريد صفتيده تنله گن من و نهايت اولرنى الله يۇليگه ييتكله يمن».

مولانا مۇدرسلىك و اوقوتوچىلىك يۇلدىن گون كيچيردى. بيراونينگ منتى نى اصلا اۇزىگه يۇل بيرمسدى و قۇلگه توشگن اقچه لرنى كمبعل شخصلرگه ترقه تر ايدى. مبادا اوييده اذيق-اوقات (اقوت) بۇلمه گن تقديرده، او جوده خورسند بۇلىب، ايندى بيز نينگ اوييميز ييغمبرلر اوييگه اوخشه ب قالدى»، - ديبه، سۇز يوريتردى.

او، عهد ييمانگه اعتبار بيره دىگن آدملرنى سيويب، «وفادار شخصلر حقى اوچون» دىگن معنا ده انت ايچردى. رياضت چيكيش مفكوره سيگه قرشى چيقيب، هيچ قچان مريدلرينى چلله ده اۇلتيريشلرينى خواهله مسدى. او بارعمرى نى تهذيب، اخلاق و جماعه آسايشته ليگى يۇليده صرفله گن. مولانا اخلاق و خيرخواهلىك نقطه نظردين اينگ اولوغ ييغمبرلرگه اۇخشر ايدى. بير سۇز بيلن آتگنده، او، توغرى سۇزلىك و تۇغرىلىك ده انسانيت نينگ اولوغ يولباشچى سى و رهبرى صفتيده قرار تاپگن ايدى.

مولانا حقيده گى آيتيلگن قويدده گى سۇزدن هممه ميز نينگ خبريمز بار:

مثنوى معنوى مولوى هست قرآن در زبان پهلوى
من چه گويم وصف آن عاليجناب نيست ييغمبر ولى، دارد كتاب

حضرت مولانا جلال الدين محمد بلخى سربقندن كيلگن و آزغين شخصل بۇلىب، بيرگون حمام گه توشگه نيدە، اۇز بدنى نى كۇرگيچ، اۇزىگه رحم و شفقت نقطه نظردين باقيب، ضعيف ليگى حقيده شونده ي دىگن ايدى:

«مين عمر بۇيله ب، هيچ بير كيمسه دن خجالت قيلمه گن من، اما بۇگون ايسه، اۇزيم نينگ آزغين ليگيمنى كۇريب، بغايت اويه لديم... او آزغين ليگيگه قره مسدن، نهايت نورانى و صلابتلى شخصل بۇلگن. اونينگ شهامتلى كۇزلريگه هيچ كيم تيك قره آلمسدىن، اۇنگه كۇزى توشگن شخصل، بيرگه باقرايدى.

او، باشيگه دانشمنلرچه سلله اۇره ب، كۇيله گى نينگ يينگى، كينگ بۇلگن. مولانا طريقت يۇليني تنله ب، شمس نى تانيگه نيدن كيبن، كتته سلله نى باشيگه قۇيب، ماوى رنگلى چين كى يردى. بو عمرى نينگ آخيريگچه، دوام ايتە دى. سيرت و اخلاق نقطه نظردين مولانا، دنياده مثلى كۇرينمه گن شخصل ايدى.

او دانا آتە سى سلطان العلماء بهاء ولد تربيه سى، مذهبي و عرفانى محيط تائيرى آستيده، تربيت تاپگن ذات. مولانانينگ دل چراغى، سلوك و طريقت گه قدم باسگه نيدن سۇنگ، آتە ميراثى و تينگرى تعالى عزيز بنده لرى معرفتى دن نورگه تۇله دى.

او جهان نينگ تورلى- تومن خلقلرى و مذهبلىرىگه نسبتاً صلح و آسايشته ليك و برادرلىك يۇليني تنله ب، مسلمانلر، يهوديلر و ترسالرگه حرمت كۇزى بيلن باقه دى. هيچ قچان هيچ كيم نينگ هر قنده ي سوالىگه اچچيق جواب بيرمه گن و اونى خفه قيلمه گن. من - من ليك، قيصر ليك، اۇز بيلرمانلىك، اونينگ شأ نينگه تۇغرى كيلمه سدى. او، آدملر بيلن تواضع و مهربانلىك ده گون كيچيردى. ياش- قرى، مۇمن و كافرلر ارا، فرق قايل بۇلمسدى. ديمك هممه نى بير كۇزده كۇرردى.

روم پادشاهلرى و اميرلرى مولانانى جوده حرمت قيليب، اونينگ بيلن ديدار كۇريشيشنى آرزو قيلر دى. شونگه قره مسدن او، كمبغلر و محتاج كيشيلر بيلن يقين علاقه ده بۇلىب، اكثريت مريدلرينى پست قتلدىن تعيين قيلردى. او ذات اولر نينگ تربيه سى يۇليده، باش - قاش بۇلىب، اولرنى الله يۇليگه چارلر ايدى.

مضمونی: مولوی نینگ معنوی مثنوی سی، پهلوی تیلیده قرآنشریف دیک قدر- قیمتگه مالکیدیر. مین او ذات نینگ وصفی حقیده نیمه دییشیم ممکن. او ذات پیغمبر ایمس، مگر مثنوی دیک اولوغ کتاب صاحبیدیر.

مولانا نینگ ترکی تیلیده گی دیوانی:

بعضی بیر منبعلرگه کۆره، مولانا نینگ ترکی تیلیده گی اولوغ دیوانی و شونینگ دیک اونینگ قلمیگه منسوب تورکی شعرلری تیلگه آینه دی. سامی نیهات بانارلی «تورک ادبیاتی تاریخی» ده یازیشیجه، مولانا اتاتولی ده ترکی تیلیده بیر بویوک دیوان بره تگن. بو دیوان فارس تیلیده بولیب، اونده عربی و یونانی تیلیدن علاوه، ۲۰۰ گه یقین تورکی بیتلر (غزل، قطعه، بیت و ملامع) شعرلرهم موجود دیر. شونی آیتیش جایزکی، بو شعرلر حاضرگچه ایرانده باسیلیب چیققن دیوانگه کیریتیلمه گن. داکتر ح. محمد زاده صدیقی «دوزگون» اۆزی نینگ مولویه مکتبی ده گی ترکی شعرلر کتابیده بو نکته گه اورغو بییریب، شونده ی یازه دی:

بو دیوان ده گی اعلان قیلینگن برچه شعرلر خیرلی و عالیجناب انسانلر حقیده بولیب، اونینگ تورت لیکلرینی، صوفی لر و درویشلر، ترجیع بند طرزده تضمین قیلیب، خانقاه لرده اجرا ایتیشه دی. مولانا نینگ بیرقنجه لیریک شعرلری و غزللری عرب، فارس، تورک و ارمن تیللریده ملمعات شکلیده، بیتلگن. منه شونده ی شعرلردن نمونه لر کیلتیره میز:

یالغیز سینی سیورمن

دانی که من به عالم، یالغیز سینی سیور من
من یار با وفایم، برمن جفا قیلورسن
رویی چو ماه داری، من شاد دل از آنم
تو همچو شیر مستی، منیم قانیم ایچرمن
فرمای غمزه ات را، تا خون من نریزد
هردم به خشم گویی، بار کیت منیم یانیمدن
روزی نشست خواهم، یالغیز، سینینگ قاشینگده
روزی که من نبینم، آنروی همچو ماهت
آن شب که خفته باشی، مست و خراب شاها
ماهی چو شمس تبریز، غیبت نمود، گفتند
چون در برم نیایی، اندر غمت اولرمن
گر تو مرا نخواهی، من خود سنی تیلرمن
زان شکرین لبانت، بیر اؤپگه نی تیلرمن
من چو سگان کویت، دنبال تو گیزر من
ورنه سینینگ ایلینگدن من یارغیگه بارر من
من روی سخت کرده، نزدیک تو توررمن
هم سن چاغیر ایچرسن، هم من قمیز چیلرمن
جانا! نشان کویت، از هر کسی سؤرر من
نوشین لب ت به دندان، قی یی-قی یی توتورمن
از دیگری نپرسید، مین سؤیله دیم آریرمن



بابا رحيم مشرب

همه ميز، اولوغ شاعر بابا رحيم مشرب حياتي و ايجادي باره سيده آزمي - كۆيمي معلوماتگه ايگه ميز. بو آتش نفس شاعر، هجری شمسی ۱۰۵۰-نجی، میلادی ۱۶۴۰-نجی ییلى، اۆزبېكستان نینگ نمنگان ولايتی، بۇزچى عايله سيده دنيا گه كىلدى. و هجری شمسی ۱۱۲۳ - نچى، میلادی ۱۷۱۱- نچى ییلده بلخ حاکمی محمود قتال حکمی بیلن دارگه آسپلگن.

مشرب نینگ بوتون حياتی، ایل اره سيده ضرب المثلدير. ایتگن اوتلوق غزللری خلققه يادداشتدير. مشرب شعرلری بیلن ایتيله ديگن قوشیقلر، هر كونی خواننده لر تامانیدن كویله نه دی. بو قوشیقلر تۆیلرگه فیض بغیشله یدی، عزالر ده غم دیده لر نینگ دردینی بینگیلشتیره دی.

مشرب غزللری بیلن ایتيله ديگن اشوله لرنی ایشیتگنده، دردینگیز اریدی، كونگیلنگیز یاریشه دی.

مشرب تصوف طریقه سی نینگ نورلی نماینده لریدن بیریدیر. مشرب «قطب العالم» آفاق خواجه گه قۇل بیریب، اونى، اۆزى نینگ پیر مرشدی صفتیده تنله یدی. اونینگ شعرلریده گى تصوف جلوه لری شو یۇلده چیققن ریاضت لری میوه سیدیر .

شاعر قیرق ییل عمرینی سیر مشققت دربه درلیکده، غریب لیکده اۆتكزدی. اونینگ حياتی عبرتلی واقعه و حادثه لر بیلن تۆلیب تاشگندیر. اۆننگ بو عجایب سرگذشتلریگه بغیشلنگن یریم افسانوی «قصه مشرب» کتابی موجود. بو کتاب اۆزبېكستان استقلالیدن سۇنگ، اۆزبېكستانده سناقلی موقعگه ایگه بۇلگن «شرق یولدوزی» مجله سيده چاپ بۇلدى.

حاضر بیز اوشبو کتابدن بیر روایتی محترم کتابخوانلر دقتیگه حواله قیله ميز. امید قیله ميز، بو روایتلر تورک اۆزبېك ادبیاتی نینگ بویوک نماینده سی نینگ زیر دست قلمیگه منسوب ايجادینی

آیریلیق اودو

ماهست نمیدانم، خورشید رُخت یانه

بو آیریلیق اودونا، نیچه جگریم یانه

مردم ز فراق تو، مردم که همه دانند

عشق اودو نهان اولماز، یانار دوشه جک جانه

سودای رُخ لیلی، شد حاصل ما خیلی

مجنون کیمی واویلا، اولدوم گینه دیوانه

صد تیر زند بردل، آن تورک کمان ابرو

فتنه لی آلا گوزلر، چون اویخودن اویانه

ای شاه شجاع الدین، شمس الحق تبریزی!

رحمتدن اگرنولا، بیر قطره بیزه دامه این مقاله در مجله « راه نیستان » به پیشواز هشت صدمین سال تولد مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی در بهار سال ۱۳۸۶ = ۲۰۰۷ در شهر انقره ترکیه اقبال چاپ یافته است .

محرابىگە بىر اق ايشكى نى باغله ب قۇيىشىدى. احوالنى كۆرگن صوفى رنجىب:

واه درىخ! دشمنلر بو ايشكىنى بو بىرگه باغله ب كىتىشىدى - دە- دىدى. صوفى ايشكىنى عىساسى بىلن كلتكله ب، تشقىرگه آلىب چىقىب بىر درختگه باغله دى، سۇنگ اۈزى اىچرىگه كىرىب قره دى كى كىچە كۆرگن قلندرى بىر بورچده دانگ قاتىب اوخله ب ياتىدى.

ھاي قلندر! تور نماز وقتى بۇلدى، - دىدى.

قلندر اويغانمە دى. صوفى اوچ مرتە بار آوازى بىلن چقىردى، لىكن مشرب باشىنى كۆترمە دى.

صوفى نىنگ جھلى چىقىب، ۵-۶ مرتە عىساسى بىلن اوردى، مشرب اويقودن تورمە دى.

قە نە قە قلندر سن، فرض نمازى وقتى بۇلدى، - دىدى صوفى. دىواردن صدا چىقسە - چىقىدىكى، لىكن اوندىن چىقمە دى.

خدا يۇلىگە سىندىن اۋتىنىب سۇرە يمن، باشىنگى كۆتر! - يالوردى صوفى. شو آندە شاھ مشرب باشىنى كۆتردى، كۆزلرىدە ندامت ياشلرى يىلتىردى.

اي قلندر! يىغله سنگ اۋرنى بار، لىكن ايشكىنى آلىب كىرىب مسجدگە باغله گە نىنگ نىمە سى؟ - سۇرە دى صوفى .

سىزلر ۶ تنگە لىك كاويشىنگلرنى اۋغرله ب كىتىشدىن قۇرقىب مسجدگە آلىب كىرىب آلدىنگىز گە قۇيە سىزلر، مېن بو ايشكىنى ۱۵ تنگە گە آلىب ايردىم، مېنى ايشە گىمنى اۋغرى آلمە يدىمى؟ - ايشە گىم محرابگە چىققن بۇلسە، حيوانلىگىگە بارىدى - دىدى.

صوفى مشرب نى باشلە ب مدرسە دە گى امام نىنگ آلدىگە آلىب كىلدى. مشرب شوندى بو بىتلرنى اۋقىدى:

چوقورراق انگله ب آلىشگە كىمكلە شە دى:

مشرب بخارا شەرىگە قدم قۇيگچ، بىر مقبرە گە كۆزى توشە دى - بونىچوك آستانە دىر؟ - دىدى - حضرت نقشبند آستانە لرىدىر دىب، جواب بىرىشدى اونگە. شوندى بابا مشرب بو بىتلرنى اۋقىدى:

بخارا را بخارا ميتوان گفت بهارش را زمستان ميتوان گفت

بهالدين نباشد در بخارا فرنگ کافرستان ميتوان گفت

مضمونى:

بخارانى بخارا دييش ممكن

بهارىنى قيش دييش ممكن

بخاراده بهالدين (نقشبند) بۇلمە سە ايدى

کافرستان نىنگ فرنگى يورتى دييش ممكن ايدى.

روايت قىلىشە دىكى، مشرب بىر محل قره سە، صوفى مسجد دروازه سىنى قۇلغە ياتگن اىکن. شاھ مشرب اوندىن التماس قىلدى:

اي صوفى! مسجدنى بىكىتمە. مېن بىر مسافر آدم من، كىچە سى مسجددە تونە ماچى من.

صوفى قره سە بىر قلندر تورىتى. اۋشە وقتدە مسجد كلىتى نى اونگە تابشېرىب، اۋزى باشقە ايشلر پىيدىن كىتدى. شاھ مشرب مسجد نىنگ ايشىگىنى آچىب، محرابگە كتتە قازىق قافتى و ايشە گىنى آلىب كىرىب باغله دى، اۋزى منبرنى تىپە سىگە چىقىب، اوخله دى.

صوفى عادتى بۇيىچە، تانگ سحرده مسجدگە كىلدى، قره سە مسجد نىنگ اىچىدىن بىر غراىب تاووش قولاققە چلىنە ياپتى. فانوسى بىلن اىچىرىگە كىرىب قره سە، مسجد نىنگ

ایشک ایدییم-

کیین نیمه بۆلدینگ؟-

آت بۆلدیم ! -

کیین نیمه بۆلدینگ؟ -

تویه بۆلدیم!-

شونده ملا:

ایا الناس، بخارا خلقی، بیلینگلرکی بو قلندر خوجم پادشاهمدن کیلیبدور، عذر ایتینگلر! - دیدی. شوندن سؤنگ همه اؤرنیدن توریب، اوندن کیچیریم سؤره شدی.

شونده مشرب بو غزلی اوقیگن ایکن:

نگاریم وصلی نی ایزله ب، طلبده بیر قلندرمن

کیچیب دنیای فانیدن، طلبده بیر قلندر من

سؤنگ شاه مشرب ملاگه یوزله نیب دیدی:

یگانه مقصدیم جنابینگیزنی زیارت قیلش ایدی. کوردیم زاهدلر کۆپ ایکن. دعای فاتحه بیرینگلر تاکی حجگه باریشنی اراده قیله ی، دییه مشرب بو غزلی اوقیدی:

نیست غیر از عاشقی در کار ما

نیست جز بار ملامت با رما

نقد جان داده، محنت میخریم

راحت جان نیست در بازار ما

اناالحق گویی ایجادم

تجلی پرور عشقم

مدام از خون منصورم

می در ساغر عشقم

مضمونی:

اناالحق دیوچی من

عشق نینگ تجلی پروری من

منصور قانیدن بؤلگن من

عشق قدحیده من

ملا، اونی کؤریشی بیلم، همانا او زمانه اولیا لریدن ایکن لیگینی انگله دی، لیکن اؤزی نینگ اولیا لیگی نی همه گه آشکار بۆلیشیدن تیه یاتگه نینی توشیندی. صوفی نینگ کؤنگلی رنجیمه سین ، دیب مشربگه یوزله نیب دیدی:

ای، دیوانه! بولر نیمه لر دییشیپتی؟

بولر محرابگه بیر ایشکنی امام دیب اوتکه زبیدیلر. راست تورورلر. آلتی پولگه آگن کاوویشلرینی اوغری آلمه سین، دیب اؤز لری آرقه لریده قویمه ی، آلدیلر یگه قویوب، نماز اوقیدیلر، مین ایشه گیمنی ۱۵ تنگه گه ساتیب آگن بۆلسم، کیشی آلیب کیتمه دیدیمی؟- دیدیلر.

بو جوابدن ملانینگ کیفیتتی اچیلدی.

ای، مشرب بخاراگه پای قده مینگیز مبارک، خوش کیلیب سیز.

شوندن سؤنگ اولرنینگ آرقه سیندن عجایب صحبت باشلندی.

ای قلندر، اول نیمه ایردینگ؟-

محمود خان مشرب نینگ بو التماسینی جان- دلی بیلن قبول قیلیب، اۇزى ارک نی ترک ایتە دی.
مشرب تختگە اوتیرگچ اونینگ اوستیگە یازیلە دی و ارکدن چیقیب :

ای محمود! آل بو تختینگنی؟- دیدی .

وزیر کیلیب قرە سە ، تخت نجاستگە باتیبیدیر.

وزیر یقە سینى ایرتیب پادشاه غە ایتدی:

ای پادشاه ! قیسی بیردن کیلگن بنگی قلندرگە اخلاص قیلیب توریب سیز. فرغانە زمینی دن بیر قلندر کیلیب پادشاه محمود خان نی تختی نی نجاستگە بولغە ب دیر دیب، ابدالابد بد نام لیککە قالورسیز. اگر ایشانمە سنگیز اۇزینگیز باریب کورینگ دیدی .

پاد شاه محمود خان نوکرلری بیلن اتلە نیب کیلیدی، قرە سە، تخت نی اوستی نجاستگە باتیبیدی. پادشاه محمود ایتدی :

ای مشرب بو نیمە قیلغانینگیز؟

یخشی قیلدیم. سین مملکتینگى رسوا قیلگندە، مین بیر تختینگى رسوا قیلسم نیمە بوپتی؟- دیدی مشرب.

پادشاه، مشرب نینگ سۆزلرینی ایشیتیب، غضبی قۇزغبدی و جالادلرگە مشرب نی دارگە آسیشنى بووردی. جالادلر در حال ایشگە توشیب، مشرب نینگ قۇل - آیاغینی باغله شیبیدی. شونده مشرب، شاه گە قرە ب:

ای پادشاه! سین مینی اۆلدیره سن، لیکن سین هم اوج کونگە ییتمه ی اۆله سن دیدی.

مشرب نینگ اۆلیمیدن ۳ کون اۆتگچ، محمود قتال اویقوگە کیتە دی . توشیده «القصاص

مضمونی:

بیزنینگ ایشیمیزدە عاشق لیکن اۇزگە نرسە یۇق

ملامت یوکیدن اۇزگە، یوکیمیز هم یۇق

جان دولتین بیریب، محنت ساتیب آلە میز

بیزنینگ بازاریمیزدە، جان نینگ راحتی بۆلمە یدی

مشرب غزللری خلق نینگ درد و المی بیلن یوغریلگن . اونینگ مستزاد، مربع، مخمس، مسدس، ومسیح لرینی اۇقیگن کیشی ، یخشی انگله ب آلە دیکى، مشرب حقیقتدە، خلق شاعریدیر. اونینگ شعرلریدە انساندۇستلیک و ایزگو لیک غایه لری ترنم ایتە دی.

خلق بخشیلری مشرب یازگن داستانلرنی خلق داستانلری بیلن برابر کویله شه دی. قوییده گی مصراعلرنی بارلیق وجودینی حس- هیجان قاپله می اۇقیب بۆله دیمی!؟

دلی تیغ ستمدین یاره بۆلگن خلق نی کوردیم

تنی درد و المدین پاره بۆلگن خلق نی کوردیم

کۆزی وقت سحر سیاره بۆلگن خلق نی کوردیم

محبت دشتیده آواره بۆلگن خلق نی کوردیم

جنون طغیان ایتیب دور هریری سی بی خبر تنها

مشرب نینگ اۆلیمی اونینگ خلقیگە بۆلگن محبتی نی یققال نمایان قیلگن حادثە دیر.

بلخ نینگ حاکمی محمود خان ، مشرب نی آلدیگە چقیره دی.

ای، محمودخان ! بو تاج و تختینگ نی مینگە بیر مرتە بیر، مین هم اوتیره ی، - دیدی .



امير تيمور صاحبقران

جارى يىلده (۱۹۹۶- انچى يىل) امير تيمور تولدى نىنگ ۶۶۰ يىللىگىنى بوتون جهان نشان له ماقده. بونىنگ اؤز سىبى، اؤزىگه خاص اهمىتى بار.

امير تيمور بىلن فقط اؤزىكىستان خلقى ايمس، بل كه جهانده گى برچه ترك اؤزىكلر، شو جمله دن توركى خلقلر حقلى روشده فخرله نه دىلر. مىنگ شكرانه لر بؤلسىن، تارىخىمىزده امير تيمور، عىشىرنوايى، مىرزا اولوغبىك، مىرزا بابر، ابن سىنا، البىرونى، الخوارزمى، فرغانى، يسوى، نقشبندى، البخارى، الترمذى كى علامه لرىمىز كۆپله ب تاپيله دى. منه شو، هر بىرى بى تكرار سىمالر كروان باشى سى حضرت صاحبقران امير تيمور بؤله دىلر. امير تيمور فقط بويوك سلطنت توزگه نى، سمرقند، بخارا كى شىهرلرده گى تارىخى ابدە لرنى قالدىرگه نى، يىلكه سى بىر، ايسكه مه گن سركرده بؤلگه نى اوچون گىنه قدرلى ايمس.

اىنگ اول توركى خلقلر نىنگ نامىنى جهان صحىنگه آلىب چىققن اولكن سىما صفتىده هر بىرىمىز اوچون قدرلى دىر. دولت اربابلىرى، بىرىك سركرده لرنىنگ تارىخى اؤرنى شونده كه، اولرنىنگ فعالىتى فقط بىر تمانله مه بؤلىب قالمه يدى. امير تيمور فعالىتى جمعيت حياتى نىنگ برچه - برچه ساحه لرنى قمره ب آلىشى بىلن دقتگه سزاوار دىر.

دىمك، تارىخده اسكندر مقدونى، ناپليون و باشقه اولوغ سىمالركى بىرىك سركرده لر، دولت اربابلىرى اؤتگن. بولر نىنگ بىرانتە سى كىنگ قمره و معنا سىده سىز بىلن بىز نىنگ فخرىمىز بؤلگن امير تيمور حضرتلرى بىلن بؤيله شه آلمه يدى. اميد قىله مىز توركى خلقلر يشه يدىگن زمين، كىلگوسىده بىز لركه بى حساب تيمورلرنى يىتكه زىب بىره جك. بىران بىرخلق نىنگ فرزندىنى

من الحق « دىگن آواز كىله دى. او اؤرنىدن سكره ب تورىب قاچماقچى بؤله دى، لىكن اوى قوله ب قزاسى يىته دى. شو طرزده محمود قتال عالمدن اؤته دى !

اى- وای كىمنى اؤلدىردىنگ و، اؤزىنگ اؤلدىنگ زارا!

اى وای كى را كشتى، تا كشته شدى زارا!

اين مقاله در سال ۲۰۰۳ = ۱۳۸۷ در مجموعه «بیدلستان هفتم، گلدسته هشتم»- دو کتاب در يك جلد، در شهر استانبول تركيه چاپ گردیده است.

كەم سېتمە گن حالده ،ايتيش كېرە ككە ،امير تيمور فقط توركى خلق لرنىنگ تاريخىگە ايمس ، بل كە ، باشقە خلقلرنىنگ ، يعنى ترقى پرور انسانيت نىنگ تاريخىگە نامى ، زرحل حرفلربىلن بىتىلگن سېما ايكة نىنى هم ايتىب اوتىش نى اىستردىم . بونىنگ تېرە ن تاريخى ايدىزلرى بارلىگى همه ميزگە عيان . امير تيمور باشلە گن اولوغ ايش نى ميرزا اولوغىيەك علم نجوم و دولت چىلىك ساحە سىدە رواجلىتىردى . خوددى شوندى ي ميرزا ظهیرالدين بابر ، بىرىك سلطنت يوزە گە كىلتىرىب ، بىتكەر علمى و بدىعى اثرلر يره تىب ، امير تيمور اساس سالگن بويوك دولت چىلىك سياستىنى يوكسك راق پاغانە گە كوتردى . اورته عصرلر شرق اويغانىش (رنسانس) دورى نىنگ ايكي ياروغ يولدوزى - مولانا عبدالرحمن جامى بىلن على شىرنوايى ايسە ، ادبيات ساحە سىدە تيمور يلر دورى نىنگ اينگ يوكسك چوققى لرى بولدىلر . بوندن شو عيان بوله ديكە ، اگر اولوغ بابامىز امير تيمور حضرت لرنى اولكن چنارصفتىدە تصور قىلە دىگن بولسك ، اونىنگ شاخە لرى . اجتماعى - سيا سى حيات نىنگ برچە ساحە لرنى تشكىل ايتە دى .

تارىخ نىنگ گواھلىك بىرىشى چە ، امير تيمور حياتى نىنگ اكثرىت قسىمى سفىرلر دە ، حربى - نظامى يورىشلر دە اوتگن . بوندن قطع نظر اونىنگ بىران بىر مشورتى علامە لر اشتراك سىز اوتە گن . امير تيمور نىنگ علم - فن ، مدنيت و صنعت نمايندە لرىگە حامى ليگى حقىدە گىپىرگندە ، اولاستاد لرگە بولگن مناسبتى نى ايسلە تىب اوتىش دركار . قە نى ايتىنگ چى ، قىسى بىر بويوك انسان وفاتىدن كىين استاذى پايىگە دفن ايتىشلرنى وصيت قىلگن ؟ قرنگگە ، امير تيمور حتى قبرىدە هم سىز بىلن بىز اوچون حقىقى انسانى ليك تمثالى بولىب ياتىدىر . «استاد آتنگدن اولوغ» دىگن نقلگە عمر بويى عمل قىلگن ، بىریم دىنانى اىگللە گن بوليشىگە قرە مسدن ، منگو مقالنى هم استاذى پايى دە دىب ، بىلگن اولوغ سېما نىنگ علم و فن ادبيات و هنر نمايندە لرىگە مناسبتى فقط ايجابى بوليشى طبعى دىر . امير تيمور سلطنتى دە گى اساسى اداره لر و منصبلىر : يعنى اهل ديوان ، منشى دربار و كاتب اسرار ، امام جماعت ، صدور مملكت ، تارىخ و سالنامه اوقوچىلر ، طبىب لر ، منجم لر ، سمرقند فقيه لرى ، محقق لر ، مهندسلىر ، قارىلر ، وزير لر ، خطىبلر ، اهل كتابت ، يازوچىلر ، زرگرلر ، شطرنج بازلر ، سازنده لر ، نقاشلر ، هيكلتراشلر ، باغبانلر ، بولگن ليگى اولوغ سرکرده دنيا قرە شى قنچە لركىنگىلگىدن دلالت بىرە دى . امير تيمور نىنگ حتى كە لشكرىباشى ليك تجربه سى درجه گە يىتگن بىر پىتدە هم يان اطرافىدە گى سلیمان شاه ، قمرى ، سيف الدين ، الله داد ، شاه ملك و شىخ نورالدين كىي يقين كىشى لرى بىلن مصلحتلە شىشنى كندە قىلمسلىگى اونىنگ عملياتى بىلن نظرىه نى قوشىب ائىب بارگندن ، هيچ قچان اوژىگە بنا قويمە گە نى مغرور ليككە بىرىلمە گە نىدن

يارقین دلالت بىرە دى . امير تيمور قرارگاهىدن محلى اهل علم بىلن بىرگە ، ابن عربشاه كىي عربىلر ، كلاويخا كىي اروپالىكلر باش پناه تاپگن ليگى سرکرده نىنگ عالم لرنى ملتگە اجرە تمە گە نىدن دلالت بىرە دى . شونى سى اعتبار گە لايىق كە ، بىراقنى كوره بىلگن صاحبقران نىنگ فعاليتى گە دایر قيمت بهاء تارىخى اثرلر ارە سىدە ابن عربشاه و كلاويخا نىنگ تارىخى اثرلرى عليحده اورىن توتە دى . درحقيقت ، امير تيمور جهان نىنگ قىسى بىر مملكتى نى ضبط ايتە سىن ، انه شو جايدە علم اهلى نىنگ باشىنى سىلە دى . رعيت نىنگ كونگلى گە قرە دى . بى پايان سلطنتى دە ترتىب - انتظام بوليشى اوچون حركت قىلدى . كهنه شهر سبىز يقىنيدە گى ايلغار قشلاغيده ۱۳۳۶ ميلادى يىلى دنياگە كىلگن صاحبقران زمين نىنگ صىقلى - سمرقند نى سلطنتى نىنگ پايتختى ايتىب تنلە دى و بو نىنگ اوژىگە خاص سىبلىرى سمرقند نىنگ جغرافىايى قوله ي جايلىشگن ليگى بىلن باغلىق اهمىتلىرى موجود دىر . سمرقند شىهرىدە گى تيمور دورىدە قورىلگن تارىخى ابدە لر ، كىين - چە ليك سمرقند ، بخارا ، شىهرسبىز كىي قطار شىهرلر دە امير تيمور نىنگ فرمانى ، قاله و برسه تيمور يلر تمانىدن برپا ايتىلگن آثار عتيقه لر ، امير تيمور سىماسى نىنگ مدنى - معنوى ، معمارى ، تارىخىدە قالدىرگن اوچمىس ايزىدن يارقىن دلالت دىر . امير تيمور فرمانى بىلن قورىلگن تاشكند يقىنيدە گى زنگى آتە و كهنه تركستاندە گى يسوى مقبرە لرى نىنگ اهمىتى نى هم كىزى كىلگندە ايتىب اوتىش كىرە ك . تركستان ملكى نىنگ شىخ المشايخى خواجه احمد يسوى قبرى اوستىگە تىكىلگن مهابتلى مقبرە ، امير تيمور نىنگ اهل شعراگە ، اهل علماگە ، همتى نىنگ دردانه لرىدن بىرى صفتىدە منگو صلاحيت توكىب توره وىرە دى . جارى يىل امير تيمور تولدى گە ۶۶۰ يىل تولدى . ارە دن شونچە فرصت اوتگن بوليشى گە قرە مسدن بىز عاصى بنده لر امير تيمور بويوك ليگىنى توله ليگىچە انگلە ب يىنگە نىمىز يوق دىب ، كامل ايشانچ بىلن ايتە آلە مىز . بو نىنگ اوژىگە خاص سبب لرى بار . يعنى انسانيت تارىخى نىنگ معيين باسقىچلرىدە ميدانگە چىقە دىگن امير تيمور سىماسى نىنگ سرى و سحرى نى انگلە ماق اوچون كمىدە انه شوندى ي صلاحيت گە ايگە بولماق طلب قىلە دى . افسوسكە تنگرى همه نى هم بونده ي نادر صلاحيت بىلن سىلە يورمە يدى . امير تيمور سىما سىدە ، انسانى فضىلتلربىلن بىر قطار دە الهى خاصىتلر اويغونلە شىب كىلگن ليگى اوچون هم توركى خلقلر نامى نى بشريت تارىخىدە اولكن توتگن و توتە ياتگن بويوك خلقلر بىلن يانمە - يان يازىلشنى تامىنلە يدى مىل تىكلە نىش گزىتە سى :

۱۹۹۶ - نچى يىل ، ۲۴ - نچى سېتىمىر ، ۳۸ (۶۷) سان . تاشكند

اینیقه، افغانستان اوزبیکلری خلق آغزه کی ایجادى نمونه لری نینگ «خلق در دانه لری» نامی بیلن ۱۳۵۹=۱۹۸۰ ییلده کابل ده علیحده کتاب حالیده نشر ایتیلیشى، افغانستان خلقلری نینگ ادبی-مدنی حیاتیده کتته واقعه بولیب قالدی.^۱

مذکور کتاب نینگ نشر ایتیلیشى، بیر تاماندن، افغانستان اوزبیکلری نینگ آغزه کی ایجادینی عامه لشتیریش ساحه سیده دستله بکی ده دل قدم بولسه، ایککی نچی تاماندن، اوشبو مدنی میراثی چقور علمی اساسده تدقیق ایتیشده، اونینگ باشقه خلقلر فولکلوری بیلن، خصوصاً اوزبیکستان اوزبیکلری خلق آغزه کی ایجادى بیلن علاقه لرینی کینگراق اؤرگه نیشده مهم منبع بولیب خدمت قیله دی.

افغانستان اوزبیکلری خلق آغزه کی ایجادینی مکمل تدقیق ایتیش، اونینگ بدیعی خصوصیتلری و تاریخی اؤرگه نیش، بوگونگی یاش اولادنی تربیه لشد، اولرنینگ دنیاقره شینی شکلتیریشده، مدنی میراث نینگ اؤرنی و رولی نی بیلگیله ش کی، قطار مساله لر، افغانستان فولکلور شناسلیگی نی و عموماً، افغانستانده فیلالوژی فنی آلدیده تورگن مهم و دالضرب وظیفه لردن حساب له نه دی. شونینگ اوجون هم افغانستان اوزبیکلری خلق قوشیقلىرىنى مونوگرافیک شکلده تدقیق ایتیش کتته اهمیت کسب ایته دی.

معلوم کی، اوزبیکستان فولکلورشناس لیگی نینگ تجربه و یوتوقلریگه سوینمىدن توریب افغانستان اوزبیکلری فولکلوری بیلن اوزبیکستان اوزبیکلری خلق آغزه کی ایجادى اؤرته سیده گی مشترک و فرقلی تامانلرنی اؤرگنمىدن توریب، بونده ی ایشنی عملگه آشیریش جوده قیین.

شونی علیحده تاکید له ب اؤتیش جایز کی بیز بو تدقیقاتیمیزده ۱۳۵۹=۱۹۸۰ نچی ییلگچه اعلان قیلینگن خلق قوشیقلىرىدن فايده لنگنمیز، خلاص.

افغانستان اوزبیکلری خلق قوشیقلىرىنى اؤرگه نیشده گی دستلبکی اورینیشلر «خلق دردانه لری» کتابی نینگ باسیلیب چیقیشی بیلن باغیلق افغانستان اوزبیکلری تاریخی، ادبیاتی و فولکلوری باره سیده چیت ایل عالملى نینگ بو ساحه ده گی معلوم یوتوقلرینی قید ایتیش ممکن. جمله دن، سویدن لیک تورکشناس عالم گوناریارینگ اؤز مقاله سیده غربی اروپاده بیرینچی بولیب،



افغانستان اوزبیکلری خلق قوشیقلىرى

محترم کتاب خوانلر!

کانادا مملکتی نینگ تورنتو شهريده ۲۰۱۰ - انچی ییلده باسیلیب چیقن «افغانستان اوزبیکلری خلق قوشیقلىرى» ناملى کتاب حقیده یازیلگن مقدمه نی اعتبارلرینگیزگه حواله قیله میز.

مقدمه:

افغانستان نینگ شمالی ولایتلریده استقامت قیلوچی اوزبیکلر، باشقه خلقلر قطاری، اؤزی نینگ جوده باى و رنگ به رنگ آغزه کی ایجادى بیلن اجره لیب توره دی. مذکور میراث نی تۆپله ش و نشر ایتیش، اؤرگه نیش و عامه لشتیریش ایشلری سؤنگی ییللر دوامیده یؤلگه قویله باشلندی.

افغانستان نینگ شمالی ولایتلریده یشه یدیگن و تورکی تیلده سۆزله شه دیگن اهالی نینگ یه شش شرایطلری، سانى، مدنیتی، تیلی، عرف - عادتلی، فولکلوری، اتناگرافیه سیگه عاید ایریم معلوماتلرنی کیلتیرگن.

امریکا نینگ تورکشناس عالمی پروفیسر ایلیزه لاوده سیرتاستس افغانستان اؤزبیکلری فولکلوریکه عاید مقاله سینى «اؤزبیکلر اره سیده اسلامدن آلدین دوره ترقلگن عرف - عادتلر»، دیب اته دی. بوندن باشقه، اکادیمیسین کاندیدی داکتر محمد یعقوب واحدی جوزجانى، پروفیسر داکتر عبدالحکیم شرعى جوزجانى، پروفیسر داکتر عنایت الله شهرانى، رحمتلى ابوالخیر خیرى، نظرمحمد نوا، حاجى ایرگش اوچقون، استاد محمد امین متین اندخویى، پوهنمل استاد عالم لیب، پویا فاریابى، داکتر شفیقه یارقین، حلیم یارقین، داکتر اسدالله شعور، استاد هدایت الله هدایت، صالح محمد راسخ، عزیزالله آرال، فوزیه آرال، نور الله آلتای، ذکرالله ایشانچ، حاجى اشرف عظیمى، عالم کوهکن، حبیب الله همناو چغتایى، محمد کاظم امینى، عبدالله روهین، منان تاشقین، انتظار جوزجانى، ملا تاج محمد سریلی، الیم بیات، محمد رفیق عنبر، مرحوم رضوانقل تمنا، یورتداش، صالح محمد حساس، دققاق، آیخان بیانى، رحمتلى عبدالغفار بیانى، مقدم، داکتر حسن بانو غضنفر، شهر بانو غضنفر، انجنیر رحیم عابدی، حبیب الرحمن قویاش، حاجى فدا محمد اؤزبیک، م. اسحاق ثنا، داکتر عزیز الله فاریابى، امان معاشر، محرم زیبا ایوبى، امان الله خلیلیار، فروزان خلیلیار، جلیله جان، حاجى محمد ایوب خیرى، یوسف روانیار، مرحوم حاجى میرمحمود الیاسى، برهان الدین نامق، فیض الله قرداش، عالیه قرداش، رحمتلى عبدالجلیل کاروان، فضلحق یؤلچى، الماس جان بیانى، انابت ایماق کبى تدقیقاچیلر و آغزه کی ادبیاتیمیز شیدالری، افغانستان اؤزبیکلری خلق آغزه کی ایجادینی تۆپله ش و عامه لشتیریش ساحه سیده ایش آلیب بارگنلر. اؤزبیکستان عالملى عارف عثمانوف، توره میرزایوف، عبدالله یوف، محمد علی قوشماقوف، عبدالرحیم منانوف، رحمن خواجه انعام خواجه اوف، س. اسدالله یوف، ن. معصومی، و م. خالوف، انور اسماعیل اوف، ا. ش. شاه منصوروف، ع. هیت متوف، شاه میرزا توردمیوف و باشقه لرینگ ایشلری ارزیگولکدیر.

بو ایشلرده افغانستان اؤزبیکلری نینگ بعضی فولکلورنومونه لریدن کیلتیریلگن بۆلیب، اولر خصوصیده معلوم فکرلر ایتیلگن بۆلسه ده، بیواسطه بو کتابده بیز کیلتیرگن قوشیقلرگه تیگیشلى فکرلرنی اوچره تمه یمیز .

کینگی ییللرده افغانستان اؤزبیکلری خلق آغزه کی ایجادى نمونه لرینی، خصوصاً، قوشیقلرنی ترغیب قیلیش و عامه لشتیریشده امریکا قوشمه ایالاتلریده باسیلیب چیقده دیگن «پیمان» و «چاپانداز» مجله لری، کانادا نینگ تورنتو شهریده باسیله دیگن «اندیشه نو» و «آشیان» آینامه لری، ترکیه جمهوریتی نینگ استانبول شهریده بیر نیچه ییلدن بویان باسیلیب چیقده دیگن «بیدلستان» و «گلدسته» (ایککی کتاب بیرجلده)، آلمانده چاپ بۆله دیگن «جهش» مجله سی، افغانستانده باسیلیب چیقن «برادرمیلتر» مجله سی، «یولدوز» و «اولوس» جریده لری، افغانستان فنلر اکادیمی قاشیده گی اؤزبیک - تورکمن بۆلیمی، معارف وزیرلیگی قاشیده گی اؤزبیک - تورکمن دیپارتمنتی، کابل دارالفنونى ادبیات فاکولته سی نینگ اؤزبیک بۆلیمی، افغانستان رادیوسى قاشیده گی اؤزبیک پروگرامى، تاشکند رادیوسى قاشیده گی وطنداش و افغانستان اوچون نشر بۆله دیگن درى تیلیده گی رادیو ایشیتیریشلر بولیم لری، آیینه تلویزیونى، امریکاده گی نور تلویزیون قاشیده گی «اییک یولی» و آریانا افغانستان قاشیده گی «نوید» تلویزیون کۆرسه تولری بۆلیملىرى، افغانستان ملی تلویزیونى، اؤزبیک دستوریده گی (فولکلور - خلق قلییده گی دینگیزدر) پروگرامى، آریانا تلویزیونى کۆرسه تولری، پیام افغان خلق ارا تلویزیونى نینگ کانادا مملکتی تورنتو شهریدن نشر بۆله دیگن سیماى شرق چوکاتیده گی (آیدین) کۆرسه تولری، شبرغان شهریده گی «جهانى همکارلیکلر» اداره سی، مزارشریف شهریده مدنى فعالیت آلیب باره یاتگن «اولغیبک» نشریاتی، بولوت، جنوبی ترکستان، اوز ترک وبلاگی، قویاش، در دانه لر، «فتا» و باشقه ویب سایتلر نینگ فعالیتی دقتگه سزاواردیر. اینیقه، تینمس نینگ «سوزوان قوشیقلریده اؤزبیک خلقى نینگ توغولری» ۲، حلیم یارقین نینگ «خاتین - قیزلرمساله سی خلق مقاللری کۆزگوسیده» ۳ ناملى مقاله لرینی علیحده قید قیلیش ممکن. اوشبو تدقیقاتده افغانستان اؤزبیکلری خلق قوشیقلری اؤزى نینگ برچه کۆرینیشلری بیلن (موسم - مراسم قوشیقلری، محنت قوشیقلری، تاریخی قوشیقلر، لیریک قوشیقلر، (باله لرقوشیقلری) همده اساسی بدیعی خصوصیتلری بیلن (بند، قافیه، وزن، بدیعی افاده، واسطه لری و باشقه لر) بیرینچی اوله راق تدقیق ایتیلگن.

افغانستان اؤزبیکلری خلق قوشیقلرنی کۆپگینه مساله لرده، اؤزبیکستان اؤزبیکلری خلق آغزه کی ایجادى بیلن قیاسی اؤرگه نیش تدقیقات نینگ سلماغینی ینه هم آشیره دی. تدقیقات نینگ علمى ینگی لیگی، ینه شو بیلن بیلگیله نه دی که، اونگه دییرلی آلدینراق تدقیق قیلینمه گن، حتی بیر قطار اعلان قیلینمه گن مواد جلب ایتیلگن.

مذکور تحقیقات اۆز اساسی تیزیسلیرى و علمى- نظرى خلاصه لرى بیلن افغانستان اۆزبیکلری خلق آغزه کی ایجادى نینگ باشقه ژانرلیرینی اۆرگه نیشده مهم منبع بۆلیب خدمت قیله دی. دنیاده گى برچه خلقلری قطارى افغانستان اۆزبیکلری هم کۆپ عصرلیک باى آغزه کی ایجادىگه ایگه. اۆتگن دور مابینیده اۆزبیکستانده اۆزبیکلر خلق آغزه کی ایجادینی اۆرگه نیش و عامه لشتیریش ساحه سیده کتته یوتوققه ایریشیلدی. بونی اینیقسه، ه. ظریف، م. افضل اوف، ب. کریم اوف، م. علویه، ج. قابل نیازوف، م. سیدوف، ت. میرزایوف، م. مرادوف، ک. امام اوف، ب. سریمساقوف کبی تورلی بوغینگه منسوب تیقلی فولکلور شناس عالم لرنینگ قطار تحقیقاتلری مثالیده کۆریش ممکن. بوتدقیقات لرده، اینگ اول اۆرته گه اۆزبیک فولکلور شناسلیگی نینگ اینگ مهم پرابلملری قۇیلدی و بو مساله لرنینگ کۆپ چیلیگی اساساً موفقیت بیلن حل قیلیندی. اۆزبیک فولکلورینی تۆپله ش و نشر ایتیش نینگ علمى پرنسیپلری ایشله ب چیقیلدی. اۆزبیک فولکلور شناس لیگی نینگ علمى میتودالوژی سی شکللندی. عاقبتده، اۆز تحقیقات اصولی، نظری سویه سی، علمى تجربه سی بیلن مستقل فن ساحه سی بۆلیب شکللنگن اۆزبیک فولکلور شناسلیگی ینگى باسقیچگه – اۆزبیک فولکلورى بدیعیتی نی چقور و هر تمانله مه یاریتیش باسقیچگه قدم قۇیدی.

«قۇشیق» اۆزبیک فولکلور شناس لیگیده پاییتیک ژانرنی افاده لاووجی اصطلاح صفتیده قبول قیلینگن. ادبیات شناسلیک تیرمینلری ایضا کلنگن لغتلرده قۇشیق، اساساً تۇرتلیکلردن تشکیل تاپگن، توگل فکرنی بدیعی افاده لاووجی، ایل اره سیده کینگ ترقلگن و کویگه سالیب ایتبله دیگن خلق شعرى نمونه لری، دیب تعریفله نه دی. شو بیلن بیرگه اونینگ: یار- یار، اولن، کیلین سلام، آله وهکذا لر کبی ناملری بارلیگی قید ایتیلگن. «قۇشیق» افغانستان اۆزبیکلری اۆرته سیده پاییتیک ژانرنی بیلدیرووجی اصطلاح صفتیده قۇلله نیله دی. شو بیلن بیرگه «قۇشیق» بیلن یانمه – یان غزل، سرود، نقش، بیت، اصطلاح لری هم کینگ ترقلگن. بیز بو ایشیمیزده اساساً «قۇشیق» اصطلاحی دن فایده له نیشگه قرار قیلدیگ. اۆز نوبتیده، افغانستان اۆزبیکلری قۇشیقلىرى ایچیده هم یار- یار، اولن «اولنگ»، آله، کیلین سلام کبی ایچکی بۆلیمه لر موجود. عین پیته، اۆزبیکستان اۆزبیکلری فولکلوریده موجود بۆلمه گن نای- نای، تۇره کبی کۆرینیшли قۇشیقلىرهم اوچره یدی.

اۆزبیک فولکلور شناسلیگیده خلق قۇشیقلىرىنى یازیب آلیش، تۆپله ش، اولرنینگ بدیعی و غابوی یتوک نمونه لرنی نشر ایتیش ایشلری ۱۹۳۰ نچى ییللردن سۇنگ باشلنگن ایدی. شوندىن

کین مخصوص علمى تحقیقاتلر یوزه گه کیلدى. بو ساحه ده ، م. علویه نینگ خدمتلىرى دقتگه سزاوار. عالمه «اۆزبیک خلق قۇشیقلىرى موضوعیده گى تحقیقاتلریده قۇشیقلىرنینگ خلق چیلیگی، جمعیتده، تاریخده خلق معنوی حیاتیده توتگن اۆرنی حقیقه قیمتلی ملاحظه لر بیلدیرگن. قۇشیق نینگ ژانر خصوصیتلىرى و بدیعی تصویر واسطه لرنی کینگ یاریتگن .

م. علویه قۇشیق نینگ ژانر خصوصیتلىرىنى اساساً تۇغرى بیلگه یدی. یعنی ، قۇشیق نینگ شکلا قیسقه لیگی ، تیره ن تشبیه و استعاره لرگه باى لیگی، مخصوص کویگه سالیب کویله نیشی، تورموش نینگ برچه قیرره لرنی قمر اووچى کینگ مندرجه لی ایکن لیگی ، قۇشیق تورلری- آله، یار- یار، اولن، ییغی لرگه هم علیحده تۇخته لیب، او لرگه خاص یتکچی خصوصیتلر بیان قیلینگن. ۴

۱۹۷۴- اینچى ییل چاپ ایتیلگن «اۆزبیک خلق مراسم قۇشیقلىرى» ناملى مونوگرافیک تحقیقاتده ۵ م. علویه نینگ خلق قۇشیقلىرى بویچه یتکچی علمى خلاصه لرنی اۆز ایچیکه جمعه کنلیگی بیلن اعتبارلی. مونوگرافیه نینگ «قۇشیقلىرنینگ تاریخی ایلدیزی و اولرنینگ تورلی عرف – عادتلىرى بیلن باغله نیشی دیب ناملنگن بیرینچى بابیده قۇشیق لرنینگ صنفی خصلت گه ایگه ایکن لیگی، خلق یره تگن قۇشیقلىر نینگ تریبوی اهمیتی کتته لیگی، اودوملرنینگ خلق شعریتیده نیچاغلی عکس ایتگنلیگی حقیقه کینگ تۇخته لیب اۆتیلگن. «مراسم قۇشیق» لرنینگ اۆز یگه خاص خصوصیتلىرىنى انیقله ش، کلاسیفیکیشن قیلش اوچون عموماً قۇشیق ژانریگه خاص بیلگىلرنی کۆریب چیقیش کیره ک بۆله دی. شونینگ اوچون هم بو باب قۇشیقلىر اصطلاحی و اولرنینگ اساسی خصوصیتلىرىنى تحلیل قیلشده باشله نه دی. بونده فقط مراسم قۇشیقلىرى گینه ایمس، عموماً قۇشیق نظرده توتیله دی» ۶، دیب یازه دی عالمه و اینگ اول قۇشیق تیرمینی نینگ تاریخی منبعلرده کلاسیک شاعرلریمیز اثرلریده قیسی معنا ده ایشله تیلگنلیگی و فولکلور شناسلیکده «قۇشیق» تیرمینی قیسی بیرى تعلقی ایکن لیگینی انیقلشگه حرکت قیله دی، قۇشیقلىرنی عموماً تصنیف ایته دی.

«تۇى مراسم قۇشیقلىرى» دیب ناملنگن اوچینچى باب، یار- یار، له پر، بیت – غزل، کیلین سلام بۆلیملردن عبارت بۆلیب، اولرده مراسم قۇشیقلىرى حقیقه قیمتلی معلوماتلر بۆلیشى بیلن بیرگه بیرقچه مناظره لی اۆرینلرهم موجود. جمله دن، توی مراسم قۇشیقلىرى توریگه «بیت – غزل» دیگن یه سه مه تیرمین و ژانر نینگ آلیب کرلیگنلیگینی کیتیریش ممکن. بیز نینگچه، عالمه

تامانىدىن بو بۇلىنمە دە كىلتىرىلگن قۇشلىقلار اساساً لىرىك قۇشلىقلاردىر. بىرگىنە مثال .

اق گل بۇلىسىم، باغىنگدە بىتسىم

قىزىل گل بۇلىسىم، چىكىنگدە تورسىم

اۋقىگن بۇلىسىم، دفترگە بىتسىم

نە مىشكىلدىر سىيىنىگ اھىنگدە اۋتسىم

قىز:

اق گل نودە سىدىر ارغوانى

قىزىل گل نودە سى عاشق نىنگ قانى

قىزىل گل تىگىگە بارسىم كولر من

سىز نى جان و تىبىم بىلە سىيور من

اگر مېندىن اۋزگە گە بىرسىنگىز كونگل

بىلىب قويناگ يۇلىنگىزدە اۋلر من.^۷

بو قۇشلىقلردە يازمە ادىبات نىنگ معلوم تاثيرى سىزىلىپ تورىدى. لىكن سىمالر، قىياس و افادە، خلق قۇشلىقلىرىگە خاص.

فولكلورشناس ج. قابل نيازوف نىنگ «اۋزىك فولكلورى نىنگ رواجلە نىش يۇللىرى» مونوگرافىيە سى اۋزىك خلق قۇشلىقلىرى نىنگ غايوى جەھتدىن تلىقن ايتىشىگە قرە تىلگن.^۸

س. روزىم باى اوف نىنگ خوارزم منطقه سىدە كىنگ ترقلگن قۇشلىقلرگە بىغىشلىگن علمى ايشىدە خلق قۇشلىقلىرىنى ايككى تور گە: تۇرتلىك شكلىدە گى قۇشلىقلر و واقعه بند قۇشلىقلرگە بۇلىب تدقيق ايتىشى دقتگە سزاوار.^۹

ك. اچىل اوف نىنگ «اۋزىك خلق قۇشلىقلىرى» دىب ناملىگن مونوگرافىيە سى معلوم بىر ژانر دايره سىدە گى قۇشلىقلىرىنىڭ ژانر خصوصىتلىرى تصنىفىگە بىغىشلىگن .

عالم - چارواچىلىك، دىھقانچىلىك، كسب - هنر بىلن باغلىق بۇلگن محنت قۇشلىقلىرى نىنگ تحلىلى، اولر نىنگ تارىخى اساسلىرى، ترقياتى و غايوى بدىعى خصوصىتلىرى حقىدە كىنگ معلومات بىرگن .

غ. جەھانگىروف نىنگ «اۋزىك بالە لىر فولكلورى» كىتابىدە «بىشىك» قۇشلىقلىرى و «بالە لىر قۇشلىقلىرى» بابلىرىدە بالە لىرگە مولجىللىگن خلق قۇشلىقلىرى نىنگ تصنىفى، غايوى - بدىعى خصوصىتلىرى حقىدە اطرافلىچە فكر يورىتىلگن.^{۱۰}

ع. صفراوف نىنگ «بالە لىرى اىركە لاوچى اۋزىك خلق قۇشلىقلىرى» ۱۱ كىتابى، بىرىك علمى ايشىلردىن بۇلىپ، بواثر معلوم قۇشلىق تورى اساساً بالە لىرى ھىر بىر خلق نىنگ شكلى و مضمون جەھتدىن نەھىتدە رنگ بە رنگ و باى آغزە كى ايجادىدە، خلق قۇشلىقلىرى عىلچدە اۋرىن اىگللە شى بىچىز اىمس. چونكى قۇشلىق سۇزى صنعت نىنگ اىنگ قىدىمى كۇرىنىشلىرىدىن بىرى بۇلىش بىلن بىرگە، اۋزىدە خلق حياتى نىنگ بوتون منظرە سىنى، برچە قىررە لىرىنى، قلىبى نىنگ اىنگ نازك توىغو و تىبىرە نىشلىرىنى، يورە گى نىنگ اىنگ عالى و مصفا اىستىكلىرىنى عكس ايتتىرە دى، او عصرلردىن بويان محنتكش خلق نىنگ باشىدىن اۋتگن فاجعه لىرى، ظالم و قانخورلردىن تۇكىلگن كۇز ياشلىرى، جەھالت و ظلم پنجه سىدە خوارلىگن خاتىن - قىزلر فرىادىنى تصدىقلاوچى گواه نامە لردىر. اونىنگ سىرمعنا سۇزلىرى و تاثيرچن مصراعلىرىدە خلق نىنگ اىرك و استقبال يۇلى دە گى آرزو - اىستىكلىرى، الملى اۋتمىشى نىنگ ارمان و حسرتلىرى مەھرىلگن.

«اىماق»

اىضاھلر:

۱ - خلق دردانه لىرى . توپلاوچى ، نىشرگە تيارلاوچى ، درى تىلىگە ترجمە قىلووچى و اىضاھلر مۇلفى داکتر فىض الله اىماق، كابل، ۱۳۵۹ نچى يىل.



ملى تارىخىمىز عكس ايتىگن كۆزگو

(داكتر فيض الله ايماق نىنگ «خلىق در دانه لرى»

ناملى كتابىنى اوقىب)



خالددار ولقان

۲- تىنمىس. سوزوان قۇشبيقلىرىدە اۆزبىك اولوسى نىنگ تويغولرى «يولدوز» ۳۷- سان، ۴- دىسمبر، ۱۹۸۴ نچى يىل.

۳- حلىم يارقىن. خاتىن- قىزلر مساله سى خلىق مقاللىرى كۆزگوسىدە، «يولدوز» ۱۷- سان، ۱۶- نچى اپرىل، ۱۹۸۶ نچى يىل.

۴- علويە مزىينە. اۆزبىك خلىق قۇشبيقلىرى، تاشكند، فن، ۱۹۵۹ نچى يىل.

۵- علويە مزىينە. اۆزبىك خلىق مراسىم قۇشبيقلىرى، تاشكند، فن، ۱۹۷۴- يىل.

۶- علويە م. كۆرسە تىلگن اثر، ۳۷ نچى بيت.

۷- علويە م. كۆرسە تىلگن اثر، ۲۰۴ نچى بيت.

۸- قابل نيازوف. ج. «اۆزبىك فولكلورى نىنگ رواجله نىشى يۇللىرى». تاشكند، فن، ۱۹۸۶ نچى يىل، ۶۰- ۱۰۲ بيتلر.

۹- روزىم بايوف. س. «خوارزم واهه سى اۆزبىك خلىق قۇشبيقلىرى نىنگ غايوى- بدىعى خصوصىتلر، تاشكند، ۱۹۷۱ نچى يىل.

۱۰- جهانگىروف غ. «اۆزبىك باله لرفولكلورى»، ت. «اوقوتوچى»، ۱۹۱۸ نچى يىل، ۱۳- ۲۸ ص.

۱۱- صفروف آ. «باله لرنى ايركه لاووچى اۆزبىك خلىق قۇشبيقلىرى». «فن»، ۱۹۸۱ نچى يىل

قدیم زمانلرده بیر اولیا اوتکن ایکن. اونینگ شاگردلری جوده کوپ بۇلیب، اولردن بیرى به ناگاه کشف - کرامتده استاذ دن اوزیب کیتگه نینی ادعا قیله باشله دی. او استاذی و باشقه شاگردلر اشرکایدده اؤز روحی قوتی نی نمایش قیله ره ک، اؤزلری مکان توتکن تاغ یان بغریده گی به هیبت خرسنگ تاشگه کؤرسنگیچ برماغینی خوددی خمیرگه سوققنده ی سوقیب، اونی تیشیب قۇیبیدی. شاگردلر اؤز صفداشلیرى نینگ بو غیر طبعی معجزه سیدن حیرتگه توشیب: «سبحان الله!»، «استغفرالله!» ديهه یاقه اوشله شیبیدی. قایل قالیشیبیدی. کترین استاذ بۇلسه، بو غرایب عملیاتگه کولیب قۇیه قالییدی. سۇنگ ییکته گینینگ ییتنه گینی شیمه ره ب «بسم الله الرحمن الرحمن الرحیم!» ديهه قۇلینی بو کیله دیگن جایگچه هلیگی تاشگه سوقیبیدی. کین قۇلینی سوغیریبیدی. شونده اونینگ قۇلی سوغریلگن کاوه کدن شریله گینچه زلال سوو توشه باشله بدی. اولیا ایسه تاش کاوه کیدن توشه یاتکن زلال سووده اینده مه یگینه، طهارت آلر ایکن، تکبیر شاگردیگه:

مین بو دنیا ده نیمه ییکی قیلسنگ بنده لرگه نفع تیگه دیگن فایده لی ایش لرنی قیلگین- دیدی. تکبیر شاگرد اؤز قیلیمشیدن ملزم بۇلیب استاذیدن عذر سؤره بدی و اول بویوک اولیا نینگ ییتنه گینی اؤیپ کؤزلریگه سورگن ایکن.

درحقیقت، بیزنینگ زمانلرده کیمدیر پوشته (پوسته) مارکه سینی ییغسه، ینه کیمدیر سگرت قوطی سینی، بیراوی ایسه، اؤلگن کبه لکلرنی ییغیب کلکسیون قیله دیگن بۇلدی. البتته بولر غایت کولگیلی عمللر. اما قلییده دین وایمان، خلق و وطن قیغوسی بۇلگن شونده ی انسانلر بارکی، اولر عمر بۇیی اؤز خلقیگه، قومیگه نفع تیگه دیگن فایده لی ایشلر بیلن شغلله نه دیلر. شونده ی انسانلردن بیرى اؤزبیک خلقی نینگ عجایب فرزندى، اسماعیل بخاری (رض) دیر. اولذات چؤل و بیابانلرده گی سموم قۇم بورانلرنی گوویله ب، دهشتلی قویونلر چیریره گن جزیره مه صحرالرا، پای پیاده یوریب عربستانگه باردیلر .

اویبرده سیویکلی پیغمبریمیز حضرت محمد (ص) ایتکن مبارک کلمه لرنی جمعله ب «جامع الصحیح» نامی بیلن کتابت قیلدیلر. الله نینگ عنایتی و اؤزلری نینگ سعی حرکتلری ایله دینیمیزنی، شریعت احکاملرینی مستحکمله دیلر، ساخته حدیثلرنی تیقیشتیریب دینیمیزنی توبدن ییمیر ماقچی بۇلگن بیسمیق زهرلی ایلانلرنی، محرابدن اؤرمه له ب چیقووچی چیلرنی ینجیب، تشله دیلر.

اول بویوک انسان دین یۇلیده غیرت قیلگن بۇلسه لر، حضرت محمود قاشغری هم یریم آسیانی پای پیاده کزیم تورکی سۇزلرنی تۇپله ب، اولرنی لهجه لر بویچی لغوی معنلرینی تصنیفله دیلر. تورکی سۇزلرنی «دیوان لغات التورک» نامی ایله ترتیبه ب شو اثناده تورکی خلقلرنی یکرزان و یقلملیگی نینگ سقله نیب قالیشیگه خدمت قیلدیلر.

یازه ویرسک ، بونده ی انسانلر رویخطی اوزون. بو عنعنه، بیز نینگ زمانلرده هم ایتنه یاتگه نی کیشی گه قووانچ بغیشله یدی.

خوددی شونده ی فدایی انسانلردن بیرى شهبه سیز بیز نینگ زمانداشیمیز وملتداشیمیز افغانستان نینگ اندخوی قصبه سیده ولادت تاپگن استعدادلی ادیب، شاعر و ژورنالیست داکتر فیض الله ایماق جنابلردیر.

فیض الله ایماق جنابلری گرچند افغانستانده اؤسیب اولغه یگن بۇلسه ده، اوکیشی اؤزبیکستان نینگ پایتختی تاشکینتده اوزاق ییللر (۲۵ ییل) یشه ب دولت رادیو کمپنیه سیده ژورنالیست بۇلیب ایشله دیلر. مرکزی عالیگاهلریده طلبه لرگه سباق بیردیلر. اؤزبیک خلقی نینگ ادبیاتی، صنعتی و مدنیتی حقیده داوما قیغوریب یورگوچی بو تنیب- تینچیمه گن انسان کۇپله ب علمی- ادبی مقاله لر، رساله لر یازدی.

فیض الله ایماق هم محمود قاشغریگه اوخشه ب افغانستان اؤزبیکلریدن سؤره ب- سوریشتیریب، خلق آغزه کی ایجادى نمونه لرینی تۇپله دی، ترتیبگه کیلتیریب اولرنی «خلق دردانه لری» ناملی کتابگه جمعله دی.

داکتر فیض الله ایماق نینگ «خلق دردانه لری» کتابینی مطالعه قیلر ایکن من، بوکتابده اؤزبیک خلقی نینگ قدیمی صورتلرینی کؤرگنده ی بۇلدییم. حیرتلندییم. قۇییده خلقیمیز نینگ قدیمی آغیر اجتماعی احوالی عکس ایتگن بیتگه اعتبارینگیزنی تارتماقچیمین:

سوز دل

سىرگە سىگە زىگە تاقىدىم.

پىرىزاد نى اختە رىب،

چۆللەرگە چىراق ياقىدىم.

يوقارىدە گى مصرىلدە اويقوسىز كىچە لى يارىنى اخترگن، چۆللەرگە چىراق ياقىن عاشق
چوپان نىنگ ھجرانلى انلرى اوقوچى شعورىگە رمانتىك منظرە آلىب كىرە دى.

مجموعه ده گى خلق آغزه كى ايجادى نمونه لرىده يومور هم اوز عكسىنى تاپگن.

باققه كىردىم اوزىمگە،

كىسك تىكىدى يوزىمگە.

بومصرىلدە بىراو نىنگ باغىگە توشگن و كىرىشى بىلە ناك يوزىگە كىسك تىككن اوغرى
آبرزى يارقىن بوياقلردە عكس ايتتىرىلگن.

بىر قره شده پىرىمىتىف (سادده) عاددى-يعنى عاددى سۆزلر يىغىندىسىدە ي بۆلىب كۆرىنگن
بو مصرىلرنىنگ دىدە كىتك (نصیحت آمیز) اهمىتى نى هم كۆزىدن كىچىرمىسلىك لازم. ذكى اوقوچى
اوغرىلىك خواه ماددى خواه شهوانى بۆلسىن انسان باله سىگە شرف كىلتىرمىس اىكن، عكسىنچە
شرمسارلىك، خوارلىك كىلتىرر اىكن دىيە عبرتلىسە، يوقارىدە گى مصرىلر اوز وظىفە سىنى اۋتە
گن بۆلە دى.

يوقارىدن كىلە من، آتىم تورسىن،

مس تواققه سوو سالى تىب تورسىن.

زرگرگە يوبارگە نىم طلا حلقه،

اىچىگە مس قۇشىدى قۇلى سىنسىن.

بو تۇرتلىك نى اوقىب، بى اختىار، آدملىرى الدە ب لققە توشىرگوچى فرىبگرلر اوشە زمانلردە
هم بۆلگن اىكن، دىيە كولىب قۇيە سىز.

سوز دل

دوكان، اويگە، كىرسىم تىم ققشە ىدى،

ساووقلردن اۆلمە ى قالىسم يخشىدى.

بو بيت نى اوقىر اىكن سىز، قاره قىش نىنگ اىزغىرنلى ايازىدە ققشە ب موزلە گن يۆللر دە
ياغاچ پاى افزه لىنى، يعنى ھكر كاوشىنى تققىلە تىب، چاپانىگە بوركنگە نىچە قلىترە ب دوكاندن
چىقىب چىراقسىز، ساووق اويىگە كرىب كىتە ياتگن انسان آبرزى كۆز اۋنگىنگىزدە نمايان بۆلە دى.

اندخوى جان يۆلىنگ اوزاق، سووینگ ساووق،

آغە جان يوبارگە نىنگ بىر جفت تاووق.

بىرىنى سوئے ىدىسم مھرى ساووق

آغە جان، كىلىب كىتىنگ، كابل ياووق.

بو شعر ات ارە وه دن بولك ترانسپورت بۆلمە گن آلىس زمانلردە اويىنى، آغە سىنى ساغىنگن
بىر انسان نىنگ درد - حسرتى، ساغىنچ اضطرابلرنى اۋزىدە مجسم اىتر اىكن، يالغىز لىكنى كۆيلە
گوچى اۋرتە عصر يابان (جاپان) شعرىتى دە گى ھىكولرنى ايسلە تە دى مىنگە. «خلق دردانه لرى»
كتاىبدن اۋرىن آلگن شعرلردە، محبت موضوعسى هم اۋزىگە خاص.

ارىق نىنگ سووى كۆلمە ى،

آلىب كىلىدى بىلمە ى،

پىرىزاد دن اىرىلىب،

ھمان يورىدى اۆلمە ى.

بو تورتلىك، بىر عاشق انسان نىنگ اىرىلىق انلرىدە چىككن ھجران عذابلرنى بولوتلر ارە
سىدن مورە لنگن آى كىبى يارىتىب كىشىگە محزون و اداقسىز كىفیت بخش ایتە دى.

قۇى باقىدىم، قۇشقار باقىدىم،

Milliy tarihimiz aks etgan ko'zgu

(Doktor Fayzulloh Aymoqning Halq durdonalar nomli kitobini o'qib)

Qadim zamonlarda bir avliyo o'tgan ekan. Uning shogirdlari juda ko'p bo'lib, ulardan biri banogoh kashfi karomatda ustozidan o'zib ketganini iddao qila boshlabdi. U ustoz va boshqa shogirdlar ishtirokida o'z ruhiy quvvatini namoish qilarak, o'zlari makon tutgan tog' yonbag'iridagi bahaybat harsang toshga ko'rsatgich barmog'ini huddi hamirga suqqanday suqib uni teshib qo'yibdi. Shogirdlar o'z safdoshlarining bu g'ayritabiiy mo'jizasidan hayratga tushib: Subhanolloh! Astag'furilloh! deya yoqa ushlabdi. Qoyil qolishibdi. Kamtarin ustoz bo'lsa, bu g'aroyib amaliyotga kulib qo'ya qolibdi. So'ng yaktagining engini shimarib Bismillohir Rahmonir Rahiym! deya qo'lini bukiladigan joyigacha haligi toshga suqibdi. Keyin qo'lini sug'iribdi. Shunda uning qo'li sug'irilgan kovakdan sharillaganicha zilol suv tusha boshlabdi. Avliyo o'sha tosh kovagidan tushayotgan zilol suvda indamaygina tahorat olarkan, takabbur shogirdiga: - Sen bu dunyoda nimaiki qilsang bandalarga nafi tegadigan foydali ishlarni qilgin debdi. Takabbur shogird o'z qilmishidan mulzam bo'lib ustozidan uzr so'rabdi va ul buyk avliyoning etagini o'pib ko'zlariga surtgan ekan. Darhaqiqat, bizning zamonlarda kimdir pochta markasini yig'sa, yana kimdir sigaret qutisini, birovi esa o'lgan kapalaklarni yig'b kolleksiya qiladigan bo'ldi. Albatta bular g'oyat kulgili amallar. Ammo qalbida Dinu iymon, halq va Vatan qayg'usi bo'lgan shunday insonlar borki, ular umr bo'yi o'z halqiga, qavmiga nafi tegadigan foydali ishlar bilan shug'illanadilar. Shunday insonlardan

biri O'zbek halqining ajo'yib farzandi, Ismoil Buhoriy (Roziollohu Anhu) dir. Ul zot cho'lu biyobonlardagi Samum qumbo'ronlari guvillab, dahshatli quyunlar chirpiragan jazirama sahrolar aro poyu piyoda yurib Arabistonga bordilar. U yerda sevikli payg'ambarimiz Hazrati Muhammad Sollollohu A'layhi Vasallam aytgan muborak kalimalarni jamlab Jome'ul sahih nomi bilan kitobat qildilar. Ollohning inoyati va o'zlarining sa'i harakatlari ila Dinimizni, shariat ahkomlarini mustahkamladilar, sohta hadislarni tiqishtirib Dinimizni tubdan emirmoqchi bo'lgan pismiqlik zaharli ilonlarni, mehrobdan o'rmalab

he, نظم و نثر قه ی تورگه منسوبلیگیدن قطع نظر، دنیا خلقلری تیریب تۆپله گن بی بها دردانه لرنی ایلکه سیگه آرتماقله ب عصردن عصرلرگه آلیب اوتگوچی زحمتکش حمالردیر. اولرده زمانلر عکسی، دورلر صورتی بار.

داکتر فیض الله ایماق تۆپله ب تصنیف ایتنگن مذکور مجموعه ده تیلدن تیلگه کۆچیب بیزگه چه ییتیب کیلگن ایکی ایرتک و بیر داستان هم موجود. ایرتکلر دیده کتیک پلانده آدملرنی حالالیککه، عادللیککه، راه راستگه چارله سه، «بازی و زیبا» داستانن گوزه ل، پاکیزه محبت نی ترنم ایته دی.

داکتر فیض الله ایماق بو کتابنی «خلق دردانه لری» دییه تۇغری نامله بدیلر. بوخزینه اؤزبیک خلقیگه مبارک بۇلسین! ایستردیم بو کتاب تاشکینتده، استانبولده و باشقه تورکی خلقلر یشیدینگ دیارلرده قه یته - قه یته نشر قیلینسه. «خلق دردانه لری» کتابی قدیم عصرلر قعردن منگولیک سری یولگه چیقن، دُر و جواهرلر یوکلنگن کروانگه اؤخشه یدی. آدم کم اوچره گوچی ساکساویلزار بیبانلر ارا ایلگه ریله یاتگن بو کروان نینگ یوللری بی خطر بۇلسین!

خالدردار ولقان تورنتو شهری، کانادا. ۲۰۰۹-نجی ییل، ۹-نجی می. کوندوز ساعت ۱۰ دن ۳۸ مینوت (دقیقه) اؤتدی.

مذکور تقریظ نینگ لاتینچه متن:

namoyon bo'ladi.**Anho'yjon, yo'ling uzoq, suving sovuq****Og'ajon yuborganing bir juft tovuq.****Birini so'yay desam mehri sovuq,****Og'ajon, kelib keting, Kobul yovuq.**

Bu she'r otaravadan bo'lak transport bo'lmagan olis zamonlarda uyini, og'asini sog'ingan bir insonning dardi hasrati, sog'inch iztiroblarini o'zida mujassam etarkan, yolg'zlikni kuylaguvchi o'rta asr Yapon she'riyatidagi haykularni eslatdi menga. Halq durdonalari kitobidan o'rin olgan she'rlarda muhabbat mavzusi ham o'ziga xos.

,Ariqning suvi ko'lmay**,Olib kelibdi bilmay****,Parizoddan ayrilib****Hamon yuribman o'lmay.**

Bu to'rtlik bir oshiq insonning ayriliq onlarida chekkan hijron azoblarini bulutlar orasidan mo'ralagan oy kabi yoritib kishiga mahzun va adoqsiz kayfiyat bahsh etadi.

Qo'y bogdim, qo'chqor boqdim,**Serkasiga zang taqdim.****Parizodni axtarib,****Cho'llarga chiroq yoqdim.**

Yuqoridagi misralarda uyqusiz kechalar yorini ahtargan, cho'llarga chiroq yoqqan oshiq cho'ponning hijronli onlari o'quvchi shuuriga romantik manzaralar olib kiradi.

chiqquvchi chayonlarni yanchib tashladilar. Ul buyuk inson Din yo'lida g'ayrat qilgan bo'lsalar, Hazrati Mahmud Koshg'ariy ham yarim Osiyoni poyu piyoda kezib turkiy so'zlarni to'plab, ularni lahjalar bo'yicha lug'oviy ma'nolarini tasnifladilar. Turkiy so'zlarni Devoni Lug'otit Turk nomi ila tartiblab shu asnoda Turkiy halqlarni yakzabon va yakqalamligining saqlanib qolishiga hizmat qildilar. Yozaversak, bunday insonlar ro'yhati uzun. Bu an'ana bizning zamonlarda ham davom etayotgani kishiga quvonch bag'ishlaydi. Huddi shunday fidoiy insonlardan biri shubhasiz bizning zamondoshimiz va millatdoshimiz Afg'onistonning Anho'y qasabasida valodat topgan iste'dodli adib, shoir va jurnalist doktor Fayzulloh Aymoq janoblaridir. Fayzulloh Aymoq janoblari garchand Afg'onistonda o'sib ulg'aygan esalarda, u kishi O'zbekistonning poyi tahti Toshkentda uzoq yillar"25 yil" yashab davlat radiokompaniyasida jurnalist bo'lib ishladilar. Markaziy oliygohlarda talabalarga saboq berdilar. O'zbek halqining adabiyoti, san'ati va madaniyati haqida doimo qayg'urib yurguvchi bu tinib tinchimagan inson ko'plab ilmiy adabiy maqolalar, risolalar yozdi. Fayzulloh Aymoq ham Mahmud Koshg'ariyga o'hshab Afg'oniston O'zbeklaridan so'rab surishtirib halq og'zaki ijodi namunalarini to'pladi, tartibga keltirib ularni Halq durdonalari nomli kitobga jamladilar. Doktor Fayzulla Aymoqning Halq durdonalari kitobini mutaola qilarkanman, bu kitobda Ozbek Halqining qadimiy suratlarini ko'rganday bo'ldim. Hayratlandim. Quyida halqimizning qadimiy og'ir ijtimoiy ahvoli aks etgan baytga e'tiboringizni tortmoqchiman:

,Do'kon, uyga kirsam tanim qaqshaydi. Sovuqlardan o'lmay qolsam yahshiydi

Bu baytni o'qir ekansiz, qora qishning izg'irinli ayozida qaqshab, muzlagan yo'llarda yog'och poyafzalini, ya'ni hakar kovuahini taqillatib, choponiga burkanganicha qaltirab do'kondan chiqib chiroqsiz, sovuq uyiga kirib ketayotgan inson obrazi ko'z o'ngingizda

halqiga muborak bo'lsin! Istardimki, bu kitob Toshkentda, Istambulda va boshqa tyrkiy halqlar yashaydigan diyoralarda qayta qayta nashr qilinsa. Halq durdonalari kitobi qadim asrlar qa'ridan mangulik sari yo'lga chiqqan, duru javohirlar yuklangan karvonga o'hshaydi. Odam kam uchraguvchi soksovulzor, byobonlar aro ilgarilayotgan bu karvonning yo'llari behatar bo'lsin!

Xoldor Vulqon

Toronto shahri, Kanada. 2009 inchi yil, 9 may. Kunduz soat 10 dan 38 minut o'tdi

Majmu'adagi xalq og'zaki ijodi namunalarida yumor ham o'z aksini topgan.

Boqqa kirdim uzumga,

Kesak tegdi yuzimga.

Bu misralarda birovning bog'iga tushgan va kirishi bilanoq yuziga kesak tekkan o'g'ri obrazi yorqin bo'yoqlarda aks etdirilgan. Bir qarashda primitiv, ya'ni oddiy odmi so'zlar yig'indisiday bo'lib ko'ringan bu misralarning didaktik ahamiyatini ham ko'zdan qochirmaslik lozim. Zakiy o'quvchi o'g'rilik hoh moddiy hoh sahvoniy bolsin inson bolasiga sharaf keltirmas ekan, aksincha, sharmsorlik, horlik keltirar ekan deya ibratlansa, yqorida gi misralar o'z vazifasini o'tagan bo'ladi.

Yuqoridan kelaman, otim Tursun,

Mis tovoqqa suv solay tinib tursin.

Zargarga yuborganim tilla halq,

Ichiga mis qo'shibdi qo'li sinsin.

Bu to'rtlikni o'qib beihtiyor, odamlarni aldab laqqa tushirguvchi firibgarlar o'sha zamonlarda ham bo'lgan ekan, deya kulib qo'yasiz.

Ha, nazm va nasr qay turga mansubligidan qat'iy nazar dunyo halqlari terib to'plagan bebaho durdonalarni elkasiga ortmoqlab asrlardan asrlarga olib o'tguvchi zahmatkash hammollardir. Ularda zamonlar aksi, davrlar surati bor. Doktor Fayzulloh Aymoq to'plab tasnif etgan mazkur majmu'ada tildan tilga ko'chib bizgacha etib kelgan ikki ertak va bir doston ham mavjud. Ertaklar didaktik planda odamlarni halollikka, odillikka, rohi rostga chorlasa, Yozi va Zebo dostoni go'zal, pokiza muhabbatni tarannum etadi. Doktor Fayzulloh Aymoq bu kitobni Halq durdonalari deya to'g'ri nomlabdilar. Bu hazina Uzbek

در این گرد همایی چهل تن از مسوولین روزنامه ها، مجلات، روزنامه نگاران، کارمندان رادیو تلویزیون و جوامع قومی، که فعالیت های دراز مدت قابل توجهی را به مطبوعات قومی و جوامع کانادا انجام داده بودند، به در یافت جوایز و تقدیرنامه ها موفق شدند.

با خرسندی و افتخار باید یاد کرد که دوتن از این گروه برنده گان جوایز مربوط به کمیونیتی افغان مقیم تورانتو بودند که اوشان عبارتند از:

محترم الحاج داکتر فیض الله ایماق و محترم انجنیر احمد شاه درانی که به خاطر خدمات برازنده شان در بخش علوم بشری و هنر در جامعه مدنی، به دریافت تقدیرنامه و مدال نایل گردیدند.

اینجانب موفقیت‌های این دو هموطن گرامی را از صمیم دل تبریک و شاد باش گفته، در آینده، پیروزیهای هرچه بیشتری برای شان از بارگاه رب العزت خواهانم.

و حال می‌خواهم در باره زنده گی و کارکرد های داکتر صاحب ایماق شاعر، نویسنده و ژورنالیست سابقه دار کشور چیزی بنویسم. اگر خدا بخواهد در آینده نزدیک، پای صحبت انجنیر صاحب احمد شاه درانی نشست، در مورد کار کرد های فرهنگی شان، به علاقمندان معلومات ارایه خواهم کرد.

فیض الله ایماق نه تنها به زبان اوزبیک؛ بلکه در زبان دری نیز استاد بوده و در دانشگاه شرق شناسی تاشکند اوزبیکستان این زبان را تدریس مینموده است. آقای ایماق دارای شخصیت متین و مهربان بوده، همه دوستانش علاقه زیادی به شخصیت و منش او دارند؛ چون از تعصب و خود بزرگ بینی کاملاً مبرا است.

اگر خدمات فرهنگی فیض الله ایماق را در پنجاه سال اخیر چه در افغانستان و چه در خارج افغانستان بشماریم بایست کتابی نوشت قطور؛ مختصراً خدمت خواننده گان عزیز همینقدر مینگاریم که او شاعر دو زبانه دری و اوزبیک است، مقالات ارزنده از وی صفحات روزنامه ها و



(ترکتبار افغان برنده مدال طلا و الماس...)

تونیکی میکن و در دجله انداز

که ایزد در بیابانت دهد باز

ترک تبار افغان باشنده تورانتوی کانادا، برنده مدال طلا و الماس در سال ۲۰۱۲ به خاطر خدمات فرهنگی گسترده، در طول زندگی پر بارش، گردیده بود بار دیگر مفتخر به کسب مدال در سال ۲۰۱۳ از طرف گورنر ایالت انتاریو کانادا lieutenant governor گردید که این افتخار نه تنها مربوط جناب ایماق و فامیل شان؛ بلکه شامل حال فرد فرد افغانان باشنده ی کانادا و افغانستان خواهد بود.

دولت کانادا همه ساله رضا کاران متقاعد، ژورنالیستان و فرهنگیان کانادایی را که در خدمت مردم بوده و از خود برازنده گی خاص نشان داده باشند، با مدالها و تحسین نامه ها مورد تشویق و ترغیب قرار میدهد.

بدین منظور حوالی ساعت ۶ شام روز جمعه ۱۵ نومبر سال ۲۰۱۳ در تالار اداره نایب و کفیل ملکه، در ایالت آنتاریوی کانادا واقع «کویین پارک» تورنتو، محفل با شکوهی برگزار گردیده بود که در این گردهم آیی، نماینده گان عالی رتبه دولتی، پارلمان، مسوولین کمیونیتی ها وعده زیادی از ژورنالیستان حضور بهم رسانیده بودند.

مجلات را رنگین نموده است، از همه مهمتر خدمت او در فولکلور جوامع ترکباران افغانستان قابل تقدیر و ستایش است. محترم ایماق سه سال به صفت ترجمان زبان دری در موسسه «رادوگا» و محرر ماهنامه (آیدین) اوزبیکستان وظیفه اجرا نموده است. او فیلم های زیادی را به دری و اوزبیکی در «اوزبیک فلم» ترجمه و دبلآژ نمود. ایماق و خانم محترم شان بی بی حاجی انابت ایماق دو بیتی های ترکی اوزبیکی داستان تراژیدی «یازی و زیبا» را به نام (سوزوان) در استودیوی رادیو تاشکند دکلمه نموده به شکل «سی دی» در آوردند. نه تنها خود آقای ایماق بلکه خانم و دختر شان نیز به حیث نطاق و ژورنالیست، در برنامه های نشرات برای افغانستان رادیو تاشکند ایفای وظیفه نموده، از این اداره، چندین بار تقدیرنامه و پول نقد به دست آوردند. باید خاطر نشان ساخت که انابت جان به حیث خبرنگار رادیو آزادی نیز ایفای وظیفه نموده است. به همین ترتیب، ده ها نوع فعالیت های فرهنگی را این خانواده فرهنگ دوست افغان در ممالک مختلفه، به منصفه اجرا گذاشته اند که باعث سر فرازی تمام افغانهاست.

باید گفت از منابع مختلف جوایز زیادی نصیب داکتر ایماق گردیده است، او بود که داستان منظوم فولکلوریک یازی و زیبا را، از بین مردم جمع آوری کرده و در موسسه «زرقلم» تاشکند به چاپ رسانید. این کتاب در ماه اگست سال ۲۰۰۴ میلادی «در نخستین جشنواره بین المللی کتاب در تاریخ افغانستان» از طرف بنیاد جهانی ژورنالیستان آریانا افغانستان که در ویانای کشور اطریش برگزار شده بود، جایزه مطبوعاتی «عمیق بخارا یی» را از آن خود کرد. او بود که دو کتاب بزرگ داستان واسیلی شکایف و ماکسیم گورکی را به نامهای «شریت توس» و «پادو»، از ترکی اوزبیکی به دری ترجمه کرد. همچنان تصحیح و ایدیتوری استیلیستیک جلد دوم کتاب فادیف موسوم به «گارد جوان» بدوش آقای ایماق قرار داشت. کتب متذکره از طرف موسسه نشراتی «رادوگا» ی تاشکند در سال ۱۹۸۷ میلادی اقبال چاپ یافت. او همچنان پیوسته در طبع و نشر مجله «اوزبیکستان» به زبان دری همکاری کرده است.

در سال ۱۳۵۹ خورشیدی مجموعه «دردانه های خلق» که از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ وقت در کابل چاپ شده بود، مستحق جایزه مطبوعاتی «خوشحال خان ختک» شناخته شد. در این اثر نمونه های از ادب شفاهی ترکی اوزبیکی که طی ۲۰ سال توسط ایماق از بین مردم شمال کشور جمع آوری و به زبان دری نیز ترجمه شده بود، گنجایده شده است. خوشبختانه این اثر تاکنون ۳ بار در افغانستان و یکبار هم با تجدید نظر در اوزبیکستان به خط سرلیک به تعداد

ده هزار جلد چاپ شده است.

داکتر ایماق به تاریخ ۲۱ مارچ سال ۲۰۰۹ به حیث رییس عمومی فدراسیون فرهنگی ترکان افغانستان «ففتا» از طرف ترکباران مقیم کانادابه اکثریت آراء انتخاب گردیده، به خاطر کار های ارزنده اش از طرف مرکز این فدراسیون که در کشور هالند قرار دارد، مستحق تقدیر نامه نیز گردید.

گفتنیست تا کنون «۱۱» اثر و ده ها مقاله ی تدقیقی و پژوهشی داکتر ایماق در افغانستان و همچنان در کشور های اوزبیکستان، کانادا، ترکیه، ایالت متحده امریکا و غیره جاها اقبال چاپ یافته و «۸» اثر دیگر استاد فعلا آماده چاپ اند.

استاد ایماق و خانمش بار ها در برنامه های برونمرزی «نوید» و «سیمای شرق» که از شبکه های جهانی آریانا افغانستان و پیام افغان به نشر میرسد، مطالب مفید و آموزنده را به زبان های دری و ترکی اوزبیکی ثبت و به دست نشر سپردند.

همچنان نظر به گفته استاد: «سه سال تمام پروگرام فولکلوریک «فولکلور - خلق قلبیده گی دینگیزدر» (فولکلوربحر متلاطمیست در قلب مردم) را طور رضاکارانه، تهیه و ترتیب نموده، جهت نشر به اداره برنامه اوزبیکی تلویزیون ملی افغانستان ارسال داشته است. این برنامه نیم ساعته، هفته ای یکبار به نشر رسیده، همه مطالب ارسالی، روز های سه شنبه ساعت سه به وقت کابل پخش گردید.»

استاد ایماق شاعر شیرین سخن و خوش قریحه نیز است و از دوران مکتب ابتدائی تا بحال اشعار نغز میسرایند، که صفحات مجلات و روزنامه ها را مزین ساخته است.

داکتر فیض الله ایماق که زمانی هم «نهال» تخلص میکرد، در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در قریه «باغ بوستان» شهر قورغان اندخوی ولایت فاریاب در یک خانواده دهقان زحمتکش چشم به جهان گشود. بلی، او در باغ بی برگی زاده شد و در بوستان بی ریایی نمو کرد. تحصیلات ابتدایی را در مکتب قورغان آنجا به آخر رسانیده و جهت کسب تحصیلات عالی تر به کابل فرستاده شد.

آقای ایماق دورهٔ متوسطه را در مکتب ابن سینا و لیسه را در دارالمعلمین کابل تمام نموده، بعد از دو سال اجرای وظیفهٔ معلمی در لیسهٔ نادریهٔ کابل، با سپری نمودن امتحان کانکور شامل رشتهٔ ژورنالیزم فاکولتهٔ زبان و ادبیات دانشگاه کابل گردید، بعد از فراغت در سال ۱۳۵۰ به حیث متکفل و آمر برنامه‌های اوزبیک، ترکمنی، بلوچی، پشه‌یی و نورستانی رادیو افغانستان مقرر گردیده، چند سال بعد به صفت مدیر عمومی اداره مذکور تقرر حاصل نمود. استاد ایماق بنیانگذار برنامه‌های محلی و اولین نطق پروگرام اوزبیک است. او بود که به خاطر ترتیب و تنظیم و بوجود آوردن پروگرامهای محلی موفقیت‌های محسوسی حاصل کرده، از طرف محترم محمد ابراهیم عباسی وزیر اطلاعات و کلتور وقت، مستحق تقدیرنامه و پول نقد گردید. او در زمان جمهوری سردار داوود، به حیث مدیر پروگرامهای تربیتی ادارهٔ روزنهٔ رادیو افغانستان نیز ایماق وظیفه داکتر فیض الله ایماق در سال ۱۳۶۱ خورشیدی استفاده از یک بورس اسپیرانتوری وارد اوزبیکستان شده و رسالهٔ علمی خود را تحت عنوان «سرودهای شفاهی اوزبیکان افغانستان» با راهنمایی پروفیسر محمد نادر خان سعید اوف استاد دانشگاه زبان و ادبیات اوزبیک دانشگاه «اولغ بیگ» تاشکند نوشته و در سال ۱۳۶۵ خورشیدی از رسالهٔ دوکتورای خود دفاع کرد. او طی ۲۵ سال اقامتش در اوزبیکستان هم تحصیل کرد و هم به کار فرهنگی دست یازید.

به طور مثال ف. ایماق در دوران تحصیلش، نمایشگاه مطبوعات افغانستان را در فاکولته ژورنالیزم تاشکند برگزار نموده، تمام روزنامه‌ها و مجلات موقوتهٔ آنوقت کشور را به نمایش گذاشت. از این نمایشگاه ژورنالیزم داخلی و خارجی، کارمندان دولتی و اهالی اوزبیکستان دیدن کردند.

نوشته‌های علمی و تحقیقی ایماق در اکثر روزنامه‌ها و مجلات و رادیو تلویزیون اوزبیکان اشاعه می‌یافت. او توانست به تاریخ ۱۷ مارچ سال ۱۹۸۶ از ادارهٔ مجلهٔ «گلستان» این کشور تقدیرنامه‌ای را به دست بیاورد. چونکه مقالات زیاد او، درین ماهنامه انتشار یافته بود.

نظر به گفتهٔ ایماق صاحب: «او طی مکتوب نمبر (۷) ۱۵ ثور ۱۳۷۷ و منظوری وزارت امور خارجه دولت اسلامی افغانستان، به حیث ائشهٔ فرهنگی سفارت افغانستان مقیم تاشکند در بست سکرتر سوم مقرر گردید. همچنان او در زمان اقامتش در اوزبیکستان به صفت ژورنالیست و نطق دری و اوزبیک رادیو تاشکند، رییس اتحادیهٔ هنرمندان افغانستان در آسیای مرکزی و رییس

بنیاد جهانی ژورنالستان آریانا افغانستان در تاشکند، تا ماه نومبر سال ۲۰۰۵ الی آمدن به کانادا، مشغول ایماق وظیفه بودند.»

ایمباق انسان خیر خواه و مدنیت پرور بوده، در اول ماه جوزای سال ۱۳۸۹ خورشیدی (۳۶۸) جلد کتب با ارزش کتابخانهٔ شخصی خویش را که طی مدت ماموریتش از داخل و خارج کشور خریداری کرده بود، غرض غنا مندی کتابخانهٔ عامهٔ کابل به دکتور سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ اهدا کرد که خبر آن در میدیای نوشتاری و صوتی داخلی و خارجی به نشر رسید. این کتب شامل ترجمه و تفسیر قرآن عظیم الشان، لغتنامه‌ها، دایرة المعارف و کتاب ادبیات زبانهای دری، پشتو، ترکی، اوزبیک، انگلیسی، روسی و کتب هنری و معلوماتی می‌باشد.

باید گفت حتی بعضی از مقالات این شخصیت گرانمایه در دائرة المعارف آریانا نیز به چاپ رسیده است. بنده تنها قسمتی از نوشته‌های فارسی شانرا خوانده ام یکاش لغتنامهٔ که اوشان در زبان اوزبیک با ترجمه ی دری و پشتو نوشته بودند مفقود نمیشد، تا از نوشته‌های اوزبیک شان نیز فیض میبردم.

پس جای دارد استاد ایماق با این همه کارکردهای نیک و خارق العاده اش مستحق مدالها و جوایز گردد، بلی! خداوند بزرگ به استاد توفیق مزید عنایت نماید تا این راه بی پایان را برود.

دلا عشق راهیست دور و دراز
 دران بار غم سالکان را بدوش
 اگر عاشقی دل به محنت بنه
 و گر نه درین دیگ خود را مجوش

منتشرهٔ نشریهٔ «زن»

ماه فیروزی و مارچ سال ۲۰۱۴

شهر ونکوور کانادا

افغانستان اۆزبیکلری لیریک قوشیقلری

اۆزبیک فولکلور شناسلیگیده لیریک قوشیقلر مخصوص منوگرافیک پلانده تدقیق ایتلمه گن بۆلسه هم، قوشیقلر بویچه عمل گه ایشیریلگن کۆپچیلیک ایشلرده لیریک قوشیقلر خصوصیده انچه - مونچه فکرلر بیان ایتیلگن. فولکلور شناس م. علوییه «اۆزبیک خلق مراسم قوشیقلر» کتابیده، لیریک قوشیقلر تلقلینیگه علیحده اعتبار بیرگن. عالمه اساسی دقتی لیریک قوشیقلرده خلق حیاتی نینگ قه ی طرزده بدیعی عکس ایتگنلیگه قهره ته دی. عاموی ژانربۆلگن لیریک تیرمه قوشیقلر ، مضموناً آدم نینگ روحی عالمی، بوتون ایچکی کیچنمه لرینی تشکیل ایته دی. «قوشیقلر خلق نینگ جانلی اوازیده حقیقی حیاتی عکس ایتتیریب قهرمان کیچنمه لری بیلن اونینگ ابرزلری بیرله شه دی، عمومله شه دی.»^۱، دیب کۆرسه ته دی.

«اۆزبیک خلق آغزه کی پایتیک ایجادی» درسلیگی ده آ. صابروف ایسه، لیریک قوشیقلرگه «خلق نینگ اینگ یخشى آرزولرینی عهدده له گن، یوکسک انسانی فضیلتلرنی باى و چقور روحی کیچنمه لریده عکس ایتتیرگن، یککه حالده، و جماعه بۆلیب، معلوم کوی بیلن اجرا قیلینه دیگن قوشیقلرگه لیریک قوشیقلر دیب ایتيله دی»^۲، دیب تعریف بیرگن.

روس فولکلورشناسی ن. پ. کالپاکووه ایسه، متخصصلر عادتده عصرلر دوامیده دهقانلرگه فکرلری، خاطره لری، شخصی توغولری، حس-هیجانلری نی افاده لشگه خدمت قیلیب کیلگن عنعنوی قوشیقلرنی «لیریک قوشیقلر» نامی بیلن یوریته دیلردیدى. بونده ی نمونه لر یارقین، اعتراضلی، قوانچلی بۆلیشى بیلن بیرگه تیتیکلیک نی، کیله جککه امیدنی هم افاده له یدی. شو سببلی اولر «شوخ»، «قووناق»، «رقصلی»، «هزل» تورلریگه بۆلینه دیلر،-دیب یازه دی روس فولکلور شناسی ن. پ. کالپاکووه. او لیریک قوشیقلر نینگ باشقه قوشیقلردن فرقی حقیده شونده ی دیدی: «شوخ، غمگین، هجوى کبی حس- توغوه گه عاید بیلگیلردن قطع نظر همه لیریک قوشیقلر خلق ایجادی دایره سیده ایله نیب یوره دی. ایستلگن پیته تورلی مشغولاتلر دوامیده، دم آلیشده، بیره م و سیل لرده اجرا ایتیلیشى خصوصیتی بیلن هیچ قنده ی رسم - رسوم، مراسم عرف - عادت لریگه باغلنمه یدی»،^۳ دیب یازه دی و بیواسطه لیریک قوشیقلر نینگ باشقه تیپده گی قوشیقلردن فرق قیله دی.

م. علوییه و آ. صابروف لرنینگ فکرلری لیریک قوشیقلرنی ژانر صفتیده نمایان قیلیب توروجی میزان نی تۆله لیگیچه قمره ی آلمه یدی. شو سببلی بیز افغانستان لیک اۆزبیکلر لیریک قوشیقلری حقیده فکر یوریتر ایکن میز، بیواسطه ن. پ. کالپاکووه نینگ یوقاریده قید ایتیلگن فکرلریگه سویه نه میز. افغانستان اۆزبیکلری قوشیقلر فولکلوری حقیقتاً هم، افغانستان اۆزبیکلری قوشیقلری نینگ کنته قسمینی تشکیل ایتووچی لیریک قوشیقلرنینگ مهم خصوصیتلریدن بیرى اولرنینگ مخصوص اجرا اۆرنیگه ایگه ایمسلیگیدیر. بو قوشیقلر بوتون خلق تامانیدن یالغیز لیکده هم، توی- ییغینیده هم ایش وقتیده هم اجرا ایتيله ویره دی. اولر مخصوص بیرار بیر مراسمگه بیریککن ایمس. لیریک قوشیقلرده کونده لیک تورموش و آدملر اۆرته سیده گی اۆز ارا مناسبتلر اساسیده کیلیب چیقووچی انسان توغوه لری، ایچکی کیچنمه لری اۆز عکسینی تاپه دی. شکل جهتدن لیریک قوشیقلر اساساً، تۆرتلیک لردن عبارت بۆلیب، هر بیر تۆرتلیک اۆز حالچچه مستقل بیر توگل فکرنی، توغوه و کیچنمه لرنی بدیعی افاده له یدی. بو تۆرتلیک لر اجرا ایتیلیشده معلوم یول و آهنگنی تامینلاووچی تورلی کۆرینیش ده گی نقارت لر آرقه لی بیر- بیرگه باغله نیب توره دی. بو اۆرینده تۆرتلیک لر نینگ مضموناً یقین بۆلیشیکه همه وقت هم اعتباربیریه ویرمه یدی.

مثلاً:

گلیاره جان، بۆلیرینگدن،	گلیاره جان، گلیاره
بیر نشانه بیرگینینگ،	قۇللر ینگدن، گلیاره،
گلیاره جان بۆلیرینگدن	گلیاره، جان گلیاره.
خطنی بیتیب یوباردی،	میمنه لیک ممنگه،
راست قۇلیدن توتیب،	آلیب بارسم چمنگه،
گلیاره جان بۆلیرینگدن	گلیاره جان، گلیاره
سیر کابل سیرینی،	ساعتلری، تیرینی،
اکه جان جیگی- جیگی،	جگر لیریم ایریدی،

سوز دل

ياکه:

کلياره خان، بۇيلرينگدن گلياره.

ياکه:

ترليليها، ترليليها، ترليليها، ترليليها - لاي»^۶

افغانستانليك اۇزبيكلر قۇشيقلىرى ترکيبىده هم «کيلينگلر يار اوينه يليك» كىيى نقاترلر كۆپ .

مثلاً:

افغانستانليك اۇزبيكلر ليريك قۇشيقلىرى آره سىده ينه بير قۇشيق موجودكه، اولرده گى تۇرتليكلرنى بيرگينه نقاتر ايمس، بل كه تۇرتليك لرنينگ مضمونى هم بير بوتون حالده بيرلشتيريب توره دى. بو توره گى قۇشيقلىرگه «اندخوى نينگ قالينلرى» «حويلى سى بار قلعه دى» كىيى نمونه لرنى كيريتيش ممكن.

افغانستانليك اۇزبيكلر ليريك قۇشيقلىرى نينگ ايرىملرى اجراچيلرگه كۆره ايركك لر و عيال لر قۇشيق لريگه بۇلينه دى. «سوزوان» قۇشيقلىرى، عموماً خاتين قيزلر تمانيدن ياورچاق تارتيش، چرخ ايگيريش، قالين - گيلم تۇقىش، سومه لك پيشيريش پيتلرى ايتيله دى، البته موسيقه سبىز .

ايرككلر قۇشيقلىرى اساساً دمبوره بيلن اجرا ايتيله دى و «توره»، «بيت»، «نخش»، «قۇشيق»، «غزل» ديگن ناملربيلن هم يوريتيله دى. ليكن ايرككلر قۇشيقى ديب ايتيلوچى قۇشيق آره سىده بيواسطه عيال (قيز) لر حياتيگه تعلق لى بيت لرهم تيز- تيز اوچره ب توره دى. دنياده گى برچه خلقلر ليريك قۇشيقلىرىده بۇلگه نى كىيى افغانستانليك اۇزبيكلر قۇشيقلىرىده هم اساسى موضوع عشق- محبت دير. عاشق- معشوق نينگ سبوگى اضطرابلرى، اولر نينگ آرزو- اميدلرى، بخت و فاجعه لرى قۇشيقلىردن كينگ اۇرين الگن . قۇشيقلىرده معشوقه اۇزعاشقياگه «آغه»، «آغه جان»، ديب مراجعت قيليشى تيز- تيز اوچره ب توره دى.

سوز دل

کلياره جان بۇيلرنگدن گلياره جان، گلياره ۴.

نوبتده گى هر بير تۇرتليكدن كيين

کلياره جان بۇيلرينگدن گلياره جان، گلياره.

نقاتر تکرارله نيب كيله دى. بو كىيى آهنگنى تامينلاوچى يۇلر هر بير مصراع سۇنكيگه قۇشيلوچى معلوم سۇزلردن هم عبارت بۇلشى ممكن .

مثلاً :

برماغينگ ميده ايرور، بيللرينگ مورچه ميان،

ته له ليلي.

كۆيلك ايچره بده نينگ، صاف ايرور آب حيات،

ته له ليلي.

آى باره دى باتگه نى، يار كيله دى ياتگه نى،

ته له ليلي.

زمانه دن قۇرقه ميز، قۇل ساليب اۇيغنگه نى،

ته له ليلي^۵.

ليريك قۇشيقلىر اجرا سىده بو كىيى يۇلرنى تامينلاوچى بيت و سۇزلر اۇزبيكستان خلقي ليريك قۇشيقلىرىده هم موجود ليگىنى فولكلور شناس آ.صابروف «كلىناى قۇشيقلىرى» تۇپله ميگه يازگن سۇزباشى سىده ايتيب اۇتگن. قۇشيقلىرده نقاتر هر بير تۇرت ليكنى بيربيرىگه اوله يديگن ييتكچى واسطه حسابله نه دى و او قۇشيق لرنينگ دواملى ايكن ليگىنى بيلديريب توره دى . ايپك ديك مه يين، دلگه آرام بغيشله يديگن نقاترلر تۇرتليكده گى مضمون بيلن همآهنگ بۇله دى. بعضى قۇشيقلىر نقاتردن باشله نه دى:

يۇل بۇلسينا، يۇل بۇلسينا،

باسگن ايزلرينگيز گل بۇلسين،

سوز دل

قۇلىمده گى اۇزىگىم يىتر مينگه

دۇستدن هم دشمن سۇزى اۇتر مينگه

ساغ بۇلىنگ امان بۇلىنگ، ايدۇستلريم

هر ييرده اوازە نگیز يىتر مينگه^{۱۰}

فدايى قلب نينگ قىناق نفسى بۇلگن بو مصراعلر هر قنده ى يوره كنى جنبشگه كيلتيره دى .

غم توشينچه سى افغانستانلىك اۇزىبىكلر ليريك قۇشيقلريدە يىتكچى اۇرين نى تشكيل ايتە دى .

أق گل ايديم، قىزىل گل گه چىتديلر

غريب باشيم بندى قىلىب، ساتديلر

باريب ايتينگ انم بيلن اتمگه

مىنى ساتيب، نى مراد گه، يىتديلر^{۱۱}

ليريك قهرمان، تينگ سبز نكاح قربانى بۇلگن، اته - انه كون كىچيريشى، اچدن اۇلمسلىك

اوچون اوز فرزندلرينى نامناسب كىشى گه ساتيشگه مجبور بۇلگنلر. بو تريبده گى عدالت سبزيك

هر دايم تورلى جامعە لردە اوچرە ب توره دى.

يار ديديم، يار ادا قىلدى منى

عقيق ايديم كهربا قىلدى منى

قطيده گى عطارى ايپك ايديم

ييرگه تشله ب كمبها قىلدى منى^{۱۲}

ديب ليريك قهرمان پايمال بۇلگن محبتى، قدر - قيمتى حقيده اۇكىنچ بيلن كويله يدى.

افغانستان اۇزىبىكلرى قۇشيقلريليدە كۇپ اوچراووجى اجتماعى تينگسىزلىكدن، ظلم و

ستمىدن شكائيتدير. بو حال طبيعيدير. چونكه انسان قلبى نينگ كۇز گوسى بۇلميش قۇشيقده ايجادكار

خلق نينگ حياتى روى - راست عكس ايتە دى:

سوز دل

مثلاً:

تام اوستيگه ناغاره تونتر ديلر

أغه جانيم ايتدى ديب اختر ديلر

أغه جانيم ايتگه نى يالغان ايكن^۷

خاتينى نينگ قۇينيدە ياتگن

عاشق ايسه ، معشوقه سبيگه «پرى، پريجان» ديب، ايركه لاووجى سۇزلر بيلن مراجعت قيله دى:

سوو كيله دى اويناغله ب

ايلى (ايلىك) روات (رباط) نى چاغله ب

پرى جان اۇتیب كيتدى^۸

يوره ك بغريمى، داغله ب

قۇشيقلردە ، انسان روحيتى نينگ تورلى - تومن حالتلرينى كۇره ميز و قۇشيق خلق قلبى نينگ

كۇز گوسى ايكن ليگيگه ينه بير بارگواه بۇله ميز:

قپقرا دور ككليگيم دى كۇزلرى

نمايشگه اۇلتيريب دور اۇزلرى

بير گييم بار يۇزمه - يۇز ايتالمه يمن^۹

عقلى بۇلسه انگله ب السين اۇزلرى

بو تۇر تليكدە معشوقه نينگ ارداقلى سبويگى سرى، آرزوسى، عاشق نى سيومه ياتگنى آغرى

نيشى اۇز عكسبىنى تاپگن.

- ۷ - خلق دردانه لری . ۵۰ - بیت
 ۸ - اؤشه اثر
 ۹ - خلق دردانه لری . ۴۱ - بیت
 ۱۰ - اؤشه اثر
 ۱۱ - اؤشه اثر
 ۱۲ - خلق دردانه لری . ۴۷ - بیت
 ۱۳ - اؤشه اثر
 ۱۴ - خلق دردانه لری . ۲۶ - بیت

ایشیگیمنی کۆزیگه توت بیشیبیدی
 دشمنیم نینگ کۆزیگه، گل توشیبیدی
 اویینگ کویگور بای قیزینى قۆلیدن
 حیدرآباد کۆچه سیگه خون توشیبیدی^{۱۳}

یاکه:

شرشره دن سو آقر قویلر قولاغین قافر
 بای حقینی بیرمه سه چوپان قچان قوی باقر^{۱۴}

بو خیلده گی قۇشبقلر ده محنتکش خلق نینگ بایلرگه مناسبتی انیق افاده ایتیلماقده .

خلاصه، شوکی لیریک قۇشبقلر تورلی دور لرده، تورلی اجتماعی سیاسی شرایطلر بیلن باغلیق حالده اؤز موضوع کۆله مینی کینگه یتیریشی آرقه لی خلق آرزو-ایستکلری نینگ، ایتیلیشلری نینگ، مرکب حس - تۇیغولری نینگ بدیعی افاده سی اوله راق کینگ ترقلدی.

فایده لنگن ادبیاتلر رویخطی:

- ۱ - غلوییه مۇیینه. اؤزبیک خلق مراسم قۇشبقلری، ۵۳ - بیت
 ۲ - اؤزبیک خلق آغزه کی پاییتیک ایجادی. ۹۶ - بیت
 ۳ - کالپاکوه ن. پ . پیسنی ای لیودی. ل . ۱۹۷۷۰ - ییل، ۱۱۲ - بیت
 ۴ - خلق دُر دانه لری. ۳۱ - بیت
 ۵ - خلق دردانه لری. ۳۹ - بیت. ایلکبار بو قۇشبق نی سبزه گل اندخویی اجرا ایتگن.
 ۶ - کیلینای قۇشبقلری. تاشکند. غ. غلام نشریاتی، ۱۹۸۱ - ییل، ۶ - بیت

مرحومه بی بی مفتوحه ایماق

نینگ ترجمه حالی



مفتوحه ایماق نینگ اوشبو پورتیریتی نی

ع. شهرانی چیزگن.



سیز - بو فوتو- صورتده ، کابل شهر ، شهدای صالحینده گی

مفتوحه ایماق نینگ مقبره سینی کوره سیز.

منزلت مادر

مادر یک گوهر درخشنده و جاویدانه است که بر سینه تاریخ زمان میدرشد. مادر سازنده و بنیانگذار جامعه سالم است .

برای اثبات منزلت مادر، سندی بزرگتر از آن نیست که بشریت با همه فرآوردهایش رهین منت گنج کرم آن بوده اولین خشت های تکوین سجایای عالیة انسانی در آغوش پر مهر مادر گذاشته میشود. چنانچه می سزد از این آغوش به عنوان سر چشمه صفات کمالات بشری و آفرنده مد و جذر های تاریخی یادکرد و سر نیایش به پیشگاهش خم نمود.

آری، اگر فلاسفه و حکما نقاط عطف تاریخ اند، اگر پیامبران مشعلهای راه حقیقت اند و اگر قهرمانان، دگر گون ساز جوامع بشری اند، مادر آفریدگار خود آنهاست.

پس درود آتشین بر تو ای مادر، ای دل انگیزترین تجلی های حقیقت، وای عالیترین مظهر شگفت آفرین خلقت، درودیکه شایسته و بایسته مقام تو و نیایشی که برآزنده مهر بی انتهای توست.

محترم کتاب خوانلر!

خبرينگيز باركى يقينده، حاجى داکتر فيض الله ايماق نينگ «افغانستان اؤز بيکلىرى خلق قوشيقلىرى» ناملى رساله سى، كانادا نينگ تورنتو شهريده باسيليپ چيقدى. حاجى ايماق، اؤز رساله سيني، محترمه والده سى مرحومه بى بى مفتوحه ايماق نينگ پاک روحىگه تارتيق قىليپ، کتاب سؤنگيده، اونينگ ترجمه حالى و شعرى نمونه لرى نى هم چاپ ايتتيرگن ايدى. حاضر مذکور بيوگرافيه، اعتبارلرينگيزگه تقدیم بؤله دى:

نورعلى باى قىزى مفتوحه، سابق شورالر اولکه سيگه تيگيشلى تاتارستان جمهوريتى نينگ پايتختى قازان شهر، بيگياوول ياكى كرياوول قيشلاغيده ۱۲۸۳- نچى يىلى دنيا گه كىلدى .

مفتوحه - اوکتوبر انقلابيدن سؤنگ، افغانستانگه كىليپ، اندخوى نينگ قورغان شهر، باغبوستان محله سيده استقامت قيله ياتگن شاهيمردانقل ايماق بيلن تورموش قوردى. بو عايله نينگ ايلک فرزندلرى محمد هاشم و محمد انورلر، چيچک خسته ليگيگه چه لينيب، ۴-۵ ياشلريده ، دنيا دن کؤز يوميشدى. ايکكى اوغىل نينگ بى وقت اؤلىمى مفتوحه نى اغير قيغوگه سالدى. بيرنيچه يىل دن سؤنگ، مفتوحه و شاهيمردانقل خاندانیده، فيض الله و محمد الله اسملى فرزندلر وجودگه كىلدى. شاهيمردانقل، فيض الله اسملى اؤغلىنى ييتى ياشيده، قورغان ناميده گى باشلنغىچ مکتبگه جابليشتيريب، بير نيچه ايدن كيبن، ملاريا كسلليگى گه چه لينيب، ۴۷ ياشده بو جهان نى ترک ايتدى. اوستيگه اوستک، ايکكى فرزنديدن اجره لگن مفتوحه، تورموش اورتاغيدن هم بوتونلى اجره لى.

او، اوغىلليگه هم انه، همده اته بورچيني اؤتب، اولرنى ترييه له دى و وايه گه ييتكزدى. فيض الله باشلنغىچ مکتب نى اعلى بهالر بيلن ييتيرگچ، اؤقشيني دوام ايتتيريش مقصديه، معارف وزيرليگى تامانيدن، کابل گه كيتيشى، ايتيلدى. اما اونينگ عمكى لرى:

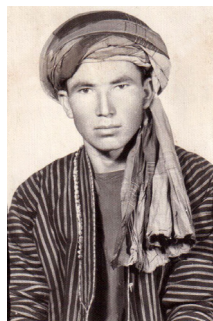
«فيض الله جان! سينيگ آتنگ يۇق. سين آننگنى باقىش اوچون کابلگه كيتيشدن واز كيچيشيگه توغرى كيله دى»، - ديه، اونينگ کابل كيتيشيگه قرشيليک کؤرسه تيشدى. ليکن مفتوحه خانيم، ايکكى آياقنى بير ايتيککه ساليپ: «مين حياتيمده قينلسمده، اؤغليم فيض الله نى

اؤقيشگه جؤنه ته من»، - ديب، توريب آلدى. بو اورينيشلر نتيجه سيز قالمه ي، فيض الله، اؤز اؤقشيني دوام ايتتيريش مقصديه، کابلده گى ابن سينا ناملى اورتا مکتب گه جابليشدى. او اورتا مکتب، دارالمعلمين و کابل دارالفنونى نينگ ژورناليزم فاکولته سى نى تاممله ب، افغانستان راديو سى قاشيده گى ينگى تشکيل تاپگن اؤزبيکى، تورکمنى، بلوچى، پشه يى و نورستانى پروگراملر امرى لوازيمده ايش باشله دى. بيرنيچه يىللردن سؤنگ اؤزبيکستان جمهوريتى پايتختى تاشکندده گى اولغيك ناميده گى تيل و ادبيات فاکولته سيدن داکترليک علمى عنوان نى قؤلگه كيريتدى.

مفتوحه نينگ كيچيک اوغلى محمد الله ايسه، درادگارچيليک (نجارليک) كسى نى ايگلله دى. هر دايم انه سيدن خبردارليک قيله ياتگن اوسته محمد الله نى، دولت ملازملرى عسکرليک بورچيني اؤتش مقصديه، کابلگه جؤنتدى. او ايکكى يىل عسکرليک دورى نى چارصد بستر (کابل ده گى تورت يوز اؤرنلى شفاخانه) سى قوريليشى ييتيده درادگرليک ساحه سيده، اؤتكزدى.

اوسته محمد الله نينگ انه سى، اندخوى شهريده اوسته اوغلى نى اونشتيريش مقصديه، ايديال قىزنى قيديرىب يورگن انلريده، اونينگ حياتيده، اچينرلى و خنک واقعه يوزبيردى . بو حادثه شوندىن عبارت :

محمد الله قيش موسي مى نينگ ايزغرينلى اياز ساووق لريدن امانده قاليش مقصديه، كومير باقىب خانه سيده ياتيب قالگن پيتى ده ، کاربن مونوكسايد گازى دن زهرله نيب، تؤستدن جان بيره دى. محمد الله نينگ جسدى نى، اونينگ اكه سى فيض الله ايماق تابوت گه ساليپ، اندخوى نينگ مفتوحه يشه ياتگن باغبوستان محله سيگه انتقال بيره دى.



مرحوم اوستا محمدالله

تور تليكلر

مېنىڭ اۋغلىم «۳» كابل كىتگچ
 بو غزل نى چىقارغانغا
 تىپىدىم، ايشىك اچىلدى
 اۋغلىم اوچون كويه - كويه
 قالدیرغاچ بۇلمام مېكىن
 اۋغلىم اوچون كويه - كويه
 خط بيتتى لر اۋزلىرى
 نه يله سم يادىمدن چىقماس
 اە ايللىرىم، ايللىرىم
 تىنگلىرىم اوچون كويمە يىمىن
 آقدى ھەم كىدىر دىنگىز
 اۋلدىن كويغان ايدىم
 اى ايللىرىم - ايللىرىم
 تىنگلىرىم اوچون كويمىمىن
 اكم - اوكم، سىز قىيىدە
 چاپىب چىغىب، آيغە قىرىم
 بىنىم كىتدى ھوشلىرىم
 عىب قىلماڭك دۇستلىرىم
 گل باغچە سى ساچىلدى
 اۋستخوانىم چاقىلدى
 درخت غە قۇنمام مېكىن
 ديوانە بۇلمام مېكىن
 دفتر لردە كۆزلىرى
 «آنە» دىگن سۆزلىرى
 ايلدە قالدى تىنگلىرىم
 قالدى توغان ايللىرىم
 كوكدى ھەم كىدىر دىنگىز
 اوستىگە، كويدىر دىنگىز
 ايللىرىمدە، تىنگلىرى
 قالدى اكه - اوكه لرىم
 الە چىقتىنگىزىمى آيغە
 آيدە دە يۇق، سىز قىيىدە؟

اوغلى نىڭ تويىنى تىردىدە يورگن آنە، زار، اۋغلى نىڭ ساووق جىسى نى كۆرىپ، بىر نىچە مراتبە ھوشىدىن كىتدى، يەنە ھوشىگە كىلدى. محمد الله نىڭ جىسى، باغبوستان دە گى اىماقلر حىزىرە سى، آتە سى نىڭ قبرى يانىگە دفن ايتىلدى. چارە سىز آنە، تقدىرگە تن بېرىپ، يگانە اۋغلى فىض الله بىلن بېرگە يشە ي باشلە يدى. كۆپ وقت اۋتمە ي، او، قان باسىمى و جگر خىستە لىگى باعث، ۱۳۵۸- اىنچى يىل، حمل آى نىڭ ۱۶- اىنچى سى، جمعه آقشامى ۷۵ ياشدە كابل شەھرىدە جەھاندىن كۆز بومە دى. اونىڭ جىسى كابل نىڭ شەھىدى صالحىن دە گى اندخوبلىكلر قىرستانىگە دفن ايتىلدى.

(انالله و انا اليه راجعون)

مفتوحە اىماق سوادسىز بۇلىپ، فى البدىيە شعر ايترايدى. اونىڭ شعرلىرى تاتارچە شىوہ «لەھجە» سىدە، وطن ھجرى، يالغىزلىك و فرزند مەھرى موضوعىدە بيتلىگن. بعضى بىر شعرلىرى اۋزبىكستان دە باسىلىپ چىقە دىگن «آيدىن» جرىدە سىدە و توركىيە نىڭ استانبول شەھرىدە بىر نىچە يىلدىن بويان نىش ايتىلىپ كىلە دىگن «بىدلىستان - گلدستە»، (ايكى كىتاب بىر جلددە) گى مجموعە سىدە ھەم باسىلىپ چىققن.

قويىدە اونىڭ شعرلىرىدىن نمونه لر كىلتىرە مېز:

آق ايدىل

آق ايدىل «۱» بويىندا
 بۇلماسم بۇلمام تۇيىندا
 آق ايدىل بۇيىندا
 سىوہ سىنگىمى سىومبىسىنگىمى
 آق ايدىل قىتىغ آغا
 دنيا مالى دونغىز قانى
 يوردىم سابان «۲» تويىندا
 كۆپ يوقلادىم قويىندا
 پىادە يورە سىم كىلە
 شونى يىلە سىم كىلە
 قىلە شريف گە تامان
 باشنى سالمىڭ جفاغا

كۆگيرچين - كۆگيرچين، آتە سى قچان كيليرسين
 كيسنگدە گى قە - قە لرینگ، بالە لریمە بيرييرسين!
 تاش خان حاجى خط كيتيرگن بيزلرگە بيرمس ميکين
 كۆچە دە بير ملا بچە، فيض الله م ايمس ميکين
 كۆچە لرگە چيقيب قريم، موتر لرنى ايزى يۇق
 خطينگ كيلە، عكسينگ كيلە، كۆر يشماققە اؤزینگ يۇق
 يادگينمدن چيقرمه يمن، سمرقند ديگن قلعه م
 كابل شھريده يورر، دريشى كيگن بالە
 يادگينم دن چيقره رميمه يمن، قازان ديگن قلعه منى
 پادشاه غە عريضه بيرە ى، نى جۇنتى بالە منى
 پاييزلرگە مينگن ايديم، اوزيگيم نى يۇقاتديم
 كافر يورتييم آگندە، شو ييرلرگە اولقديم

بيتلر

تيره زمنى پرده لارين، كر قيلمانگيز، يووينگيز
 بار چاغيمده مين كۆپ ايديم، ايندى كيتديم تۇ يينگيز
 محمد الله گە ييديرگن ايديم سريغ ياغنينگ دۇردە سين
 قۇطى غە ساليب كيلتيرديلر، محمد الله م نينگ مۇردە سين.
 كوندە - كوندە اۇلغونچە، بير اۇ لغانيم يخشيراغ
 ساووق استخوانين كۇرديم، كۆر بۇلغانيم يخشيراغ
 فيض الله جان بيله سينمى «قازان» ديگن قلعه م
 يككە كوتە لردە جان بيردى اوستە محمدالله بلە م
 روماليم اوچيب كيتدى، دريا نينگ گردابينه
 محمد الله تشلە ب كيتدى، اندخوى نينگ ميدانينه.
 سماوار لر قۇيديم من، قينه ديدە تۇلمە دى
 كابل جانغە بارر ايديم، كابل يقين بۇلمە دى
 سماوار لر قۇيديم من، قينه ب غينه تۇلسين ديب
 پاشا غە عريضه بيرە م ايندى، كابل يقين بۇلسين ديب
 فيض الله جان بيله سينمى، قازان ديگن قلعه منى
 پادشاه يانيغە مين بير بارە ى، نى جۇنتى بالە نى
 (قۇييدە گى آنە جانيم يره تگن شعرلرنى قۇرغان تومە نى اندخوى شھريگە بارگە نيميزدە
 ، ۹۲ ياشر شرافت ينگە ميز دن يازيب آلديم.

(۱۳۹۲ - نچى يىل ، ميزان آيى، باغبۇستان قيشلاغى)

تخت بیلن، بخت (ایرتک)

بیر بار ایکن، بیر یۇق ایکن، قدیم زمانلرده بیر کمپیر بار ایکن. کمپیرده ایسه، بیر کل اۇغلی بار ایکن. بو کلنی اویگه کیلسه، آنه سی اورر ایکن دشتگه چیقسه بچه لر اورر ایکن. کل بونده ی حیاتدن بیزیب، «بو کونیمدن اولگه نیم یخشی» - دیب، چۆلگه چیقیب کیتیبدی. کیتنه ویریبیدی، کیتنه ویریبیدی، چرچب، هاریب باشینی بیر تاشگه قویب اویقوگه کیتیپ قالیبدی. بو جای تخت بیلن بخت دیگن ایکی قوش نینگ جای ایکن. بیر وقت تخت بیلن بخت اوچیب کیلیب، قره سه لر که، جایلریده بیر کل بچه اوخله ب یاتیبدی

تخت، بختگه:

کوه تنگدن کتته بیر تاش کیلتیریب، کل نینگ اوستیگه تشله یمن، بیرگه کیریب کیتسین، دیدی.

بخت:

یۇق اونداغ قیلمه. او بیچاره چرچب کیلیب بو بیرده اوخله ب قالیبدی. یخشیسی، کیل، سین هم اۇتیپ راستیدن قره، مین هم اۇتیپ راستیدن قره ی، ساغه ییب، توریب کیتسین، دیدی.

قوشلر اونینگ راست تمانیگه اۇتیپ اونگه قره بدیلر. کل اویقودن اویغا نیب قره سه که، کلی یخشی بۇلیب، خوشروی ییگیتگه آیله نیب قالیبدی. کل خداگه شکرلر قیلیب ایندی خدا مینگه بیردی. شو یۇلدن کیتنه ویره ی، نیمه بۇلر ایکن؟ دیدی.

کل چۆلگه کیتنه ویریب، کیتنه ویریب، بیر بلند لیکن آشیب، ینه بیر بلند لیگه چیقیبدی. قره سه، اوزاقدن بیر شهر کۆرینه دی. شهردن شاووقین و غله -غوله سیسی کیله دی. شهر ایچیگه کیریب بارسه، بو یورت نینگ پادشاه سی اؤلگن ایکن. رعیت دولت قوشینی اوچیریب، بو قوش کیم نینگ باشیگه قونر ایکن، دیب ساز و سرود قیلیب اۇلتیرگن ایکن. بیر قوش اوچیب کیلیب، کل

روسچه

آخ ما روسه - ماروسه پوزله تویدن تیبا
پوزله تویدن تیبا نیزا بودیش تی مینیا
آخ ما، منقا زغرانیس نیا
آخ ما، منقا دمی خو، چیتسا

۱- قازان شهریده گی دریا نینگ نامی.

۲- موسومی تویلردن بیرى.

۳- اۇغلی کابلگه اۇقیشگه کیتگنده بیتگن شعرى

نينگ باشيگه قۇنيدي. كل قوشنى قۇلى بيلن هر قنچه اورسه هم، قوش ينه كيليب كل نينگ باشيگه قۇنه ويردى. بونى كۇرگن رعيت، كلنى كۇتر - كۇتر قىليپ عزت، حرمت بيلن پادشاهليك تختيگه اولتيرغىزبيديلر. اولگن پادشاه نينگ بير قىزى بار ايكن. اونى ينگى پادشاهگه ناكله ب بيربيديلر. اره دن آلتى - يىتتى آى اوتبيدى. كل ارگده خاتىنى نينگ يانيدە چاي ايچيب، خيال سوريب اولتيرگن ايكن، يانيدە گى ملكه، اونينگ خيال سورە ياتگە نىنى پە يقب:

توره م! قيسى خيالگه باتديلر؟ - ديب، سۇره بدى. اى ناقص العقل خاتين! بونى سۇره ب نيمه قيله سن؟ ديبدى شاه. مين سۇره مى، كيم سۇره سين؟ آخر، مين سيز نينگ محره مينگيز بۇله من. سيز سرينگيزنى مينگه آيتمه سنگيز، مين سريمى سيزگه آيتمه سم، اوندە، كيمگه آيتە ميز؟ ديبدى ملكه.

پادشاه ملكه نينگ كونگلىنى آغريتمسليك اوچون بير بهانه اۇيله ب تاپيب مين پادشاه نينگ اۇغلى ايديم. بير كونى وزيرلر نينگ اۇغىللىرى بيلن اۇگه چيققن ايديم. بير اونى قولە ب، بو بيرگه كيليب قالديم. تقدير ايكن، بخت قوشى، مينينگ باشيمگه قۇنيپ، سينديك گوزە ل و صاحب جمال قىزنى مينگه اوچرە تدى. اوشە يار و دۇستلرنى ايسلە ب، خيالگه باتيب قالىمن، ديبدى پادشاه.

ملكه اونگه:

اى پادشاهيم بو گپ، خيالگه باتيشگه ارزىيدىگن گپ ايمس ايكن - كو. بوياغى آلتى آى، او ياغى آلتى آى، همه سى بۇليپ اۇن ايكى ايليگ گپ ايكن. اونداغ بۇلسە آينگ باجه خاننگيزنى، آرتينگ جبهه خاننگيزنى، دۇست و برادرلر ينگيزنى كۇريب كيلينگ، ديبدى.

اى مينينگ دانا ملكه م، مين سينگه آيتيشگه باتينه آلمه گن نيتيمنى سيزگه نينگه آفرين! باجه خانه بيلن جبهه خانه نينگ حاجتى يۇق. قيرق كون مينگه رخصت بيرسنگ، اۇزيم ات قمچى بۇليپ، باريب يار و دۇستلر ينى كۇريب كيلە من، ديبدى شاه. كيين آتيني ايگرلە ب، بير خورجينگه دنيا - دولت ساليب، قىليچىنى بىليگه باغلب، اۇرنىگه وزيرىنى قوييب، قيرق كونگه رخصت آليپ، اۇز شەريگه قرە ب يۇلگه توشبيدى. باريب، اولگى ياتگن جايگه، تخت بيلن بخت نينگ جاييگه آدن توشيب اوزه ليبدى. بير وقت كۇزى اويقوگه كيتيب قالىبدى. شو پيتده تخت بيلن بخت اوچيب كيليب قرە سه، جايلىريده ينه اۇشە كيشى اوخلە ب ياتبيدى. شونده تخت بخت گه:

مينينگ آيتگە نيمنى قيلمە دىنگ. منە، آتيني باغلب، چرچب ينه مين بيلن سينينگ جاييميزده اوخلە ب ياتبيدى. بو د فعه قۇى ميني، باريب كوه تنگدن كتته بير تاشنى كيلتيريب، اوستيگه تشلە ي، ديبدى.

بخت بولسە - يۇق، اونداق قيلمە. يخشيسى ايكاويميز هم اۇتيب
چپ تمانيدن بير قرە يمىز، او- ينه اصل حالتىگه قە يتيب، كل بچە
بۇليپ قالە دى، ديبدى. اولر شونده ي قىليديلر. «پادشاه» ينه اصل
حاليگه، كل بچە گە آيلە نيبدى. بير بيت، اويقودن اويغانيب قرە
سه، ينه اولگيده ي كل بچە بۇليپ قالىبدى. او اۇزى نينگ بو حالينى

كۇريب «خدا ميندن بو عزتنى آلدى» ديب، ييغله ب آنە سى نينگ آلدىگه جۇنه ب كيتبيدى.

كل آنە سى يشە ياتگن ويرانه كلبه سيگه كيليب، «آنە جان، منە مين كيلديم» ديب آنە سىنى چە قيربيدى. «جانيم، بالم» ديب، يوگوريب آلدىگه چيقيبدى، آنە سى.

بالم، قىيرلرده يوريب سن؟ آننگ اۇرگىلسين سيندن. يۇلننگه قرە ي- قرە ي، كۇزلريمنى قرغە لرچوقيدى-كو! ديبدى ده، آنە سى اوغلىنى بغيرگه باسيب. نيمه قيله ي، اويگە كيرسم، سيز اوردينگيز، دشتگه چيقسم، بچە لر اوردى، آخر جانيمدن تۇيب، قاچيب كيتيشگە مجبور بولديم- ده، آنە جان، ديبدى كل.

منه قضمام تۇلمە گن ايكن، آيلە نيپ- آيلە نيپ، ينه آلدىنگيزگه قە يتيب كيلديم

(بو گپ شوپورده تورسين. گپنى ايندى كل نينگ خاتىنى، ملكه دن ايشيتينگ.)

اوشنده كل خاتىنيدن قيرق كونليك رخصت آليپ كيتگن ايدي. اره دن آلتى آى اۇتدى. پادشاهدن داو- درك يۇق. «شاهيمگه بيران گپ بۇلدى ميكن؟» - ديب، تشويشدين اۇزىنى قويه رگه جاي تاپالمە ي، آخرى ايرىنى ايزلە ب چيقدى.

بارمىمن، بارسم ميني بچه لر اوره دى، دىدى.

باره سن دىدىم مى، باره سن! قچانگه چه بىكار اويده قرنينگنى سيلب ياته سن؟ دىدى
كمپير اوغليگه.

ايرته سى همسايه نينگ باله لرى وقت كيليب كمپيرنى اويغاتىدى.

كمپير ايسه اوغلىنى اولرگه قوشىدى.

مردكار لر ايش بيلن مصروف. شهزاده ايسه اولر نينگ ايجيده يوريب هر بيرىنى دقت بيلن
كوزدن كيچيرايكن. بيركونى شهزاده مردكارلىككه كيلگن بچه نينگ آلدىگه كيليب اونگه تىكيليب
قره بدى. كل بچه نينگ كوزلرئىنى ايرى نينگ كوزىگه اوخسه تىدى. «اونى ايشدن كيىن آيب قاله
من، گپگه ساليب گپلريدن تانيب آله من»- دىدى او زيچه.

آقشام ايش توگدى. شهزاده مردكارلر نينگ آلدىگه كيليب اولر نينگ پولينى بيريب، كل بچه گه
ايسه:

سبن بو كيچه مينگه مهمان سن، ايرته هم ايشله، ايكي كونلىك پولينگنى بير بيرده بيره
من، دىدى.

كل ايسه:

يوق، كيچه قالالمىمن، انم يكه، دىدى.

خلص، شهزاده كل نى آيب قالىدى.

قىرق كنيز اوچون قيرفته خيمه، شهزاده اوچون ايسه، عليحده خيمه اوريلگن ايكن. ملكه
كنيزلر يگه:

سيزلر نانلرئىگىزنى ييب، خيمه لرئىگىزگه باريب دم آيلنگلر. مينىگ خيمه مگه قراوول
قويمنگلر، دىدى.

ملكه قيرفته كنيزگه ايرككچه كيىم كيىدرىب، اوzy هم ايرككچه كيىم كيىب، ايرينىنگ
يورتيگه قره ب يولگه توشىدى. با لآخر، ايرى يشه ياتگن شهرگه ييتيب كيليدى. شهرنى كوچه
مه - كوچه اختيريب ايرىنى تاپالمبدى آخرى شهر حاكمى نينگ آلدىگه بارىدى. او حاكمگه:

مين فلان يورت نينگ شهزاده سى من. مين شهرمه - شهر يوريب، هر شهزاده بير مدرسه
قورديره من. مينگه بير مدرسه ليك جاى بيرينگ، دىدى حاكم اونگه بير مدرسه ليك جاى
بيريشنى نفرلر يگه بو يوريدى.

كيىن ملكه شهر جرچى سىنى تيله تيب اونگه:

«مين بير مدرسه قورديرماقچى من. بو ايشگه مين ييتى ياشردن ييتميش ياشرگچه همه
ايركلرنى مردكارلىككه آله من. سبن بو حقه بوتون شهرگه جرسال، دىدى.»

بو گپنى جرچيدن ايشيتگن شهر اهالىسى ايرته دن ايشگه كيله باشلدىلر. ملكه بو ايشدن
مقصدى مردكارلر ايجيدن ايرىنى ايزلب تاييش ايدى. هر كوني مردكارلىككه كيله ياتگن كل نينگ
همسايه لرى بير كوني كل نينگ اوييگه باريب انه سبگه:

فلان يورتدن بير شهزاده كيليب شهر يمىزده مدرسه قورديرماقده .

ييتى ياشردن ييتميش ياشرگچه همه ، او بيرگه ايشگه باره ياتيديلر.

اوغلىنگيز بىكار، ايرته دن او هم بيز بيلن ايشگه بارسه، نيمه بوله دى؟- دىدىلر.

كمپير اولرگه:

يخشى گپ، ايرته دن اوغلىم هم سيز بيلن ايشگه بارسين، دىدى .

كمپير نينگ اوغلى بولسه انه سى نينگ گيگه كونه سى :

كل اؤز سرگذشتيني شونده ي باشله بدى:

الدين آيتگه نيمديك، اويگه كيرسم، انم اورردى، كوچه گه چيقسم بچه لر اورر دى.

بو كونىمدن اولگه نيم يخشى ديب، چولگه چيقىب كيتديم. شهزاده م، بو گپلريم همه سى بلغان، ينه ايشانيب اولتيرمنگ، ديبدى كل .

ياغانليگيني بيليب توريمن، نيمه گه ايشانر ايكنمن؟ ديبدى شهزاده.

يول يوريب، يول يورسم هم مول يوريب، كيليب، كيليب بيرجايده سوسب، اچيقىب ياتيپ قاليمن. بيرپيت اويغانيب اورنيمدن تورسم، كللم ساغه ييب، باشيمگه ساچ چيقىب قاليبدى.

باشيدن كىچيرگنلرى نينگ همه سيني بيرمه - بير، شهزاده گه آيتيب بيردى. ملكه، كل بچه برچه بو دولت و عزتنى تخت بيلن بختدن تاپگه نيني بيليدى. كيبن او، كلنى كنيز لرى نينگ اولديگه باشله ب كيليب اولرگه:

قىرقته خيمه اورينگ، اتلر اوچون قيرقته اخور توزه تينگ، ديبدى. كيبن شهزاده كلنى اتلر نينگ يانيگه قوييب هر لحظه كيليب اوندىن خبر آلب توريدى. بوجاي تخت بيلن بخت نينگ جايى ايكن. كىچه سى تخت بيلن بخت اوچيب كيليب، تخت بختگه:

مينينگ آيتگه نيمنى قيلمه دينگ، منه، كل كيليب، اخري بوييرده خيمه اوريب، آتيگه اخور قىليب، اوزيگه بو بيرنى وطن قىليبدى، ديبدى.

بخت:

بو مزه نك نينگ ايشى. يخشيسى كيل سن هم، مين هم اونينگ راست تمانيدن اوتيب قره يميز، توزه لىب توريب كيته دى، ديبدى.

كيبن كلگه قره ب:

سين مين بيلن طعام ييسن، ديبدى.

كل:

يوق، شهزادم، سبز اوز ينگيز اييه قالينگ، مين سيزدن قالگه نيني ييسم هم بوله ويره دى، ديبدى.

ملكه:

يوق، اونداغ بولمه يدى. اوز اغزينگ، اوز قولينگ. سين اوز اولدينگدن ييسن، مين اوز اولديمدن، ديبدى شهزاده.

بالاخر ملكه كلنى كونديريدى. ملكه ايكى كوزىنى كل نينگ كوزلريدن اوزمس ايكن. كل نينگ كوزلرى ملكه گه تانيش، ليكن كل نينگ كله سى و بشقه جايلىرى ابريگه هيچ هم اؤخشمه يدى. طعام ييگندن كيبن ملكه كلگه قره ب:

نيمه اوچون جيمسن؟ گپير، ديبدى.

كل شهزاده گه دردينى اچيب:

اي شهزادم ميني گپير تيريب نيمه قيله سبز؟ اويگه كيرسم، انم اورردى، كوچه گه چيقسم، بچه لر، - ديب گپ باشله ماقچى بوليدى. ليكن: ملكه اونينگ گپيني كيسيپ، بو گپلرنى قۇي. يخشى - ياماندىن گپير. تورت اغيز ياغاندىن گپير، ديبدى.

شهزادم، جيم اولتير گه نى قويمه دينگيز - ده. اونده مينينگ ياغانيمگه قولاق سالينگ - ديبدى، - كلبچه.

قنى، ايشيته من، ديبدى شهزاده.

ای مینینگ گوزە ل ملکه م، آلتی آیدن کیین اۆز یورتیگە بارگن شهزاده اوچون قیرق کون نیمه، آلتی آی هم مهمانلیک ییشیگە کفایت قیلمسلیگیگە عقلینگ ییتمه گنگە حیرانمن، - دایدی کل بچه عیار لیک قیلماقچی بۆلیب.

راست آیتە سیز، شاهیم، خیراتلرده باشینگیزی چیییلرینی قوریقله ب یورگە نینگیزی مین هم کۆردیم، دایدی، - ملکه کولیب.

آه! مینینگ وفالی ملکه م، مینی ایزلب بارگن سین میدینگ؟ آیت جانیم، بو گپدن بشقه لرنینگ خبری یوقمی؟- دایدی شاه کولگیدن آغزینی ییغالمی.

مین ایدیم، شاهیم، مین ایدیم. خاطر جمع بۆلینگ بو سردن میندن بشقه نینگ خبری یۇق. بوندن بویان بوندە ی یلغانی گپیرمنگ،- دایدی ملکه شونده ی قیلیب ایکاولری اۆز مراد- مقصدلریگە ییتیدیلر.

ایسله تو:

مین بو ایرتکنی ۱۳۴۱- انچی ییلی اندخوی شهر، قورغان علاقە دارلیگی (حاضرگی پیتده شهر- تومن مقامیگە ایگە بۆلگن)، باغبوستان قیشلاغیده استقامت قیلیب کیلگن مهربان عمکیم مرحوم عبدالعزیز بای تیلیدن یازیب، ۱۳۵۹ ییل خلق دردانه لری کتابیگە کریتگن ایدیم.

عمکیم، آتم یۇقلیگینی بیلدیرمسدن، مینینگ تربیه و تحصیلمگە اولکن حصه قۇشیب کیلگن داو یوره ک انسان ایدی. امید ایتە من عمکیم نینگ یاتگن جایلری جنت فردوس بۇلسین.

آمین یا رب العالمین!

«ایماق»

کیین، تخت بیلن بخت اونینگ راست تامانیدن اوتیب، یوزیگە کولیب قره ب اوچیب کیتیددی. کل ینه ساغه ییب، باشیگە ساچ چیقیددی. ملکه کیلیب قره سه، کل ساغه ییب، آت یانیده یاتگن ایکن. کیین شهزاده نوکرلریگە:

بو بیردن همه میز کۆچیب کیتە میز. قۇینگ کل شو بیرده قاله ویرسین، دایدی.

شونده ی قیلیب شهزاده اۆز یورتیگە قە یتیب باریددی. او، ینه ملکه لیک کییمینی کییب برچه ارکان دولتگە، بوگون شاه سفردن قیتە دیلر، استقبالیگە چیقینگ، - دیب خبر بیریددی. وزیرلر ملکه فرمانیگە اساساً پادشاه نینگ استقبالیگە چیقیدیلر. اونگە چه کل اویقودن اویغانیب، هوشیممی، توشیم، - دیب، خرسند بۆلیب یانیده تورگن آتنی مینیب پادشاهلیک یورتیگە قره ب یۆلگە توشیددی. شهر دروازه سیده ارکان دولتی اونینگ استقبالیگە تورگن ایکنلر.

وزیرلر شاهنی آلیب اونگە تعظیم قیلگندن کیین، کیلتیریب تختگە اۆلتیر غیزیدیلر.

شاهیم بیزنی کۆپ انتظارگە قۇیدینگیز. سفرینگیز اوزا ققە چۆز بلدی، دایدی وزیرلر تملق بیلن.

پادشاه:

هنوز هم کۆپ جایلرگە باره آلمه دیم، دیب اۆز حرمیگە شاشیلیب کیریب کیتیددی. اویده خاتینی چاینی دمله ب، جاینی توشب قویگن ایکن. اۆزی ایسه تاقچه دن بوغچه سیننی آلیب اۆزینی گۆللیککە سالیب، گویا پادشاه نینگ کیلگە نیدن بیخبرده ی، اونی آچیب- یایپ اۆلتیرییدی .

پادشاهگە خاتینینی بو ایشی یاقمه ی:

ایشینگ شونچه ضرورمی، مینگە قیا هم باقمه یسن، دایدی، - اچیق بیلن سیز میندن قیرق کونلیک رخصت آلیب، آلتی آی کیتدینگیز بوندن معلوم بۆله دی او بیرده میندن هم یخشیراق یارینگیز بار ایکن-ده، دایدی ملکه اۆزینی گۆللیککە سالیب.

اۋزبېكىستان خلق شاعرى فاضل يۇلداش اۋغلى، ملكه اعيار عنعنوى داستانيدە، گۇر اۋغلى مملكتى چمبل نى شونده ي تعريفله يدى:

«گۇر اۋغلى نىنگ يورتىنى چمبل ديدىلر. چمبل قنده ي؟ چمبل شونده ي چمبل:

آلميش آبخانه لى، يىتميش جيوه خانه لى، سكسن سردابه لى، تۇقسىن تۇبخانه لى چمبل. چمبل ايليدە، گۇر اۋغلى زوره وان، قىرق آلتى سردار، تورت يريم لك بيداو سوار، چيلتانلر نىنگ يىرى ساقى بلبل دىگن سه ييسى بار. گۇر اۋغلى نىنگ زۇر دىب تعريفى كىتگن، زرده سى تاشدن اۋتگن، آل گۇراۋغلى كىلدى ديسه، يىغله ب ياتگن باله سىنى يوپتگن، اصفهان ده ايشله تىلگن قىلىچى نىنگ ايشلاوى بىتگن، تىككن امان قالمه سىن دىب، زهر نىنگ سووين يه يلتگن، چمبل ده دوران نى سورىب ياتر گۇراۋغلى سلطان».

آغزه كى داستانلر اساساً ايچكى اوازدن، بعضى حاللرده ايسه، آچىق اوازده اجرا ايتىلىشى نى ايتىب اۋتماقچى مېز. خوارزم داستان لرى نى جمله دن رۇزىم بىك مرادوف آچىق اوازده، كويله يدى. بىز - بو داستان نى ۱۳۵۰-۱۳۵۲ يىللر مابىنيدە افغانستان رادىوسى چوكاتيدە ترقله دىگن اۋزبىك و تركمن دستورلردىن بىرنىچە مراتبه ترقتگنمىز.

فارياب ولايتى گه قره شلى مرشكارلىك عبدالكرىم بخشى هم بو داستاننى آچىق اوازده كويله گن. البته بو اۋرىن ده گۇر اۋغلى ترجمه ي حالىگه عابد بعضى معلوماتلرنى ايسله تىب اۋتيش ممكن.

گۇر اۋغلى نىنگ آته - آنه سى تكه ياموتدن كىتگن كىشىلر بۇله دى. آته سى نىنگ آتى روشن سىنچى، آنه سى نىنگ نامى بى بى هلال. روشن، خونخوار شاه نىنگ بيش يوز طبله آت ايچيدە بىرانتە هم تولپار يۇق ليگى نى قۇرقمه ي ايتە دى. بونىنگ عوضىگه خونخوار شاه، روشن نىنگ كۇزلرىنى اۋيديره دى. اۋزبىكىستان نىنگ تىقلى فولكلور شناسى داکتر محمد على قۇشماقوف شو واقعه لرنى نظرده توتىب، روشن سىنچى شعريده شونده ي دىب يازە دى:

مسافر ايللر ده، كاسم اقرمس

پيشانم گه يىتمس راست منه اوى - جاى

گۇر اۋغلى

گۇر اۋغلى شىرق خلقلرى خصوصاً تركمن، اۋزبىك، آذربايجان، تورک، تاجىك و باشقه قرداش خلقلر آره سبيده كىنگ ترقلگن.

گۇر اۋغلى، خلق نىنگ اصل قهرمانى دىر. او، اۋز خلقي نىنگ، مملكتى نىنگ آزادلىگى و مستقل ليگى يۇليده كوره شگن. او، كۆپ خلقلر نىنگ فرزند لرىنى يكدل قىلىب، بىرلشتىرىب، اولر بىلن بىرگه ليكده، بختلى يورت توزگن. گۇر اۋغلى نىنگ قىرق يىگىتى، ايتيش ممكن كى، هر بىرى قرداش بىر ملت نىنگ نماينده سبيدىر. يعنى گۇر اۋغلى قورگن دولت تورلى ملت وكىللىرى همكار، هم مسلك بۇلىب، دوران سوره دىگن اوتوپىك (خيالى) بىر مملكتدىر. گۇر اۋغلى خلق نىنگ بنيادكارلىك بهاسىنى اۋزىگه مجسم ايتگن سيمادىر .

او، اريقلر قزدىرىب، سوو چىقه ره دى. او «غىركوك» دىگن آتىنى، اۋزى تربيه له يدى.

گۇر اۋغلى خلقلرگه باش- قاش بۇلىب چمبل مملكتى نى بنياد ايتە دى. چمبلنى قورىشده بوتون خلق بىردىك اشتراك ايتە دى.

گۇر اۋغلى، خلق لرىمىز نىنگ جهان معنوى خزينه سىگه قۇشگن اولوغ بىر حصه سى گۇراۋغلى توزگن توركوم داستانلرى نىنگ باش قهرمانى دىر.

گۇر اۋغلى توركومى «قىرق داستاندن» عبارتدىر.

اگر بو داستانلرنىنگ هر بىرى بىر كون دن كويله نه دىگن بۇلسه، گۇر اۋغلى داستانلرى نى آخريگچه ايتيش اوچون، اينگ كمى، قىرق كون كيره ك بۇلورايدى.

داستان چىلىك (سىنكرىتىك چه تيشگن، دوره گه ي صنعت) داستان نى خلق شاعىرلى دوتار يا دومبیره چه لىب اجرا ايتە دى. يعنى، بونده سۇز، ساز، اجرا، جمع بۇله دى. داستاننى تىنگله گن كىشى منه شو صنعتلرنىنگ سوادىگه شرىك بۇله دى.

غیر کوک نینگ اوستیده، چمبلده توردده
 آه، بو بیٹی اوخله ب توشیمگه کیرمس!

گوراؤغلی داستانلری خلق نی روحاً باتیر قیلیشگه یاردم بیره دی.

آنه وطنیمیز افغانستانده هم گور اؤغلی داستانلری مشهور دیر. اوزبیک بخشیلری، ترکمن، همدە تاجیک داستانچیلری گور اؤغلی نی سیویب کوبله له شه دی. تاجیکستان و ترکیه ده هم گور اؤغلی حقیده گی قوشیقلر همیشه اعزازه دیر. افغانستان نینگ تئقیلی و مشهور فولکلورشناسی پروفیسر داکتر عنایت الله شهرانی نینگ (داستانهای گور اؤغلی) عنوانی اوستیده ۱۳۵۳ – انچی هجری شمسی ییلی کابلده باسیلیب چققن فولکلور مجله سی نینگ (۲-۳) سانلریده، بیر مقاله سی اعلان قیلینگن.

بو مقاله ده افغانستان خلقلری نینگ گور اؤغلی داستانلریگه قنچه لیک قیزیقیشلر و بو داستان لر نینگ اهمیتی باره سیده بتفصیل فکر یوریتیلگن.

شو نینگ دیک، مذکور عالم نینگ گور اؤغلی داستانلری حقیده گی مقاله سی امریکا قوشمه ایالتلری نینگ کالیفورنیا ایالتی ده باسیلیب چیققن (نقد و آرمان) نشریه سیده هم نشرایتیلگن.

عزیز دوستلر!

مقاله میز نینگ بو قسمیده ملکه اعیار داستانیده گور اؤغلی نینگ غیر آتی نی تعریف قیلیب، ساقی بلبل نینگ سؤزلری نی کیلتیرماقچیمیز:

ییلقی ایچینده اؤزی کیلگن سینلی دیر،
 تاووشقان توياقلى، مارال بیلی دیر.
 فراست قوینیده عجب حاللی دیر،
 قیمت بهاء ایرمیش خان نینگ غیر آتی.

مدد گه کیله دی، نه بورق سر مست
 مدد گه کیله دی، نه خضر ای وای ...

شو زور شاه نینگ بیر تولپاری یوق

بیش یوز طبله ات آره سیده

حق ایتگه نیم عوضیگه، آه

اجره له من کوز قاره سیدن

بو اوییلگن، کوزیم خونیکه

حلواچی نینگ آتین تيله یمن

اوشه تولپار یالی تونیکه

یوز و کوزیم باسیب ییله یمن

کوزیم خونى بولگن شو تولپار

قنات لرین اوسدیریب اوزیم

یاومیت سری قیچه یمن زار-زار

یالوره من: اوزینگ دیر کوزیم

یور تیمگه یتکز دیب باره من، بوزله ب

باطینیم توله دی، نور ایمانه

آی، کون نی سنه یدی، آفتاب نی کوزله ب

بی بی هلال بطنیده گی گمانه

او گور اؤغلی بولر، توغیلر گوردده

یونس پری بیلن دوران سورر مست

مرشكارلىك كرىم بخشى اجراسىده

گۆر اۇغلى داستانى

حسن بى، احمد بى نى كۆردى. احمد ايتدى:

اوبى كويگير بىر بلا كىلدى. جايدىن توره كىلدى، آلدىگه چىغدى. احمد اۇيىقىدى، حسنگه قره ب مبارك بۇلسىن نى اۇرنىگه قوللىغ بۇلسىن دىب يوبۇردى. حسن ايتدى:

دنياگه «دە» گل و گلزار، هيچ گپ ياغ، هيچ هوليكى بۇلمه، آتدىن توشدى و ايتدى:

كيفيت نيمه؟

ايتدى:

عوض مېنن گۆر اۇغلى يانيمگه «يانيمده» اۇلدى، مېن قه يتىب كىلدىم. سىز پاچالېكىنى آلىنگ، مېن وزىرلىكىنى. سىز گۇراۇغلى يارىنى آلىنگ، مېن عوضنىكىنى آله من. اگر سىز، عوضنىكى نى آله سىز، مېن گور اۇغلىنىكى نى آله من دىدى.

حسن ايتدى:

اى نامرد! اگر سىن اۇزىنى تىنسىنگ، خدانى تىنسىن. اۇلسنگ بو كارنى قىلمه يسن. لېكن شو گۇراۇغلى نى «نىنگ» يارى قىامتلىك آتم بۇلسىن، عوضنىكى، دىن و دنيا قىامتلىك سىنگلىم بۇلسىن.

سىنى ھدفىنگ مېنگه معلوم البتته. عوض بارىب جمبلگه بندى بۇلگن، گۇراۇغلى لشكر قىلىب ايزىدىن كىتكن. سىن يۇلدىن قه يتگن سن. سىنى كولگه چوكر لېگىنگىنى مېن بىلە من، بشقه كىشى بىلمىدى، دىدى.

مېنگن لر نىنگ بىتر مراد - مقصدى .
قۇلتىغىدە تۇرت يريم گز قناتى.
اوچ، ديسه اوزه دى آسمانده قوشدىن،
ھيچ كم لېگىنگ يۇقدىر يۇرغە يورىشىدىن.
اميد قىلر هر شھر ده بو ايش دن
اصل تولپار ايميش بىگ نىنگ غير آتى.
سىنى مېنگن بېكلر درياده ى تاشدىن
بىر كون لرى ايره م باققه ييتىشىدى
ايره م باغده ديو لر بىلن سه وشدى.
اۇن يريم لك ديوگه زورلىك ييتكه زىب،
شاھ غريب شاھ نىنگ برماق ايزىن ابقاشدى.
گل ايره م دن آلدىنگ آيخىر امان نى،
سىنگار ايلدىن آلدىنگ آرزو گل يارنى،
زرىن ايلدىن آلدىنگ مشرىقا يارنى.
اصفهان دن آلدىنگ آى انتظار نى،
ارز روم دن آلدىنگ دللى زلفدار نى،
اونده ايزله ب ملكه ده ى عيار نى،
پرى ايزله ب كۆردىم نيچه شھرنى،
بىگ نىنگ آتى نظر كرده تولپار دىر.

قۇلىنى اوزه تى احمد بى نى بىلىدىن توتىدى. قىر گز بىردن كوتە رىب، تىزە سىنى تىگە
آلدى. دلاكلرنى چقىردى، ايتدى:

مونى يىگىرمە رىمگە سقالىنى آلىب قۇيە سن دىدى. قالىن پروش «فروش»، رىگ پروش
«فروش» نى تىلە تىدى. ساقالىنى يىرىمى ياشىل، يىرىمى كۆك، يىرىمى لاجور، يىرىمى سووز. يىتمىش
رىمگە سقالىنى بۇيە دى. اونى قۇلىگە قىمچى نى بىردى تا جهان نى تىختىگچە باشىدىن قىمچى نى
اوزه سن، مېن بىلە من، سىنىنگ جانىنگ.

مىران بىلىتىپ احمد بى نى دىمىگە سالدى، ۳۶ مىنگ لىشكرنى حسن اۇزى سوپىرىپ دىمىگە
سالدى. چولگە چىققىدىن كىين بى ادبلىك معاف بولسىن عىسكىرنى بىر بار چاچىواب توتە دى.

او-كى انسان، حيوان اىمسكو. حسن پالوان اجازە بىر، بىر رە ى، اورە ى دىدى.

حسن نىمە دىدى:

اون مىنگ تىگە جىرمە سن. قە نى او، چولنى اچىدە، تىگە بىرسە و رگ اورسە. سوپىرىپ
دىمىگە سالىپ شىهر قورغاندىن خاتىن آلىدى. عباس نىنگ يارى بىلن قىنانە سى، عباس خانى،
اۇلدى، - دىب ايشىتىدى قىرق روزلى آش بىرىدى فاتحە سىنى آلىدى. حسن ايتدى:

سىن احمد، شىر «شوجابده» گە تورىپ تاختە، مېن آتە سىنى ارواحىگە فاتحە قىلىپ كىلە
لى. حسن چوككە توشىپ اۇلتىردى يىتمىش اىككى قزان آش ميدانگە دىلنگن، مگم مردمگە شروع
قىلگن ياغ. حسن ايتدى:

شونى ارواحىگە فاتحە قىلدىن، باردى اۇلگە نى ياقتى. اىرتە روز قىامتگە دۇستىم تىرىك
اىكن، كۆزمە - كۆز بۇلگندە، خىل بۇلە من دىدى. كى «كىل» سلامتلىگى گە فاتحە قىلە ى.

حسن، عوضى سلامتلىگىگە فاتحە قىلدى. حسن نى يانىگە بىر غورى نان نى كىلتىرىپ
قۇيدى. بىر قۇلى بىلن غورىنى پلوىنى آغزىگە آلدى. كىتى دىدى، تە ونگنى آتدى. توقىز نفر نان تە

شىدى، حسن پلوان قاقىتىپ تە يلىدى. يىتمىش اىككى قزان نى ناننى خلاص بۇلدى. آشپز قزاننى
قولايگە كىگىرنى تىق تىقىلە تىپ اوردى. حسن ايتدى:

كىتى دىه درست كىتى، كىتىمە سىنگ مونن هم خىرات بولە مى؟ بىر نىر «نفر» نى تۇيغە زالمە
بىسن، بىغىب- تىرىپ قۇى. مونچە آدمنى خىر بىرىپ، - دىدى:

مە ىدە - مىدە سى كىلبە كن، كىتتە سى كىتىدە اىكن، - دىدى. بو نىمە بلا اىدى يىتمىش قزانگە
تۇيمە سە، شىهرنى اىككى روزدە بىدى، قۇيە دى.

انه شىبردن «شوىردن» حسن پلوان جىدن «جايىدن» توره كىلدى. كىلدى كە، نوران احمد
بى «بىگ» نى اورىپ تاختە پتى. وای نوران نىمە دىسن قوبىير مونى قۇلىنى!

احمد بى نى قۇلىنى آشدى. بە ىلە يوسف بى نى! يوسف بىنى قۇلىنى بە ىلە دى. كىلە سىگە
اىككى قىمچى اورىدى، يوسف بى ايتدى:

حسن پلوان! اۇزىنگ كۆپ عدالتچى، كۆپ حقىبن، كى سىن چىق. مردمى بد راه قىلگن
شوو، جوى قۇيگن شوو، آلىب قىتگن شوو، تىخت نى نامىگە اىقىرتىرگن بوو، مېنى گناھىم نىمە؟
مَنم بىر قە ىتىم من مونى مېنن دىگە، دىدى:

حسن ايتدى:

قۇيى - قۇيى دىدى. گناھى ياغ اىكن دىدى، پس اۇزىنى باغله دىدى. ىنە زىچ قىلىپ
اۇزىنى باغله دى. اورىپ كىلە سىگە جوىنى بىلىدىن آلىپ چىغدى. گۇراۇغلى كۆپ غمگىن. گۇر اۇغلى
قرە دى احمد بى نى قۇلى بىلگن، كىلە سىگە ىنچىپ كىلە دى.

گۇر اۇغلى ايتدى:

اى حسن! شو دولت تى اوستىگە مېنى رىشخند قىلمە دىدى. انه بو اۇزىنى تە نىسە خدانى
تە نىدى، يىغمىرنى برحق بىلە دى، قرانگە ايمان كىلتىرە دى. شو روز نى اۇزىدە بارىپ مېنى

نیمه گپینگ بار؟

شو سورخین (گۇراۋغلى نینگ اتى) نى بىرسىن، توكل چىغە من دىدى.

سورخین نى زىرتنگ - زىرتنگ «شەى» قىلىپ ساقىگە بىردى كوچە گە مېنىپ چىققن دەى، كىمپىر اورغاچى، بورگوت بۇلىپ اوستىدن قۇيلىدى. ساقى اتنى تىلب اۇزى پشە بۇلىپ اوريپ كىتدى. كىمپىر كىلىپ جىغە دارگە گۇراۋغلى نى اتىنى اۇلجە قىلىپ بىردى. يىتمىش دولت قرە دى شو اتدى اوستىدە گى چىرگى سىنى بىر تارى شو يىتمىش دولت گە مىسر بۇلمىدى. قىر «قىرق» چەلتان نى دعاسى بىلن، كرامت منن بۇلگن. اتنى اىلتىپ مونگە بىروىدى شو كافر نى قۇلىدە ات توشگە نى يورە يگە شونچە غددە بۇلدى. شوساقى نى كۇرسە، گۇشىنى بىسە، قانىنى بىسە، اوشندە هم بىرە بى «يورە گى» ساوويمىدى. الدىدن كىلگن كافر نى تىشلە ب اۇلدىراتتى، كىتىدن كىلگننى دو دستە لب اورە دى، رودە لرىگچە اقىب كىتىپ بارىپتى. بشقە چارە تاوالمە دى (تاپە المە دى) اوستىدن تىمىر تۇرنى تىلب سورخین نى ازايى بدنى نى زنجىرگە اۇرە دى. انه شىر (شو بىر) گە ات هم بندى ياتىويرسىن.

ساقىدن ايتىشىنگ (ايشىتىنگ) گىنى. شو كىمپىر نى بىر نيورە سى با (ر)، اتى نى شومشى دىدى. قاتىرمە كل. يىتتى يىل بۇلىپتى بو ايتىپ كىتىدى. كىمپىر يوقارىدن كىلاتوودى قىيب ساقىنى توتدى باشىگە توققوز موش (مشت) اوردى.

شومشى ايتدى:

تە نیمه دىنگ؟

او من فلان شەردن كىلە من. خە لم(خالم) نى شەرىه(شەرىگە) كىتە من .

اوه! سىن بورده ايكن سن، سىنى كۇرىپ اوتى دىدىم، سىن مىنى بىردە (بو بىردە) اوريپ اۇلدىرە سن، دىدى؟

خاتىنىمگە جوچى قۇيىدى، دىدى. بو اۇزىنى تە نىمىدى موندن نیمه گىلە تۇف اى دىب، قۇلىنى اچدى. يىتمىش دولت كولمە سىن مىنگە، ایتمە سىن مىنگە گۇراۋغلى نى تە سى شونداغ بۇلسە، اۇزى نیمه بۇلە دى. قۇلىنى اچىپ قۇيە بىردى، كۇزىم كۇرمە سىن دىدى.

حسن ايتدى:

قە نى ساقى؟

بىر اوراغچى كە، تۇخسن لك عسكرنى اتى نى قە يترسە، ساقى قە نى؟

اختە رىب جۇلى قە تىدن تاپىپ ادى، باشىنى قە تىدە بىر زى (تامىر) بار، شونن توتدى.

ساقى ايتدى:

اۇلدىرە سن مى؟

ايتدى:

خوب. زنده لىك اوازىنگ ايدى، پلوانلى مېنىنگ، مېرگنلى مېنىنگ، عىارلى سىنىنگ. بىر اوراغچى كىمپىر چىغىب شونچە عسكرنى قە بىرسە، سن نیمه كارە دىب كۇتىنى اوستىگە بىر تىپىدى.

ساقى ايتدى:

يخشى بۇلدى، دىدى. اگر به ره ور اوستىمنن توشسە ايدى، قە ويرغە له، گرد - گرد بۇلر ايدى.

ساقى ايتدى:

مىن چىغە من، زورىم نى اورە من، مگر مىنى گىپىم نى گۇراۋغلى قىلمە دىدى.

سوز دل

روزدن بیری ته وو (طیب) جراحی قیله دی، عوض خاننی غمیدن بیخود یاتیبتی. بیرمینگ ته وو-
جراحی دردینگه دوا یاغ صاحب.

شیرگه عطار نیمه دیسنگ باردیب ایقیریب باراتتی. بیش یوز توقسن کنیز مناره نی اوستیده.
شو عطار ده بیران تورشلی ذاتی بۆلسه، اونى بیزگه بیرسه، چهره میزنی آچسه.

نیمیز با (ر) بوبه دیب، ساقی دن بیش یوز توقسن کنیز سؤره دی.

(دنبوره سازی جره نگله یدی)

مالته ییز بارمی، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتیم.

انارینگ بارمی، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتیم.

جیده ییز بارمی، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتیم.

نخودینگ بارمی، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتیم ...

گلابینگ بارمی، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتیم.

ینغایینگ بارمی، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتیم.

عُنایینگ بارمی، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتیم.

سوز دل

جانہ مَر (جانہ مرگ) سیندن ساقی نی ایسی یبتی ییلدن بیری گۆر اؤغلی گه خدمت قیلدیم،
اوی کویگیر بیر ذات بیرمه دی. ساقینی بیر کوبنه (کهنه) گرتی سینی بیری، دیدی .

چیغَر جانہ مَر! گرتی نی آت، پاک صاف سینی اوریب اؤلدیرویدیم دیدی. ساقی هُولیقیب
گرتینی چیغَریب آتقیله دی. قۆلیدن توتیب کمپیر اوتاغیگه آلیب کیلدی، ایتدی:

قۆلینن الافلی - جالافلی نیرسه کیله دیمی؟ دیدی.

یبتی تنگه بیرسنگ اوچ روزگه مینی کمالیمنی کۆر، دیدی .

یبتی تنگه چیغه ریب قۆلیگه بیری. گنج (مال بازاری) دن کیلیب، بیر ایشی (ایشک)
ساتیب آلدی. ایککله قولاغینی هم تیبیدن کیسیب آلدی، دُمینی هم تیبیدن کیسیب تیله دی. بیر
خورجین ساتیب آلدی، سرایدن باریب بیر خورجین نی کۆزینی قومه لاغ تیریب آلدی، بیر یاقیگه
تۆلدیریب جینجه ی تۆلدیریب آلدی. کمپیرنی اوتاغیگه کیلدی.

نیمه آلدینگ؟

دنیاده یاغ میوه دن آلدیم، دیدی .

قه نی بیر چنگل دی بیر، دیدی. بیر چنگل بیری کمپیرگه. کمپیر شو پتیر مزه راغ دیدی،
ساقی کمپیرنی باشیگه توقیز موش (مشت) اوردی. کمپیر ایتدی:

جانہ مَر اۆلگین نیمه گه مونداغ قیله سن؟

شونداغ اصل میوه نی شوپتیر دیسن، بشقه سینی نیمه دیسن، دیدی.

ساقی ایتدی:

کی (کیل) مینی توقیز موش اور دیدی. کی اۆزینگ برابر بۆل. ایرته بۆلیبتی، چاشتگاه وقتی.
ساقی ایشی (ایشک) اوستیگه، عطار دیدی نیمه بۆلسه بار دیدی. مَگم جیغه دارنی قیزی شونچه

سوز دل

ساقى ايتدى:

(دومبره كويى)

يورگن يۇللىرى خيابان

قۇرى - قۇرى سۇرخون آى بار

تاغم اۆلمه سىن عوض خان

چملى تققن بو، بى ادا

سۇرخون سن، اۆزىنگ يىخسى مال

اوستىنگدن كىچىرگىن بخمل

قۇرى - قۇرى سۇرخون آى بار

اغيل بىرسىن بابە قمبر.

كىلدى كمدن آشه - آشه

كىلدىنگ دشمن له، نشه

قۇرى - قۇرى سۇرخان آى بار

دشمنىنگ قىلسىن، تمه شه

جىغه داريه وده (وعده) قىلدى

كتته بىر لاف اورىب قه يتدى

قۇرى - قۇرى بىر سۇرخون آى بار

سىنى ابرو بىلىب، كىلدى

سوز دل

صدفینگ بارمى، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتيم.

نواىنگ (نبات) بارمى، بوبه؟

اوشنن بشقه ذاتيم بار

كنيزله ايتدى:

بو اۆلگير ده گورى بارمىكن. هر ذاتى سۇره ى، اوشنن بشقه ذاتيم بار دىدى. ته نى بو عطار ايمس، ايشىنى قولايگه قره، دۇمىگه قره ىدى. چوچ - چوخلب ايدب اۇتتى. جىغه دارنى در وازه سىگه ايككى مىنگ پيره، ته يلىپتى. ساقى پيره دار له نى گىرىگه توشدى.

ساقى ايتدى:

مىنگه قره، دريشىگه قره!

مىن ايچكه ريگه اۇتى، غريب كار آدم من. اون ايككى مىنگ پيره سن، اون ايككى مىنگ تنگه بيره من، دىدى. قه يتىب كىلىشكه هم اون ايككى مىنگ تنگه بيره من، دىدى.

پيره دار له ايتدى:

قۇبىير شونى، گور بۇلىب كىتوبورسىن. اون ايككى مىنگ تنگه غنىمت. شرنكله تيب، اۇن ايككى مىنگ تنگه نى سنه ب آل! در وازه دن اۇتگنده ى ايشه گىنى بغله دى. كىلىب جغه دارنى يانىگه بوستىن نى يازىب تشله دى. اگر كمپير خبر بۇلسه، اۆلديره دى.

سوز دل

نسليم سۇرسىڭ اگر جانان

بىر طلبگار، قلندر من

آتەم آتى - گۇر اۇغلى خان.

يۇق ايكنمو، توى ايگە سى

يورە گيدە، كۇپدور گيلە سى

قلندر باشىم، اۇتېپ، ھلاكى

جورە ىدى، غريب آنە سى.

سۇنە دىسىم سۇنە دى

اچىلگن گلە ى تۇنە دى

چوللردە غريب بارە دى

ايگنڭ قربان بۇلسىن، جورە كۇزىنگە.

كاكلرىنگ توشگن ايكى تىزىنگە

توغمە حيوان يىتمس، سى نىنگ ايزىنگە

قىمىتىلگن، بى زبان چۇلر اوزاقدىر

قىلمە گىن مزاقدى - روزلر اوزاقدىر

اينتېلىسنگ، كوكدە گى قوشنى آلە سن

قىمىتىلگن، بى زبان، چوللر اوزاقدىر

دۇلنى سقلە گن، بىر اىچە قمبر

بى سبب، حيوان، قىلمە مزاقنى

سوز دل

تاينى ارپە سى يىتتىمى

سورخون بىر كىلىب كىتتىمى

قۇرى - قۇرى بىر سورخون آى بار

ايگنڭنى بختى ياتى مى

قېلىگن دور قلم قاشى

گندە بۇلر زورنى ايشى

شو سورخاندى قولايگە

كىلدى ساقى، نالېشى

كۇرىنگ حيران بو ايشى نى

كۇزىدن تۇكىب، ياشى نى

شو سورخون نى، بۇنىگە

سورخون ات قۇيدى باشىنى

گۇر اۇغلى منظوم داستانىدن ينە بىر پرچە:

رخصت بىرىنگ، قبلە گاهىم

اصفهان نى تماشا ايلە سم

غىر آتنى پيشكش ايلە سم

شكار گە بىل بايلە سم

اصل جايىم - چمبىل مكان

گل اچيلسه كيلگه ي بهار

ملكيمدن بولديم در به در

اخته ره دى، اصفهان نى

گور اوغلى نينگ - اوغلى قلندر.

ايسله توو:

كمينه «ايماق» - گور اوغلى داستانى نى ۱۳۵۲ يىلى ميمنه شهر، پشتونكوت تومه نى، مرشكار قصبه سيده استقامت قيله ياتگن كريم بخشى دن يازيب الگن ايديم.

مذكور داستان، خواننده يشه ب كيلگن منطقه شيوه «لهجه» سيده يازيب آينگن، اونگه قنده يدير قوشيمچه ياكى اوزگريش كيريتيلمه گن. شونى تاكيدله ب اوتيش لازمكى، افغانستان نينگ قريپ توقفيز ولايتيده تركى خلقى نينگ تورلى لهجه لريده سوزله شه ياتگن اورينغ - ايماكلرى عصرلر دواميده يشه ب كيلماقده لر. بو خلقلر اوزلريگه خاص شيوه ده سوزله شه دى. اساساً شيوه لرنى سقله ب قابليش اوچون، داناخلقىمىز تامانيدن يره تيلگن اغزه كى ايجاد نمونه لرى هر بير منطقه شيوه سيده يازيب آينيشى كيره ك بوله دى. بيز - گور اوغلى داستانى نى يازيب آيشده، شو نظريه نى رعايه قيلديك.

يازي بيلن زيبا محبتى حقيده حكايه

افغانستانده يشه يديگن اوزبيك لرنينگ نقل قيليش لريچه، يازى اسملى عاشق، فارياب ولايتيگه قره شلى المار قيشلاغيده دنيگه كيلگن. او زيبا ديگن قيزگه عاشق بوليب، يار هجریده مجنون ديك شعرلر توقيب يورگن. يازى و زيبا گه نسبت بيريله ديگن عشقى شعرلر حاضرچه خلق خاطره سيده «سوزوان» قوشيقلى نامى بيلن سقلنماقده. كوچيلىك بوليب

قالين، گيلم توقيلگنده، نوروز كونلرى سومه لك پيشيريلگنده، چرخ ييگيريلگنده و ياورچاق تارتيلگن پيتلريده و باشقه تورلى ييغينلرده خاتين - قيزلر، بو ليريك قوشيقلىرىنى اوزيگه خاص دلربا كوى بيلن اينته ديلر.

روايت ايتيش لريچه، زيبا فارياب ولايتى ده گى گلجان صياد قيشلاغيده توغيلگن ايميش. اونينگ آته سى قبيچاقلىك ملا آرتيق بولگن ايكن. عاشق و معشوقه قيبيله لرى اورتته سيده ازلدن ماجرالر موجود بولگه نى طفيلى يازى بيلن زيبا بير بيرلرى نينگ وصالريگه ييتيشه آلمه يد يلر. يازى زيبانينگ هجرى گه برداش بيره آلمه ي اوزينى اولديره دى. او غوره يى يقينده گى المار قيشلاغي قبرستانىگه دفن قيلينه دى. زيبا يازى نينگ هلاك بولگه نيدن خبر تاييب، بير نيچته دوگانه لرى بيلن سيوكلى سى نينگ مزارينى زيارت قيلگه نى باره دى. قيزلر قيتيشه ياتگه نيده، زيبا دوگانه لريگه: "بير پاي كاويشيم قبرستان ياننده قاليدى" - ديب بهانه قيليب، آرتيگه قيته دى و كتته تاشنى باشيگه اوريب اوزيني هلاك قيله دى. يازى بيلن زيبا روايتده قيزنى عمكى سى نينگ اوغلى هم يخشى كوريشليگى حكايه قيلينه دى، فاجعه دن خبر تاپگن ييگيت هم: "مينى زيبا بيلن يازى قبرلرى نينگ اورتته سيگه كومينگلر" - ديب وصيت قيليب، اوزينى اولديره دى.

اوزبيكستان ده هم يازى بيلن زيبا محبتى حقيده حكايه قيلوچى بير نيچه واريانت لرگه ايگه ليرا-ايبىك داستان نينگ بارليگى قيد ايتيلگن. خصوصاً، ۱۹۶۲ ييلده "ياش گوارديه" نشرياتى "يازي بيلن زيبا" نامى بيلن فيلولوگيه فنلرى نامزادى آخوند جان صابروف تيارله گن داستان نى نشر ايتگن ايدى. داستان نينگ سوز باشى سيده، اثر بيرينچى مرتته ۱۹۲۵ ييلده ر.مومن اوف تمانيدن اوچ قورغان ده گى پايتاق قيشلاغيدين يازيب آينگن ليگى، كيينچه ليك فولكلور شناس عالملر م.علويه و م. افضل اوف لر ايريم پرچه لرنى جمهوريت نينگ شهرسبز، كتاب، چراقچى، دهنو ناحيه لريدين يازيب الگن ليكلرى حقيده معلومات بيريله دى. عالملر يازيب آينگن داستان ۱۹ واريانتگه ايگه بوليب، اوندته واقعه لر معلوم سوژيت چيزيغى ارقه لى باغله نه دى. كمبغل ييگيت يازى نى، زيبا نينگ آته سى پاينده باى الده ب ايشله ته دى، اما قيزينى اونگه بيرمه يدى. ايكي سيويشگن لر اوز بخت لرى اوچون كوره شه ديلر. اولر پاينده باى دن هم، اوشه بير نينگ پادشاه سى عبدالله خان دن هم اوستين چيغه ديلر و مرادمقصدلريگه ييته ديلر.

افغانستانده يشاچى اوزبيكلر ايجاديده گى يازى و زيبا نامى بيلن علاقه دار اثرلر ايسه،

اولاً ژانر جهتدن ”يازى بيلن زيبا“ داستانيدين فرق قيله دى. اگر داستانه سيويشگن لر سرگذشتى بيلن باغليق واقعه لر حكايه قيليئسه، افغانستان ليك اؤزبيكلر نينگ ايجادى ده گى ”سوزوان“ قۇشيقلىرى فقط ليريك شعري پرچه لردن عبارت.

البته، قشقه دريا، سرخان دريا ولايتيده سقله نيپ قالگن ”يازى بيلن زيبا“ داستانى و افغانستان اؤزبيكلرى نينگ ”سوزوان“ قۇشيقلىرى اؤرته سيده تاريخى يقينليك سيزيله دى. داستان ده گى ايريم ليريك پرچه لر نينگ مضمونى، قافيه له نيشى، توز بليشى قۇشيق نمونه لريگه اوخشه ب كپته دى. شونينگ اوچون هم افغانستانده و اؤزبيكستانده يشاووچى اؤزبيكلر نينگ آغزه كى ايجادى نى مكمل تيكشيريئش ايريم مهم خلاصه گه كيليش امكانينى بيره دى، ديگن فكرده ميز.

افغانستانده يشاووچى اؤزبيكلر كويله گن قۇشيقلىرده عاشق و معشوق نينگ يوره ك دردى و المى عكس ايتگن. اما اولر نينگ همه سيني هم فقط عشقى يوناليش ده گى ليريك شعرلر صفتيده قبول قيليش توغرى ايمس. خلق تمانيدن يره تيلگن، بعضاً يازى بيلن زيبا اؤرته سيده گى مناسبتگه علاقه سى يۇق تۇرتليكلر هم شو توركومدن اؤرين الگن حاللر اوچرىدى. خصوصاً ”سوزوان“ قۇشيقلىرى آره سيده توى، عزا مراسملريده، حتى عادى دم آليش فرصتليده ايتيله ديگن قۇشيقلىر بار. اولر نينگ قه ي طرزده مذ كور توركومدن اورين الگه نينى ايضاحله ش مشكل ايمس. سؤزوان قۇشيقلىرىنى كويله گن قۇشيقچيلر كيزى كيلگنده ينگى تۇرتليكلر هم يره تگن لر و كويله ياتگن قۇشيقلىر گه قۇشيب اجرا ايتگنلر. كيينچه ليك بو ينگى تۇرتليكلر سوزوان توركوميدن مهم اورين ايلگله ب قالگن. سوزوان لر عموماً عيال لر، خاتين-قيزلر تمانيدن ايتيله دى.

افغانستان اؤزبيكلرى تمانيدن ايتيله ديگن قۇشيقلىر تورى خيلمه - خيل بۇلبب، بو قۇشيقلىر غزل، بيت، نقش، ياريار، اولن، ناي - ناي، توره و باشقچه ناملر بيلن معلوم و مشهور دير. و سوزوان قۇشيقلىرىنى ايسه، يازى و زيبا گه نسبت بيرگنلر.

سوزوان قۇشيقلىرى نينگ يارقين خصوصيتلريدن بيرى اولرده يازى بيلن زيبا اسملرى نينگ قيته - قيته تكرارله نيشى دير. تينگلاو چيلرده بو قۇشيقلىر ايكي سيويشگنلر نينگ اؤزيگه خاص ديالوگيدن ياكه محبت موضوعيده گى ايتيشولردن عبارت، ديگن توشينچه حاصل قيله دى. اولر نينگ ايريم لريده عاشق و معشوق اوزاق دوام ايتگن ايريليكدن سؤنگ اوچره شيش اشتياقيده

ايكن ليكلرى كويله نه دى:

چؤلده كؤرد يم چؤل بؤرى نينگ اويىنى،

ساغينيمن يازى جان نينگ اؤزىنى.

ساغينسم - ساغينمه سم ايرته كيلر،

سولگين آلب سوپيره ي آق يۇلىنى.

هر بير قۇشيق ايتووچى شخص، اؤزىنى يازى ياكه زيبا اؤرنيده تصور قيلگن ليگى هم قۇشيقلىر مضمونيدن سيز بليپ توره دى. قيزيغى شونده كه، قۇشيق توقياتگن خلق شاعرلرى اؤز ناملرى نينگ ياشيرين قاليشيني افضل كؤرگنلر و اؤز حياتلرينى روايت قهرمانلرى نينگ تقديري بيلن تينگ قۇيگنلر. اؤتميش روايتده گى اساسى قهرمان يازى نينگ اؤز سيويكلي سيدين واز كيجيشي مطلقاً ممكن بؤلمه گن حادثه ايكه نينى انيق بؤلگه نى حالده، ايريم تۇرتليكلر ده وفا سيزليك حقيده عهد و پيمان نينگ بؤز بليشى حقيده حكايه قيلينه دى:

درواه زنگيز دروازه مگه باقه دى،

اؤرته سيدين آب زمزم آقه دى.

آب زمزم سوويدن ايچگن يازى،

خاتين آلب زيبا دن كيجگن يازى.

معلوم بؤله دى كه، اؤز سيويكليريدن اجره لگن معشوقه لر ايريليك درد لرينى قۇشيقلىر ده عكس ايتتيريئگه اورينگن لر. سوزوان قۇشيقلىرى اؤزى نينگ موضوع دايره سيگه خلق آره سيده كينگ ترقلگن ليريك تۇرتليكلرنى هم قمره ب آله دى. بونده ي پرچه لرده عادى محنتكش ييگيت ياكه قيز نينگ حياتى حقيده گى ايچكى حس - توپغولرى عكس ايتنه دى. استعدادلى ياشلر طبيعت واقعه حادثه لرى بيلن انسان حياتيده گى مشترك نقطه لرنى تاپيشگه و بديعى گوزه ل شعر لرده عكس ايتتيريئگه حركت قيله دى. بو مقصد نى عملگه آشيريشده انه طبيعت ده گى دريا و تاغلىر، آت و نار تويه لر، قلديرغاچ و طوطى قۇشولردن زيره ك ليك بيلن فايده له نه ديلر.

سوز دل

موجود ترموش قیینچیلیک لریدن عذابده قالگن، اما کیله جککه ایشانچ بیلن قره ش حسی ینی یوقاتمہ گن یازیلر و زیبا لر حقیده گی قوشیقلر دیر. اولرنی اوقیش کتابخوانگه ذوقلی دقیقه لر انعام ایتنه دی، دیگن امید ده میز.

اوشبو حکایه ۲۰۱۲- نچی ییل ترکیه نینگ استانبول شهريده باسیلیب چیققن بیدلستان مجموعه سی نینگ ۱۱- نچی سانیده چاپ بؤلگن.

سوز دل

دریا نینگ نر یاغید ن سوو کیله دی
سوو بیلن ایکی اوردک تینگ کیله دی
اوردککه اوردک مناسب، غازگه غاز
بیگیت گه قلیغ مناسب، قیزگه ناز

خلق آغزه کی ایجادیده گی اثرلر نینگ مهم خصوصیت لریدن بیر اولرده اجتماعی حیات حقیده گی فکر - ملاحظه لر نینگ عکس ایتیشیده دیر. محتککش خلق نینگ ایجادیکه خاص لیریک اثر لرده هم موجود شرایطدن نالیش، اجتماعی تینگسیز لیک نی قاره له ش روحی یققال سبزیلیب توره دی. سوزوان قوشیقلرده رویابگه چیقمه گن آرزولر پایمال بؤلگن بخت حقیده ایتیلگن قوشیقلر کم ایمس:

آق گل ایدییم، قیزیل گل گه چتد یلر،
غریب باشیم بندی قیلیب ساتدیلم،
باریب ایتینگ ائم مینن اتم گه،
مینی ساتیب، نی مراد گه بیتد یلر.

شونی ایتیب اوتیش جایزگه، بیز «ایماق» ۱۹۸۰ نچی ییلده کابلده چاپ بؤلگن (خلق دردانه لری) مجموعه سیگه ۷۰ گه یقین سوزوان قوشیقلرینی دری ترجمه سی بیلن جایشتیرگن ایدییم. سونگی ییللرده گی توپله گن سوزوان قوشیقلریمیز ایسه، ۲۰۰۳ نچی ییلی تاشکند ده سوزوان نامی بیلن علیحده کتاب. شکلیده چاپ بؤلدی. بو کتابده، مقدمه دن علاوه، ۳۸۷ ته ینگی سوزوان قوشیقلر اؤرین آلگن.

خلص، سوزوان قوشیقلری افغانستانده یشاووچی اؤزبیکلر بدیعی آغزه کی ایجادی نینگ عجائب نمونه لری دیر. بو قوشیقلر فقط یازی و زیبا حقیده گینه ایمس، بل که کیزی کیلگنده حیات گوزه للیکلریدن بهره آلیب یورید یگن، وقتیده آرزولر آغوشیده مست بؤلگن، شو بیلن بیرگه بعضیده



استاد قربت

حاجی استاد مولانا میر محمد امین قربت ۱۲۸۸- انچی قویاش، ۱۹۰۹- انچی ترسایبی ییلده بخارا نینگ خواجه زامبوچه گذریده عالم عایله سیده تولد تاپکن. آته سی صدرالعلما مولانا غیاث الدین اعلم بخاری بۆلیب، «ثاقب» تخلصی بۆلگن. اؤشه پینده بخارانینگ زبردست عالملریدن ایدی. آنه سی میر سید شمس الدین قیزی بۆلگن. میر سید ایسه، میر سید شریف جرجانی اولادیدن بۆلیب، جرجانی کۆپ کتابلر، جمله دن «منطق ده گی شرح مواقب» کتابی نینگ مؤلفیدیر.

محمد امین تۆرت یاشگه تۆلمسدن، آته سی وفات ایته دی. یاش شاعر تربیه سی بیلن اونینگ بووسی و تاغه سی میر عنایت الله شغلله نه دیلر. میر عنایت الله ایسه، میر سید جلال الدین بخاری اولادلریدن. جلال الدین بخاری روحانی بۆلیب، طریقت خانقاهسی بۆلگن.

محمد امین ۷ یاشده قرآن کریم تلاوتیگه کیریشتی. ۹ یاشده سواد چیقہ ره دی. عربی کتابلرنی عمکی سی عبدالشکور یاردمیده اؤرگه نه دی. ۱۸ یاشده بخارا ده گی میر عرب مدرسه سیگه کیریپ، اوچ ییل تحصیل آله دی. خصوصاً مولانا برهان الدین اسود دن سباق آله دی.

استاد قربت ۱۳۱۰ - انچی قویاش، ۱۹۳۱- انچی ترسایبی ییلی بخارادن افغانستان نینگ اندخوی شهریگه کۆچیب باره دی.

قربت جنابلری ۱۵ یاشدن شعر مشق قیله دی. ۱۳۴۵ - انچی قویاش ییلده حج سفری قیله دی. استاد قربت قصیده گویلیک، غزل، مخمس، مسدس، ترجیع بند، ترکیب بند، رباعی، مثنوی تورلریده بیش مینگدن زیاد بیت بیتگن. کۆپراق او، حضرت بیدل یۆلیده ایجاد قیله دی. شعرلری لیریک، علمی، اجتماعی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی موضوعلرده دیر. علمی مقاله لر، خصوصاً ادبی،

مصاحبه ها
(مصاحبه لر)

استاد قربت بیرینچی مراتبه بیدلگه نسبتاً (ابوالمعانی) یعنی معنی لر آته سی طریفینی ایشلتگن. شاعر عمری نینگ آخریده قند کسلی گه چلینه دی. استاد قربت ۱۳۹۸ – انچی قوباش، ۱۹۸۹ – انچی ترسای ییلی کابلده ۸۰ یاشیده وفات ایتیه دی. اونی وصیتیه بنا اندخوی نینگ بابا ولی مدرسه سی یانیده گی قبرستانگه دفن ایتیه دیلر. در واقع، بابا ولی، صاحب قران امیر تیمور نینگ مرشدی بولگن. استاد قربت حیات لیگی چاغیده مطبوعاتده اعلان قیلینگن شعرلرینی دیوان شکلی ده، ترتیب قیلمه گن. اونینگ وفاتیدن کیین دری و اوزبیک تیلیده یازگن شعری، ۱۹۹۵ – انچی ییلده چاپ ایتیله دی.

دیوان - گلشن زیبای اشعار یا دیوان استاد «قربت» نامی بیلن آته له دی. شو نیسی دقتگه سزاوارکی، دیوان، حاجی عبدالجلیل رشید زاده سمرقندی تامانیدن ا. ق. ش. نینگ نیویارک شهریده ۱۹۹۵ – انچی ییلده سلماقلی کتاب شکلیده چاپ ایتیله دی. استاد قربت اثرلرینی شاعر استاد محمد امین متین اندخوی نشرگه تیارله گن، امیر محمد فقیر زاده، عرب الفباسیده نستعلیق خطیده دری تیلده گی شعرلرینی کؤچیرگن. اوزبیکچه شعرلرینی ایسه، محمد هاشم حریر اندخوی خطاطلیک قیلیب کوچیرگن.

دیوان – استاد قربت نینگ اوغلی میر محمد رحیم «قربت» قلمی گه منسوب دیوان تشکیلات چیلریگه منتداریچیلک سؤزلری بیلن باشله نه دی. مقدمه مؤلفلری ایسه، استاد محمد امین متین اندخوی، سر محقق عبدالله بختانی، محمد حنیف بلخی، پیام و استاد عالم لیب لردیر.

افتخار له نرلی جایی شونده کی، استاد قربت کمینه «ایماق» نینگ استادلریدن بیرى حسابله نه دی. او، حیات دوریده مینینگ کؤپ گینه اوزبیکچه و دریچه شعریمنی توغریله ب بیرگن استادلریمدن بیرى حسابله نه دی. مین - استاد قربت حیاتی و ایجاد حقیده گی یوقاریده گی معلوماتی، بیر صحبت چاغیده اوکیشی نینگ تیلدن یازیب آلگن ایدیم. مین مرحوم نینگ شاگردی صفتیده، استاد نینگ پاک روحلرینی شاد و یاتگن جایلرینی جنت مکان بولیشی نی یره تگندن سوره ب قاله من.

استاد قربت نینگ ابو علی سینا گه بغیشلنگن قصیده سیدن:

خاطریم افسرده بؤلدی، ایمدی یاد بلخ ایت

یولدوزی قیلگن، جهان یاروغ، بخارادین گپور

ترجمه فارابی ایتدی، گر ارسطو حکمتین

چشمه فیضی نی هم، اول شهر زیبادین گپور

عالم عقلی سورار سن، هم حکیم بی مثال

فلسفه دریاسیغه کیر، ابن سینا دین گپور

آته سی ایردی بخاری، مولدی بؤلدی بخار

باشقه لرنی قوی، اول دُر یکتا دین گپور

چون بخارا فضل عرفان، بؤلمه گندور هیچ وقت

هر طرفغه فیض بیرگن، تا ابد، جاندین گپور

البخاری دیک محدث، کیم چیقاردی بغریدین

باری اول شهر بخارا، شهر زیبادین گپور

اول بخارا اوزبیکستان شهردین محسوب ایرور

رو ایتارسن کورگه نینگ بار دور، اوشل جادین گپور

جمله باشدین تا ایاغینگ، تیل اگر بؤلسه سنگه

تاپمغای اتمام وصفی، عجز اعضا دین گپور

شعر و شاعرلیغ زمانی اؤتدی کؤپ ییلدین بیرى

ایسته تنها لیکنی «قربت»، فرد تنها دین گپور

شعر دری استاد قربت در وصف کابل

شام گلشن کابل طرفه مُشکبار است این
صد خُتن بپر دارد طره نـگار است این
دل تـهی زبار غـم عشرت و طرب توأم
موج گل زند هر دم بی خزان بهار است این
ناز دلبران سر شد دیده ها منور شد
عالمی معطر شد عیش روزگار است این
در جهان بی بنیاد صد هزار چون فرهاد
عشق می کند ایجاد طرفه کُھسار است این
عطر گل نسیم آرد نافه از خُتن آید
مرد و زن یقین دارد بوی زلف یار است این
خاطر حـزین ما فیض می کند پیدا
در جهان واویلا شام صبح دار است این
از نگاه چشمانت گرچه خون دل «قربت»
چون چمن دهد زینت بس که لاله زار است این

حاجی ایرگش اوچقون

ایمسمو

حیران خط و خالینگ، کوپ بیشمار ایمسمو
قان بیغله بان کویینگده، میندیک هزار ایمسمو
لعل لبینگ بیروور جان، لطفینگ دریغ توتمه
معشوق بیوفا گه، عاشق بکار ایمسمو
یاد قدینگ عصا دیک، آری اگر چه رهبر
مقصود گلشنیغه، فصل بهار ایمسمو
میخانه یاد بولمس، بزمینگده ای پرپوش
مفتون چشم مستینگ، بلخ و بخار ایمسمو
اول بزملرنی قوردینگ، رشک ایتدی زهره و شلر
ناز و ادا لرینگه، جانلر نثار ایمسمو
عشقینگ یولیده بیرسه، جانی اگر چه عشاق
محشر کونی اولرگه، کوپ افتخار ایمسمو
یاد ایتدی نام پاکینگ، «قربت» وصالینگ ایستب
هجرینگده ای صنم اول، غمگه دچار ایمسمو

ايرگش اوچقون تاشكند شهريگه تشریف بويور گنده، مينگه شونده
ی ديگن ایدی:

«مین - بیر نیچه ییللر دوامیده امریکا قوشمه ایلتلری نینگ نیوجرسی شهride استقامت
قیلیب، سؤنگی ییللر مابینیده ترکیه جمهوریتیده یه شیمین. اؤز نفعه - معاشیم دن فایده له نیب،
بیر نیچه ییللر دوامیده (چاپانداز) یاکی باشقه چه قیلیب آیتگنده (چونداز) نامی بیلن اؤزبیک و
دری تیلیلریده آینامه چیقردیم. بو آینامه ترکی خلقلر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مدنی، تاریخی
ایجادى گه بغيشلنگن بولیب، كۆپ سانلى مجله خوانلر دقتى نى اؤزىگه جلب ايتدى».

او- تورلی خلق ارا ییغیلیشلرده قتنه شیب، ترکی خلقلر تیلی، ادبیاتی، تاریخی حقیده
چیقیشلر قیلگن و اؤزی نینگ جراتی و بیلمی بیلن انسانلرنی لال قالدیرگن.

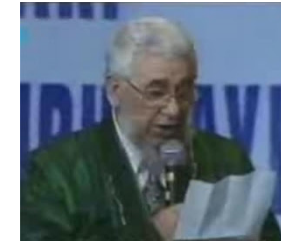
ايرگش اوچقون نینگ كۆپ شعرلری و مقاله لری افغانستان، ترکیه، اؤزبیکستان، امریکا
قوشمه ایالتلری، کانادا و جهان مطبوعاتلریده، باسیلیب چیقن.

او - صحبت دوامیده، علاوه قیلدی:

«اؤزبیکستان جمهور ریسی اسلام کریم اوف جنابعالی نینگ ا. ق. ش. تشریفی
دوامیده، بیر قصیده یازیب، قرشیله ب آلدیم. بو قصیده «استقبال نامه» دیب اته له دی. بو قصیده
اؤزبیکستان مطبوعاتیده هم باسیلیب چیقن».

ايرگش اوچقون نینگ ترکی خلقلر تاریخی باره سیده، انگلیس، ترکی و دری تیلیلریده بیر
نیچه رساله لری چاپ بولگن. او حیاتی دوامیده هر دایم افغانستان دیاریده استقامت قیله یاتگن
تورلی ملنلر وکیللرینی صلح، تینچلیک و برقرارلیککه چارله گن.

شونی آیتیب اوتیش لازمکی، تاشکینت خلق ارا رادیوسی هر ییلی اؤزبیکستان جمهوریتی
مستقللیگینی نشانله ش عرفه سیده رادیو مسابقه اوتکز دی. بو عنعنه كۆپ ییللر دوام ایتدی. مین
تاشکندراديو سیده ایشله ب یورگن بیتمیده، حاجی ايرگش اوچقون ۱۹۹۵- نچی ییلی شو مسابقه



آتش نفس شاعر حاجی ايرگش اوچقون

حیاتی و ایجادى باره سیده

قیسقه معلومات

شاهیمردانقل باى اۇغلى حاجى ايرگش اوچقون، خراسان یاکی افغانستان نینگ ایسکی
باشکینتی بولگن اندخوی شهری نینگ آق مسجد محله سیده - ۱۹۲۷ انچی میلادی ییلده دنیاگه
کیلدی. ۲۰۰۹- انچی ییل نینگ می آیدیه اغیر خسته لیکلر طفیلی ۸۲ یاشده ترکیه دیاریده جهانندن
كۆز یومدی. یاتگن جایى جنت مکان بولسن.

آمین یارب العالمین!

محله امامی قولىده، اندخویده گی باشلنغیچ مکتبده و نهایت کابل دارالمعلمینیده تعلیم آلگن
ايرگش اوچقون، تورلی شهرلرده یشه ب، خیلمه - خیل ساحه لرده خدمت قیلدی. هر لحظه سی
بیر داستان، هر قدمی ماجرا بولگن اوزین ییللردن اؤتیب ۱۹۵۷- انچی ییل نینگ آخیریده پاکستان،
ایران و عراقدن ایله نیب، ترکیه گه باره دی.

ايرگش اوچقون بیرنیچه ییللر دوامیده افغانستان نینگ فاریاب ولایتی مکتبلریده معلمیک
وظیفه سینی اؤته ب، بیتوک استاذ و اوقوتوچی صفتیده اؤز کسبداشلیرى آره سیده شهرت قازانگن
شخصدیر.

سچرہ گن قانلرنی سیر ایلہ ب اویالسین اسماعیل

اُول اگَر یالغانچی دور، مین چینکی قربانینگ بۆلہ ی

ایرگش اوچقون هر دايم نا تينگليک و نابرابرليککه قرشى كوره شيب، بير يوزيده انسان ذاتی بارکی، تينگ ليکده يشه شی کیره ک ليگی نی اوقدیریب کیلگن انسان ایدی. او هر دايم استعمار، استعمار، بير اورينغ ينه بير اورينغی، بير کيشی ينه بير کيشينی، کم سیتیش و قُل صفتیده اوندن فايده له نيشگه یۆل قۇيمسليک مفكوره سینی بر الله و رويراست ترنم ايتیب کیلگن.

او، ترکی خلقلر بیرلیگی باره سیده جان کویدیریب کیلگن شاعر ایدی.

لطفاً اونینگ قوییده گی مصراعلریگه توجه قیلینگ :

بیر دکان قورماق کیره ک کیم مقصدی ساتماق ایمس

ایککی آیده بای بۆلہ ی دیب، ایلنی الدتماق ایمس

ایرگش اوچقون نینگ بو سطرلری، اۆزبیکستان نینگ تینقلی شاعری ایرکین واحدوفنی بیفرق قالدیر مه ی (ترکستان بازاری) ناملی بیر شعر وجودگه کیلدی:

بیر بازار آرزو قیلور میز، نامی ترکستان بۆلور

مشرق و مغرب ایلیده شهرت داستان بۆلور

اُول بازار ایچره بری، اهل جهان مهمان بولور

اۆزبیک و ترکمن، تاجیک، قیرغیز، قازاق میزبان بولور

بیر تماشا قیلگن آدم، لال بۆلور، حیران بولور

بو نییت چیندیر، دیمنگیز شاعرانه بیر خیال

ایککی اولکن یورت اوچون، بونداق بازاردن نیمالال

منفعت اول دؤستلیک، سۆنگ رقابت دور حلال

گه قتنه شیب، بیرینچی اۆزیننی ایگلله گه نی، هنوز ایسیمده.

ایرگش اوچقون نینگ دوستی قلم و یوپنچی شعر ایدی. او، بچچه غر، متانت، شانلی توران، همده جنرال عبدالرشید دؤستیمگه اته ب یازگن خراسان ناملی آتشین نشیده لری بیلن ترکی خلقلر دلیدن مناسب اۆزین ایگلله گن شخصدیر. اونینگ شعرلریده و یازگن مقاله لریده طنپورولیک، تیلگه اعتبار، یاشلرگه وطن اۆتمیش تاریخی نی اۆرگه تیش غایه لری یققال نمایان بۆلیب توره دی.

ایرگش اوچقون، آنه وطن نی جتنگه، باغلرینی فردوس برینگه، سوو لرینی زمزم و کوثر سوویگه، تاغلرینی ایسه، کان جوهرگه اؤخشه تیب شونده ی

دیدى:

سیندن ابری قیسی جتنگه باریب، ماوا توتہ ی

باغلرینگی قیسی فردوس برینگه اؤخشه ته ی

سوو لرینگی قیسی زمزم، قیسی کوثرگه ساته ی

هر تاغینگ بیرکان جوهر دور، قرا تاشنی نیتہ ی

قیتہ - قیتہ صدقه ی لعل بدخشانیگ بۆلہ ی

ایرگش اوچقون، وطن تینچ لیگی و آسایشه لیگی یۆلیده وطن فدایی سی صفتیده حتا اۆز جانینی قربان قیلیشگه هم تیار ایکنلیگینی منه بو سطرلر

ده بیان ایتہ دی:

جان نثارلارینگ توگنمس ای گوزه ل یورت یخشی بیل

قه یتمه غیلر جان بیوردن، لیک سن منظور قیل

قیسی قوچقار میندن آرتیق، قوچ کیتیرمه جبریل

اۋىنىڭ اۋرتاق، اۋىنىڭ اۋرتاق، بىزھم اوينه يلىك
 باققە كىرىپ، گللىر تىرىپ، ىشنى ب يورە يلىك
 دريالرنى يقە لە ب - يقە لە ب، ساي كىلە دى، اى
 پرنجىگە اۋرە لىب - اۋرە لىب، يار كىلە دى، اى
 پرنجىگە اۋرە لمە سنگ، كىم كۆرە دى، اى
 سىنىڭ ايدىك جمالىنگىدىن كىم تۈيە دى، اى
 اۋىنىڭ اۋرتاق اۋىنىڭ اۋرتاق، بىزھم اوينه يلىك
 باققە كىرىپ، گللىر تىرىپ، ىشنى ب يورە يلىك

ايرگش اوچقون ۲۰۰۰- انچى يىلدە امريكا آوازي نىڭ اۋزىيىچە دستورى سخندانى بىلن
 اۋتكزگن صحبتىدە، موسىيقە اسبابلىرى حقيده شونده ي دىگن ايدى:

اوچقون: پيانو، ارمونيه، اوردىون - توليملى اسباب موسىيقە سى حسابله نىب، هوا ياردمىدە
 چە لىنە دى. منە شو قۇلىمدە گى اسباب اندخويده ىسلگن. بونى بىز چنگ دىمىز. قىشلاقلردە ايسە،
 بونى «قوبوز» دىشە دى. چنگ هم اغىزده گى هوانى اوينه تىب، اوندن اۋزىگە خاص آواز تره ته دى.
 منە مېن، حاضر سىزلىرگە چنگ چە لىب بىرە من .

(چنگ آوازي ىنگرە يدى)

ايرگش اوچقون اۋز سۈزىگە دوام ايتتىرىپ، دوتار حقيده قويدە گىلرنى ايتدى:
 دوتار- يعنى ايككى تاردن عبارت اسبابدىر. لاتىنچە سى (گىتار) بۇلە دى. «گى» دىگە نى
 لاتىنچە دە «ايككى» معنا بىرە دى.

شعر و صنعت اهليگە كوى - قۇشيقىدن اۋزگە مال
 بىزگە هم اول گوشه ده، چارپايه و ايوان بۇلور
 بىر مخمس بيتتى «ايركىن» شاعر «اوچقون» گە جواب
 بىز نىيت قىلدىك، بو نىيت ايزگو دور عاليجناب
 هر زمان شاعر نداسى عالم اهليگە خطاب
 بو جهان بازارىده، ايل و ايلتلىرى حساب
 طرفه گللىردن بو شايد بىر بوتون بۇستان بۇلور

نظريمىزدە بو ايككى شعر بىر مقصد و بىر نىيت نى كۈزلە يدى، بىر- بىرىنى تۇلدىرە دى
 هم. ينە خوددى شونىڭ دىك، شاعر اوچقون نىڭ اۋزىيىكستان دە گى عزت و اعتبارى زبر دست
 شاعرلرنىڭ اول جنابگە بۇلگن احترام لرىدن دلالت بىرە دى.

ايرگش اوچقون هر دايم شونده ي دىردى:

«اۋز كوچم نىڭ اۋغرى سىنى، بو بىردە گى پاد شاه دن يخشى كۆرە من. ايرته بىلن
 همسايە لر، قرىنداشلر، عايله - اعضالىرى نىڭ سىسلىرى بىلن، اذان سىسى بىلن اويغانماق و اۋز
 تىلپىمىزدە ايشىتماق، قنچە لىك تاپىلمس و قيمت بها نعمتدىر.»

او، فقط وطنىگە يخشلىك تىلر ايدى. اونىڭ يوتوقلىرىدن قووانر ايدى، تشويشلىردن غم
 چىكر ايدى، يره تگىدن اونگە مرحمت سورر ايدى. فراوانلىك، امانلىك، تىنچلىك، خاطر جمعلىك
 سورردى.

ايرگش اوچقون نىڭ بىلىمى سىر قىررە بۇلىپ، او ترك خلقلىرى موسىيقە سى ساحە سىدە
 هم كۆپ معلوماگە اىگە ايدى. او، دوتار، دمبوره، چنگ «قوبوز» موسىيقە اسبابلىرىنى آندە - سانده
 چىرتىپ تورردى. او بعضاً دوتار جورلىگىدە قويدە گى اويناقى قۇشيقىنى معيارىگە بىتكىزىپ ايترايدى:

خلق ياندى، خلق كويدى، اى امريكا قیده سن؟
 مین نوایی، مین فارابی، مین ابو سینا سیسی
 قیده سن بلخ و بدخشان و بخارا قیده سن؟
 قیده سن چرخ عدالت، قیده سن دیوان حق
 قیده سن عقل و فراست، اهل فتوا قیده سن؟
 قیده یانغین بار بۆلسه، سچره غی اوچقونلری
 یانمه سین چرخ فلک، اى اهل دنیا قیده سن؟

سخندان :- تشکر ایرکین اکه !

منه شونده ی اوچقونلرینگیز دللرگه سچره ب تورسین، یانمه گن یوره کلرگه سچره ب تورسین، اۆلمه گن یوره کلرگه سچره ب تورسین!

اوچقون:- ان شا الله بو شعریمنى یخشی اۆزبیک بیلگن، مزاق یاکى هزیل- مطایبه ایمس پالیتیک اۆزبیکلرگه ایمس، بل کی یخشی اۆزبیک تیلینی بیلگن، شاعر نینگ تیلینی بیلگن شخصلرگه تقدیم قیله من. بو تۆرکستان دردی، سیز - بیزنینگ دردیمیزدیر.

عزیز خلقیم ! شونى بیلینگی:

اگر حاضر دناق توجه قیلمه سک، ایلیک- آلتیمش ییلدن سونگ، بیز- سیز نینگ یشه ماغیمیز بودنیاده مشکل بۆله دی. کیین کۆپ پشیمان بۆله سیزلر!

شو باعث بیز حاضر قودیقته توشگنمیز، بیز ییقیلگنمیز، قولیمیزدن توته دیگن شخص یوق. ایکی یوز ییلدن بویان قولیمیزدن هیچ کیم تومه دی. لطفاً قولیمیزدن توتینگ. بیزنى كوته رینگ، بیزنى بوندن آرتیق ایزمنگ...!

ایر گش اوچقون «دمبوره» نى قۇلیگه آلیب دیدی:

منه بو اسباب «دمبوره» دیر. اونى بیز «زیلچه» دیمیز. قازاقستانده گى احمد یسوی ناملى دارالفنون نینگ استاذلریدن بۆلمیش، حرمتلیک بیردی بابوف، امریکا گه کیلگنلریده، بیر کیچه بیزگه مهمان بۆلدیلر. او جناب بو سازنى اۆزلری بیلن قازاقستاندن امریکاگه کیلتیرگن ایکنلر. بیردی بابوف ایرته له ب، باغچه گه چیقیب، ساز چه لیب اوترگن پیتلریده مین اولرگه خطاباً شونده ی دیدیم:

خوجم! بیز بو بیرده غریب میز. شو سازنى بیزگه تشله ب کیتینگ، هدیه سی قنچه بۆلسه توله میز. او کیشی شو دمبیره نى خاطره - ایسته لیک صفتیده بیزگه ساوغه قیلدیلر. بیر نیچه پیتدن سۆنگ، مین اوکیشیگه خط یولله ب، شونده ی یازگن ایدییم:

بیردی اۇغلى رحمانقل

بیزدن، خبر آله تور

بو دنیا، اۆتر- کیتر

دمبیره منى چاله تور

سخندان:- ایرگش اکه ! بو اسبابلرنى گاهیده چیرتیب توره سیزمی؟

اوچقون:- هه، بعضاً چیرتیب توره میز.

سخندان:- قه نى امریکا آوازی رادیوسی شونده لریگه شو اسباب جورلیگیده، بیران شعرینگیزنى اییتیب بیرسنگیز عین مدعا بۆلور ایدی؟

شونده، ایرگش اوچقون دوتارچه لیب، قوییده گى شعرینی ایتدی:

جان آغیزگه کیلدى و روح المسیحا قیده سن

خلق اوچون من، خلقدن من، خلق بیلن من دیدینگو

چقنه شورلر سايلرينگده مينگ تونيس طرفه گياه
 قيرلرينگده هر چيچك دور، مينگ بير علتگه دوا
 كوزلر يمگه قملرينگ هم، سُر مه دور، هم توتيا
 حسرتينگده كعبه ماتملر توتيب، كيميش قرا
 كعبه نى يولينگه تارتيب، نذر قيلغانينگ بوله ي
 جان نثارلارينگ توگنمس اي گوزه ل يورت يخشى بيل
 قَيْتمه غيلر جان بيوردن ليك، سن منظور قيل
 قَيْسى قوچقار ميندن آرتيق قوچ كيتيرمه جبر بيل
 سچره گن قانلرنى سَيْر ايله ب، اويالسين اسماعيل
 اول اگر ناكام دور، مين چينكى قربانينگ بوله ي
 كَيْتمه سم مينگ بيل ينه، توپراق توپراغيم دورور
 كورمه سم مينگ بيل ينه، اول تاغلا تاغيم دورور
 نيچه مينگ بيل اوتسه هم، اول باغلا باغيم دورور
 ايسكيمس كونگليم نى عشقى، هر عصر چاغيم دورور
 ساچ و سققاليم اقرغانسارى، حيران نينگ بوله ي
 بير قراوول ديك يولينگده تيرموليب يورديم سِياق
 كم نظردن دايم، يور تيمنى توغومدور ييراق
 تا ابد قان قوسغوسى دور سينگه باسگن بى سوراق
 قيزغه نيب آچ بؤرى ديك كويينگه، باستيرمم اياق
 بير وفاكار ايت كى همتملى پاسبانينگ بوله ي
 آختريب بير كون بارور من، كينديگيم نينگ قانينى

بيز توركستانلىكلر انسانمىز. امريكانى يخشى كوره ميز. مين اوزيم امريكالىك من. امريكا
 اوزبىكى من. هر كيم نينگ اوز يورت و وطنيگه علاقه سى بار. اوز يور تيم، اوز تفر اغيمنى سيويش بو
 امريكا اوچون قووت دير - ضعف ايمس.

بو بير شكاييت ايمس، بو بير پيشنهاده. بو بير هنرى اونكوريشن و امريكانى اويغاتيشدير. همه
 كه سلام، اوز بيكلرگه سلام، بوتون انسانلرگه سلام، بيزگه ياردم كورستگن انسانلرگه كوپدن - كوپ
 سلام، سلام...!

محترم كتابخوانلر!

حاضر ايسه، حاجى ايرگش اوچقون نينگ (معبد) ناملى بير مخمسى نى اعتبار لر ينگيزگه
 تقديم ايتنه ميز:

معبد

كيل وطن سن كعبه بولغيل، مين اينانغانينگ بوله ي
 قبله ميز ديب، چين يوره كدن، سجده قيلغانينگ بوله ي
 ايله نيب تيگره ننگه دايم، اصل ايمانينگ بوله ي
 بير اجازه ت صدق ايله، خاكروب آستانينگ بوله ي
 هر زمان صدقنگ بوليب، هر لحظه قربانينگ بوله ي
 سيندن ايرى قيسى جنتگه باريب ماوا توته ي
 باغلاينگنى قيسى فردوس برينگه اؤخشه ته ي
 سوو لر ينگنى قيسى زمزم، قيسى كوثرغه ساته ي
 هر تاغينگ بير كان جوهر دور، قرا تاشنى نيته ي
 قَيْته - قَيْته صدقه ي لعل بد خشانينگ بوله ي



سرخابی شاعر خوش قریحہ

وطن ما

محمد یونس فرزند محمد صدیق سرخابی در سال ۱۳۰۳ هـ ش، در شهر کابل در گذر قاضی فیض الله مشهور به (کوچه قاضی) تولد یافته در شعر سرخابی تخلص میکرد. وی تحصیلات ابتدایی و ثانوی خود را تا صنف ۱۱ در لیسه استقلال ادامه داده و نسبت به بعضی معاذیر موفق نشد تحصیلات عالی را در کابل تکمیل بدارد. وی بعد از اینکه در سال ۱۳۴۱ به پول شخصی خود از اکثر ممالک اروپایی دیدن کرد، در سال ۱۳۴۴ جهت تحصیلات عالی در رشته علوم اجتماعی عازم فرانسه گردید.

محترم سرخابی طی مصاحبه به من گفته بود:

او - ۱۲ بهار زنده گی را سپری نکرده بود که دختری شهلا چشم زیبا روی بر لوح دلش تکیه زد و ویرا در سوز و گداز گذاشت. وی شب و روز به عشق معشوق بی همتا و طنز خود میسوخت و توان آنرا نداشت تا با او اظهار عشق و محبت کند. آوانیکه آن الهه جمال را میدید لرزه بر اندامش مستولی شده، خود را کالبد بیروح می یافت و بدین سان میسوخت و میساخت.

آخر الامر درد های درونی او به قول شاعر (شعر میگردد چو سوز از دل گرفت) به شکل شعر سوزنده آتشین درآمد و آرزو و آرمانهای قلبی خود را به قالب شعر در آورد.

تصحیح ایتسون کاتب قسمت، ینہ دیوانینی
 کعبته الاتراک قبول ایتگه یمیکین، مهمانینی
 حج اکبر دیب، اینانغان، مشرب دورانینی
 تابه کی شیطان کبی مردود آستانینگ بؤ له ی
 قوی معانی اهل شعرینگده عبارہ یوق دیسون
 حُسن مضمون، تشبیه و یا استعارہ یوق دیسون
 تاش کبی بغریمنی کورگن، مونده یارہ یوق دیسون
 بو نیچوک «اوچقون» که انده بیر انارہ یوق دیسون
 بیر تگیدیک یاشیرین، سوزنده ولقانیگ بؤله ی
 بومقالہ حاجی اوچقون وفاتیدن سوئنگ «فتا» سایتیده نشر بؤلدی.

جنگ او دایم تکاور جمله گی شب‌دیز وش
 پی سکالیدن جوانش میشود بران سکین
 حسن خیزاست این بلدتالی چگل راکشته چونک
 نو خطانش همچو غلمان دخترانش حورعین
 کسوت عباسیان پوشیده بیداو دمنش
 گشته اندر وا دوچشم برمکان و بر مکین
 جام های چون عقیق اشگوفه در دستان شاخ
 می گسارش گشته (سرخابی) هزارش آفرین

او اظهار داشت:

به زبانهای فارسی دری، ترکی اوزبکی و فرانسوی تسلط کامل داشته، به این زبانها شعر سروده است. اشعار فرانسوی را به دری و دری را به صورت شعر به شعر فرانسوی ترجمه کرده است. چکامه و مثنویات سرخابی خواندنیست. دیوان اشعار سرخابی را مسایل عشقی اجتماعی و اقتصادی محتوی میباشد که روش بیانش در اشعار انتقادی و اجتماعی بیشتر است. وی در شعر سرایی از مکتب خراسانی یا تورکستانی پیروی کرده در حصه سبک خود چنین میگوید:

خوش نبیذ کهنه ام ده دخت یکسال از رزان
 تا کنم سبک خراسان را ز اشعارم رزین

این شاعر خوش قریحه شعر نو را نیز ستوده و خودش نیز شعر نو سروده است. آثارش از زنده گی خودش الهام گرفته و توانسته است در قالب اشعار خود درد های اجتماع را منعکس بسازد. (اوشیرین خالدار) منتشره روزنامه ی فاریاب (پرنیان فرنگ) ترجمه و تاریخ ادبی فرانسه منتشره انیس از آثار منشور سرخابی به شمار میرود. (قانون و راه ترافیک) یکی از تراجم اوست که از

قرار گفته سرخابی عشق و محبت او با هجر آغاز یافته منبع و الهام اشعار خود را چشمان فتان و سحر آمیز آن شاهد یکتا میداند و میگوید

ماهر و یا کوکب شام منی
 گرچه درد عشق تو سوزان بود
 وین ندیده هیچکس کاندرجهان
 هم دلآزار هم دلآرام منی
 ماه من نور شبستان منی
 روشنایی بخش ایام منی
 کوکبی افتاد از چشم فلک
 ماهی اما نقره خام منی
 عشق سرخابی به هجر آغاز شد
 مرگ هجر یار انجام منی

سبک و اندیشه ها:

سکونت اصلی یونس سرخابی میمنه یا جوزجان بوده، ازاینکه مناظر شاعرانه، باغ و راغ و دامنه های سرسبز و شاداب جوزجان مرزبوم اصلی شاعر مشوق قریحه او گردیده درباره اش چه خوش ترنمی دارد:

مرحبا بر جوزجان و بر بهار خرمش
 گر قریحه باشدم هستم منش از جان رهین
 بی خطا سنبلس بهتر هست از مشک ختا
 عطر او صد چند به از نافه آهوی چین
 کیف آدم میبرد بیش از هوای جنبشش
 کس ندیده این چنین آب و هوا اینگونه طین
 نو جوانش پهلوان، پیرش همی صاحب‌دل است
 طفل او باشد چو شیر شرزه اندر این عرین

زبان فرانسوی ترجمه کرده است. سرخابی علاوه برین که شاعر شهپر و نویسنده چیره دست بود به سپورت استعداد خوبی داشت و مدالهای قهرمانی را در آبیازی، هاکی و دویدن ده هزار متری به کف آورده است. همچنان به هنرهای زیبا شوق مفرطی داشته فرخی وار شعر خوش گفته، چنگ تر زدی و بانواختن دنبوره طنبور، ارمونیه، زیربغلی و دف مجلس آرایبی کردی. نا گفته نباید گذاشت که وی با آواز فرحتزا و دلکش خود کمپوزهای کلاسیک هندی را خوب اجرا میکرد و به موسیقی نیز ید طولایی داشت.

قصاید سرخابی با طنطنه و پرکیف بوده، احساس شنونده را برمی انگیزد. یکی از مسمط مربع او شرق کهن است آن شرقیکه مهد تمدن حکماء، علماء، بلغاء و درخشانترین و با عظمتترین دوران خود بوده است. این دوره دوران جامعه سازی جوانان چون محمود و علمای چون ابن سینا و سیدجمال الدین افغانی بوده که نام نامی آنان با خط درشت در صفحه تاریخ ثبت است.

شرق کهن، شعرای موشکاف چون بیدل، سعدی، فرخی، انوری، حافظ، رازی، رودکی، خیام، فردوسی و مولانای بلخی را در آغوش خود پرورده است. بالاخره آن شرق کهن بودایی داشت که طریقه درون بینی و از خود گذری و غمگساری را نسبت به همنوع خود میخواست. بانفس خود صلح و صمیمیت، دروغ، انتحار، تجاوز به مال و مکننت دیگران را منع قرار داده بود. زردشت که پرورده همین خاک است همواره شعار میداد و به پیروان خود میگفت: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک را شعار سازید و با این سه قانون خود تمام اخلاقیات را بیان میکرد.

شرق کهن آن وقت زیبا بود. بنا بر قول اوستا و ویدا (بخدیوم سریرام اردود وفشام) و بلخ زیبایی داشت که ما در شهرهای جهان گهواره تمدن مشرق زمین دارای پرچمهای بلند و عروس آسیا بود که حالا چادر ژولیده روزگاران را بر سر کشیده با نکبت و بدبختی به خواب عمیق فرو رفته است. سرخابی گفتار فوق را در رشته وزین خود به صورت بسیار واضح در آورده از اوست:

شرق کهن

ای کوه و دمن جانی تو به تن، ای پیر زمن ای شرق کهن
 بزدای محن ای مامن من ای مادر فن، ای شرق کهن
 بی مکرو ریا، بی ظلم و دغا، بی جور و جفا، رخشان و صفا
 بنگر به قفا، بودی همه جا، تو فخر زمن، ای شرق کهن
 عرفان ز تو بُد، دوران ز تو بُد، میدان ز تو بُد، بنیان ز تو بُد
 انسان ز تو بُد، مردان ز تو بُد، برفرق بزن ای شرق کهن
 آن سید بس والای توکو، بونصر مهین بینای توکو
 رازی توکو، سینای توکو، مردان سخن، ای شرق کهن
 هان رودکی علام توکو، فردوسی تو، خیام توکو
 آغاز توکو، انجام توکو، ای مادر فن، ای شرق کهن
 کو خسرو تو، کو انوریت، کو میرعلی، کو عبقریت
 کو فرخیت، کو عنصریت، رخشان چو پرن، ای شرق کهن
 کو حافظ تو، کو بیدل تو، کو سعدی تو، کو عاقل تو
 کو مولوی بس فاضل تو، چون دُر عدن، ای شرق کهن
 با حکم و حکم بودای تو رفت، زردشت بسی بینای تورفت
 کونفسیوس دانای تو رفت، چون جان زیدن، ای شرق کهن
 ای مهبط حق محمود توکو، بهبود توکو، مقصود توکو
 مفقود توکو، موجود توکو، ای پیر زمن ای شرق کهن
 بلخ تو کنون ویرانه شده، غزنین تو هم بیخانه شده

با هنر خود توانسته است رنجها و تکالیف بینوایان و بیچارگان را که با وضع رقتباری امرار حیات دارند تمثیل نماید و به حال کسانی که دست روزگار و ناسازگاری زمانه گلوی ایشانرا می فشارد سرشک الم بریزد و ماتم بخورد. جمعی را که فلسفهٔ (بخور و بخواب) جزء عادت شان گردیده در بستر مخمل و دیبا فارغ از همه چیز آسوده و آرام خفته اند به سوی تعاون و تساند رهنمونی میکند از اوست:

اهریمن دی تاخت نمایان بسر ما
 گردید برون باید ازین ورطه سرما
 برفست بزیر و زبر باغ کفن وار
 خم کرده زاستبری خود سرو سهی را
 بلبل زگلستان شد و گل مرد بخواری
 زاغ آمد و بر بود همی نرگس شهلا
 زاغان بسر برف چو هندو بچه گانند
 کز شوق بگردند پراگنده به صحرا
 دی آمد و غم آمد و سردی و کدورت
 گویی که مرا سرد شده هستی و دنیا
 برف است گرامی ببر مردم دارا
 خوف از چه کند آنکه غنی است چودادا
 رحمی به گدایان و فقیران و یتیمان
 ای آنکه بخوابی بسر مخمل و دیبا
 جمعی که بود پاش سوار است بمرکب
 جمعی شده از دست درو مانده و بی پا

مجد و شرفت افسانه شده، آلوده بظن، ای شرق کهن
 در تیر ستم آماج شدی، از خانهٔ خود اخراج شدی
 تاراج شدی، محتاج شدی، حتی به کفن، ای شرق کهن
 (سرخابی) خود کردی به فغان، ای مهد مهمان خوابی توچنان
 دولت ز تو و حاکم دگران مخفی و علن، ای شرق کهن

عقاید ادبی واجتماعی:

یونس سرخابی جهان بینی وسیع داشته عموماً از واقعیتها طرفداری میکرد و همچنان پیرو فلسفهٔ ریالیزم بود. از آنانیکه مفکورهٔ تعصب نژادی، مذهبی وغیره داشت، دوری گزیده اشعارش نیز عاری از تعصب میباشد. از دیدن مردمی که با وضع نا مساعد امرار حیات داشتند رنج میبرد.

سرخابی اکثر ولایات کشور خود را دیده، بافرد فرد مردم خود از نزدیک صحبت و تبادل افکار نموده است. رفقا و دوستانش او را (ماشین سخن) خطاب میکردند از جهت اینکه در سخن راندن فصاحت و بلاغت کلام را مراعات میکرد و در سخنرانی را باطمینان عجیبی گشوده، مستمعین را با ابراز منطق و دلیل قاطع به خود جلب نموده و کسی در محفل سخنرانی او پیدا نمیشد که به گفتارش گوش فرا ندهد.

ایده و نظر او به ادب و هنرچنین است:

اندیشهٔ هنر برای هنر نادرست است بل که هنر خدمتگزار اخلاق اجتماع است. یعنی هنرمند مجبور و مکلف است هنر خود را در خدمت جامعه و برای رشد فکری آن بگارد تا باشد از این راه خدمات قابل وصفی به جامعهٔ خود انجام بدهد.

همچنان ادبیات را آیینۀ جهان نمای محیط و نودار اوضاع اجتماعی و حامل کلتور یعنی نشان دهندهٔ رسوم و رواجها، آداب و عنعنات، طرز جهان بینی و معتقدات مردم دانسته است. سرخابی

پایمردی و مقاومت از اثر مریضی سرطان در ۲۲ قوس ۱۳۷۳ خورشیدی در فرانسه چشم از جهان فرو بست، روانش شاد خاطراتش جاوید باد.

این هم یک غزل بهاریه ی سرخابی به نام (فروردین جوزجان):

باد فروردین وزید از کوهساران برزمین

حبذا کوه آنچنان و خرما باداین چنین

میغ را آورد تا بارد همی لولوی تر

تاج گل رخشان کند از پر تو در ثمین

لاله و گل سلسله بندد بدست و پای شاخ

نو عروس باغرا سازد بطنازی قرین

فرش سازد مر زمین را با پرند اخضری

تا به تخت گل نشیند پادشاه فروردین

شد بساط بوستان زربفت سان از شنبلید

بهر پای انداز نیسان پرنیان ساوزرین

زاغ را از جوش گلها رشک صد بتگر کند

باغ را آزین ببندد به زفردوس برین

سبزه جوید قوه نامی خود ازبین خاک

پرورد بنت نباتی را زمان اندر زمین

میکنند نجوی بهم هر عنصری گلشن چنین

شد قانون نشو و ارتقای داروین

جمعیت همی فقردم از قلت خوراک

جمعیت فشار خون از خوردن بیجا

فقر و خنک و جوع و مریضی و جهالت

حیران بعلاجش شود اعجاز مسیحا

«سرخابی» مهجور بخود آی و گر نه

هجران بکشد زود تررت در شب یلدا

نگاه انتقادی در اشعار:

سرخابی در چکامه سرایی بیشتر به تقلید و پیروی استادان خراسان چون منوچهری، عنصری و فرخی می پردازد و ازاین رو در بخشی از پدیده های فکری او کمتر به نو آوری و ابداع بر میخوریم حالانکه هنرمند در وهله اول باید دارای اندیشه های نو و دید تازه باشد؛ زیرا تقلید دشمن ترین دشمنان هنر است.

در پاره یی از اشعار سرخابی کلمات ثقیل و نا خوش آهنگی به نظر میرسد که زاده گرایش او به شیوه های کهن است. سرخابی از جمله آن هنرمندانی است که در اثر نا به سامانی ها ورنج های زنده گی نتوانسته است آن چنانکه سزاوار است به پرورش قریحت و استعداد خود پردازد و آفرینش هنری خود را بروی پایه های نیرومند مبانی استوار ادبی و هنری بنا نهد. سرخابی در برخی از اشعار خود به قول سخن سنجان پیشین کمال معنی را فدای جمال لفظ کرده و نتوانسته است آن بهم پیوستگی و همبستگی که لفظ و معنی را در کار است نگهدارد. معذا او از جمله شعرا و فضالی چیره دست کشور خود بشمار میرود و امید است که تعداد همچو اشخاص فاضل و خبیر در مملکت روز افزون گردد.

شور بختانه در سال ۱۳۷۱ خورشیدی بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله و آغاز جنگهای خانمانسوز تنظیمی در کابل دیوان مکمل اشعار سرخابی مانند سایر گنجینه های با ارزش فرهنگی کشور در اکادمی علوم افغانستان که خود، عضو بخش علمی و فرهنگی آن اکادمی بود و تحت تایپ قرار داشت یکسره نابود شد. دردا و دریغا این شاعر و نویسنده نامور نستوه و این نماد



مرحوم جنرال عبدالله کارگر

مدنیتیمیز بوستانیدن،

ینه بیر گل قوله ب توشدی

مینگ افسوسلر بولسینکی، افغانستان اوژیکلری بیتوک قلمکش لریدن بیر بولمیش عبدالله کارگر جنابلری ۲۰۰۹ - نچی ییل، جولای آیی نینگ ۲۳ - نچی سی، پنجشنبه کونی، ۵۸ یاشده کابل شهزیده وفات ایتدی.

انا الله و انا الیه راجعون!

جنرال کارگر وفاتی مناسبتی بیلن ایچکی و تشقی میدیالر اوژ تاثراتلری و تعزیه لری نی بیلدیر دیلر. جمله دن افغانستان ملی تلویزیونی قاشیده گی «اؤزبیک» دستوری، قوییده گیچه اوژ فکرینی تلویزیون آرقه لی اعلان قیلگن ایدی:

«ینه فرهنگ و مدنیتیمیز آسمانیدن، بیر پارلاق یولدوز اوچدی. ینه فلک بیداد قیلدی و قرا بیر، باشقه بیر نازنین پیکنی یوتدی. بو قوزغین ییر، جهان بار ایکن، انسان یوتیشدن تویمس ایکن؟! و زمانه، اوژ عزیزینی قؤلدن بیرگن ییتیم - ییسیر فریادیدن، کر بولمس ایکن، قیته - قیته انسانلرنی ماتمگه اولتیرغیزر ایکن. داد و وایلا بو ظالم زمان دستیدن .

بیز - بوگون ینه بیر عزیزیمیزی قؤلدن بیردیک و بونگه ایناندیککی، بوندن کیین بو، دؤستیمیز، بیزگه باقیب جیلمه ییب کولمه یدی، اوژی یره تگن اثرلرینی بیزگه تارتیق ایتمه یدی.

راستی از فصل های سال به باشد بهار

صاف گردد می اگر در شیشه مانداریعین

آب باران ریخت نیسان باز در اشگوفه ها

گلبنان ریزند برخوید از یسار و ازیمین

میکنند اعجاز نیسان مسیحا دم بود

زنده کرداز یک نفس گویی نباتات زمین

دامنش مملو ز لولو حاتم از یادم ببرد

ریختند مرجان و گوهر نو بهار از ابدی

لؤلؤ احمر بجای عنبر اشهب شود

هست اندر آستین نیسان را گنج ودفین

زنده گی نامه سرخابی به تاریخ ۲ سرطان سال ۱۳۴۶ در شماره (۱۶۸) جریده ی «دیوه» وزجان اقبال چاپ یافت .

بیز قالگنمیز و اونینگ میراث قالدیریب کیتگن اثری و کۆزیمیز نینگ یاغی، هه، یازوچی، فرهنگ سیور انسان عبدالله کارگر اۆلمه گن. مین بو گپگه باور قیله آلمه یمن. او - اۆز ارادتمندلرینی بونده ی تیزلیکده میدانگه تشله ب کیتگن بۆلشی گه ایشانمه یمن، هیچقچان .

عبدالله کارگر، اۆلمس بیر سیما ایدی. اما تقدیرگه تن بیریش بیزگه میراث ایکن، ناچار تسلیم بۆله میز. تقدیرنی تدبیر قیلش مشکل. اونینگ قلمی یادگارلیکلری و اولمس خاطره لری همیشه برحیاتدیر.»

بیز زنده یاد نینگ بی وقت اۆلمی نی بیر اونتیلمه دیدگن ضایعه حسابله ب، یره تگدن او نینگ روحینی شاد، یاتگن جایینی جنت مکان بۆلشینی آرزو قیلش، عایله - اعضالریگه، قریندش اوریلریگه ایسه، تعزیه بیلدیریب، اولرگه صبر - طاقت سۆره ب قاله میز.

عبدالله کارگر قریب، ایکی ییل دوامیده سرطان خسته لیگیگه چلینیب، قیغور ایدی. اما شونگه قره می، یازیش - چیزیش و تحقیقی ایشلریده بیر لحظه هم غفلت کۆرستمه گن. او، اۆزی نینگ آغیر احوالیگه قره مسدن، «تیموریان» دوری ناملی کتابینی چاپ ایتتیردی .

عبدالله کارگر، صمیمی و کمترین انسان بۆلش، اۆز بیلرمانلیک، من - منلیک و شخصیت پرستلیکگه قرشی کوره شیب کیلگن انسان ایدی. اونینگ دؤستی قلم، یوپنچی کتاب ایدی. عموماً آگنده، او - مطالعه اهلی بۆلش، دری تیلیده ایجاد ایتگن و اۆزیدن ارزگولیک تاریخی اثرلر قالدیرگن. او نینگ یازیب قالدیرگن کتابلری سادده و عامه باب دیر. بو تاریخی کتابلرنی یازیشده، معتبر منبعلردن فایده له نیلگن.

شونی ایتیب اۆتیش جایزکی، مرحوم عبدالله کارگر ۱۳۳۰ - نچی شمسی ییلده اندخوی نینگ قۇرغان تومه نی، کارگر خانه قصبه سیده بیر تئقلی و مدنیت پرور عایله ده دنیاگه کیلدی. او - قۇرغان نامیده گی باشلنغیچ مکتب، کابل ده گی حربی لیسسه، حربی دارالفنون و مسکو شهزیده تحصیل آلدی. او، قندهار ده گی قۇل اردو، وزیرلر شوراسی، ملی گارد باش قوماندانلیگی ده و نهایت افغانستان نینگ وقتینچه حکومتی اداره سیده، مصلحتچی وزیر صفتیده ایشله دی. کارگر جنابلری، اۆز وظیفه سینی اۆته یاتگن پیتلری قندهار و کابل نینگ پلچرخ قماقخانه سیده، سیاسی

محبوس دورینی هم باشدن کیچیر دی. او ۸ ییل مهاجرتده حیات کیچینگن .

عبدالله کارگر جنابلری اۆیلنگن بۆلش، ۷ فرزند نینگ آته سی.

او - اوتتیز ییل دن کۇپراق عمرینی افغانستان مدافعه وزیرلیگی قاشیده صرفله ب، جنراللیک رتبه سیگه ایریشگن . کارگر سۇنگی اۇن ییللر دوامیده، حربی فعالیتلریدن واز کیچیب، تاریخی کتابلر، اینیقسه تیموریلر دوری اولوغ سیملرینی یاریتیشگه اۆلگیردی. او، اۆزیدن ۱۳ اثر یادگار قالدیردی بو اثر نینگ بری مطبوعات یوزینی کۆریشگه میسر بۆلگن .

عبدالله کارگر نینگ چاپ بۆلگن کتابلری نینگ رویختی قوییده گیچه:

۱- برسکوی شهادت: زنده گی نامه شهید تورن محمد نادر کارگر. ۱۳۷۷

۲- شرح مجموعه گل: درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان حافظ شیرازی ۱۳۸۰

۳- شهنشاہ سخنور: زنده گی و کارنامه های ادبی و نظامی ظهیرالدین محمد بابر ۱۳۸۲

۴- امیر دانشمند: زنده گی و کارنامه های ادبی و فرهنگی میر علیشیر نوایی ۱۳۸۲

۵ - آزاد مرد شاعر: زنده گی نامه مخدوم قلی فراغی ۱۳۸۳

۶ - اندیشمند پیشتاز: بیوگرافی ابوریحان بیرونی ۱۳۸۳

۷ - شهر سلاطین: غزنه در پویه تاریخ ۱۳۸۳

۸ - عهد تیموریان هرات: ۱۳۸۳

۹ - تیموریان: تاریخ مختصر تیموریان ۱۳۸۴

۱۰ - شخصیت فرهنگی ظهیر الدین محمد بابر: ۱۳۸۴

۱۱- تاریخ درخشش ترکمنان: نگاهی مختصر به تاریخ ترکمنان ۱۳۸۵

۱۲ - سیمای زن در عهد تیموریان: ۱۳۸۷

۱۳- سرزمین و رجال ترکستان: ۱۳۹۰

قدردان دؤستيم مرحوم عبدالله كارگر پاك روحیگه خطاباً ایتماقچیمنکی:

ینه بیر کرره مینگه تاریق ایتگن کتابینگیز، همده مینینگ کمترا نه خدمتیم نی تیلگه آلیب، کتابینگیز صحیفه لریده یادگار قالدیرگه نینگیز اوچون کتته کان رحمت. الهییم یاتگن جایینگیز، نورانی بؤلیب، جنت گه اؤزگرسین، کتاب یازگن مبارک قؤلرینگیز هر دایم امانده قالسین!

آمین یارب العالمین!

محترم دؤستلر!

«دانشمند انسانلر، بو جهانده ایکیکی مراتبه یشه یدیلر»- دیگن عالیجناب اوگیت - حکمتلی سؤز بار.

بیرینچیدن بونده ی انسانلر، اؤز حیاتی دوریده، اؤز خلقیگه بیغرضانه خدمت کورستگنلری باعث اعزاز له نیب ناز و نعمتده، حیات کیچیر سه لر، بو دنیانی ترک ایتگنلریدن کیین، اولرنینگ ایکیکیچی حیاتی باشله نه دی.

مثال صورتده، حضرت امیر علیشیر نوایی، سلطان حسین بایقرا، ظهیر الدین محمد بابر، محمود قاشغری و اؤنله ب عالی جناب انسانلرنینگ اؤلیمیدن عصرلر اؤتیشی گه قره مسدن، اول ذاتلرنینگ اسم مبارکلری، تیللردن، تیللرگه، دللردن دللرگه اؤتیب بیز گجه بییتیب کیلگن. بو اولوغوار انسانلرنینگ ناملری زر حل خطلر بیلن تاریخ صحیفه لریده قید ایتیلگن.

شو سطرلرنی بیتیر ایکن من، زیب النساء مخفی نینگ بیر شعری

ایسیمگه توشدی:

بزرگانرا بزرگی بعد مردن بیشتر گردد

که چرم گرگ شیر افکن پس از مردن سپر گردد

جنرال عبد الله كارگر جنابلی، چاپ ایتتیرگن کتابلرینی عموماً آگنده، کتبخانه لرگه، یار- دؤستلریگه ساوغه قیلر ایدی، خلاص. مذکور کتابلر، اونینگ مدنیت پرور جبین لری (کارگرلر) حامیلیگیده چاپ ایتتیریلگن، دیسک مبالغه بؤلمه یدی.

شونی علیحده تأکیدله ب اؤتماقچیمیزی، کارگر جنابلی هر دایم چاپ بؤلگن کتابلریدن بیر نسخه نی کمینه «ایماق» قه، تاشکند شهری یاکی آخر ییللرده کانادا نینگ تورنتو شهریگه جؤنه تر ایدی. جمله دن (تیموریلر) ناملی کتابینی قؤییده گی سطرلرنی یازیش بیلن مینگه تاریق قیلگن ایدی:

«دوست گرامی، شخصیت فرهنگی جناب محترم داکتر فیض الله ایماق!

احتراماتم به شما و فامیل محترم شما تقدیم است.

اینک یک جلد کتاب «تیموریان» راکه اخیراً به چاپ رسیده است، خدمت شما اهدا میکنم. باید گفت در صفحه (۷۱) این اثر احتراماً از آدرس شان یاد آوری صورت گرفته است. چون وقت نهایت کم است، عجلتاً به نوشته ام خاتمه داده، جناب شانرا، به خداوند متعال می سپارم.»

با احترام

عبد الله كارگر

کابل - افغانستان

عبدالله كارگر «تیموریان» ناملی کتاب نینگ «۷۱» - نچی بیتیده، ۱۱ - ۱۲ - نچی عصر ده، آسیا منطقه سیده موسیقه و مراسم قوشیقلری رواج له نیشی حقیده، سؤز یوریتیب، شونینگ دیک، آغزه کی سرود لرنی، ادبی شعریت عالمیگه اولکن تأثیر کورستگننه نینی اؤرغوله ب، شونده ی علاوه قیلگن:

«این نوع سرود ها و ابیات در هر زبان جایگاه و مقام خاص خود را دارد. و دکتور فیض الله ایماق هم در اثر ارزشمندش (خلق دُر دانه لری) این ادبیات عامیانه و سرود های شفاهی مربوط به خلق اوزبیک را جمع آوری و چاپ نموده است.»

حقیقتاً ھم شونده ی. بزرگ و دانا شخص نینگ قدر- قیمتی اۆلگندن کینن کۆپه یه دی و یاھم باشقچه قیلیب ایتگنده، او ابدی یشه یدی.

عبدالله کارگر جنابلری ھم یوقاریده اسملری تیلگه آلینگن شخصیتلر سینگه ری ،اوزیدن بیزگه میراث قالدیرگن ارزگولیک اثرلری بیلن، ھمدە، اھیل و تحصیل کۆرگن فرزند لری طفیلی دایما برحیاتدیر.

یوقاریده تیلگه آلینگن (زنده یاد) سۆزینینگ، شونده ی عالیجناب انسانلرگه نسبتاً، فایده له نیشی نی اۆزینلیدیر،- دیب بیلە من . چونکی او لر، اۆلمه گنلر بلکیم ، برحیاتدیرلر.

ایشانچیم کاملکی عبدالله کارگر یازیب قالدیرگن اثرلر، اونینگ صالح و برکمال فرزندلری تامانیدن ینە قیتە - قیتە باسیب چیقە ریلە دی. و اۆز لری ھم آتە لری سینگری اولوغ موقع گە ایگە بۆلگن اثرلر یرە تە دیلر، خدا خواهله سه. شونی بیلیم قۇیش لازمکی، بو جهان نی ترک ایتگن شخص روحی نی شاد ایتە دیگن نرسە، فقط حیات دوریده عملگه آشییرگن کرد و کاری، نیک عمللری و ایزیدن قالدیرگن صالح و دانا فرزندلریدیر، خلاص.

عبدالله کارگر، نیکخوی و خدا پرست انسان ایدی. دیمک، خدا جو و عالی تعلیماتگه ایگە بۆلگن دعا گوی فرزندلری نینگ دعالری، مرحوم کارگرنی جنت الفردوس تامان بیتکله شیکه ایشانچیمیز کامل .

مرحوم کارگرنینگ بیتوک فرزندلریدن بیرى بیكتاش کارگر بۆله دی. بیكتاش جان کارگر بیر نیچه ییلدن بویان ختای مملکتی دارالفنونلریدن بیرى ده، ماسترلیک دورى نی اۆته ماقده. یقینده بی بی سی رادیوسى اۆزبیک دستوری بیرگن خبریگه کۆره او، چین اولکه سیده، یۆلگه قۇیلگن مقاله یازیش بیلله شوویده، بیرینچی اۆزینی کسب ایتدی. مذکور مسابقه گه ۳۰۰ دن آرتیق چیت ایلیک طلبه لر قتنشگن ایدیلر .

بیكتاش جان نینگ بونده ی غلبه سی خوش خبرنی سیزیب فالگن آتە سی نینگ پاک روحی شاد بۇلیشی، طبعی حالدیر.

بیكتاش جان، نقاشلیک صنعتی نی تۇلیق ایگلله ب آلگن. او، یوزدن آرتیق تیموریلر و غزنویلر دوریده گی بویوک سیماسینی نقاشلیک ایتگن . اونینگ نقاشلیک اثرلری بیرنیچه مراتبه، پاکستان، افغانستان، ختای و باشقە مملکتلر ده بۇلیب اۆتگن کۆرکزمه لریده نمایشگه قۇیلگن. او جیدو سپورتی بیلن بیر نیچه ییلدن بیرى شغلله نیب، تورلی مسابقه لرگه قتنه شیب ، نتیجه ده، اۆز حریرلرینی مغلوبیتگه اوچره تگن، انساندیر.

شونی ایتیب اۆتیش کیره ککی، رحمتلی عبدالله کارگر اوشنده یکی تحصیل ساحه سیده اۇغیلیلرگه شرایط یره تیب بیرگنی بیلن بیر قطارده ، قیزلرینی ھم عالی تعلیم گاه لرگه کریشگه، از طی دل سعی حرکت قیلگن.

تھمینە جان کارگر، عبد الله کارگر نینگ قیزلریدن بیرى حسابله نه دی. او، عایله سی نامینی، ابروسینی ارداقلش نیتیده، کابل ده گی «افغان - ترک» اوقو یورتیده تحصیل الماقده. او تُرک تیلی نی آتە تیلی دیک بیلە دی. شو کونلرده او، مذکور اوقو یورتنی تاملە ب، اۆز تحصیلینی ینە ده دوام ایتتیریشگه جزم قیلگن.

مرحوم کارگرنینگ باشقە فزندلری ھم تورلی کالج و دارالفنونلرده تحصیل الماقده.

مین - عبدالله کارگر فرزندلرگه، آتە لری نینگ بیر صمیمی دۇستی و بیغرض اۇرتاقى اوله راق، ایتماقچی منکی:

عزیز جینلریم!

ھر دایم آلینگ ،آلدیرمگ !

بخت - سعادت، اولکن موفقیتلر و آمدلر ھردایم سبزلرگه یار بۇلسین!

قبله گاهینگیز روحینی شاد بۇلیشیگه، ھمدە یاتگن جایلری جنت مکان بۇلیشیگه تیلکداش من .

چقور حرمت بیلن

حاجی داکتر فیض الله ایماق

کانادا مملکتی، تورنتو شهر

باید گفت صدرالدین حافظ، ۱۱۵ سال قبل از امروز، چشم به جهان گشود، پدرش محمد زمان نام داشت. دوستانش او را «حافظ اکه» خطاب میکردند. حافظ اکه، نسبت شوق و علاقه مفراطیکه به جهان موسیقی داشت، به عمر سی سالگی شامل مکتب صنایع مستظرفه گردید و طی دو سال توانست با مشق و ممارست زیاد، موسیقی شش مقام (نوعی از مکتبهای کلاسیسم) را از نزد استادانش صادر خان حافظ و ملا تویچی تاشکندی بیاموزد.

این هنرمند، از دیوان اساتید سخن، ابوالمعانی بیدل، حافظ، طغرل، علیشیرنویسی «فانی»، فضولی، مخفی «زیب النسا»، ایشان هویدا، و املاء بخارایی، اشعار دل انگیزی انتخاب میکرد و این اشعار را با آواز گیرای خود توأم با آهنگ دوتار و سه تار، به خوانش میگرفت و بدین ترتیب شهره شهر گشته بود.

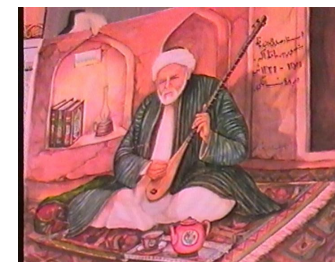
این سرایندهء محبوب، طرز های دوگاه اعلی، سه گاه، سه گاه بزرگ گلیار، سروناز، بیات، شهناز، گریه قزاق، کوچه باغی، دلخروش ساقینامه، نصرالله بزرگ، نوا، عراق، عجم (انواع موسیقی کلاسیک) را، با دوتار خوب می نواخت و اشعاری هم قرار گفته خود ش (سه صد غزل را باین سبک حفظ و تصنیف کرده)، نیکو می خواند و همچنان به سبکهای دلخراش، گریه قزاق، کوچه باغی (یک نوع موسیقی)، نیز بلدیت داشت.

حافظ اکه طی مصاحبه در دوران حیاتش به من گفته بود:

«به سراینده گان و غزلخوانان رادیو افغانستان که از مکتب (کلاسیسم) پیروی میکنند، عقیدت راسخ دارد.»

علت محبوبیت این هنرمند در شهرش این بود که هنرش را در خدمت مردم گمارده بود و عقیده داشت که هنر، برای هنر مفهومی ندارد از اینکه بشر هنر را در زنده گی اجتماعی آموخته، بایست در خدمت مردم قرار دهد.

بنابر این دلیل و فلسفه، استاد، از هنرش پول و مزدی نمی گرفت و به پیشه حقیقانه «پتره گری» اشتغال داشت از این راه قوت لایموت کسب می کرد.



یادی از حافظ اکه، آواز خوان محبوب فرااموش شده خانقایی

شب نوروز سال ۱۳۴۹ بود، هنر دوستان اندخوی، طبق عادت خواستند در این شب خجسته و پُر میمنت، مجلسی از سرور و خوشی برپا کنند و زنگ دل را در آوای نغمه های دوتار و ترانه های دل انگیز خوانندهء معروف دیار خود بزدایند. همان بود که شخصی را به کلبهء هنرمند سابقه دار، فرستادند تا او در مجلس یاران اشتراک کند.

دق الباب شد. صدایی از منزل هنرمند به گوش نرسید، بالاخر، قاصد نعره زد: «حافظ اکه، حافظ اکه...!» ولی جز خاموشی مطلق که سرتاسر اطراف و اکناف را فراگرفته بود چیزی به گوش نمی رسید.

روشنی خفیف چراغ الیکین، در اقامتگاه حافظ اکه، می تابید، این تابش نور، قاصد را وادار گردانید که به نحوی از انحاء خود را به این روشنی برساند، در نتیجه، قاصد از دیوار، خود را به حویلی انداخت و خویشتن را به روشنی رساند، دید که مرد محاسن سپیدی که رختهای ناشسته و نیم شسته به دست داشت، جان به جان آفرین تسلیم کرده است.

مرگ این هنرمند، شبها شب در سرتاسر اندخوی، ولوله انداخت. بامدادان جنازه او توسط مؤظفین شهرداری تکفین و تدفین گردید. دوستداران و یاران مجلس هنری از مرگ این مرد، سرشک حسرت از دیده فرو رختند و به نسبت این ظایعه هنری سوگ گرفتند.

کرده از «فانی» ترنم شعر تر

چامه بر لب، زین سخن پرداز داشت

بیشتر میخواند «ساقینامه» را

حُرمتی بر «حافظ شیراز» داشت

از متاع نغز ارباب سخن

خاطری چون غرفه بزاز داشت

او به سوز سینه روشن مینمود

خلوتش را، نی چراغ و گاز داشت

بهر استقبال ما در حجره اش

از حصیر فقر، پای انداز داشت

گر چه خالی بود جیبش از درم

در میان خلق لیک اعزاز داشت

آستان کس نبوسید از طمع

کز مناعت سر و سر افراز داشت

آوخ این مرد هنر، کاوازه اش

در جهان بیبال و پر، پرواز داشت

دیده بست از دهر، اگر چه ساز عمر

بر کف خنیا گرش بس ناز داشت

از مژه در ماتمش بارید خون

خلق اندوهش چنین ابراز داشت

استاد صدرالدین حافظ مردی بذله گو بود و ظرافت نیکو داشت و دوستان را با صحبت شیرین خویش همواره خنده میداد و پیش از پیش خوش مشرب بود. روز های بازار، دوستان استاد، گروه گروه بد کان او می آمدند، صحبت می کردند، قصه می شنیدند و سخنان و ظرافت های حافظ اکه ورد زبان خاص و عام اندخوی شده بود.

حافظ اکه، نه زنی داشت و نه فرزندی. تنها اثری که از او بما به یادگار ماند، دوتار و خاطرات نیک اوست.

نغمات روح پرور زخمه های دوتار او، آهنگهای دل نوازش، که از حنجره طلایی او بر میخواست، تا ابد در خاطره های دوستدارانش به حیث بهترین ارمغان خواهد ماند.

استاد محمد امین متین اندخویی در ابیات زیرین، تاریخ وفات حافظ اکه و ارادتش را به این هنرمند فقید، چنین بیان نموده است:

این بزرگ استاد آهنگ و نوا

همچو بلبل دلنشین آواز داشت

نبضم از شوق فغانش می تپید

سوز ها در پرده های ساز داشت

از لبش «گلیار» موزون میچکید

آگهی از صوت «سر و ناز» داشت

او نه تنها بود ماهر در «بیات»

قابلیت نیز در «شهباز» داشت

«گریه» اش ذوقی به دلها می فزود

در حقیقت نغمه اش اعجاز داشت



ضیا خواجه منصورى

ضیا خواجه منصورى- افغانستانده خلقلر دؤستلیگی اوچون فعال خدمت قیلگن اوستاد صنعتکارلریدن. او ۱۹۲۰ - نچی ییلده تاشکند شهیریده توغیلدی. باشلنغیچ تعلیمنی توگه تیب، موسیقه کورسینی هم عین شو بیرده توگتدی.

بو کورسده دوتار و سه تار چلیشینی اؤرگندی. ۱۹۲۹-۱۹۳۰ ییللرده، فاریاب، مزارشریف، سؤنقره کابلده عمر کیچیردی.

صنعتکار- افغانستان ده استقامت قیله یاتگن اؤزبیک، ترکمن، تاجیک، پشتو و هزاره لرینگ، اینیقسه، یاشلر نینگ ارداقلی صحبتداشی و صمیمی دؤستی ایدی.

منصورى نینگ افغانستان اؤزبیکلری تیلی و موسیقه سی رواجی اوچون قیلگن خدمتلى غایت اولکن .

او اؤز اؤغیل- قیزلری و نیوره لریدن تشقیری جودده کؤپ ترقی پرور یاش لرنی افغانستانلیک اؤزبیکلرنینگ ادبیاتی، شعریتی، تیلی و موسیقه سیگه محبت روحیده تربیه له دی. او دوتارنی علیحده شوق و ذوق بیلن چلر ایدی. ضیا خواجه اکه چلگن دلنشین اؤزبیک کلاسیک کویلیرى افغانستان رادیوسى آرقه لی هوا موجلریده همیشه جرنگله ماقده.

ضیا خواجه منصورى تامانیدن دو تار ده زؤر مهارت بیلن اجرا ایتیلگن «مناجات»، «دلخراچ»، «تناور»، «بیات»، «ایسکی تناور»، «راحت» و «صوت مسکین» کبی دلریا کویلیر هیچ کیمنی

سال فوتش شدعیان از (جوش غم) «۱۳۴۹»

ز آتش دل، آه گردون تاز داشت

ما - در گذشت این هنرمند را که، ۴۱ سال از وفاتش سپری گردیده است، ظایعه بزرگ هنری دانسته به روان پاکش درود میفرستیم و اجر جمیل و ایمان کامل از بارگاه پروردگار برایش نیاز میکنیم.

منتشره، «اندیشه نو» جنوری سال ۲۰۱۲ تورنتو - کانادا.

«ایماق»



معلمیکه در برابر خدمات ۳۰ ساله اش توانست افتخار مدال رشتین را از مقام اعلیحضرت همایونی بدست بیاورد.

چهل و هفت سال قبل، یعنی سال (۱۳۰۱) محترم ایگمبیردی «نیرومند» در ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب، پایه عرصه حیات گذاشت. اولین گامیکه در آستانه وظیفه معلمی نهاد، در میزان ۱۳۱۹ بعد از فراغت دارالمعلمین مستعجل بود و از آن زمان تاکنون با شوق و صداقت تمام، وظیفه مقدس معلمی را به پیش میبرد.

شاگردان دست پرورده مکاتب چیچکتو، خانچهاریاب، دولت آباد، قورغان، قورمقول، متوسطه نسوان اندخوی و لیسه اندخوی، همه با زبان گویا، از حسن اخلاق و روش نیک این استاد بزرگوار خود به نیکی یاد میکنند.

وی جوانان تعلیم یافته، زیادی در جامعه تقدیم کرده و عده یی از شاگردان او، هم اکنون در خارج و داخل کشور، به تعلیمات عالی می پردازند و همواره، منزلت علمی شانرا از زحمات و رهنمایی های این استاد و سایر اساتید زحمتکش خود میدانند.

محترم نیرومند، بعد از اظهار خاطرات تلخ و شیرین زنده گی خود گفت: «در اصول تدریس امروزی نسبت به سالیان گذشته فرق فاحشی دیده میشود. من و همه معلمین، وظیفه داریم با

لاقید قالدیرمس ایدی و آدملر نینگ زیبا پرستلیک ذوقینی آشیریب، اولر نینگ پاک و نفیس قلبلریگه بیر عالم قوت و مدد بغیشلردی.

کمیته «ایماق» افغانستان رادیوسی محلی پروگراملر اداره سیده ایش له یاتگن پیتیمده ضیا خواجه منصورى نینگ دوتار و سه تار اسبابلری جؤزلیگیده، اجرا ایتیلگن کلاسیک کویلرینی رادیو سندیولریده ضبط ایتتیرگن ایدیم. بو کویلر ادبی ایشیتتیریشلریمیزده دایما فایده له نیب کیلگن. بو کویلر حاضرهم افغانستان رادیو تلویزیونی نینگ موسیقه آرشیفیده سقلنماقده.

ضیا خواجه منصورى جهان گذشته، تینیب - تینچمس، سیر غیرت و فعال انسان ایدی. او افغانستان نینگ دیبرلی همه ولایتلرینی کیزیب چیققن. هندوستان، ایران، ترکیه، سعودی عربستانی، شورالر اتفاقی، آلمانیه و امریکا کبی خارجی مملکتلرده بؤلیب، اؤشه یورتلرده گی خلقلرنی افغانستان نینگ قهرمان، جنگاور، صلحدوست و مهمان نواز خلقی حیاتی بیلن تیشیتیردی. اینیقسه، اؤزبیکستان بیلن افغانستان خلقلری اؤرته سیده گی دؤستلیک و برادرلیک علاقه لرینی یخشیلشده منصورى نینگ خدمتلی کتته.

منصورى صنعتی نی اونینگ فرزندلری باتو منصورى، همایون منصورى و مولوده منصوریلر دوام ایتتیرماقده لر. اونینگ فرزندلری تامانیدن ایتیلگن دلنشین قوشیقلر افغانستانده گی برچه اینی - آغه و برادر ملتر اوچون ذوقبخش و یاقیملی.

مشهور صنعتکار، افغانستانده اؤزبیک موسیقه سی نینگ ترقیاتیکه کتته حصه قوشگن سازنده، اوستاد ضیا خواجه منصورى اوزاق بیتابلیکدن سؤنگ ۱۹۷۹ - نچی ییلده تاشکندده وفات ایتدی. او وفات ایتگن بؤلسه - ده، براق اونینگ صنعتی و خاطره سی صنعت سیورلر قلییده همیشه برحیات.

اؤزبیکستان صنعتی، ژورنالی ۶- نچی سان ۱۹۸۲ - نچی ییل، تاشکند. «ایماق»



هنرمندیکه ۱۷ سال تمام با انگستان هنرمندش بر تار دو تار زخمه زد و دل از دوستداران موسیقی ربود.

او، به آرزوی خود که میخواست آوازش را از موج رادیو افغانستان، به دوستانش برساند، موفق شد.

عبدالغفار کمال، فرزند سید کمال الدین «شوقی» ۳۷ سال قبل یعنی در سال ۱۳۰۹ خورشیدی، در گذر بابا خواجه اندخوی، پا به عرصه حیات گذاشت. بعد از آنکه مکتب ابتدایی آنجا را به پایان رساند، به پیشه پدر خود «بوت دوزی» اشتغال ورزید و بوت دوز لایق شد.

رقصها و آهنگهای محلی اندخوی، کمال را واداشت تا هنر موسیقی را از والد گرامی اش که موسیقی نواز و خواننده معروف زمان خود بود، فرا بگیرد.

کمال به هنرش عشق راستین داشت و با ممارست زیاد، هنرش نضج گرفت و بدین ترتیب علاقمند بیشماری یافت. این هنرمند، سه تار، دوتار و طنبور را استادانه مینوازد.

آواز او گیرا بوده، بر صاحبان هنر موسیقی، روح می بخشد.

کمال، شش مقام «نوع موسیقی کلاسیک» را به کمال رشدش رسانیده، این طرز را خوب میخواند و هم می نوازد. کمال، اشعار زیاد صاحبان سخن چون بیدل، حافظ، امیر علیشیر نوایی، کلیم، صایب، امیر عمر خان و فضولی را حفظ کرده، میخواند.

روحیات شاگردان خود واقف بوده، خواسته های مثبت آنانرا بر آورده سازیم. لت و کوب شاگردان در عصر کنونی کاملاً غلط است. آنچه را که می توان با جبر و پیشانه ترشی بر شاگرد تحمیل کرد، میشود آنرا بالطف خوش و وعده هر گونه مکافات در برابر اخلاق حمیده شان قبولاند. استاد «نیرو مند» اخلاق را نسبت به تعلیم، ترجیح میدهد.

معلم با تجربه لیسۀ اندخوی، اخلاق را نسبت به تعلیم ترجیح داده، به شاگردانش همواره گوشزد میکند که متعلم با اخلاق نزد او نسبت به شاگرد لایق که اخلاق نیک نداشته باشد ممتاز است. و شاگردیکه هم اخلاق دارد و هم لیاقت، به منزله فرزند است که او را «پدر» خطاب میکند.

باید گفت در اکثر روز نامه ها و جراید کشور، نوشته های شاگردان استاد نیرومند، به نظر میرسد. چه او خودش نویسنده چیره دست است و متعلمین خویش را همچنان به نویسنده گی تشویق می نماید.

مقالات ادبی، اجتماعی و انتقادی استاد، از سال ۱۳۲۳ در روز نامه های فاریاب، انیس و اصلاح با تخلص های نیرومند، تلخ و تشنه، اشاعه یافته و داستان های «پیر جوان فکر» و «صدای وجدان» او در پاورقی روز نامه فاریاب بطبع رسیده است.

استاد، بیش از پیش اظهار مسرت دارد که افتخار مدال رشتین را از حضور ذات شهریاری، حاصل نموده است. همچنان وی از مدیریت معارف و مقام ولایت فاریاب، تحسین نامه ها به دست آورده است.

نیرومند، از روز تجلیل روز معلم، اظهار سپاسگزاری نموده علاوه کرد: «برگزاری این روز در حقیقت تجلیل از مقام معلم بوده و علاقه معلمین را در وظیفه شان زیاد تر میسازد».

منتشره نشریه «اخبار عرفانی» وزارت معارف، اول جوزای سال ۱۳۴۸ - کابل



مرحوم سید عمر (گلی)

مريضيكه قدرت راه رفتن نداشته، بيست و سه سال تمام
به سينه ميخوابد و با آنها با انگستان هنرمندش كله پوش
«كلاه وطني» ميدوزد و امرار حيات ميكند.

او بيست و سه سال در خدمت ارتش بود كه نتوانسته است تفنگ به دست گرفته، دو سال دوره عسكري
را بگذراند و به وطن خود خدمت كند.

«شاغلي فيض الله ايماق محصل ژورناليزم با استفاده از رخصتي تابستاني تابستاني
پوهنتون، سفرى به ولايات كرده و عكس ها و راپور هاى جالبى از ولايات كشور تهيه كرده است
كه اينك راپور زير از آن جمله ميباشد.

موصوف مكتوبى به روزنامه انيس وعده داده است كه، در آينده عكسها و مطالب شانرا به
انيس بفرستند.

ما علاقه شاغلي ايماق را به روز نامه مي ستاييم و انتظار همكارى شانرا مي بريم.»

اگر چه تقليد، دشمنترين دشمنان هنر است با آنها آقاى كمال بعضاً كمپوز هاى ديگران
را كاپي ميكند.

اگر چه وضع اقتصادى كمال در هم و برهم است باز هم، هنر خود را در برابر پول عرضه نمى
كند. اينجاست كه محبوبيت اين هنرمند در بين مردم، دو بالا گرديده، علاقمندان آن چون پروانگان
شمع، كمال را از دل و جان دوست ميدارند.

چندى قبل، براى اولين بار آواز اين هنرمند ماهر از طريق راديو افغانستان پخش شد وى
بدين ترتيب به يك آرزوى خود نايل آمد .

كمال به محترم محمد رحيم قاضى زاده اندخويى عقيدت راسخ دارد، چه اين مرد فاضل و
سخن دان بيشتر از پيش، مشوق هنرش گرديده است.

كمال ميگويد:

آواز و آهنگهاى او را خارجيان ثبت كرده، از هنرش تمجيد كرده اند و نيز تحايف و هدايى
زيادى باو بخشيده اند.

وقتيكه از كمال پرسيده شد به چه تعداد، غزل به حافظه اش سپرده، گفت:

«اگر ده شب، در هر شب چهار ساعت متواتر آهنگ بخواند، غزليات حفظ كرده اش تكرر
نخواهد شد.»

كمال به خواننده گان راديو افغانستان كه از مكتب كلاسيسم پيروى ميكند، عقیده دارد.

منتشره روز نامه انيس ، ۲۰ میزان سال ۱۳۴۷ - كابل.

نتیجه یی نرسید و عجیبترا اینکه مرض او تاکنون تشخیص نشده است. گلی بمن گفت: در صورت نشر داستانش در روز نامه، سلام خود را به تمام وطندارانش که از فیض صحت بهره مندند، میرساند.

نوت: قریه بیکه گلی در آن زنده گی میکرد، فعلاً بنام او «گلی» مسمی شده.

روز نامه انیس. شماره (۱۶۴) میزان سال ۱۳۴۷

«ایماق»

[انیس]

چهل و هشت سال قبل در خانواده دهاتی واقع جوی کمانگر شهر قورغان اندخوی، طفلی به دنیا آمد، که نام او را سید عمر گذاشتند. سید عمر که بین اقاربتش به «گلی» مشهور است، هنوز چهار بهار زنده گی را ندیده بود، پدرش، او را با مادر و برادرش گذاشت و از دنیا در گذشت.

گلی، تا ۱۴ سالگی مزدور بود، چوپانی کرد و بالاخر، به شغل دهقانی پرداخت. او اگر چه خرد مینمود، ولی از عهده وظیفه اش خوب بدر میشد. دهقانان و اهل ده همه ازین بجهت زحمتکش، اظهار خوشی میکردند.

گلی ۸ سال تمام دهقان بود. در یکی از روزهای تموز باجسم مملو از عرق، در جای نمناک «زیر پل» خوابید وقتی از خواب بیدار شد، در تمام وجودش درد و کسالت احساس کرد و بزودی بخانه برگشت و به بستر مریضی افتاد. اکنون از آن زمان ۲۳ سال میگذرد.

گلی ۱۰ سال مطلب خود را با مشکلات زیاد و لکنت زبان به مخاطب خود میفهماند - او دایم به سینه خوابیده، چشمانش همواره به طرف بالاست. به پهلو و تخته به پشت نمی تواند بخوابد. وقتی ضرورتی به او پیش آمد، به سینه راه میبرد.

گلی با این وضع رقت بار هنوز کلاه وطنی میدوزد و از بام تاشام در پیشروی دروازه خانه، که راه عبور و مرور مردم است، خوابیده، و کلاهایی را که با انگشتان سحر آمیزش خامک دوزی کرده به عابرین عرضه میدارد و بدین ترتیب امرار حیات میکند.

گلی، مرد متدین است؛ نماز پنجگانه را همواره با تیمم ادا نموده و از خدای خود سپاسگزار است. یگانه رنج او از زنده گی، قرار گفته خودش اینست:

«توانسته است تفنگ به دست بگیرد و دوره مکلفیت را بگذراند و به وطن خود خدمت کند».

او جهت اعاده صحتش، انگور باغی که داشت، فروخت و به تداوی خود پرداخت ولی به

فیض الله نینگ یاشلیگی

اؤز یاشلیکینگیزنی ایسله ب آله سیزمی؟

خیچچه دن کیلگن، قاتمه گینه، خو بیچیم فیض الله دن سؤره یمن.

بیر آز اؤیگه تاله دی. کولیب تورگن یوزیده غمگینلیک پیدا بؤلدی. بیر نرسه سینى یوقاتیپ قویگن کیشیدیک او یاق – بو یاققه نگاهینی یوگورتیردی. سؤنگ، غمگین، سونیق بیر قیافه ده سؤزله ی باشله دی. آدم باله سی نینگ باشی تاشدن هم قتتیق بؤلر ایکن. همه نرسه گه چیدر ایکنسن. یاشلیگیم مینینگ بیر عمرلیک خاطره م. اونى هیچ – هیچ ایسیمدن چیقرالمه یمن...

اونگه بیر پیاله چای اوزه تدیم. چونکه جودده بی ضابطه ایدی. او پیاله دن بیر ایککی چای خویله گن بؤلدیو، ینه حکایه سینى دوام ایتتیردی.

۱۹۴۵ اینچی ییلده فاریاب ولایتی نینگ اندخوی شهری باغبوستان قیشلاغیده تولد تاپگنمن. ییتی یاشگه تؤلر – تۆلمسسمده آته م شاهیمردانقل وفات ایتدیلر. انه م مفتوحه بیزگه هم انه لیک، هم آته لیک وظیفه سینى اؤته دیلر.

نیمه، سیزدن باشقه اکه – اوکه لرینگیز یوقمیدی؟

محمد هاشم، محمد انور دیگن اکه لریم ۴-۵ یاشلریده، چیچک خسته لیگی طفیلی دنیادن اؤتگنلر. هه، بیرگینه محمد الله دیگن اوکم بار ایدی. بو اوکم توغریسیده کیینراق ینه تۆختله میز.

خلص، انه م مینی اوقیتماقچی بؤلدیلر. قیشلاغیمیزده گی قورغان نامیده گی باشلنغیچ مکتبگه اوقیشگه قؤیدیلر. خوددی شو مکتبده اوقیب باشله گن پیتریمده آته م وفات ایتدی. ایسیمده عمه کیلریم حیدرقل و عبدالعزیز انه مگه:

ایل فرزندى

(شرح مختصر)

دیباچه

(مصاحبه ایماق با ژورنالستان اوزبیکستان)

افغانستانده بؤلمه گن، او یورتنی کؤرمه گنمن. لیکن... مینینگ موی سفید، یاشی سکسانلردن آشگن قبله گاهیم بار. بیر آز ایلگه ری، او بیرده قرینداشلری نینگ دعوتیگه موافق افغانستانگه باریب، اوچ آی چمه سی توریب کیلگن ایدیلر.

نیگه بونی ایسله یه پمن؟ چونکه آلدینگی حیاتی بو ذات اؤز کؤزلری بیلن کؤرگنلر. بیزلر ایسه، اولوغ وطن اوریشیدن کیینگی دورلرده دنیاگه کیلمه گنمیز. اتم ایسه، افغانستان نینگ آلدینگی حیاتینى هم اؤز کؤزلری بیلن کؤریب کیلگنلر.

انه شو ایککی دورنی کؤرگن آته م – موسی اؤغلی حبیب الله ارقه لی افغانستان خلقی حیاتینى ایشیتگنمن.

افغانستانده قریب بیش یریم میلیونگه یقین اؤزبیکلر یشه یدی. بو گون اولر اؤز انه تیللریده رادیو، تیلویزیون ایشیتتیریشلرینی تینگله یه پتیلر، جریده- جورنال کتابلرنی مکتبلرده اوقیتیلر. مینینگ موی سفید آته م شونده ی حکایه قیلگن ایدیلر:

«باله لریم، افغانستانده حیات آغیر، بیزنینگ آلدینگی آغیر کونلریمیزنی ایسله ته دی. باى یخشی یشر ایکن، کمبغل بیچاره نینگ احوالیگه وای...»

بیزنینگ شرحیمیز قهرمانی، افغانستانلیک یاش عالم – فیض الله ایماق حیاتی بونگه بیر مثال.

«فیض الله نى مکتبىڭ چىقره مېز، او يخشى سىز لىرگه ياردم قىلسىن»- دىشىدى. انه م ايسه:

«فیض الله نى مکتبىڭ چىقره مېن، اوقىسىن»- دىب توريب آلدیلر. «قىينه لىب قاله سى، احوالىڭىز آغىر»- دىيشدى ينه عمكىلرېم.

«قىيىنلىم هم سىز لىرگه يالبرمه مېن»- دىب توريب آلدیلر. «قنده ى قىلىب باله لىرنگى باقه سن»- دىگنلرېده، ياور چاق (قۇل آسىياسى) تارتىب بۇلسه ده فىض الله نى اوقىته من، دىب قطعى گپىردى انه م. انه م نىنگ ايتگى بۇلدى. اوشه وقتلرده انه م ياور چاق تارتىب اوشبو قۇشيقنى كۇپ ايتىر ايدىلر:

ياورچاق تارته ى دىدىم، تار تامه دىم،

قرنېم نىنگ آچلىگىدن ياتالمه دىم ...

شونده ى قىلىب قىشلاغىمىزده گى مکتبىڭى تامامله دىم. بىز نىنگ مکتب تىرتىپىگه كۇره باشلىغىچ مکتبىڭى بىتيرىشده امتحان تاشىردىك. امتحان نى كابلدىن كىلگن هيات آردى. مېن و ينه ايككى مکتبداشېم غلام حىدر كرىمى و خواجه قل كارگر امتحانلرنى بېش بها گه تاشىردىك.

بىز ينه اوقىشنى دوام ايتتىرىشىمىز ممكن ايدى. شو نىنگ اوچون هم كابلگه كىلدىك... بىزنى بو يىرده گى ابن سىنا نامىده گى اوچ يىللىك اۇرته مکتبگه قبول قىلىشىدى. ياتاقخانه بىلن تا مېنلىشىدى. بىر يىلده بىر مراتبه تعطىل يىتلر قىشلاقه كىلىپ انه منى كۇرىب كىتتىرىم. انه م ايسه، يۇل پولى، كىيم - كىچك تيارله ب بىر ايدى. بولرنى قه يىردن آلدىڭىز؟ دىسم، شىر، ماست، مسكه، مرغ، تخم، زردالو ساتىب تۇپل قۇيدىمده باله م، دىر دىلر. مېن هر گه ل اويگه بارگه نىمده والده م نىنگ زعفران يوزىنى كۇرىب، جودده قىينه لىب قالگه نىنى بىلر ايدىم. شونىنگ اوچون هم «انه، اوقىمه مېن، سىز لىر قىنه لىب قالدىڭىز» دىسم، «يۇق سىن اوقىب بىر كون آدم بۇلسىڭ، مېنىڭ قىيىنلىكلىرىم هېچ نرسه بۇلمه ى قاله دى» - دىردىلر.

انه - باله نىنگ بىر- بىرىگه بۇلگن مېرىنى هېچ نرسه بىلن اۇلچب بۇلمس اىكن. مېنى دىب انه م يازىش، اوقىشنى اۇرگه نىب آلدىلر. مېنگه يازگن خط لرى شعرى مضمونده بۇلىب شونده ى بىتلر بۇلدى:

قلىدیر غاچ بۇلمه ى مېكىن،

درختگه قۇنمه ى مېكىن.

فىض الله اوچون كويه - كويه

ديوانه بۇلمه ى مېكىن ...

بىز ابن سىنا نامىده گى مکتبىڭى تامامله دىك... غلام حىدر كرىمى، خواجه قل كارگر و مېن ينه امتحانلرنى اعلا گه تاشىردىك. مېنى و كارگر نى «دارالمعلمين» يعنى معلملىك مکتبىگه، و كرىمى نى ايسه، تخنىك مکتبىگه قبول قىلىشىدى. بو مکتبده اوچ يىل اوقىدىك. شوندىن كىين مېن نادريه نامىده گى لىسه گه اوقوتوچى قىلىپ تىيىنلدىم. بو يىرده درى ادبىياتىدن درس اۇته باشله دىم. ۱-۲ يىل ايشله گىمىدن سۇنگ كابل اونىورسىتېتىگه كىرىش اوچون حجتلرنى تاشىردىم. امتحانلردن هم اۇتدىم، ادبىيات فاكولته سىگه قبول قىلىشىدى. شو فاكولته ده بىر يىل اوقىگىچ، قابلىتىمىزگه قره ب، ينه بىزنى كىچىك ساحه لىرگه اجره تدى. مېنى ژورنالېستىكه بۇلىمىگه اۇتكىزىشىدى.

عايله وى شرايطىم جودده هم آغىر بۇلگنلىگىدن بىر وقت نىنگ اۇزىده اوقىدىم و بۇش وقتلرى شو دارالفنون نىنگ كىتبخانه سىده ايشلردىم. بوندىن تشقىرى شىخى درس هم اۇتتىرىم. اونىورسىتېتىده اوقىب يورگن يىتلرېم شعرىتگه قىزىقتىم. بعضاً ايسه رىپر تاژ و شرحلر يازىشنى مشق قىلر ايدىم. شو اشتىاق طفلى هم افغانستان رادىوسىده درى و پشتو تىللىرىده «بىز و اولكه مېز» دىگن موضوعىده گى ايشىتتىرىشنى آلىب باره دىگن بۇلدىم. شونىسى قىزىقكه، درى تىللىده دىكتورلىك «نطاقلىك» قىلىپ هم توردىم. اونىورسىتېت نى قچان تو گلله دىڭىز؟

تۇرت يىل اوقىدىم. اونىورسىتېت نى - تامامله شىم بىلناق، ارميه (عسكرلىك) خدمتىگه يوبارىشىدى. بىر يىل خدمت قىلىپ «بىردىن» عنوانى بىلن ذخيره گه قىتتىم.

سۇنگ قه بىرلرده ايشله دىڭىز؟

افغانستان مدنيت مىنىستىرلىگى ولايت مطبوعات بۇلىمىده گزىته - ژورناللر بۇيىچه ايشله دىم. انه شو دورده عالى جرگه گه تورلى ملتىردن و كىلر سە يلىدى. شو و كىلر اۇز انه تىللىرىده رادىو

ایشیتتیریشلری بیریب توریلیشی نی حاکمیتدن سؤره شدی.

عالی جرگه کینگه شینینگ قرارگه کۆره اؤزبیک، ترکمن، بلوچ، پشه یی و نورستانی تیللریده رادیو ایشیتتیریشلری بیریله دیگن بۆلدی. شوندن کیین گینه مینی رادیوگه ایشگه آلیب کیلیشدی و شو پروگرامگه متصدی و امر قیلیب تعینلشدی. بو بیرده هم ایشنی یۆلگه قۇییش آسان بۆلمه دی. چونکه، بو تیللر بۇیچه قابلیتلی، بیلمدان کیشیلر دیبرلی یوق ایدی. انچه - مونچه اورینشلردن سوگ گینه دیکتور «نطاق»، ترجمان ایزلب تاپدی.

مین اؤزبیک تیلی ایشیتتیریشلریگه قتنه شر دیم.

اؤزبیک تیلیده بیریله دیگن ایشیتتیریشلر جودده یخشی یۆلگه قۇیلدی. تیز- تیز کلاسیک ایجادیدن نمونه لر، بخشیلر، شاعرلر مشاعره لرینی تشکیل قیلیب توردی.

قۇشیقچی و موسیقه چیلرنی رادیوگه آلیب چیقدی. افغانستان نینگ اوزاق - یقین ولایتلریده یشاووچیلر بیزگه خط لر یۆلله ب ایشیتتیریشلریمیزدن ممنون ایکنلیکلری نی اظهار قیلدی. شاعرلر و یازوچیلر اؤز اثرلریدن نمونه لر یوباریب توردی. بیزنینگ یوتوغیمیزنی ظاهرشاه عملدارلری، اونینگ یقین کیشیلری کورالمه ی قالدی. شولر و باشقه ایچکی دشمنلر بهتان خط لری یۆلله ب، حکومتگه بیزنی یامانله ی باشله دی. بو آره ده ظاهر شاه پادشاهلیکدن کیتیب، اؤرنیگه محمد داوود تختگه چیقدی. بیر پادشاه نینگ کیتیشی و ایکینجی پادشاه نینگ کیلیشی مملکتده هیچ قندی اؤزگه ریش صادر قیلمه دی. داوود هم اؤز عمکی سی نینگ ترتیبینی سقله ب قالدی.

ایشیتتیریشلر تقدیری نیه بۆلدی؟

بیز اؤز ایشیتتیریشلریمیزده اؤزبیک ترکمن ملت نینگ تاریخده گی و حاضرگی اؤرنی حقیده، حقیقتلرنی خلقیمیزگه ییتکزر ایدیک. بو ایسه، محمد داوود طرفدارلریگه یاقمه دی. اولر «سیزلر کمونیستلر طرفدارلریسیز» - بیزنی قاره له دی. خلق بریبیر اؤزبیک ترکمن تیلیده ایشیتتیریش بیریلیشی طلب قیلدی. شونده اولر باشقه چه یۆل تاپیشدی. «میلی ایشیتتیریشلرنی دوام ایتتیره بیرینگلر، لیکن ادبی پروگراملرده پشتو، دری یازوچیلر و شاعرلری ایجادیدن نمونه لر

بیریب بارینگلر. کنسرتلر هم شو تیللرده بیریلسین» - دیشدی. بیز شونده ی هم قیلدی. بیراق بو ایشیتتیریشلریمیز پادشاه گه یاقمه دی. اول و قتینچه، سؤنگ ایسه بوتونله ی پروگرامیمیزنی تۆخته تیب قۇییشدی. مین ایسه رادیو نینگ تربیوی پروگراملر «روزنه» اداره سیده ایشله ی باشله دیم. ثور انقلابی دن کیین محلی ایشیتتیریشلر کینگه یتریلگن حالده باشلندی. اؤزبیکچه و ترکمنچه دستوری نینگ هر بیر ساعتدن و باشقه لری ایسه، یریم ساعتدن ایفیرگه اوزه تیله باشله دی.

فیض الله ایماق بیلن صحبتیمیز دوام ایته دی.

جان و دلنی عاقبت یۆلینگده قربان ایله دیم

کۆز یاشیمنی سربسر، بگریم کبی قان ایله دیم

نالہ ی زاریم مینی، بارور فلک لر قاشیگه

لیک ایشیتمه یسن جفاجو شونچه افغان ایله دیم

استخوانیمدن قلم ایله ب، یوره ک قانی بیلن

عرض حالیمنی یازیب تقدیم سلطان ایله دیم...

بو مصرعلر فیض الله نینگ ایجادیدن نمونه. بو غزلی شونده ی معیارگه کیلتیریب، وزن و جمله لرنی دانه- دانه قیلیب اؤقیدیکه، ایشیتگن قیللرنی لرزه گه سالدی. مین شاعر هم ، نطق هم ایسمن. اما، سطرلر آهنگی، کوچلی . اونینگ دردی سبزیلیب توره دی. نیگه؟ نیه اوچون؟

مشقتلی حیات یۆلرینی فیض الله اؤز کۆزی بیلن کۆریب، آچ - نههار اؤلگن آدملرنینگ گواهی بۆلگن او . درد و الم سطرلر گه کۆچگن...

۱۹۷۸- ییلی مینی محلی پروگراملر رادیو سیگه ایشگه دعوت قیلیشدی. باشیم آسمانگه ییتگنده ی بۆلدی. اؤزبیک پروگرامی، همده ترکمن و باشقه محلی پروگراملر قیته دن باشلندی. دستله ب پروگراملر مدیری، پروگراملر ایشیتتیریش بۆلیمی باشلیغی نینگ معاونی وظیفه لریده ایشله دیم. کیین باش محررلیک ، بیر وقت نینگ اؤزیده ایسه نطقلیک هم قیلدی.

۱۹۵۵ ییل. بیز اوچون اینگ آغیر ییل بۆلدى. اندخوی آسمانى نینگ بولوتلری قباغینی سالگن کون. هلی هنوز کیچه کیده ی ایسیمده. قربان عیدیکه همه تیارگرلیک کۆرماقده. عرفه آقشامی. بو کون - همه تیریکلر اویدده بۆلیشى کیره ک. اۆتکن - کیتگنلر یاد ایتله دیگن کون حسابلنه دی، بو کون.

بیز یاش ایدیک. آته م اوچ - تورت کون اویدده یۇق ایدی. آنه مدن «آته م قه بیرده؟» - دیب سورده یمن. آنه م ایسه «أولگه کیتگنلر» - دیب بیزنی اۆته دیلر.

... غیره - شیره پیت ایدی. آته م زولانه سی بیلن حولیکه کیریپ کیلدیلر. چاپقيله ب اوکه م و مین آته مگه تشلندیک. رنگلری بیر حالده بۆلسه ده، بیزنی بغریگه باسیب یوزلریمیزدن اوپه باشله دیلر. آنه م حولی ایته کیده سیگیر ساغه یاتگن ایکنلر. آته مینگ اوازینی ایشیتیب یوگوریپ کیلدیلر. آته م بیلن سۆره شدی. آته م ایسه تیش تیمیرچی اوسته نی ایتیب کیلیشى نی آنه مگه ایتدی. تیمیرچی کیلیپ آته م نینگ زولانه سینى (زولی - ایاق کیشه نی) آچدی. شو کیچه آته م اویدده تونه دیلر. ایرته بیلن ینه تیمیرچی اوسته کیلیپ، کیشن نی آته مینگ آیاغیکه سالیب قۆیدی. آته م ینه اویدن چیقیب کیتدیلر. عید هم اۆتدی. بو آره ده آته م ینه اویکه قه یتیب کیلدیلر. ایندی آته مینگ آیاغیده کیشه نی یۇق ایدی. یاشلیکده گى بیلگه نینگ تاشگه ، کتته لیکده ایسه، سوو گه یازيله دی دیگه نی راست ایکن. اۆشه ییللرده گى واقعه لر مییه مده قتتیق اۆرنه شیب قالگن ایکن. همه سی آلدیمده تورگنده ی. خوددی اۆشه کونلر نینگ بیرى ایدی. آته م کۆچه دن شاشیلیپ کیلدیو، آنه مگه «تیز جای سالیپ بیمارگه اۆخشه ب یات» دیدیلر. آنه م ایندی جای قیلیپ یاتگن هم ایدی، بیر افغان داکتری حولیمیزگه کیریپ کیلدى. آته م اونگه آنه منى کۆر ستدی. سۆنگ دیوارده آسینلیق تورگن بساطیمیز - کتته افغان گیلامینی (قالین) آلیپ اۆره دیلر. یخشيله ب باغله ب داکترگه بیردیلر. بو واقعه لر کۆز اۆنگیمده صادر بۆلگن بۆلسه ده، اونینگ ماهیتینی بیلمسدیم. اما ... آره گه ساووقلیک توشدی. کۆپ هم اۆتمسدن آته م عالمدن اۆتدیلر. بیز یالغیز قالدیک...

آته م واقعه سینى اونیورسیتیتی نی تاممله گن ییلیم آنه م حکایه نی قیلیپ بیردیلر. کولیب، - دیدیلر بیر کون آنه م. آتنگ «جای سالیپ یاتگین» - دیگنده مین یاتدیم. سین بۆلسه

مینی کۆریپ «نیگه یاتیسیز؟» - دیب سۆره دینگ. مین «جیمگین» دیسم، سین قولاق سالمه یسن. یاش باله ایدینگده، هیچ نرسه دن خبرینگ یۇق ایدیده. اۆشه پیتلرده آتنگ بیر نیچه بار اۆزبیکستانگه تجارت اوچون باریب کیلگن ایدی. او بیرده گى اۆزبیکلر حیاتینی بو بیرده گى لرگه ایتگن ایکن. بونی ایسه، پادشاه قیلبده گیلر ایشیتیب، عملدارلرگه یتکزگن. آته نگی قیزیلر یعنی ساویت اتفافی نینگ جاسوسی صفتیده عیبه ب قمه شگن ایکن همده اونى عایله سی بیلن بیرگه، چقمه - چقور «چخانسور» ولایتیکه سورگین قیلیشگه قرار چیققن ایکن. شونده، آته نگ ایسه «حاضرچه عیالیم آغیر کسل، ساغه ییب کیتگندن سۆنگ کیتته میز» - دیگن بهانه بیلن مینی داکترگه کۆرستدی و آخری قالینچه بیریب قوتیلدی. اما قماقده بیچاره نی کۆپ اورگن، قیینه گن ایکن. حقیقت نی ایتنه من دیب، بیچاره قیینه لیپ اۆلیپ کیتدی. آته لرینگ جودده هم آق کونگل حلال انسان ایدی، دیدیلر آنه م.

دردیم بلند. آته دن یتیم قالدیک. مینینگ حیاتیم قیینچیلیکلرگه «باى» بۆلدى. اوقیدیم، سوادخوان بۆلدیم. اما، اوکه م محمد الله آنه مگه کومکشدی. مینگه اوقیش اوچون یاردم قیلدی. مال باقدی، اوراق اۆردی. اولغه یگنده اونى ارمیه «عسکرلیک» گه آلدی. خدمتدن بۆشه تیشمه دی. او نجارلیک کسبینی ایگلله دی. افغانستان فنلر اکه دیمیه سی نینگ «چارصد بستر» شفاخانه سیده ایشلر ایدی. شرایط نهایتده آغیر. قیش آیلىرى نینگ بیریده تاش کومیر گازیدن وفات ایتدی. کابلدن اوکه م نینگ جسدى نی اندخویگه - آنه م آلدیکه آلیپ کیلدیم. باشیمیزگه آغیر مصیبت توشدی. آنه م داد سالیپ ییغله دیلر. مین آنه م نینگ یالغیز فرزندى بۆلیپ قالدیم.

فن فدایی سی

اۆزبیکستان حقیده کۆپ ایشیتگن من. سواد خوان بۆلگه نیمدن کیین اۆزبیکستانگه عاید کۆپله ب کتابلرنی اوقیدیم. «آیدین» گزیتته سی بیلیملریم قاموسی بۆلدى. اونینگ صفحه لریدن اۆزبیکستان ینگیلیکلری نی اۇقیپ بارر دیم. لیکن شو بیلن بیرگه جمهوریت رادیو سی نینگ «وطنداش» ایشیتتیریشلرینی هم منتظم ایشیتیشگه حرکت قیلردیم. ۱۹۷۹ ییل که «وطنداش» نینگ «اۆزبیکستان حقیده نیمه لرنی بیلله سیز؟» سیرتقی مسابقه سیده قتنه شیب بیرینچی اۆریننی ایگلله دیم. ۱۹۸۰ ییلی بو نشریات نینگ رسمی دعوتیکه کۆره اۆزبیکستانده میهمان بۆلدیم. مینگ بار ایشیتگندن کۆره، بیر بار کۆرگن افضل دیگنلری راست ایکن. بو بیرده گى آدملر حیاتیده،

اولم بار علمی ایشیمگه اونیورسیتیت پروفیسری، محمد نادر سعیدوف رهبرلیک قیلدی. مین «افغانستانلیک اؤزبیکلرنینگ خلق قوشیقلری» دیکن موضوع اوستیده تدقیقات ایشلری آلیب باردیم. بو باره ده افغانستانده یشه یاتکن اؤزبیکلر آره سیده کۆپله ب بۆلیب، خلق قوشیقلرینی تۆپله دیم. بولر اساسیده بیر قنچه علمی مقاله لر اعلان قیلدیردیم. ۱۹۸۰ – اینچی ییلده کابلده اؤزبیک تیلیده، درى ترجمه سى بیلن بیرگه لیکده، «خلق در دانه لری» دیب ناملنگن کتابیم چیقدی. اوشبو کتابنی کینگه یتیریلگن حالده اؤن باسمه کاغذ ده «خلق دردانه لری» نامی بیلن تاشکیئتده گی غفور غلام نامیده گی ادبیات و صنعت نشریاتیده ۱۹۸۶ – اینچی ییل چاپ ایتیلدی. بو کتاب افغانستان جمهوریتی نینگ «خوشحال خان ختک» ناملی مکافاتیکه سزاوار بؤلگن. اسپیرانتوره ده بؤلگه نیمده، اؤزبیکستان رادیو تلویزیونی، گزیتته و مجله لریده قتنشه شیب توردیم. کۆپ گینه مقاله لریم اؤزبیک همده روس تیللریده مطبوعاتده اعلان قیلیندی. شونینگ دیک روس یازوچیلری ماکسیم گورکی و و. شکایف نینگ «پادو» و «شربت توس» ناملی داستانلرینی اؤزبیک تیلیندن، درى تیلیگه ترجمه قیلدیم.

تورموش طرزى افسانوى «باغ ایره مگه» اؤخشب کیتدی. شو شو اؤزبیکستان نینگ اشفته سى بۆلیب قالدیم. بختیمدن اؤزگله یکه، مینی ۱۹۸۲ – اینچی ییلده تاشکیئتگه بیر ییللیک اؤقیشگه یوباریشدی. مین لنین (حاضرچه اولوغییک) نامیده گی تاشکیئت دولت دارالفنونى نینگ ژورنالیستیک فاکولته سى «رادیو – تلویزیون» شعبه سیده تدقیقاتچیلیک ایشینی باشله دیم. بو علم در گاهیده مینگگه فیلولوجی فنلری نامزدی، داتسینت انور کریموف یقیندن یاردم بیردی. مینی نشریاتلر بیلن باغله دی. کۆپله ب مقاله لریمنی اؤزبیکستان نینگ مطبوعاتیده اعلان قیلدیردی. تاشکیئت دولت اونیورسیتیتیده «افغانستان مطبوعاتی» دیکن موضوعده کۆرکزه تشکیل قیلدیم. بو کۆرکزه نی طلبه لر هم، پروفیسور و اوقوتوچیلر هم کۆریب، یخشی فکرلرینی مطبوعات آرقه لی بیلدیریشدی.

بو مینینگ دولتیم، خلقیمگه، مینگگه حرمت رمزی بۆلدى. بو وقتلرده اونیورسیتیت نینگ شرق فاکولته سیده درى تیلی و ادبیاتیدن هم درس اؤتدیم.

اؤزبیکستانده میندی کمبغل نینگ فرزندیکه کتته اعتبار قیلیندی. همیشه، همه جایده یاردم کۆرستیدیلر، مصلحتلرینی دریغ توتیشمسدی. بختیم اچیلیب، بۆلیم روان بۆلدى. بو امدیم کولیب باققه نی بۆلدى.

۱۹۸۳ – ییلی تاشکیئت دولت اونیورسیتیتی فیلولوجی فاکولته سى فولکلور شعبه سیگه اسپیرانتوره گه قبول قیلیندیم.

سيز خلق آغزه کی ایجادیگه قیزیقنسیزمی؟

نیگه بو ساحه گه یؤل آلدینگیز؟ هه، یاشلیگیمدن اؤزبیک خلق داستانلرینی کۆپ تیگله گنم. کینچه لیک ایسه، بو باره ده ایشیتنگلریمنی دفترلرگه توشیریپ یوردیم. لیکن فن دوکتوری بۆله من دیب هیچ هم اؤیله گن ایمسدیم. بخت دیگه نی غاییدن کیلمس ایکن. مشقتلی محنت البتته هر بیر انسانگه بخت یره ترکن. بونی حیاتییم یولی کۆرسه تیب توریددی.

قنده ی موضوعده ایش آلیب باردینگیز؟

تدقیقات ثمره سى نیمه لردن عبارت بۆلدى؟

آخري سۆز

دۆستلىك رشتە لرى باغلندى. افغانستان - اۆزبېكىستان، بىر كتتە دريا نىگ ايكي ساحلده جايلاشكن يورت. جېحون نىنگ سووينى بىزهم، اولر هم ايچه دى. بىز تىنچ يششنى ايسته يمىز. يان قۇشنىمىز بۇلگن افغانستانلىكلر هم آسايشتە ليك ايسته دى. دىمك، ياش عالم دوكتور فيض الله ايماق شو ايكي يورت وكىلى. او بار بىلىمى تىنچلىك يۇلده، خلق معمور چىلىگى يۇلده صرفله دى.

مىن تىنچلىك فرزندى بۇلىب قاليشنى خواهله يمن. دۆستلىك رشتە لرى مېنىنگ قانىمدن فرزند لرىمگه اۆتە دى. مىن خلق فرزندى بۇلىب قالدە من. شو ايزگو- نيت يۇلده يشە ب، ايشله بويرە من، دىدى آخري سۆزىنى يكونلر ايكن فيض الله ايماق.

حميد حبيب الله يف،

اۆزبېكىستان ژورناللىستلر اويوشمه سى اعضاسى،

سعید الله مؤمنوف،

«أيدىن» گزىتە سى خبرنگارى

تاشكىنت شەر، اۆزبېكىستان رىسپوبلىكە سى

(۱۹۸۶ - انچى يىل)

نتیجه

باغبان نيت قىلىب مېوه لى كۆچت ايكه دى. تون و كون، قىشبن - يازبن اونى پرورىشلە ب، حاصلگه كىرىتە دى. مېوه سىنى قاقىب كۆرگندن سۆنگ، قىلىنگن محنت نىنگ نتيجه سى بهرمند بۇلىب سوپونه دى. فيض الله ايماق هم اوزاق بىللىك محنتىگه يقينده يكون يسه دى.

اۆزبېكىستان فنلر اكه دىميه سى پوشكىن ناميده گى تىل و ادبيات اينستىتوتى نىنگ كىنگه يتىرىلگن علمى ساويتىده دىسرتىتسىبه حمايه قىلدى. اونىنگ علمى ايشىگه اۆزبېكىستانده خدمت كۆرستگن فن اربابى، فيلو لوجى فنلرى دوكتورى، پروفيسور نتن مله يف، عبدالقادر هييت محمودوف، محمد يعقوب قۇشجانوف، عزت سلطان، بهادر سرىمساقوف، توردى ميرزايف لر كتتە بها بىرىشىدى.

تدقيقات نتيجه سى يامان بۆلمه دى. بىر اوازندن فيض الله ايماقه - فيلولوجى فنلرى نامزدى (دوكتورى) دىگن علمى عنوان بىرىلدى.

افغانستانده يشە ياتگن اۆزبېكلردن فيض الله ايماق بىرىنچىلردن بۇلىب فولكلور ساحه سىده، عالملىك عنوانىگه مىسر بۇلدى، دىدى پرورد سۆزگه چىققن پروفيسر عبدالقادر هييت متوف. دىمك، فيض الله ايماق بىرىنچى قلدیرغاچلردن بۇلدى. اونى القىشلە سىك ارزىدى.

مىن - دىدى دوكتور فيض الله ايماق، اۆزبېكىستاندن، تاشكىنت نىگ عالملىرىدن منتدارمن. بو بىرده علمى ايشىم اوچون برچه قۇله يلىكلر يره تىب بىرىلدى. غايله م بىلن تاشكىنتده يشە ب توريىمن. حاضرچه «رادوگه» نشرياتىده ترجمان بۇلىب ايشله يىمن. بو نشريات مىنگه تاشكىنت نىنگ اينگ گوزە ل چىلانزار دهه سىده اوچ خانه لى اوى بىرىشىدى. عمر يۇلداشىم انابت ايماق تاشكىنت دارالفنونى نىنگ ژورناللىستىك فاكولته سىده تعليم آلبه پتى. فرزندلرىم - يىلدا، محمد بابر تاشكىنتده گى ۱۸۸ - اينچى مکتبه اوقىشىيتى. كىچىك اوغلىم عىشىر تاشكىنتده تولد تاپدى. بىر سۆز بىلن ايتگه نىمده اۆزبېكىستان مىنىنگ ابكىنچى يورتىم بۇلىب قالدى. اونىنگ مهربان، مېهماندۇست خلقىدن بىر عمر قرضدارمن. بو بىرده آلگن بىلىملىرىمنى وطنىمگه بارگچ، خلقىم نىنگ بخت - سعادتى يۇلده صرفله يمن دىب ايشانچ بىلدىره من.

وقتی جناب داکتر ایماق محصل دانشکده ادبیات بود، رشته ژورنالیزم او را به طرف خود جذب نمود و علاقه زیاد او باعث آن شد که ژورنالیست شود و چنانچه از همان آغاز تحصیل در دانشگاه تاکنون رشته خویش را تعقیب کرده و در همان مسلک ایفای وظیفه مینماید.

داکتر ایماق یک مرد با مطالعه بوده و یکی از دوستان واقعی او کتاب است. و از همین جاست که دوستانش او را اهل کتاب و مطالعه لقب داده اند. فارسی دری و ترکی اوزبکی را به صورت فوق العاده می نویسد و به هر دو زبان شعر دارد.

جناب ایماق چندین کتاب و مقالات متعدد را در رشته فولکلور و ادبیات عامیانه نوشته و آنرا به زیور طبع آراسته است. «خلق دردانه لری» (گفتار دل انگیز از صفحات شمال کشور) و غیره از نمونه های تألیفات ایشان به شمار می رود. این کتاب در سال ۱۳۵۵ مستحق جایزه، مطبوعاتی به نام «خوشحال خان ختک» مفتخر شد.

جناب داکتر ایماق یک نطق ورزیده زبان اوزبکی و فارسی دری می باشد. وی از سالیان زیادی به اینطرف نطق تورکی اوزبکی در رادیو افغانستان و نطق زبان دری در رادیوی جمهوری اوزبیکستان می باشد. وهم اکنون در شهر تاشکند گوینده و آمر پروگرامهای زبان دری است.

او زبانهای ترکمنی، اوزبکی، انگلیسی، ترکی استانبولی، دری، پشتو و روسی را میداند.

برای اینکه زندگینامه این دانشمند وطن را بهتر به خواننده گان معرفی کرده باشیم، خلاصه مصاحبه تیلیفونی خود را اینگ برشته تحریر میکشیم:

داکتر فیض الله ایماق فرزند روان شاد شاهیمردانقل خان در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در باغبوستان شهر قورغان اندخوی ولایت فاریاب افغانستان در یک خانواده زحمتکش نجیب، پا به عرصه جهان گذاشته و زبانهای ترکمنی و اوزبکی را در محیط خانواده اش می آموزد، وی از ملیت ترک اوزبیک میباشد.

داکتر فیض الله ایماق مکتب ابتداییه را در مکتب قورغان اندخوی به اتمام رسانیده، زبانهای دری و پشتو را با علاقه فراوان به خوبی آموخت. وی نظر به نتایج امتحانات برای دوره تحصیلات بالاتر به کابل فرستاده شد.



مصاحبه محمد اکبر اندخویی

با داکتر فیض الله ایماق

شناسایی بایک شخصیت

مطبوعات وطن

خواننده گان عزیز شاید نام داکتر فیض الله ایماق را صد بار از زبان رادیو افغانستان شنیده باشند. ژورنالیست، ادیب و دانشمند وطن داکتر ایماق زمانیکه متعلم مکتب متوسطه ابن سینای کابل، مشغول درس خواندن بود، در فعالیت های ماورای درس مکتب، خاصاً در کنفرانسها حصه میگرفت، گاهی تنها اشعار نغز و دلکش خود را به سامعین میخواند و گاهی هم مقالات پر محتوا را به پیشگاه اعضای کنفرانس و مستمعین عرضه میکرد و بارها ریاست کنفرانس های مکتب متوسطه ابن سینا و دارالمعلمین کابل را در زمان شاگردی خویش به دست میگرفت.

آقای داکتر ایماق شخصیت بسیار خلیق و اجتماعی می باشد، رفتار و کردار شان به مانند دانشمند و آموزگار است. او زمانیکه متعلم دارالمعلمین کابل بود، همه جوانان همدوره او، وی را به نگاه قدر و احترام میدیدند، استادانش به خاطر اینکه به علوم ادبی و اجتماعی از شاگردان برازنده بود، با وی الفت و محبت داشتند.

متوسطه را در مکتب ابن سینا و لیسه را به دارالمعلمین کابل تمام نمود و بعد از یک سال اجرای وظیفه معلمی در لیسه نادریه کابل باسپری نمودن امتحان کانکور شامل فاکولته زبان و ادبیات دانشگاه کابل گردید.

در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی از رشته ژورنالیزم فاکولته ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل فارغ و به حیث آمر و متکفل و مسوول پروگرامهای اوزبیک، ترکمنی، بلوچی، پشه یی و نورستانی رادیو افغانستان مقرر گردید. در سال ۱۳۵۳ خورشیدی با ازبین رفتن پروگرامهای محلی بحیث مدیر برنامه های تربیتی اداره روزنه رادیو افغانستان مقرر گردید.

چند سال بعد، با آغاز دوباره نشرات محلی به زبانهای ملیت های برادر، بحیث نطق کار آموده و پذیرفته شده و مدیر پروگرامهای اوزبیک رادیو افغانستان مقرر گردیده، بعد از دو سال به حیث مدیر عمومی پروگرامهای محلی انتخاب شد. آقای ایماق بیش از یکهزار آهنگهای محلی از جمله اوزبیک و ترکمنی خواننده گان کشور را در رادیو ثبت کرده، آرشیف موسیقی رادیو افغانستان را غنی ساخت. او به رونق برنامه های محلی به خصوص «اوزبیک» بیش از پیش تلاش ورزیده، بدین مناسبت در سال ۱۳۵۱ تقدیرنامه از مقام وزارت اطلاعات و کلتور وقت به دست آورد.

داکتر فیض الله «نهال» ایماق بنیانگزار برنامه های محلی و اولین نطق ترکی اوزبیک در رادیو افغانستان است. وی در آغاز برنامه های محلی، سال (۱۳۵۰) نطقان پروگرامهای اوزبیک، ترکمنی، بلوچی، پشه یی و نورستانی را به رادیو جلب کرد و با ایشان قرارداد همکاری بست.

همچنان وی همواره مقالات علمی و تحقیقی اش را جهت تنویر افکار جامعه مان به مطبوعات میفرستاد. چنانچه نام این نویسنده گرانقدر در این اخبار و مجلات متجلی میگردد:

مجله ادب فاکولته زبان و ادبیات و علم بشری، انیس، ژوندون، عرفان، آواز، ملیتهای برادر و اکثر روزنامه های ولایات کشور. آقای ایماق بیش از همه به انکشاف و احیای زبان ترکی اوزبیک مصدر خدمات شایسته گردیده است. همچنان نمونه های اشعار ایماق به زبانهای دری و اوزبیک در جراید مختلفه وطن و جمهوری اوزبیکستان به زیور طبع آراسته شده است. در سال ۱۳۵۹ کتاب «دردانه های خلق» که محصول زحمات ۳۰ ساله اوست که ازبین توده های اوزبیک زبان

افغانستان جمع آوری کرده بود با ترجمه دری آن از طرف وزارت اطلاعات و کلتور به چاپ رسید. در این کتاب دوبیتی ها، داستانها، افسانه ها، چیستانها، ضرب المثلهای سرود های اطفال و غیره ادبیات شفاهی مردم اوزبیک زبان افغانستان جاگزین شده است.

آثار غیر مطبوع او که آماده ی چاپ اند:

- ۱- قاموس کوچک اوزبیک به دری و پشتو
- ۲- زنده گینامه شعرای معاصر اوزبیک زبان افغانستان
- ۳- رسم و رواجهای مردم اوزبیک زبان افغانستان
- ۴- موسیقی معاصر اوزبیک های افغانستان حاوی زنده گی نامه هنرمندان و نوازنده گان معاصر و کارنامه های هنری آنها.
- ۵- «خلق دردانه لری» داستان گور اوغلی.

محترم ایماق بعد از ایفای وظیفه به حیث مدیر عمومی پروگرامهای محلی، استفاده از یک بورس تحصیلی اسپیرانتوری در سال ۱۳۶۱ وارد تاشکند پایتخت اوزبیکستان شده به نوشتن رساله علمی اش تحت عنوان «سرود های شفاهی اوزبیکان افغانستان» تحت رهبری پروفیسر محمد نادر خان سعید اوف استاد فاکولته زبان و ادبیات اوزبیک دارالفنون به نام «اولوغبیک» تاشکند پرداخت و در سال ۱۳۶۵ از دیپلوم دوکتورای خویش دفاع کرد.

محترم ایماق در دوران اقامتش در تاشکند این کار های فرهنگی را انجام داده است:

- ۱- سه سال به حیث ترجمان زبان دری در مؤسسه نشراتی رادوگای تاشکند ایفای وظیفه نموده دو کتاب بزرگ داستان را از اوزبیک به دری ترجمه کرد.
- ۲- کتاب «دردانه های خلق» را بعد از تجدید نظر در مؤسسه نشراتی غفور غلام تاشکند به خط کریل به طبع رسانید. (به تیراژ ده هزار جلد)
- ۳- زبان و ادبیات دری را به محصلان افغانستان شناسی انستیتوت شرق شناسی تاشکند تدریس،

آقای ایماق در پهلوی کار نطافی، ترجمانی و تهیه و ترتیب برنامه های رادیویی، از ثور سال ۱۳۷۷ بنابر منظوری مقام محترم وزارت امور خارجه دولت اسلامی افغانستان به حیث اتشه فرهنگی در سفارت افغانی مقیم تاشکند ایفای وظیفه نموده، البته در کار و وظیفه خویش موفق و کامیاب می باشد.

ما در حالیکه به پیشرفت های فرهنگی این دانشمند عزیز و گرامی دعا میکنیم، آرزو مندیم که خداوند توانا آنها را قوت بیشتر نصیب نماید تا بیش از پیش مصدر خدمات به مردم بلا کشیده و جفا دیده مان شوند.

اقتباس:

از شماره سوم و چهارم ماه اکتوبر سال ۱۹۹۹ میلادی مجله «پیمان» منتشره شهر نیو یارک اضلاع متحده آمریکا.

و برای شاگردان ممد درسی آماده کرد..

۴- بیش از «۵۰» بار در کنفرانس های محصلان پوهنتون تاشکند بیانیه داده است.

۵- مقاله های علمی و تحقیقی اش در روزنامه ها و مجلات و رادیو تلویزیون اوزبیکستان اشاعه یافته، در ماه مارچ سال ۱۹۸۶ از مجله وزین «گلستان» به خاطر اینکه مقاله های مفید و زیادش در این مجله به طبع رسیده بود، مستحق تقدیر نامه گردید.

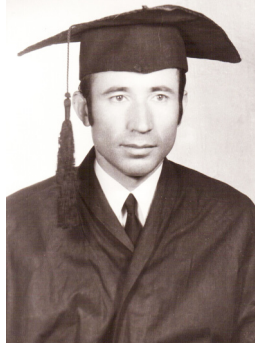
۶- از اداره نشرات خارجی رادیو تلویزیون ملی جمهوری اوزبیکستان تقدیرنامه های زیاد و مکافات پولی دریافت نموده است.

۷- در جریده آیدین که «به خط فارسی برای اوزبیکان خارج اوزبیکستان چاپ میشد» به صفت محرر ایفای وظیفه کرده است.

۸- با «اوزبیک فلم» همکاری داشته ۲۰ فلم هنری و اخباری را به دری و اوزبیکی ترجمه و دوبلاژ نموده است.

داکتر ایماق بعد از دفاع از رساله علمی دوکتورای خویش به وطن برگشته، در رادیو افغانستان، ایفای وظیفه نموده، در سال ۱۹۹۱م. بنابر خرابی وضعیت سیاسی، دوباره به اوزبیکستان هجرت کرده، به حیث نطاق پروگرامهای دری رادیو تاشکند صاحب وظیفه گردید و به خاطر اینکه وی یک شخصیت دانشمند و باتجربه و صاحب صداقت است تاکنون وی را در این وظیفه نگهداشته اند.

یکی از علل پیشرفت های فرهنگی جناب داکتر ایماق البته لیاقت و پشتکار و مطالعه شان باشد اما در کنار آن، وی با دوشیزه دانشمند و فهمیده ازدواج نموده که دایم پیشرفت را به وی آماده ساخته است. این خانم قبلاً به حیث نطاق پروگرام اوزبیکی رادیو افغانستان ایفای وظیفه میکرد، هم اکنون دوش به دوش شوهرش در رادیو تاشکند به حیث نطاق دری کار نموده، مشغول فعالیت های فرهنگی میباشد. این جفت فرهنگیان، فرزندان خود را نیز چون خود تربیه نموده، فعلاً، دختر شان نیز پهلوی والدین به حیث نطاق دری رادیو تاشکند ایفای وظیفه می نماید. (فعلاً ایماق با فامیلش در کشور کانادا حیات به سر می برد)



فيض الله ايماق، دپلومنى قبول قىلىپ آيش لبا سیده

ايككى آى اوتر-اؤتمس، اوشه بيت نينگ مذکور وزارت وزيرى محترم محمد ابراهيم عباسى جنابلى بويور يغه گه كؤره، او، راديو ايشلريده ملکه لى تجربه گه مالک بؤلگه نى باعث، افغانستان راديو سى محلى برنامه لر (اؤزبىكى، تورکمنى، بلوچى، پشه يى، نورستانى) گه اساس سالىش مقصدیده، راديوگه يوبارىلدى. ايماق، دستله ب، وزيرلىک تامانىدن راديو نينگ محلى دستورلر آمرى - رسمى جوابگويى صفتیده تعيينله نيب، بيشه له پروگرام اعضالرينى كابل اوقويورتیده تحصيل كؤره ديگن طلبه لر، همده، تورلى ولايتلرده انه تيللريده يازيش-چيزيش نى بيله ديگن كدرلرنى اؤز اطرافىگه جمعه ب، اولر ياردمیده، ۱۳۵۰-انچى يىل، ميزان آبي نينگ ۱۰-نچى سیده ناملى يوقاریده تيلگه آلىنگن پروگراملرنى افغانستان راديو سى چوكاتیده باشله ب يوباردى. شونى ايتيب اؤتيش كبره ككه، محلى دستورلر اعضالرى نينگ رسمى وظيفه لرى كابل دارالفنونیده يا كه دولت نينگ باشقه اداره لريده بؤلگه نى سببلى، او لرگه راديو تامانىدن ايش حقى «حق الزحمه» توله نر ايدى. محلى پروگراملر ده، فقط ايماق رسمى شكلده ايشلر ايدى و باشقه همكارلر ايسه «اجير» ايديلر، خلاص.

ايماق نى محلى پروگراملر اساسچيسى و مسوولى ديسك تۇغرى كيله دى.

ديمك، «اساسچى» سؤزى، اوشه بيت اطلاعات و كلتور وزيرى محترم محمد ابراهيم عباسى جناب لرى نينگ، افغانستان راديو سى رييسى عنوانيگه يازگن مكافات تۇغرى سیده گى مکتوبیده هم، ذكر ايتيلگن. مکتوب متنى قويده گيجه :



داكتر فيض الله ايماق

نينگ قيسقچه بيوگرا فيسى

شاهيمردانقل اؤغلى فيض الله ايماق ۱۳۲۴-انچى قوياش ييلده فارياب ولايتيگه قره شلى اندخوى شهر، قورغان تومه نى، باغبوستان قيشلاغيده تولد تاپدى.

او اندخوى شهريده گى قورغان ناملى باشلنغىچ مکتبى توگه تيب، كابل ده گى ابن سينا اؤرته مکتبه و دارالمعلمين ده تحصيل آلدى. بير يىل نادريه ليسه سیده اوقيتووچىلىك قىلىپ، كابل يونيورستى سى نينگ تىل و ادبيات فاكولته سبگه اؤقىشگه كيردى.

ايلكبار ايماققه، كابل اوقويورتى، ادبيات فاكولته سى، ژورناليزم بؤلیمی نينگ ايكيكىنچى صنف طلبه سى بؤلگن ييتيده، افغانستان راديو سبگه همكارلىك قىلىش يۇلىي آچىلىپ، او - صدای معارف «معارف اوازی» پروگرامیده، ايشله ي باشله دى. كيىنراق، مذکور راديو نينگ «روزنه» اداره سى چوكاتیده، درى و پشتو تيللريده آليب باريله ديگن ما و كشور ما «بیز و اولكه ميز» عنوانلى پروگرامى نينگ متصدى بؤلپ، اؤز ايشى نى دوام ايتتيردى. بو بير ساعتلىك پروگرام، هفته ليك بؤلپ، اوندە افغانستان ولايتلىرى و شهرلىرى هر تامانله مه تشتيريلر ايدى.

ايماق، فاكولته نى تاممله ب، ۱۳۵۰-انچى يىلى اطلاعات و فرهنگ وزيرلىگى نينگ ولايتلر نشراتى اداره سیده، اؤز ايشىنى رسمى شكلده باشله ب يوباردى.



افغانستان رادیوسی قاشیده گی اؤزبیک

پروگرامی نینگ همکارلری، اؤزبیکستانلیک

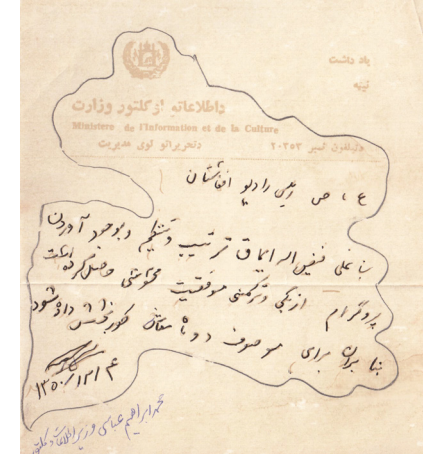
مهمان نی قرشی آلیشدی.

بیرینچی قطارده رادیو نینگ نشرات ریسی داکتر لطیف ناظمی، اؤزبیکستان «وطن جمعیتی» ریسی اکادیمک واحد زاهد اوف و اؤزبیکستانلیک عالم داکتر عارف عثمانوف، یانمه - بان قرار تاپگنلر.

+++++

داکتر ایماق مینگه یقین محلی قوشیقلرنی، جمله دن فولکلور ژانریده گی قوشیقلرنی رادیو ده ثبت قیلدی. بو قوشیقلر حاضر هم افغانستان رادیوسی نینگ آرشیفیده سقلنماقده. او، ۱۳۵۱ ییلده افغانستان اطلاعات و کلتور وزیرلیگی تامانیدن ایشیتتیریشلرنینگ یوقاری سویه لیگی اوچون فخری یارلیق و پول مکافاتنی بیلن تقدیرلندی.

داکتر فیض الله ایماق نینگ قطار علمی و تحقیقی مقاله لری افغانستان و جهان مطبوعاتیده نشر ایتیلگن. اونینگ مقاله لری «ادب مجله سی»، «انیس»، «زوندون»، «عرفان»، «آواز»، «ملیتهای برادر» و ولایتلر جریده و مجله لریده چاپ بولگن .



اطلاعاتو او کلتور وزارت

د تحریراتو لوی مدیریت

ع . ص . رئیس رادیو افغانستان!

شاغلی فیض الله ایماق، ترتیب و تنظیم و (بوجود آوردن) پروگرام ازبکی و ترکمنی موفقیت محسوسی حاصل کرده است.

بنا برای موصوف دو ماه معاش طور بخشش داده شود.

محمد ابراهیم عباسی امضاً (.....) ۱۳۵۰/۱۲/۴

۱۳۵۴ - انچی ییلی بو پروگراملر یاپیلیشی سببلی، فقط او (ایماق) افغانستان رادیوسی تریبوی ایشیتتیریشلری مدیری لوازیمیکه تعیینله نیب، باشقه همکارلر علاقه سی ایسه، قراردادی همکارلربؤلگن لری سببلی، رادیودن بوتونلی اوزیلدی.

بیرنیچه ییلدن سؤنگ «ملیتهای برادر» پروگرامی تیکلنگدن کیین، او ینه اؤز ساحه سیده ایشنی دوام ایتتیردی. قطار پروگراملرنی اؤزی تیارلب نطقلیک قیلدی. رادیو ایش فعالیتینی کوزه تگن رهبرلیک، اونی باش مدیر ایتیب تعیینله دی.

فیض الله ایماق کوپراق اؤزبیک تیلی و فولکلوری رواجیگه حصه قوشیب کیله یاتگن عالمیر جمله سیدندیر.

داکتر ایماق نینگ باسیلیب چیقن کتابلری رویختی:

۱- گفتار دل انگیز « خلق دردانه لری »

افغانستان اؤزبیکلری خلق آغزه کی ایجادی نمونه لری دریچه ترجمه سی ییلن، ۱۳۵۹ - انچی ییل، اطلاعات و کلتور وزیر لیگی تامانیدن کابل نینگ دولت مطبعه سی ده چاپ ایتیلدی. کتاب ۳۸۰ بیتدن عبارت. بو کتاب چاپ بؤللمسدن آلدین، یعنی ۱۳۵۵- انچی ییلی اطلاعات و فرهنگ وزیر لیگی تامانیدن اویوشتریلگن (مطبوعات جایزه سی) انجمنیده «خوشحال خان ختک» ناملی عالی مکافات و نقد پولگه سزاوار بؤلدی.

خوشحال خان ختک نامیده گی مکافات حقیده صادر بؤلگن بوبوروق

۲- خلق دردانه لری

افغانستان اؤزبیکلری خلق آغزه کی ایجادی نمونه لریگه قوشیمچه لر کریتیلگن حالده، ۱۹۸۶ میلادی ییلده تاشکندگی غفور غلام نشریاتیده ۱۰مینگ نسخه ده، کریل خطیده، چاپ ایتیلدی. کتاب، ۲۲۶ بیتدن عبارت.

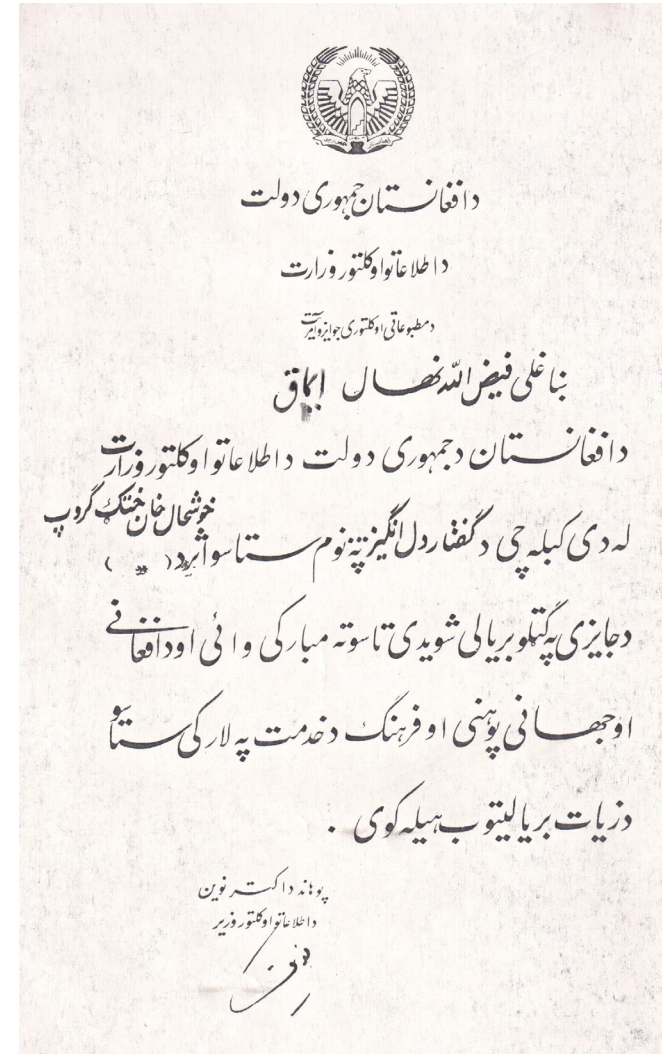
۳- خلق دردانه لری

اؤشه موضوع، بو کتاب ۱۳۸۲-انچی ییل، جهانی همکارلیکلر اداره سی تامانیدن، مزار شریف شهریده باسیلیب چیقدی. مهتمم: استاد نورالله آلتای.

۴- خلق دردانه لری

اؤشه موضوع، مذکور مجموعه ۱۸ بیتدن عبارت مقدمه و ینگى مطلبلر ییلن تۆلديريلگن

ایماق نینگ اؤزبیک و درى تیللریده گی مقاله لری و شعرلری چیت ایلده باسیلیب چیقده دیگن مجله لرده هم باسیلیب چیقماقده. جمله دن، ترکیه نینگ استانبول و انقره شهرلریده گی "بیدلستان" و "راه نیستان" مجله لریده، امریکا قوشمه ایالتلریده چاپ بؤلده دیگن "پیمان"، "کاروان"، "امید"، "کیوان" مجله لریده، کانادانینگ تورنتو شهریده باسیلیب چیقده دیگن "اندیشه"، "نو"، "آشيان"، "نایاب" مجله لریده و تورلی وب سایتلرده اونینگ قطار مقاله لری چاپ ایتیلگن.



۵ - شربت توس

واسیلی شکایف اثری، داستان، اوزبیکچه دن دریچه گه ایماق ترجمه سی، مذکور داستان ۱۹۸۶ - انچی ییل، تاشکند نینگ رادوگا نشریاتی آرقه لی، چاپ ایتیلدی. کتاب ۵۹۰ بیتدن عبارت.

۶- پادو

ماکسیم گورکی قلمیگه منسوب داستان کتابی. اوزبیکچه دن دریچه گه ایماق ترجمه سی. اوشبو داستان کتابی ۱۹۸۷ - نچی ییل، رادوگا نشریاتی تامانیدن تاشکند ده باسیلیب چیقدی. کتاب، ۴۵۴ بیتدن عبارت.

۷- گارد جوان

فادیف قلمیگه منسوب داستان. دری تیلیده گی مصحح و ایدیتور:

ایماق. کتاب - ۱۹۸۶ ییل، رادوگا نشریاتیده چاپ ایتیلدی. کتاب ۳۹۱ بیتدن عبارت.

«رادوگا» نشراتی رهبریتی تامانیدن، افغانستان رادیو تلویزیونی نامیگه یازیلگن مکتوبده، ایماق نینگ مذکور نشراتده ترجمه قیلگن کتابلری، تصدیقلنگن.

۸ - نروندی پیسنی اوزبیکوف افغانستانه

ایماق نینگ دوکتورا علمی رساله سینی حمایه قیلش اوچون ۱۹۸۷ - انچی ییلی، روس تیلیده یازگن تزیسی. بو تزیس، اوزبیکستان فنلر اکادیمیبه سی علمی شورا سی تامانیدن تصدیقلندی. رساله، ۲۸ بیتدن عبارت.



Государственный комитет СССР по делам издательства, полиграфии и книжной торговли

ИЗДАТЕЛЬСТВО „РАДУГА“

Ташкентское отделение

700011 г. Ташкент, Ц-14, дом 33.

Телефоны 44-11-29, 44-23-27.

Расчетный счет № 00032003 в Октябрьском

отделении Госбанка г. Ташкента

№ 13.08.87 № 13/11

В Государственный комитет радио-телевидения и кинематографии Демократической Республики Афганистан

به کمیته محترم دولتی رادیو تلویزیون و سینما تهرانی جمهوری دموکراتیک افغانستان.

Рабулат Абмак, гражданин ДРГ, работал в Ташкентском отделении издательства "Радуга" по контракту в качестве переводчика с июля 1984 г. по июль 1987 г.

За время работы он перевел на язык дари книгу "Березовый сок" (сборник рассказов советского писателя В.Шкаева), а также книгу "о людях" произведение М.Горького, классика советской литературы.

Ф. Абмак сделал стилистическое редактирование II-ой книги романа А. Рацеева "Молодая гвардия". Он постоянно принимал участие в издании журнала "Советский Узбекистан" на языке дари.

Ф. Абмак работал в тесном контакте с советскими специалистами постоянно делился своими знаниями и, с другой стороны, накопил опыт переводческой и издательской работы.

محترم فیض الله ایماق تبعه جمهوری دموکراتیک افغانستان از جولای سال ۱۹۸۴ الی جولای ۱۹۸۷ مطابق قرار داد در موسسه نشراتی رادوگا تاشکند بحیث مترجم زبان دری ایفای وظیفه نموده است.

وی در این مدت کتاب "شربت توس" (مجموعه داستانها و حکایات و شکایف نویسنده شوروی) و همچنان کتاب "پادو" از ماکسیم گورکی - اثر کلاسیک ادبیات شوروی را به لسان دری ترجمه کرده است. موصوف نیز جلد دوم کتاب فادیف موسوم به "گارد جوان" را رداکتوری استیلیستیک نموده بیوسته در طبع و نشر مجله "ازبیکستان شوروی" بزبان دری همکاری کرده است. ف. ایماق با متخصصان شوروی همکاری نزدیک داشته همواره دانش خود را با آنها در میان گذاشته و از جانب هم تجربه کار ترجمانی و امور نشراتی را اندوخته است.

И.о. директора Т.И. Ибрагимов
Г.о. изд-ва "Радуга"

طاهر ابراهیموف

کفیل ریاست و مدیر عموم موسسه نشراتی رادوگا تاشکند

T-3. 34. 171

حاله، ۳۸۷ - انچی ییلی، میرزا اولوغبیک باسمه خانه سیده، جهانی همکاریکلر اداره سی تامانیدن، چاپ ایتیلدی. کتاب ۱۶۶ بیتدن عبارت

۱۰ - سوزوان

مذکور کتاب ۱۳۹۳- انچی ییلی ایسه، «بنیاد غضنفر» انتشاراتی حامیلیگیده، کابل شهریده ۵۰۰ نسخه باسیلیب چیقدی.

مذکور کتاب، ۲۰۰۴ - انچی ییل ۲۱ - انچی اگست ده «بنیاد جهانی ژورنالستان آریانا افغانستان» اداره سی تامانیدن اطریش مملکتی، ویانا شهریده «نخستین جشنواره بین المللی کتاب در تاریخ فرهنگ افغانستان» عنوانی آستیده تشکیل ایتیلگن خلق ارا انجمنده، (عمیق بخارایی) ناملی مطبوعات مکفاتی نی ایگله دی.

عمیق بخارایی نامیده گی فخری یارلیق

۱۱ - سوزوان قوشیققری نینگ سی، دی، سی.

سی دی قوشیققری، فیض الله و انابت ایماققر تامانیدن ۲۰۰۴ - نچی ییلی تاشکند رادیوسی ستدیولریده، دیکلمه قیلیندی.

۱۲ - افغانستان اوزبیکقری خلق قوشیققری.

علمی تدقیقی رساله، بو رساله ۲۰۱۰- انچی ییل، کانادا نینگ تورنتو شهریده «۵۰۰» نسخه دن باسیلیب چیقدی.

۱۳ - افغانستان اوزبیکقری خلق قوشیققری

بو کتاب ۱۳۹۳- انچی قویاش ییلیده، کابلده گی «غضنفر بنیادی» اداره سی تامانیدن ۵۰۰ نسخه ده چاپ ایتیلدی.

۱۴ - سوز دل (دل سوزلری) قوئینگیز ده گی کتاب.



۹- سوزوان

بو کتابده، سوز باشیدن علاوه، یازی و زیبا داستانی نینگ ۳۷۹ ته ینگ تورتلیکلری اوزین آلگن. یازیب آلووچی و نشرگه تیارلاووچی- ایماق. بو مجموعه، ۲۰۰۳- انچی ییل، تاشکند ده گی ژورنالیزم فاکولته سی «زرقلم» نشریاتیده، چاپ ایتیلدی. بو مجموعه، ۱۱۵ بیتدن عبارت بولیب، کتاب حامی سی حاجی عبدالجلیل رشید زاده دیر.

ف. ایماق نینگ افغانستان و خارجی مملکتلر میدیا سیده اعلان قیلینگن شعر لری، مقاله لری و خطابه لری رویختی

- ۱- رسم خو بان : (شعر) روزنامه پروان، شماره (۲۶۲) ۲۴ سرطان ۱۳۳۷
- ۲- نفع مردم : (شعر) روزنامه ستوری میمنه، شماره (۲۰۶) ۲۳ حمل ۱۳۴۳
- ۳- یاد وصال : (شعر) روزنامه ستوری میمنه، ۱۴ جوزا ۱۳۳۷
- ۴- پاس آشنایی : (شعر) روزنامه بیدار مزار شریف، شماره (۱۶۹) ۲۹ میزان سال ۱۳۳۸
- ۵- آواز اندخوی : (شعر) در وقت معرفی شهر اندخوی از پروگرام «ما و کشور ما» از رادیو افغانستان نشر شد. سال ۱۳۵۰
- ۶- پریشان کرده ای : (شعر) منتشره روزنامه فاریاب میمنه. سال ۱۳۳۶
- ۷- گلستان محبت : (شعر) روزنامه بیدار مزار شریف. سال ۱۳۳۹
- ۸- ما و مکتب : (شعر) منتشره روزنامه پروان. سال ۱۳۳۹
- ۹- سینما : (شعر) بو شعر ۱۳۳۶- انچی ییل، جدی آیده ایلک بار سینما اندخوی نینگ قورغان تومه نیده نمایش ایتیلگنده، سینما میکروفونی آرقه لی، ایماق تامانیدن تماشا یینلرگه اوقیب ایشیتتیریلدی.
- ۱۰- جان ایله نه ی جان : بو تصنیف نی ۱۳۳۸- انچی ییل، خان چهارباغ تومه نیده استقامت قیله یاتگن عبدالمجید ناملی خواننده، موسیقه جور لیگیده اجرا ایتگن
- ۱۱- مجله بلوک آریانا : نشریه فوق العاده بمناسبت چهارمین جمهوری (خارندوی - پیش آهنگ) افغانستان : کابل. مدیر مسوول: ایماق، سال ۱۳۴۰
- ۱۲- یاد وصال : (پارچه ادبی) منتشره روزنامه ستوری میمنه، ۳۱ سنبله ۱۳۴۳

۱۵ - شگوفه های ادب:

مشمتمل بر تک بیتي ها، دوبيتي ها و رباعيات گلچين (دري، پشتو و تركي)

گرد آوری و تدوین: «ایماق»

در این مجموعه، بیش از ۴۰۰۰ دو بیتي های ناب اوزبیکي، دری و پشتو به شکل الفبا ردیف بندی گردیده است. این اثر در سال ۱۳۹۳ از طرف (بنیاد غضنفر) به تعداد ۵۰۰ نسخه در کابل به طبع رسید.

داکتر ایماق نینگ نشر ایتیلمه گن اثرلری قوییده گیچه :

- ۱- «اؤزبیکچه، دریچه و پشتوچه کیچیک قاموس».
- ۲- «افغانستان اؤزبیک شاعرلری ترجمه حالی و اولر نینگ ایجادي نمونه لری»
- ۳- «افغانستان اؤزبیکلری نینگ رسم - رسوملری»
- ۴- «خلق دردانه لری» نینگ بیشینچی چاپی (گور اؤغلی داستانی)
- ۵- ترک اؤزبیک مقاللری نینگ دری تیللریده گی ترجمه سی
- ۶- تار یخچه برنامه های محلی رادیو افغانستان: پایان نامه ی دانشکده ژورنالیزم دانشگاه کابل.
- ۷- ما و کشور ما (برنامه رادیویی) درین برنامه همه ولایات و شهر های افغانستان از طرف ایماق به معرفی گرفته شده است.

- ۱۳- بیانیه : به مناسبت افتتاح لیسهٔ ابومسلم اندخوی ، روزنامهٔ فاریاب ماه سنبله سال ۱۳۴۷
- ۱۴- داستان : (بته فروش) دیوهٔ جوزجان ، شماره (۱۶۸) ۸ قوس ۱۳۴۶
- ۱۵- سرخابی شاعر خوش قریحهٔ وطن ما : دیوهٔ جوزجان ، ۲ سرطان ۱۳۴۶
- ۱۶- نگاه به تاریخ جنگ استقلال : دیوهٔ جوزجان ، ۳۱ اسد ۱۳۴۷
- ۱۷- معرفی ولایت هرات : نخست از طریق پروگرام «ما و کشور ما» رادیو افغانستان معرفی شده بعداً در مجلهٔ پشتونزغ بچاپ رسیده است. قوس سال ۱۳۵۰
- ۱۸- معرفی جرم بدخشان: پشتونزغ ، ۱۶ جدی سال ۱۳۵۰
- ۱۹- معرفی محمد آغه : (به زبان پشتو) پشتونزغ ، حوت سال ۱۳۵۰
- ۲۰- معرفی اندخوی: پشتونزغ ، میزان سال ۱۳۵۰
- باید گفت ایمان از سال ۱۳۴۷ - ۱۳۵۰ شمسی متصدی پروگرام (ما وکشور ما) رادیو افغانستان بود. این پروگرام هفتهٔ یکبار از طریق رادیو افغانستان بدست نشر سپرده شده ، بعداً مطالب آن در مجلهٔ پشتونزغ به چاپ میرسید.
- ۲۱-خطابه: علیشیر نوایی تولدی ۵۵۰ انچی ییللیگی مناسبتی بیلن کابلده اویوشتیربلگن سمپوزیمده اوقیلدی ، ۱۳۶۱-انچی ییل.
- ۲۲- خطابه: نوروز بیره می مناسبتی بیلن کانادا مملکتی آنتاریو ایالتی ، گووالف شهزیده اوقیلدی. ۲۰۰۶-انچی ییل.
- ۲۳- امیر علیشیر نوایی اثرلریده خلق سؤزلری: یولدوز (۱۵۱) سان اسد آیی ، ۱۳۶۰ انچی - ییل.
- ۲۴- سینینگ شانینگه اولکه م: تقریظ. یولدوز جریده سی (۲۵۹) سان ۱۳۶۲ - انچی ییل.
- ۲۵- مولانا جلال الدین محمد بلخی: مولانا تولدی ۸۰۰ انچی ییللیگی مناسبتی بیلن ۱۳۸۶-انچی ییلده ترکیه نینگ انقره شهزیده باسیلیب چیقه دیگن (راه نیستان) مجله سیده چاپ بؤلدی.

- ۲۶- بابا رحیم مشرب: بیدلستان ۷، گلدسته ۸ - انچی سان ، استانبول - ترکیه.
- ۲۷- امیر تیمور صاحبقران : بیدلستان ۱۳۸۷-انچی ییل.
- ۲۸- حافظ اکه: شماره (۹۹) سال ۱۲+۲۰ ماهنامهٔ اندیشهٔ نو ، تورنتو - کانادا.
- ۲۹- منزلت مادر: شمارهٔ فوق العادهٔ مجلهٔ عرفان. ۲۴ جوزا سال ۱۳۴۸- کابل
- ۳۰- معرفی استاد نیرومند: اخبار عرفانی وزارت معارف. اول جوزا سال ۱۳۴۸
- ۳۱- سوزوان قوشیققری حقیده : یولدوز ، ۴۵ - انچی سان ۱۳۶۸ - انچی ییل ، دلو
- ۳۲- مصاحبه: پروگرامهای محلی رادیو افغانستان. مجله لمر، وژی ۱۳۵۱
- ۳۳- خط اورخون و آثار مکتوبه ی دیگر در زبان ترکی: مجلهٔ ادب، فاکولتهٔ ادبیات و علوم بشری، کابل. شماره (۵-۶) سال ۱۳۵۲
- ۳۴- ترجمهٔ ضرب المثلهای اوزبکی به دری: در شماره های مورخ ۱۲ / ۱ / ۱۳۵۳ ، ۱۸ / ۱ / ۱۳۵۳ ، ۲۷ / ۲ / ۱۳۵۳ ، ۷ / ۲ / ۱۳۵۳ ، ۵ / ۱ / ۱۳۵۳ ، ۴ / ۳ / ۱۳۵۳ جریدهٔ فاریاب نشر گردیده است.
- ۳۵- مشاعره گه اشتراک ایتگن ممتاز شاعرلر و ییل نینگ ممتاز خواننده لری: یولدوز ، ۳- انچی نور ، ۱۳۶۰ - انچی ییل.
- ۳۶- پرتوی از ادبیات عامیانهٔ شمال افغانستان: (داستان بایجوره) جریده ی فاریاب ، ۳ ثور ۱۳۵۳
- ۳۷- قوشیق محتکش خلق نینگ یولداسی: برادر ملیتر مجله سی کابل. جوزا - سنبله ، ۱۳۶۷- انچی ییل.
- ۳۸- قوشیق محتکش خلق نینگ یولداسی: برادر ملیتر مجله سی. قوس - حوت ۱۳۶۶- انچی ییل
- ۳۹- قوشیق محتکش خلق نینگ یولداسی: برادر ملیتر مجله سی. حمل - ثور ۱۳۶۷ - انچی ییل
- ۴۰- قوشیق محتکش خلق نینگ یولداسی: برادر ملیتر مجله سی حمل - ثور ۱۳۶۵ - انچی ییل
- ۴۱- نهضت اجتماعی : ستوری میمنه. شماره (۱۵۶) ۱۸ دلو سال ۱۳۴۲
- ۴۲- گزارش: کورس تربیوی برود کاستینگ در کوالالمپور مالیزیا برای ممالک روبه انکشاف آسیایی. پشتونزغ ، عقرب سال ۱۳۵۴
- ۴۳- مریضیکه قدرت راه رفتن نداشته ... : روز نامهٔ انیس ۷ میزان سال ۱۳۴۷

کریل خطیده

- ۴۴- اوزی خایین آتی امین : یولدوز، ۱۳۵۸ - انچی ییل، ۱۶-انچی دلو
- ۴۵- سعادت یاغدوسی: آیدین نشریه سی، تاشکند (۲۷۶) سان، ۱۹۸۷- ییل
- ۴۶- بی بهأ نعمت - حریت : ملی تیکله نیش گزیته سی ۱۹۹۶ - انچی ییل، اپریل، سرلیک خطیده، تاشکند.
- ۴۷- ضیا خواجه منصورى حیاتی و ایجادى : اوزبیکستان صنعت ژورنالی.
- ۶- انچی سان، ۱۹۸۲ - انچی ییل، سرلیک خطیده.
- ۴۸- تاریخینگیبر مینگ عصرلر: گلخن مجله سی، فبروری، ۲۰۰۴ - انچی ییل تاشکند، سرلیک خطیده.
- ۴۹- استاد قربت: آیدین گزیته سی، تاشکند، ۶ (۴۹۰) - انچی سان، ۱۹۹۶ - نچی ییل عرب الفباسیده .
- ۵۰- استاد قربت : ملی تیکله نیش، تاشکند، ۲۷- سان ۱۹۹۵- انچی ییل دسیمبر، کریل خطیده.
- ۵۱ - افغانستان اوزبیکلری باله لر قوشیقلری : مکتبچه تربیه گزیته سی تاشکند، ۱۹۹۴- انچی ییل، ۳- انچی اپریل. سرلیک خطیده.
- ۵۲ - رهنما و حامی: امیر تیمور تولدی نینگ ۶۶۰ ییلیگی مناسبتی ییلن، آیدین ۱۱ (۳۵۱) نومبر، ۱۹۹۶ - ییل.
- ۵۳- نوروز بیره مینگیز مبارک : آیدین، ۳ (۳۵۵) سان، ۱۹۹۷- انچی ییل
- ۵۴ - رهنما و رهبر (امیر تیمور) : ملی تیکله نیش، تاشکند، (۶۷) سان، سپتمبر آیی، ۱۹۹۶- انچی ییل، سرلیک خطیده.
- ۵۵ - ینگی حیات قوینیده : گلستان ژورنالی، تاشکند. ۱۹۸۳- انچی ییل، جنوری، کریل خطیده.
- ۵۶- ینگی زمان آغوشیده : تاشکند، آیدین گزیته سی، ۴ (۱۸۸) سان، ۱۹۸۳ - انچی ییل، اپریل.
- ۵۷- ادبی دؤستلیک - ابدی دؤستلیک: گلستان ژورنالی، تاشکند، ۱- انچی سان، ۱۹۸۵ - انچی ییل، سرلیک خطیده.
- ۵۸- افغانستاندن مکتوب: آیدین، تاشکند، ۱۹ (۳۱۱) سان، ۱۹۸۸ ییل.
- ۵۹- باله لر قوشیقلری: گلخن مجله سی، تاشکند، ۲ (۷۵۹) سان، ۲۰۰۴ - انچی ییل، فبروری.
- ۶۰- یاد وصال، رسم خوبان، نفع مرد : (شعر) آواز تاجیک، تاشکند، به خط سرلیک.
- ۶۱- بابر و بی بی مبارکه: آشیان مجله سی، تورنتو، ۱۳۸۵- انچی ییل، حمل .
- ۶۲- بیانیه: همایش نقد و بررسی کارکرد های فرهنگی داکتر اسد الله شعور جریده شهروند، شماره (۱۰۴۵) ۲۳ دسامبر سال ۲۰۰۵، تورنتو - کانادا
- ۶۳- آنه وطن: خطابه. اوشبو خطابه ۲۰۰۶ - انچی ییل، ۱۸ - نچی فبروری، گووالف شهزیده بولیب اوتگن بیغلیشده اوقیلدی.
- ۶۴- گۆر اوغلی: آشیان مجله سی، تورنتو. ۲۰۰۶ - انچی ییل، اگست .
- ۶۵- خط اورخون: تورنتو. شماره (۳۷) سال چهارم میزان ۱۳۸۵.
- ۶۶- گلشن ادب: مجله نایاب، تورنتو، (صفحه اشعار) متصدی صفحه ایماق.
- ۶۷- ایماق، در سال ۱۳۸۵ به حیث متصدی صفحه ی (گلشن ادب) ماهنامه «نایاب» منتشره تورنتوی کانادا ایفای وظیفه نموده، طی این سال اشعار دل انگیز شعرای دری زبان را انتخاب و به این جریده، به چاپ رسانیده است.
- ۶۸- مولانا جلال الدین محمد بلخی نینگ صورتی و سیرتی و اونینگ بویوک ترکی دیوانی : آشیان مجله سی، تورنتو، ۲۰۰۷- انچی ییل، می آیی.
- ۶۹- باله لر قوشیقلری: آشیان، تورنتو، ۱۳۸۶ - انچی ییل، میزان آیی
- ۷۰- افغانستان و اوزبیکستان مناسبتلری : بیانیه. تاشکند رادیوسی یاشلر دستوری، ۲۰۰۳- انچی ییل، اسد آیی زنده گینامه استاد متین اندخویی: اندیشه نو. شماره ۴۱- ۴۲ سال ۱۳۸۵ تورنتوی کانادا.
- ۷۲ - مراسم افتتاح تلویزیون «سیمای شرق»: تورنتو. اندیشه نو، شماره (۶۲) نومبر ۲۰۰۸- انچی ییل
- ۷۳- بیانیه: در سیزدهمین سالگرد کاروان شعر - اندیشه نو، ماه قوس ۱۳۸۷، تورنتو.
- ۷۴- بیانیه: تجلیل از سالگرد تولد میرعلیشیرنویسی، تورنتو- اندیشه نو، دلو ۱۳۸۸

۷۵- سرخابی شاعر خوش قریحه وطن: با تجدید نظر. اندیشه نو، اسد ۱۳۸۷

۷۶- کشتی عشق: شعر. اندیشه نو شماره (۲۱) حمل سال ۱۳۹۰

۷۷- مروارید های ناب: ماهنامه ی اندیشه نو، تورنتو. ضرب المثلهای اوزبیک با ترجمه دری. ایماق از شروع سال ۲۰۰۶ تا ماه فبروری سال ۲۰۱۲ متصدی این صفحه بود.

۷۸- بهار نینگ وقتی کیلدی: اوزبیکچه شعر، دری ترجمه سی بیلن. اندیشه نو، ۱۳۸۷ - انچی بیل، حوت آبی.

۷۹- بیانیه: بزرگداشت از ۱۶مین سال وفات عبدالعلی مزاری. اندیشه نو شماره (۹۰) حوت ۱۳۸۹، تورنتو

۸۰- پیام: بمناسبت دهمین سال نشراتی جریده کیوان منتشره آمریکا شماره ۷۲ سال ۱۳۸۲

۸۱- پیام: بمناسبت آغاز فعالیت اتحادیه هنرمندان افغانستان. کاروان، شماره ۷۷، ماه دلو سال ۱۳۷۹

۸۲- مصاحبه با مجله لمر: در باره ادب شفاهی اوزبیکان افغانستان. سال ۱۳۵۰ کابل

۸۳- سوزوان قوشیقلری: بیرینچی قسمت. شماره ۳ و ۴ ماه اکتوبر سال ۱۹۹۹. مجله پیمان، چاپ نیویارک آمریکا.

۸۴- سوزوان قوشیقلری: ایکینچی قسمت. شماره ۵، ۶ و ۷ اگست ۲۰۰۰ مجله پیمان، نیویارک - آمریکا.

۸۵- بیانیه: این بیانیه در کنفرانسی که به مناسبت سالگرد میرعلیشیر نوایی شاعر و متفکر بزرگ دوره تیموریان در ماه فبروری سال ۲۰۱۰ به ابتکار «فتا» وسایر انجمن های ترکتابار مقیم تورنتو برگزار گردیده بود، ایراد شد.

۸۶- بیانیه: این بیانیه، در کنفرانسی که به مناسبت ۲۷۹ مین سالگرد تولد مختوم قلی فراغی، شاعر و متفکر بزرگ ترکمن به ابتکار انجمن فرهنگی ترکمن های کانادا به تاریخ ۱۷ ماه می سال ۲۰۱۲ در کتابخانه نارت یارک تورنتوی کانادا برگزار گردیده بود، ایراد شد. (وب سایت ییگیت).

۸۷- بیانیه: تحت عنوان «علل پسمانی مسلمانان و راه حل این مشکل از نظر اقبال» در کنفرانسی که به مناسبت ۱۰۵ مین سالروز میلاد بلند پرواز نیم قاره هند، شاعر بی بدیل و فیلسوف نامی

شرق اقبال به تاریخ ۱۳ دسامبر سال ۲۰۱۲ در تالار بنیاد دوستداران فرهنگ در تورنتوی کانادا برگزار شده بود، ایراد گردید. این خبر در شماره ۱۱۰ - ۱۱۱ قوس ۱۳۹۱ اندیشه نو به نشر رسید.

۸۸- بیانیه: در کنفرانسیکه به مناسبت پنجمین سالگرد وفات ضیا قاریزاده از طرف «بنیاد دوستداران فرهنگ» در شهر تورنتو دایر شده بود، ایراد گردید. دهم جنوری سال ۲۰۱۳.

۸۹- مقاله: «مدنیتمیز بوستانیدن ینه بیر گل قوله ب توشدی» زنده گی نامه و کارکرد های فرهنگی عبدالله کارگر، منتشره وب سایت (بلوت)

۹۰- ضیا خواجه منصورى: دوتار نواز مشهور مردم اوزبیک. منتشره وب سایت (بلوت)

۹۱- بیانیه: بمناسبت وفات سیمین بهبهانی شاعره غزلسرای ایرانی در بنیاد «دماوند» واقع تورنتوی کانادا، سخنرانی کرد. در این گردهمایی تعداد زیاد فرهنگیان ایرانی و افغانی اشتراک ورزیده بودند.

ایسله توو:

مذکور مقاله لمر- باسیلیب چیقنن مجله لمر - جریده لمر و آینامه لردن کتینگ قیلینیب علیحده آلبوم شکلیده ایماق نینگ شخصی کتبخانه سیده سقلنماقده. شونی ایتیب اوتیش کیره ککی، شورالر حکومتی دوریده، تاشکند خلق ارا رادیوسی آرچه لی هر بیر نیچه بیل مابینیده، «رادیو مسابقه» سی اویشتیریلر ایدی. ف. ایماق ۱۹۸۰ - انچی بیلده بولیب اوتگن رادیو مسابقه گه قتنه شیب، ۴۲ مملکت شنونده لری مابینیده بیرینچی اوزینی ایگلله دی. ایماق مذکور رادیو مسابقه سیده، غالب بولگه نی طفیلی ایلكبار اوزبیکستانگه «۱۰» کونلیک سفر قیلیب، تاشکند، بخارا، سمرقند و فرغانه شهرلریده جایلشگن تاریخی آبدله لر بیلن یقیندن تانیشدی.



ایماق - ماسترلیک دوری علمی رهبری انور کریم اوف جنابلری بیلن بیرگه، رسمگه توشدی

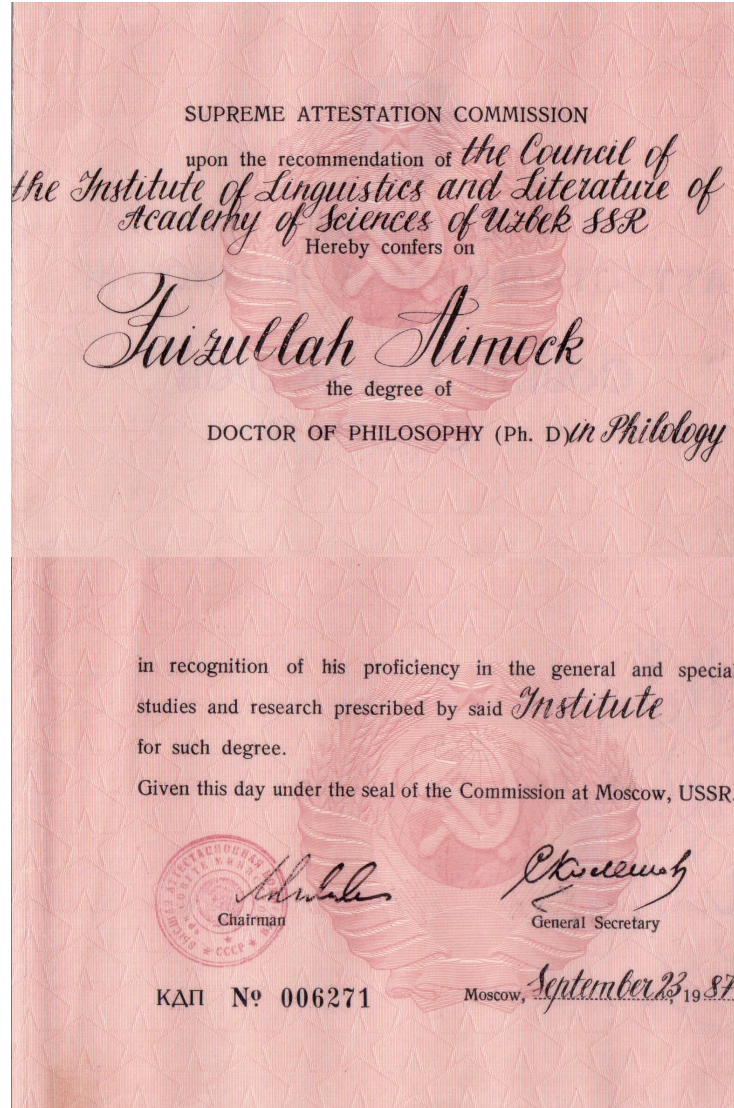
او، اوچ ییل مابینیده، «افغانستان اؤزبیکلری خلق قوشیقلىرى» عنوانی آستیده رساله یازیب،
۱۹۸۶ - انچی ییلی اؤزبیکستان فنلر اکادیمیه سی قاشیده گی پوشکین نامیده گی انستیتوتده ،
دوکتورلیک علمی رساله سینى حمایه قیلیب، دوکتورلیک عنوانیگه سزاوار بۇلدى.



ایماق - تاشکند خلق ارا رادیوسی باشلیغی بیلن ایلکبار ملاقاتده بۇلدى.

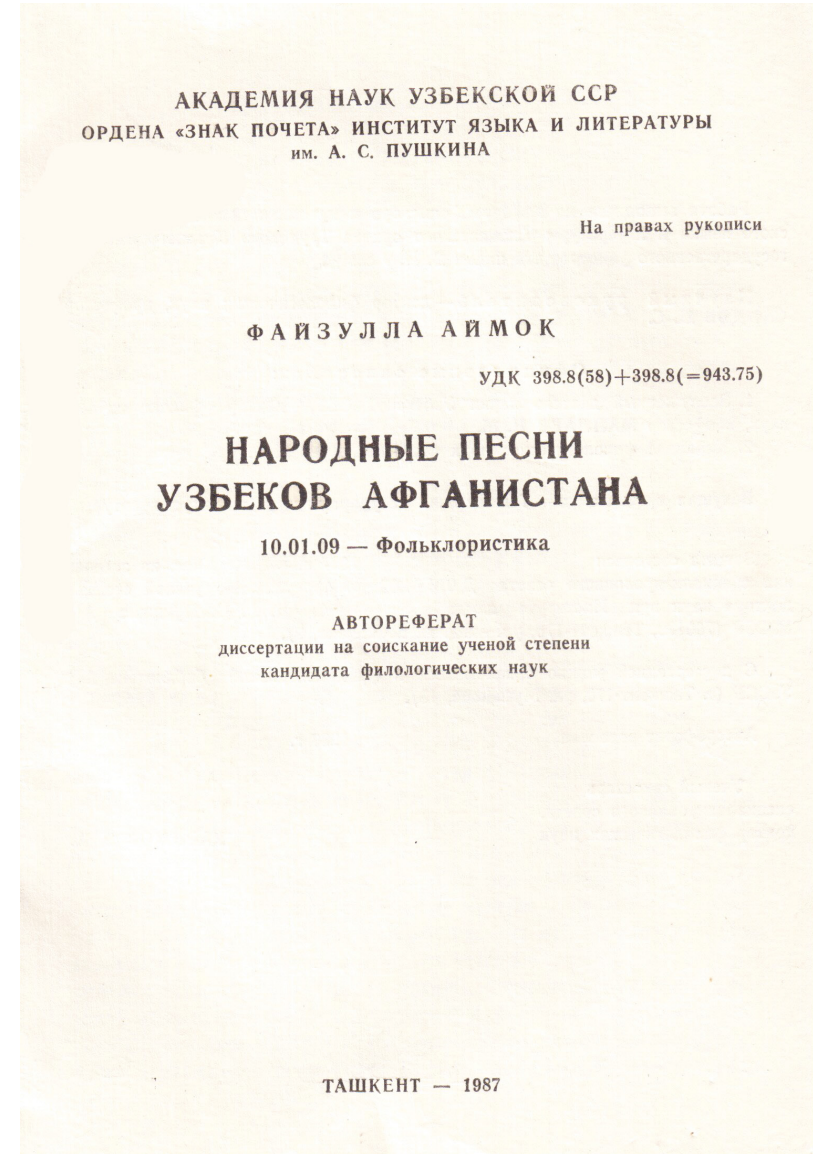
فیض الله ایماق افغانستان رادیوسی نینگ ملی پروگراملریده عمومی مدیری صفتیده ایشله
ب تورگن پیترلریده (۱۳۶۱) ییلی تاشکند گه اسپیرانتوره گه اۇقیشگه یوباریلیب، بیر ییل اولوغیبیک
دارالفنونى ژورنالیزم فاکولته سی نینگ «رادیو تلویزیون» دیپارتمنتی ده مَلکه اَشیردی. اونگه
دیپارتمنت مدیری انور کریم اوف رهبرلیک قیلدی.

او مذکور فاکولته ده تدریس قیلینه یاتگن بعضی بیر مضمون لردن امتحان تابشیریپ،
«ژورنالیزم ماستری» عنوانینی قۇلگه کیریتدی. ماسترلیک دوری توگه ییشی بیله - ناق، ایماق،
یوقارده تیلگه آلینگن یونیورسیتیتی اؤزبیک تیلی و ادبیاتی فاکولته سیگه کیریپ، پروفیسر محمد
نادر خان سعیدوف رهبر لیگی آستیده دوکتورلیک علمی ایشینی یازیشگه کرىشدى.



داکتر ایماق نینگ دکتورلیک دیپلومی

ایماق نینگ دکتورلیک دیپلومی تصدیق لنگندن سۇنگ افغانستان مسلکی و عالی تعلیمات وزیرلیگی تامانیدن، اونینگ ایش جایگه یازیلگن مکتوب.



«افغانستان اۇزبیکلری خلق قۇشیقلىرى» عنوانی آستیده، دکتورلیک علمی درجه نی ایگلله ش مقصدیده، ایماق نینگ روس تیلیده یازگن علمی رساله سی

فخری یارلیق

۴ - تاشکند ده چیت ایلیک وطنداشلر اوچون چیقہ دیگن "آیدین" جریده سیده محرر بولیب ایشله دی.

۵ - "اؤزبیک فلم" ده ۲۰ ته حجتلی و هنری فلملرینگ دری و اؤزبیک تیلیده گی ترجمه و دبلاژ ایشلریده اشتراک ایتدی.

داکتر ایماق نینگ تاشکند ده گی اوقیش مدتی توگه شی بیلن، او ۱۹۸۷ ییلی کابل گه قه یتیب باردی و ۱۹۹۱- نچی ییل نینگ آخریگه چه افغانستان رادیوسیده ایشله ب، انه وطن ده نا تینچ وضعیت یوزه گه کیلیشی سببلی، قه یتیب اؤزبیکستانگه کیلیب، تاشکند رادیوسی نینگ افغانستان اوچون ایشیتتیریشلر بولیمیده دری تیلیده نطق و ژورنالیست صفتیده ایشله دی.

ایماق ۱۹۹۵-۲۰۰۵ ییللر مابینیده افغانستان جهان هنرمندلری اویوشمه سی مرکزی آسیا و جهان ژورنالیستلری اویوشمه سی نینگ اؤزبیکستان جمهوریتی بؤلله ب فخری ریسی صفتیده ایش آلیب باردی.

شو نینگ دیک ایماق مذکور ییللر دوامیده، ۹ ییل، افغانستان اسلامی جمهوریتی نینگ تاشکند ده گی ایلچیخانه سیده مدنیت ایشلری اتشه سی لوازمیده هم ایشله کن .

۳- کۆپ مقاله لری اؤزبیکستان مطبوعاتیده چاپ ایتیلگن. ۱۹۸۶م. "گلستان" مجله سی اداره سی تامانیدن "فخری یارلیق" بیلن مکافاتلندی. مذکور اینامه ده اونینگ بیر قطار مقاله لری باسیلیب چیقن.

۱۸
۲-۱۵-۲۰۰۱



اتحادیه هنرمندان افغانستان
د افغانستان د هنرمندانو اتحادیه
AFGHANISTAN ARTISTS' UNION



هنرمند محترم، دکتور، محض السلام! بادر نظر داشت سابقه ووشنیکه نمایانگراستعداد و فعالیت های شما در ساحه هنر میباشدریاست عمومی اتحادیه سرتاسری هنرمندان افغانستان شمارا بحیث افتخاری اتحادیه هنرمندان در تعیین میدارد و نیاز مند آن است تا تحت الشعاع مشی اتحادیه خدمات ارزنده به فرهنگ کشور خود انجام داده بادر نظرگرفتن سلسله مراتب بمنظور تحکیم حسن همکاری در اجراءات خویش با نزدیکترین مقامات و مشاورین اتحادیه مشوره نموده در امور خود فعال باشید.

با عرض حرمت
دکتور عنایت الله شهراتی
رئیس عمومی اتحادیه هنرمندان افغانستان
۱۵ فورون ۲۰۰۱

E .Shahrani P.O.Box 694 Bloomington IN 47402 U S A

سوز دل

ایماق - تاشکند ده کی افغانستان ایلیچیخانه سیده، کلتوری ایشلر اتشه سی صفتیده تعیینلنکه نی باره سیده، افغانستان تشقی ایشلر وزیری نینگ مکتوبی.

ف. ایماق ۱۴ ییل تاشکند رادیوسیده کی افغانستان اوچون دری تیلیده کی برنامه سیده، همده، وطندانش رادیوسیده ایشله ب، افغانستان و اوزبیکستان خلقی نینگ اؤتمیشده کی مدنیت یؤلیده قؤلگه کیریتگن یوتیقلرینی جهان مملکتلریده استقامت قیله یاتگن اؤزبیک و دری زبان خلقلریگه تیشتیبردی.

ایماق، تاشکند رادیوسیده، ژورنالیست و نطق صفتیده ایشله گن پیتیده نیچه مراتبه اوزبیکستان تلویزیونی و رادیوسی دولت کمیته سی فخری یارلیق و پول مکافاتی بیلن تقدیرلندی.

ФАХРИЙ ЁРЛИҚ

АЙМОҚ ФАЙЗУЛЛА !

Ўзбекистон Телерадиокомпанияси
Сизни

«МАТБУОТ ВА ОММАВИЙ АХБОРОТ ВОСИТАЛАРИ ХОДИМЛАРИ»

КУНИ МУНОСАБАТИ БИЛАН, ҲАМДА САМАРАЛИ МЕҲНАТ

ФАОЛИЯТИНГИЗ УЧУН

ФАХРИЙ ЁРЛИҚ
билан мукофотлайди

А.Қўшмов
июн 2003 й.
Раи
Шошкент

سوز دل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دولت اسلامی افغانستان

وزارت امور خارجه

ISLAMIC STATE OF AFGHANISTAN
MINISTRY OF FOREIGN AFFAIRS

۳۷
۱۳۷۷/۱۲/۱۵

به سفارت محترم دولت اسلامی افغانستان مقیم تاشکند .

با تقدیم احترامات فایقه نگاشته میشود :

تقرر محترم داکتر فیض الله ایماق ، به صفت آتشه فرهنگی آن سفارت منظور

است معاشات و سایر امتیازات موصوف از پست سکرتر سوم اجرا از ایشان استحصال

وظیفه نموده از تاریخ اشغال وظیفه شان مرکزرا در جریان قرار دهند.

با احترام

محمد عالم رزم :

وزیر امور خارجه دولت اسلامی افغانستان

قلبی ده گی دینگز دیر» پروگرامی متنی نی ۲۰۰۸ ییل سپتمبر آی نینگ ۹ نچی تاریخیدن باشله ب، «۳ ییل» گچه جماعتچیلیک - رضاکارانه اساسیده، یازیب تیارله ب، ایمیل آرچه لی افغانستان ملی تلویزیونی اؤزبیکبؤلمیکه جونتدی. مذکور پروگرام متنی هر سه شنبه کونلری کابل وقتی بیلن ساعت ۱۵ ده 'فروزان خلیلیار تامانیدن اؤقیب، ایشیتتیریلدی.

شونی ایتیب اؤتیش کیره ککی، ۲۰۰۹-انچی ییل، مارچ آی نینگ ۲۱-انچی تاریخیده خلق ارا «افغانستان تورکلری مدنی فدراسیونی» نینگ کانادا بؤیله ب وکیلی نی سیله ش مناسبتی بیلن کانادا مملکتی آنتاریو ایالتی، گوالف شهريده افغانستان تورکلری نینگ ییغیلیشی بؤلیب اؤتدی. بو ییغیلیشده داکتر فیض الله ایماق کانادا بؤیله ب ففتا «افغانستان تورکلری مدنی فدراسیونی» نینگ ریسی صفتیده سیلندی.

او، مذکور اویوشمه تامانیدن ارز گولیک مدنی فعالیتلری اوچون فخری یارلیق بیلن تقدیرلندی.

ایماقده، اؤزبیکستان رادیو تلویزیونی رهبریتی تامانیدن بیریلگن فخری یارلیق.

چیت ایلده گی وطنداشلر هر دایم ایماق نینگ بونده ی مدنی خدمتلیدن خورسند چیلیک لرینی اظهار قیلیب مکتوب یازر ایدیلر. جمله دن تهرانده استقامت قیله یاتگن افغانستانلیک مهاجر رادیو شنونده لریدن بیرى عبدالرحیم حافظ زاده اؤزی نینگ تاشکند رادیوسیگه یؤلله گن مکتوبیده ایماق نینگ شانیکه قویده گی نظمی سطرلرنی یازگن ایدی. بو مکتوب ۱۹۹۷-انچی ییل، ۱۲-انچی نومبر آییده (ماوشونده گان) برنامه سی آرچه لی تاشکند رادیو سیدن نشر بؤلدى. مکتوب نینگ متنی قوییده گیچه:

مرحبا ای محترم «ایماق» ما	ای نشاط بخش دل غمناک ما
از دل ما غصه ها بیرون کنی	مهر لطف و عشق را افزون کنی
ما ز فیضت فیض ها آموختیم	درس هایی از وفا آموختیم
باتو ما هر صبح وشام یاریم همیشه	با تو گر نیستیم بیماریم همیشه
تو دواى رنج و درد و غصه ها	مونس قلب حزين بى دوا
بار دیگر من سلامت میکنم	خويشتن را من غلامت میکنم
عمر طولانى بخواهم از خدا	بر تو فیض «ایماق» دایم هر کجا
«حافظ زاده» سخت بیمار جفاست	چاره درد و علاجش را نما

داکتر فیض الله ایماق ۲۰۰۵ ییل نینگ اؤکتوبریدن باشله ب، عایله - اعضالری بیلن بیرگه لیکده، کاناداگه سفر قیلیب، بوگونگی کونده تورنتو شهريده استقامت قیلماقده. او کاناداگه کؤچیب کیلگه نیده - ناق، اؤز مدنی - کلتوری فعالیتلرینی دوام ایتتیرماقده. او نینگ علمی تحقیقی مقاله لری تورنتوده باسیلیب چیه دیگن: «اندیشه ی نو»، «آشیان»، «نایاب» ناملی مجله لریده اؤزبیک و دری تیللریده چاپ قیلینماقده. او «اندیشه نو» آینامه سی نینگ تحریر هیاتی اعضاسی همدیر. ایماق امریکا قوشمه ایالتلریده نشر بؤله دیگن خلق ارا افغان تلویزیون کورسه تولریده هم قتنه شیب توره دی. شو نینگ دیک، ایماق افغانستان ملی تلویزیونی اؤزبیک پروگرامی چوکاتیده « فولکلور - خلق

«فتنا» اداره سی تامانیدن ایماقده بیریلگن فخری یارلیق داکتر ایماق خیر خواه و مدنیت سیور انسانلر سیره سیگه کیره دی. اونینگ خیر خواهانه و مدنیت پرور ایشلرینی اثباتلش اوچون، توجه لرینگیزنی «اصلاح» روز نامه سی ده چاپ بو لکن بیر خبرگه جلب قیله میز:

افغانستان تورکلری مدنی فدراسیونی
فدراسیون فرهنگی تورکلر افغانستان
CULTURAL FEDERATION OF THE TURKS OF AFGHANISTAN

افتنا



حرمتملی دکتور فیض الله ایماق

افغانستان تورکلری مدنی فدراسیونی، تاریخ قهریده ایلدیز آتگن فن و مدنیتیمیزی رواجلر نتریش و جهان مقیاسیده اونی تانییش مقصدیده، خلقمیز نینگ ایزگو ایستکلرین بیری صقتیده وجود گه کیلیب، اوشبو کولمه حدیث بیان ایش الیب بارماقده

البتہ بوندی مقدس ملی هدف گه ابریشیش، یولاوچیلردن اوزلیگی گه ایشانب اولوسینی سیویش، جسور و عالی همت لی بولیش کبی فضیلت لردن تشقری، صمیمی لیگ، صادق لیگ و فدائی لیگ بیان حرمت قیلیشنی طلب قیله دی

افغانستان تورکلری مدنی فدراسیونی رهبر لیگی، تشکیلاتیمیز نینگ بیر بیلیگینی نشانلش مناسیتی بیان ملی کلتوریمیز قیره لرینی تانییش، اقتصادی بنیه سینی کوچتریش و اونگه تیگیشلی تشکیلی ایشلرینی بجریش بویجه سیز تماندن کورستیلگن اوزلوگسیز و صمیمی فعالیت لر اوچون اوشبو تقدیر نامه آرقلی منتداریک بیلدره دی و ملی بورچیمیز ادا ییش یولیده سیزگه بیریک بوتوقلر و عالینگیز اعضالریگه ساغ و سلامتلیک تیلیدی

افغانستان تورکلری مدنی فدراسیونی باشلیغی
دکتور محمد علی سید




روزنامه
اصلاح
ISLAH DAILY
ورخپانه

سال تاسیس ۱۳۰۰ هجری شمسی

دوره سوم
شنبه اول جوزا ۱۳۸۹ هجری شمسی.

۲۲ می ۲۰۱۰ میلادی شماره ۱۹۴۳

سه صدو شصت و هشت جلد کتاب به وزارت اطلاعات و فرهنگ اهدا گردید

یکتن از افغانان مقیم در کشور کانادا سه صد و شصت و هشت جلد کتاب را غرض افزایش غنای کتابخانه عامه، به دکتور سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ اهدا نمود. به گزارش خبرنگار آژانس باخترا، این کتب

اقدام دکتور فیض الله ایماق و خانم وی را نشانه پی از دوستی و علاقمندی آنان به فرهنگ پر بار کشور دانسته گفت. " امیدوار هستم که هموطنان دیگر ما نیز با اهدای کتاب به وزارت اطلاعات و فرهنگ و از این طریق به کتابخانه های عامه افغانستان کمک کنند".

دکتور رهین افزود " ما احتیاج زیاد به تاسیس کتابخانه های جدید در بایخت و ولایات کشور داریم و بر علاوه آنچه کوشش میکنیم که از منابع خارجی بدست بیاوریم، کمک هموطنان نیز برای ما اهمیت زیاد دارد".

دکتور فیض الله ایماق و انابه ایماق خانش گفتند که این کتب را در مدت سی سال گذشته خریداری نموده بودند و اکنون مایل اند که این کتاب ها از طریق کتابخانه عامه بدسترس هموطنانی که علاقمند مطالعه میباشند قرار بگیرد.

دکتور رهین کتب مذکور را غرض شناسی کتابخانه عامه، به عبدالحمید نبی زاده رئیس کتابخانه های عامه تسلیم نمود.

فرهنگ پر بار کشور دانسته گفت. " امیدوار هستم که هموطنان دیگر ما نیز با اهدای کتاب به وزارت اطلاعات و فرهنگ و از این طریق به کتابخانه های عامه افغانستان کمک کنند".

دکتور رهین افزود " ما احتیاج زیاد به تاسیس کتابخانه

شامل ترجمه و تفسیر قرآن عظیم الشان، لغت نامه ها، ادبیات زبان های دری، پشتو، ترکی، ازبکی، انگلیسی، روسی و کتب هنری و معلوماتی میباشد.

دکتور سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ حین تسلیمی کتب مذکور این

باخترا

داکتر ایماق (۳۶۸) جلد شخصی کتابلرینی اطلاعات و

فرهنگ وزیر لیگیگه تارتیق قیلدی.

او، شونینگ دیک ۲۷ / ۹ / ۱۳۷۲ - انچی ییلی ۱۰۰ جلد دن عبارت اوزبیک و دری تیلیده گی خیلمه - خیل کتاب لرینی، همده ۵۰ ته مجله، «یولدوز» و «آیدین» جریده لری نینگ ۳ ییلیک کلکسیونلرینی، کابلده گی افغانستان اسلامی جنبشی نینگ مدنی و کلتوری ادره سیگه تارتیق قیلگن ایدی. شو باعث، داکتر ایماق، (دگر جنرال محمد همایون فوزی معاون شورایعالی نظامی صفحات شمال کشور) تامانیدن رسمی مکتوب ایله، آلقیشلندی.



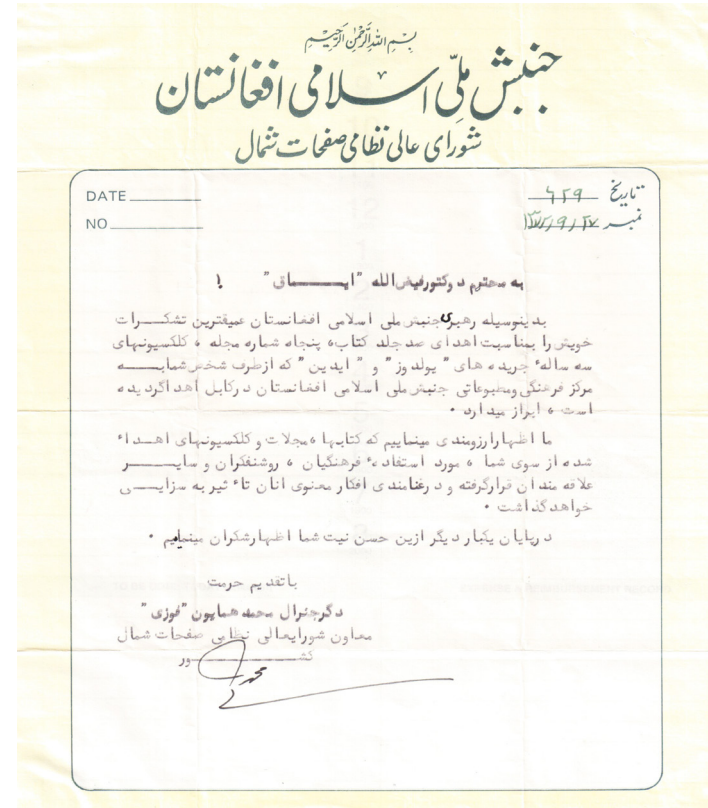
فخری یارلیق

داکتر ایماق، ۲۰۱۲-انچی ییل، مارچ آییده کانادا دولتی نینگ فخری یارلیق همده، الماس و آلتین مداللی بیلن تقدیرلندی.

بو خبر- بیرینچیدن افغانستان ملی تلویزیونی، همده، بی بی سی رادیوسی اؤزیبیک دستورلری، امریکا دن نشر بۆله دیگن خلق ارا آریانا افغانستان تلویزیونی، کانادا نینگ ونکوور شهریده چاپ بۆله دیگن «زن» ناملی آینامه سی ده و تورلی - تومن ویب سایتلر تامانیدن یاریتیلدی.

قوییده، مذکور خبر و اونگه نسبتاً، خلق مناسبتی نی اؤقی آله سیز حبیب الرحمن قویاش

بی بی سی



جنش ملی اسلامی اداره سی تامانیدن، ایماق

بیریلگن تشکر نامه

امیر علیشیر نوایی و ظهیرالدین محمد بابر نینگ توغیلگن کونلری ۲۰۰۸-انچی ییلی کابلده نشانلندی.

شو مناسبت بیلن افغانستان ایچکریسیده و تشقی اولکه لرده حیات کیچیره یاتگن اؤزیبیک و ترکمن یازوچیلر، صنعتچیلر و فرهنگی ساحه ده فعالیت آلیب باره یاتگن شخصلر آقیشلندی. اولر جمله سیده، داکتر ایماق هم باردیر.

سوز دل

تحصيل الگن. کيبن کابل دارالفنونی نینگ ژورناليزم فاکولته سيدن هم ۱۳۵۰ قوياش يیلى فراغت سندینی قولگه کيریتگن .

ایماق جنابلری کوپ ییلر، افغانستان ملی رادیوسی ایریم بولیملرده ایش بحریب، کيبن اوزبیکستانگه کیتگن. تاشکینت نینگ اولوغ بیک نامیده گی دارلفنونی دن خلق قوشیق لری ناملی علمی ایشلریدن دوکتورلیک عنوانینی هم اوزیگه ایگلله گن.




Fayzullah Aïmaq

Afghan Post

March 2012




The Honourable Charles Sousa
Ontario Minister of Citizenship and Immigration

L'honorable Charles Sousa
Ministre des Affaires civiques et de l'Immigration de l'Ontario


The Honourable Dalton McGuinty
Premier of Ontario

L'honorable Dalton McGuinty
Premier ministre de l'Ontario

قدیر نامه گه، کانادانینگ آنتاریو ایالتی باش وزیر، همده، امیگریشن و ستیزنشیب وزیرى امضا چیککنلر.

سوز دل

افغانستانلیک اوزبیک یازوچی داکتر فیض الله ایماق، کانادا نینگ الماس مدالینی قولگه کریتدی.

افغانستانلیک اوزبیک ژورنالیست و یازوچی داکتر فیض الله ایماق، کانادا دولتی نینگ الماس و آلتین مدالی بیلن آلفیشلندی .

بو تقدیر نامه - ایوارد، کانادا ملکه سی ایکیکیچی الیزابت سلطنتی ۶۰ ییللیگی مناسبتی بیلن، جماعتچیلیک - رضاکارانه - ولنتیر اساسیده خدمت کورستگن شخصلرگه مولجلانگن آلتین و بیرلیان "الماس" مدالیدیر.

بو یارلیق، کانادا دولتی، آنتاریو ایالتی امیگریشن و ستیزنشیب وزیرى چارلس سوسا تامانیدن داکتر ایماقغه، مدنی و کلتوری فعالیت لری اوچون، تقدیم قیلینگن.

کانادا دولتی هر بیش ییل مابینیده ، جماعتچیلیک اساسیده خدمت کورستگنلرنی، فخری یارلیق و تورلی مدالیر بیلن آلفیشله یدی.

کانادا دولتی، داکتر ایماقندن تشقیری، مذکور مملکتده حیات کیچیره یاتگن ینه ۷ افغانستانلیکنی آلتین مدالیگه سزاوار کورگن.

ایماق جنابلری، کانادا ده مدنی و ژورنالېستیک فعالیت لری بیلن مشغول بولیب کیله یاتگنی همده، کانادا نینگ تینچلیک یولیده ترغیبات فعالیت لرنی آلیب بارگنی، مذکور مدالنی قولگه کیلتیریشگه سبب بولگن دیب معلوم قیله دی.

داکتر فیض الله ایماق ۸ ییل دن بیری کانادا ده یشه ب کیلماقده. او نینگ معلوم قیلشبیچه، حاضر گه قدر اونلر تورلی مقاله لردن تشقیری، ۱۱ عنوانلی تحقیقی کتابلری چاپ بولگن . اما اقتصادی معما لر سببلی ینه ۸- اثری حاضر گه قدر چاپ ایتیلمه گن .

داکتر فیض الله ایماق، فاریاب ولایتی نینگ اندخوی تومنیده ۱۳۲۴ قوياش ییلى دنیاگه کیلگن. باشلنغیچ مکتب نی اندخویده و کابلده گی اورته ابن سینا اورته مکتب و دارالمعلمین گه

عمکی جان!

سبز ۲۰۰۸ - انچی بیلدن باشله ب حاضرگه قدر، بیزگه رضاکارانه مدنی یاردم قولینی چوزیب، «فولکلور- خلق قلبیده گی دینگیز دیر» دستوری تیارله ب، یوباره سبز. دیمک، شونده ی بیغزانه جماعتچیلیک اساسیده گی یاردملرینگیز، همده کانادا خلقیگه کورستگن تورلی مدنی و رضاکارانه خدمتلرینگیز اوچون کانادا دولتی تامانیدن تقدیرلنگن بولیشینگیز کیره ک، دیب اوپله یمن. ایتینگیجی، سیزدن باشقه کییم بونده ی عالی مکافات گه سزاوار بولیشی ممکن؟

ینه بیربار سیزگه و خاله جانیم بی بی حاجی انابت ایماقه، فرزندلرینگیز، اوریغ - ایماقلرینگیز، نهایت بوتون افغانستان خلقیگه مدالدر و فخری یارلیقلر مبارک بولسین! چقور احترام بیلن

فروزان خلیبار

افغانستان ملی تلویزیونی، وطنداش سیسی تلویزیون

کورسه توولرینینگ باش مدیری

کابل - افغانستان

اسلام علیکم جناب داکتر صاحب ایماق!

ساغ و سلامت لیگینگیزنی امیدیده من

انادا دولتی نینگ الماس و آلتین مدالیگه آقیشلنگیزنی چین یوره کدن تبریک له یمن بو مدالدرنی

اولا سبز، کیین قرداشلریز و نهایت، همه ملتی میز اوچون بویوک بیر افتخار دیر دیب اولیمن.

البته کی مین بو مسئله نی سبز بیلن رادیو اوچون بیر مصاحبه آلیب، کیین متن قیلیب آنالین وب صحیفه میزگه عکس بیلن بیرگه قویه من.

پیام های تبریکی دوستان، به مناسبت تقدیر

داکتر ایماق از طرف دولت کانادا

این پیامها در ماه سپتمبر سال ۲۰۱۲ در وب سایت ففتا (فدراسیون فرهنگی ترکان افغانستان) به نشر رسید .

آدرس وب سایت قرار ذیل است: www.turklar.com

اسلام علیکم قردان ابه جان حاجی صاحب داکتر فیض الله ایماق جنابلری!

کمینه - فروزان خلیبار اخلاصمند جیه نینگیز، ینه بیر مراتبه، سیزنی کانادا دولتی تامانیدن، رضاکارانه مدنی فعالیتلرینگیز مناسبتی بیلن الماس و طلا مدالدری بیلن آقیشلنگه نینگیز سبیلی، اوزنامیدن، همده افغانستان ملی تلویزیونی چوکاتیده گی « وطنداش سیسی تلویزیون کورسه توولری» همکارلری تامانیدن تبریکلشگه رخصت بیرگه یسز.

حاجی صاحب جنابلری!

سبز، رادیو افغانستان قاشیده گی ۱۳۵۰ - انچی قویاش بیل ۱۰ - نچی میزان آییده باشلنگن اوزبیک، ترکمن، بلوچ، پشه یی و نورستانی پروگراملری نینگ اساسچی سی سبز. شوباعت سبز نینگ حقینگیزنی توشینیب - بیتیش، بیز رادیو کارمند لری گه هم قرضدیر، هم فرض. شو نقطه نظرده اوزبیک تیلیده گی تلویزیون کورسه توولری اوزی نینگ جاری بیل، ۴ و ۱۱ -انچی سپتمبر، سه شنبه دستورلری نی سیزگه اته ب، بیرینچیدن کانادا دولتی تامانیدن آقیشلنگه نینگیز خبری نی نشر ایتیب، همده، بیزگه تیارله ب یوربارگن « دولت کپتان» حقیده گی منظوم حماسه نی هم ترقتگن ایدیک.

سوز دل

صمیمانه ترین احترامات و تبریکات خویش را خدمت جناب

داکتر صاحب فیض الله ایماق و دیگر دوستان گرانقدر بخاطر موفقیت‌های داکتر صاحب ایماق تقدیم داشته از خداوند بزرگ و توانا پیروزی‌های بیشتر شانرا تمنا دارم .

هر فرد از ترک‌تبار که در این کاروان پیشرفت و موفقیت یکقدم

جلوتر می‌رود باعث افتخار همه ترکان افغانستان و وطنداران می‌باشد .

ساغ بولینگ

عزیزه عنایت

از کشور هالند

Hurmatli Fayzulla aka,

Sizga Canadaning Almos medali berilganini eshitib ko'p xursand bo'ldim. Sizning folklorshunoslikda va ijodiy ishlarda ko'rsatgan salohiyatingiz va fidokorligingiz yuqori darajada qadrlangani bilan sidqidildan tabriklayman. Sizga uzoq umr, sihat-salomatlik va yangidan yangi ijodiy muvaffaqiyatlar tilayman.

Birodarlik salomi bilan,

R.Inomkhojaev

حرمتملى فيض الله اكه!

سيزگه كانادانينگ الماس مدالى بيريلگه نيني ايشيتيب، كوپ خورسند بولديم. سيزنينگ فولكلور شناسليگده و ايجادى ايشلرينگيزده، كورستگن صلاحيتينگيز، وفدا كارليگينگيز، يوقارى درجه ده قدرلنگه نى بيلن صدق دلدن تبريكله يمن.

سوز دل

بومتن نى لاتين چه گه هم اوزگرتيريب لندن ده گى اوزبيکستانليک همکسبلريم گه هم لاتين و سربليک صحيفه ميز گه ترقه تيش اوچون يوباره من.

همده بو خبر نى افتخار بيلن اوز وبلاگيم گه هم قوييب، باشقه دوست لرگه هم ترقه تيش اوچون توصيه قيله من.

ايرته بيز نينگ ساعت بيش يا بيش يريم لرده، فکر قيله من كانادا وقتى بيلن ، ايرته لب توقيز بجه بولر، سيزگه تيلفون قليب، بير اوچ دقيقه ليک مصاحبه آله من .

کيبن ان شالله تماس ده بوله ميز

ساغ و امان بولینگ

حرمتم بيلن

حبيب الرحمن قوياش

بی بی سی ، کابل - افغانستان

السلام عليكم قردان برادريميز داکتر فيض الله ایماق !

کانادا دولتی برلیان و طلا مدالری گه سزاوار بولگه

نینگیز خبری نى بی بی سی رادپوسیدن ایشیتیب و «فتنا»

سایتیده اوقیب ، بی نهایت خرسند بولديم. بو مدال بیلن سیزنى

صمیمی مبارکباد ایتیب، کیلگوسی ایشلرینگیزده ، الله

تعالی دن سیزگه موفقیت لر تيله ب قاله من

عزیزه عنایت



سیوگیلی دانشمند قرداشییم داکتر فیض الله ایماق!

افغانستان اوزبیک ژورنالیست و یازوچی سی اوله راق ، کانادا دولتی نینگ الماس و آلتین (این یوکسک مدالیه) سی بیله ن آلفیشلانديگینیز مُژده بخش و مُبارک خبرینی اوقیب و ایشیتیب ، ینه هم تکرار سیز خُرمتملی برادریمیز بیلان غرور و افتخاریمیز گوجلانندی و کوپایدی.

اوشبو افتخار مدالیه سینی سیز محترم قرداشییم و بوتون اصیل عایله فرد لرینگیز و بوتون ترکستانلی و افغانستان لی وطنداشلریمیز که کونگولده ن و از تهُ دل مُبارکباد ایتیب و دوامی نی شونداي گوزه ل – مکمل و قیمتلی مدالیه لرنی آینده ادبی – اجتماعی و وطنی اثر لرینگیز ده هم الهی تعالی دن ، سیز که ، کورماق نصیب و قسمت قیلشینی ، رجا و تمنا قیله من.

آمین!

انچه زمان اوتدی سیز دن نامه و تیلفون لر کمایب قالیب ایدی ، مقصد الله (ج) که شکر ساغ و عافیتده ایکان سیزلر. بیز لر هم الله تعالی که مینگ لر چه شکر ، همه مین یخشی میز.

بوگونلرده بیدلستان ۱۲ و گلدسته ۱۲ و آواز و صدای دل و کونگل سیسی و نواسی ۴ کتاب لرینی حاضرلاش بیلن مشغول من. ساغینچلیک سلام و حرمتلریم بیلن –

برادرینگیز:

حبیب الله "همنوا" چغتایی

استانبول – ترکیه

سه شنبه - ۱۸ سپتمبر ۲۰۱۲

داکتر فیض الله "ایماق" ژونالیست، نویسنده، شاعر و سخن پرداز کم نظیر افغانستان، بنا بر خدمات فرهنگی و توانایی در عرصه های مختلف نشراتی و ادبی با مدال دولتی طلا و الماس از جانب دولت کانادا تقدیر شد.

سیز که اوزاق عمر، صحت-سلامتلیک و ینگیدن ینگى ایجادى موفقیتر تيله یمن. برادرلیک

سلامی بیلن

داکتر رحمن خواجه انعام خواجه یوف

تاشکند دولت شرقشناسلیک انستیتوتی و امریکا قوشمه ایالتلری اندیانا یونیورسیتی پروفیسری امریکا مملکتی، اندیانا شهر

Faizullah jon

Bu Kata eftikhar ni Aimaq saheb we mohtaram familiariga we tamom Mardomezga Tabreek aitaman. Mubarak bulsoon aka janem. Afareen we sad afareen.

Akbar Andkhoie.

فیض الله جان!

بو کتته افتخارنی سیز که و محترم فامیللرینگیز که و تما م مردمیمیز که تبریک ایتنه من.

مبارک بولسین اکه جانیم. آفرین، صد آفرین!

اکبر اندخویی

نیو یارک شهر، امریکا مملکتی

سوز دل

سلام حرمتلیک ایماق صاحب!

مین هم سبیزگه بو مدالنی ، تبریک ایته من.

باشینگیز امان بولسین!

ابراهیم کوهی

کانادا مملکتی، آنتاریو ایالتی، اوکویل شهر

حرمتلی استاد، ایماق صاحب جنابلری!

مین - کانادا دولتی نینگ الماس و آلتین مدالی بیلن آلقیشلنگینیگیز خبری نی ایشیتیب، بی نهایت خورسند بولدیم . سبیزی بو عالی مدال و فخری یارلیق بیلن چیندلن مبارکباد ایته من

بیز یاشلر سبیزدیک جانکویر ودانشمند شخصیتیمیز بارلیگیدن ، کتته دن - کتته فخرله نه میز.

چقور احترام بیلن

یونس طغرا

کانادا مملکتی ، تورنتو شهر

عزیز و محترم دوستیم دانشمند، نویسنده و ژورنالیست شهیر وطن!

جناب دوکتور فیض الله ایماق

سبیز جنابینگیز نینگ کانادا دولتی تمانیدن عالی درجه ده گی مدال گه سزاوار تیلگینیگیزی ایشیتیب کوپ خورسند بولدیم. البته سبیز کی وطن و ملت فداکاری بولگن بیر شخصیت هر قندی مکافات و جایزه گه سزاوار دور سبیز. بو جانب سبیزی بو اولوغ مرتبه بیلن صمیمانه تبریکلی من و همچنان کانادا فرهنگدوست جماعسی تمانیدن سبیز نینگ زحمتینگیز تشخیص قیلینگیدن چپکسیز خوش و خرسند بولگه نیمنی بیلدیرمن. مین بو کامیابلیکنی افغانستان فرهنگ لری و هنر

سوز دل

این مدال معتبر بین المللی به مناسبت بزرگداشت از شخصتمین سالگرد سلطنت الیزابت دوم به افراد شایسته و شخصیت های که طی پنجسال در کارهای فرهنگی و افتخاری رضاکارانه سهم گرفته باشند ، تفویض میگردد.

طبق گزارش آقای حبیب الرحمن قویاش خبرنگار بی بی سی در سال جاری فیض الله ایماق افتخار بدست آوردن این مدال پرافتخار را کمایی کرده و آنرا به وسیله ی وزیر اداره ی مهاجران ایالت انتاریو کانادا تصاحب نموده، به دانشمندان جامعه ی افغانی افتخار بخشید.

داکتر فیض الله ایماق ژورنالیست خلاق افغانستان و سپهسالار ادبیات اوزبیک افغانی است که در جریان زندگی هفت ساله اش در کانادا جهت شناسایی فرهنگ و کلتور غنی افغانی و زبان شایسته اوزبیک و معرفی آن به مردم کانادا و جهان ، با نوشتن مقالات ، اشعار و ادبیات جهانی در خور افتخار و نشرات کتب معتبر و فراوان که طرف استقبال نویسندگان قرار گرفته ، سهم برآورنده داشته است.

امان معاشر

ژورنالیست آزاد

ونکوور - کانادا

Salam hurmatlik Ajmaq sahib

Men hum sizga bu medolni tabrek ataman.

boshingiz aman bulsoon.Ehtirom bilan

Ibrahim Kohi

پیام تبریکی دست اندر کاران مجله «زن» چاپ ونکوور کانادا

عنوانی داکتر فیض الله ایماق

مجله زن افتخار می کند که شما دانشمند عزیز و همکار دایمی ما مفتخر به دریافت مدالهای شده اید. خدمات فرهنگی شما در رواج فرهنگ و کلتور مردم ما صفحه فخر را در روابط افغانستان - کانادا باز نموده است. بیاد داریم در سال ۲۰۱۰ در جریان برگزاری مسابقات ورزشی بین المللی المپیک در پرده برداشتن از مجسمه ارباب رنسانس افغانستان فیلسوف و وزیر دانشمند حضرت امیرعلیشیر نوایی سهم داشتید که ما در روزهای مهم بین المللی آنرا نشر مجله خود ساخته غرور و سربلندی خوانندگان و مهمانان خارجی را از تاریخ پارینه ی ما آگاه ساختیم. به امید سرفرازی و موفقیت های مزید شما

شفیقه نورزی

مؤسس و مدیر مسؤول مجله زن ، در ونکوور- کانادا

شونی ایتیب اوتیش کیره ککی، داکتر ایماق ۲۰۱۳ - نچی بیل نومبر آیی نینگ ۱۵- نچی سیده، ایکیکیچی مراتبه، کانادا مملکتی آنتاریو ایالتی گورنر جنرالی آرقه لی جهانی میدیا لریده فعال قنتشگه نی و کلتوری فعالیتلری سببلی تقدیرنامه، اوارد و عالی مدال بیلن تقدیر لندی.

دوستلری تمنایدن هم سبزه مبارکباد ایتیش بیلن بیرگه، کیلگوسیده بوندن هم یوقاری مکافاتلر و احتراملرگه سزاوار بولیشینگیزی پروردگار عالم درگاهیدن تمنا قیله من.

سلام و احترام بیرله دوست و برادرینگیز:

دکتور عنایت الله شهرانی

امریکا مملکتی - اندیانا ایالتی

محترم فیض الله ایماق

امید است احتراماتم را بپذیرید و به احساساتم پاسخ دوستانه دهید.

برای مردم مهاجر افغانی ، بخصوص آنهایکه به سیاست و زندگی آشنا اند در خور قدر می باشید.

در کشور یکه زندگی می نمایم، از نظر انسانی و اخلاق در نهایت شرافت و انسانیت و به سادگی نمی توان احسان و لطف بی پایانش را پاسخ مثبت نداد و در خدمت آن قرار نگرفت .

در تارنمای وزین ترکلر و بی بی سی خواندم هموطن ما در عرصه ی فرهنگی سهم در خور گرفته و با نشر کتب ،مقالات و ترجمه ی نوشته های مفید پرداخته و در خدمت جامعه افغانی و کانادایی قرار گرفته است که محترم فیض الله ایماق نویسنده بزرگ افغانیت و به افتخار گرفتن مدالهای الماس و طلا نایل آمده است .این موفقیت را بشما و هر هموطن با احساس تبریک میگویم و امید وارم در این راه پر افتخار گامهایی استوار بردارید و توفیق مزید را کمایی کنید . شما سزاوار تمجید هستید صحتمند و کامگار باشید.

با امید روزیکه بر دیدارتان توفیق یابم

مولانا کبیر فرخاری

ونکوور- کانادا



داکتر ایماق

اوارد، مدال و تقدیر نامه بیلن اَلقیشلندی

حاجی داکتر ایماق حاضرگچه بیش مراتبه حج مراسیمی گه قتنشگه نی اوچون بره تگندن منتدار. او همچنین کاناداگه کؤچیب کیلگه نیده - ناق ۲۰۰۵- بیلدن باشله ب طریقت یؤلینی تنله ب، هر دایم تورنتو ده گی «شور بازار» سودا - ساتیق مرکزیده قرار تاپگن (چشتیه - نیازیه) خانقاه سیگه قتنه شیب، بعضاً تصوف طریقتلری و باشقه عرفانی موضوعلرده سؤزگه چیقیب، خانقاه اشتراکچیلریگه معلومات بیره دی.

او - اویلنگن، ایکی اوغیل، ایکی قیزنینگ آته سی دیر. اونینگ فرزندلری حاضرگی پیته، کانادا مملکتی گه تیگیشلی آنتاریو ایالتی، تورنتو شهری اوقویور تدریده تحصیل اَلماقده لر. او کاناداگه کیلگه نیدن بیر، افغانستان اؤزیکلری آغزه کی ایجادینی رواجلتیریش و عامه لشتیریش مقصدیده اؤزبیک و دری تیللریده بیر ویب سایت آچیشگه موفق بؤلدی. مذکور سایت، «ادب گلشنی» عنوانی آستیده انترنت رادیوسیگه ایگه. بو رادیو ده افغانستان اؤزبیک زبان شاعرلری حیاتی و ایجادی باره سیده معلومات بیرله دی. بو سایت نینگ آدرسی قوییده گیچه: